

فرہنگ مطبوعاتی

فارسی، عربی، انگلیسی



تألیف: دکتر احمد رنجبر، دکتر ابوالقاسم سہیلی

خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه - ساختمان ظروفچی - طبقه سوم - تلفن ۶۴۰۷۵۱۳

قیمت ۳۰۰ تومان

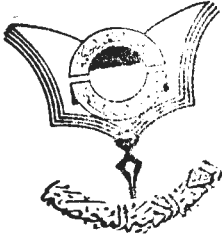
فرہنگ مطبوعاتی

تألیف: دکتر احمد نجری، دکتر ابوالقاسم حسینی

۲۵۱

۲۶/۰۸/۵۷

۲۳/۵



اسکن شد

فرہنگ مطبوعاتی

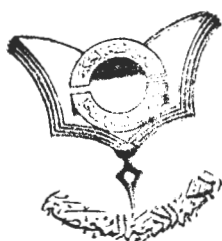
(فارسی، عربی، انگلیسی)

تألیف: دکتر احمد رنجبر - دکتر ابوالقاسم سہیلی



از سری کتابهای سازمان آموزشی و انتشاراتی

نام فرهنگ مطبوعاتی
مولفان دکتر احمد رنجبر، دکتر ابوالقاسم سهیلی
تیراژ ۳۰۰۰ جلد
چاپ دوم زمستان ۷۲
چاپخانه آفتاب
* خط روی جلد (به جز نام کتاب): استاد جواد صادقی تهرانی
* طرح روی جلد: بهروز موسوی



مَعْرِفَةُ مُفْرَدَاتِ اللُّغَةِ نِصْفُ الْعِلْمِ
لَإِنَّ كُلَّ عِلْمٍ يَتَوَقَّفُ
إِفَادَتَهُ وَاسْتِفَادَتَهُ عَلَيْهَا

شناخت مفردات لغت نیمی از دانش
است برای اینکه بهره رساندن و
بهره‌گیری تمام دانش منوط به آن
است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

روشن است، هرگونه تغییر و دگرگونی که در جامعه‌ای ایجاد شود از نظر علم زبان‌شناسی در زبان مردم آن جامعه اثر می‌گذارد، این اثر به صورت تغییر واژه‌ها و اصطلاحات، از بین رفتن واژه‌ها و اصطلاحات، جایگزین شدن واژه‌ها و اصطلاحات دیگر، تغییر معنی برخی از اصطلاحات و واژه‌ها ظاهر می‌شود، پیدایی این تغییرات و تحولات، در دیگر زبان‌ها نیز مشهود می‌گردد. تحولات ایران نیز نه تنها موجب تغییراتی در زبان فارسی گردیده، بلکه در دیگر کشورها و زبان مردم آنها به ویژه کشورهای عربی و اروپایی که (خواسته یا ناخواسته) با این تحولات درگیرند اثر نموده است، در نتیجه نه تنها واژه‌ها و اصطلاحات جدیدی در زبان فارسی ایجاد شده بلکه زبان‌دانان عربی و انگلیسی نیز با توجه به این تحول اجتماعی ناگزیر شده‌اند. واژه‌ها و اصطلاحات نویی را به کار برند. و این موجب گردیده که فراگرفتن واژه‌ها و اصطلاحات جدید اعم از فارسی و انگلیسی برای دانشجویان و دیگر کسانی که با مسائل علمی و اجتماعی سروکار دارند امری ضروری گردد.

چون این واژه‌ها و اصطلاحات جدید: ۱- برای استفاده کسانی که با خدمات دولتی سروکار دارند و لازم است به نوعی با کشورهای عربی

و اروپایی ارتباط داشته باشند، مانند کارهای سیاسی و غیره. ۲- برای بازرگانان و جهانگردان که به نوعی با کشورهای عربی و اروپایی ارتباط دارند. ۳- برای دانشجویان جهت فراگرفتن فرهنگ و دانش عصر خود و امکان استفاده آنان از کتاب‌ها و نشریات علمی و ادبی ۴- با توجه به اینکه مطالعه متون مطبوعاتی در برنامه دوره کارشناسی دانشگاهی گنجانده شده، و دانشجویان موظفند با اصطلاحات مطبوعاتی روز آشنا شوند لازم است اصطلاحاتی در اختیار داشته باشند که بتواند آنان را یاری کند.

با توجه به نکات فوق و نکات دیگری مانند آنها لزوم فراگرفتن واژه‌ها و اصطلاحات جدید فارسی و معادلشان به زبان عربی و انگلیسی کاملاً روشن می‌گردد، و با توجه به اینکه عده کثیری از جوانان مملکت و دیگر اقشار این مرز و بوم علاقه سرشاری به فراگرفتن واژه‌ها و اصطلاحات مطبوعاتی دارند در نتیجه لزوم گردآوری این واژه‌ها و اصطلاحات جدید و معادل آنها به زبانهای عربی و انگلیسی مشهود است.

بنابراین تصمیم گرفته شد واژه‌ها و اصطلاحات جدیدی که در ارتباط با تحولات اجتماعی ایران در زبان فارسی و عربی و انگلیسی به وجود آمده و در روزنامه‌ها و مجلات معتبر درج گردیده، گردآوری شود. این جمع‌آوری با کوشش زیاد همراه و لازمه آن خواندن اکثر مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی و فیش برداری از اصطلاحات جدید بود، که سرانجام به صورت فرهنگی به نام «فرهنگ مطبوعاتی» در آمد، ادعای کامل بودن این فرهنگ به هیچ وجه نیست، چه بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات جدید ممکن است در این فرهنگ وارد نشده باشد که خواهی نخواهی در چاپ بعد به صورت تکمله‌ای به آن افزوده خواهد شد، مقصود از نشر این فرهنگ مطبوعاتی در جریان قرارگرفتن تعدادی از دوستان و فراگیری واژه‌ها و اصطلاحات مطبوعاتی است که نمایانگر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران می‌باشد.

روش تدوین

- ۱- مجله‌ها و روزنامه‌های عربی و انگلیسی داخلی و خارجی مطالعه شده، واژه‌ها و اصطلاحات مطبوعاتی استخراج و روی فیش یادداشت گردید.
- ۲- واژه‌ها و اصطلاحات فیش شده به ترتیب حروف الفبا با توجه به واژه‌های فارسی منظم گردید.
- ۳- ترتیب واژه‌ها برحسب حروف الفبای فارسی برای آن بود که این فرهنگ، فارسی‌زبانان را مفید فایده باشد و مشکلی برای پیدا کردن واژه‌ها نداشته باشند.

۴- در صدد تکمیل فرهنگ هستیم و علاقه‌مندیم چاپهای بعدی آن بهتر و زینده‌تر و درست‌تر از این چاپ باشد. بنا بر این تمنای ما از صاحب نظران آن است که پیشنهادات اصلاحی خود را جهت بهتر کردن و کامل‌تر نمودن این فرهنگ مرحمت فرمایند تا در چاپهای بعدی مورد توجه قرار گیرد.

مدعی نیستیم که این فرهنگ بهترین است و مدعی نیستیم که در این زمینه دیگران کار نکرده‌اند، برعکس بر این باوریم در مورد واژه‌ها و اصطلاحات

روز فرهنگ‌های زیادی نوشته شده، اما مزیتی که این فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر دارد آن است که این فرهنگ اولاً به سه زبان زنده دنیا یعنی فارسی، عربی و انگلیسی است، ثانیاً این فرهنگ در برگیرنده واژه‌ها و اصطلاحات است و سعی گردیده که از ضبط جمله‌ها خودداری شود تا باعث قشور شدن کتاب نگردد. ثالثاً این فرهنگ به ترتیب حروف الفبای فارسی است و برای فارسی‌زبانان اهمیت فوق‌العاده دارد.

از پروردگار متعال خواهانیم که ما را یاری فرماید در آینده نزدیک دیگر واژه‌ها را به آن بیفزاییم تا در این راه خصلتمی هرچند ناقص بدان مرز و بوم بنماییم، والله ولی الله توفیق

دکتر احمد رنجبر - دکتر ابوالقاسم سهیلی

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
پیشگفتار	۸-۶
حرف آ	۱۳-۹
حرف ا	۳۹-۱۴
حرف ب	۵۸-۴۰
حرف پ	۷۰-۵۹
حرف ت	۹۱-۷۱
حرف ث	۹۳-۹۲
حرف ج	۱۰۴-۹۲
حرف چ	۱۰۷-۱۰۵
حرف ح	۱۱۶-۱۰۸
حرف خ	۱۲۴-۱۱۷
حرف د	۱۴۱-۱۲۵
حرف ذ	۱۴۳-۱۴۲
حرف ر	۱۵۸-۱۴۴
حرف ز	۱۶۲-۱۵۹
حرف ژ	۱۶۵-۱۶۵
حرف س	۱۸۶-۱۶۶

صفحه	موضوع
۱۸۷-۱۹۸	حرف ش
۱۹۹-۲۰۳	حرف ص
۲۰۴-۲۰۶	حرف ض
۲۰۷-۲۰۹	حرف ط
۲۱۰-۲۱۰	حرف ظ
۲۱۱-۲۱۹	حرف ع
۲۲۰-۲۲۲	حرف غ
۲۲۳-۲۳۰	حرف ف
۲۳۱-۲۳۸	حرف ق
۲۳۹-۲۵۳	حرف ك
۲۵۴-۲۵۹	حرف گك
۲۶۰-۲۶۲	حرف ل
۲۶۳-۲۹۵	حرف م
۲۹۶-۳۱۱	حرف ن
۳۱۲-۳۱۹	حرف و
۳۲۰-۳۲۶	حرف ه
۳۲۷-۳۲۸	حرف ی

فارسی	العَرَبِيّ	English
آباد گردانیدن زمین های بایر	إِصْلَاحُ الْأَرْضِ الْبُورِ	To cultivate barren lands
آبهای بین المللی	الْمِيَاهُ الدَّوْلِيَّةُ	International Waters
آبهای گرم خلیج فارس	الْمِيَاهُ الدَّافِئَةُ لِلْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ	Warm Waters of the Persian Gulf
آبهای مرزی	الْمِيَاهُ الْأَقْلِيمِيَّةُ	Border waters
آتش انقلاب	نَهْيَبُ الثَّوْرَةِ	Fire of a revolution
آتش بس	وَقْفُ إِطْلَاقِ النَّارِ	Cease - fire
آتش جنگ تحمیلی	نَهْرَانُ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ	Fire of an imposed war
آتش سلاح های سنگین	نَهْرَانُ الْأَسْلِحَةِ الثَّقِيلَةِ	Fire of heaven weaponry
آتش ضد هوائی	النَّيْرَانُ الْمُضَادَّةُ لِلْجَوِّ	Anti-aircraft fire
آتش گشودن بر دشمن	إِطْلَاقُ النَّارِ عَلَى الْعَدُوِّ	To open fire on an enemy
آتش مسلسل	نَهْرَانُ الرِّشَاشَاتِ	Machine-gun fire
آتش و خون	النَّارُ وَالْدَمُّ	Fire and blood

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Ruins of bombarded residential areas</i>	آثَارُ قُصَفِ اَلْمَنَاطِقِ اَلْمَسْكُونَةِ	آثار بمباران مناطق مسکونی
<i>Ruins caused by a war</i>	آثَارُ اَلْحَرْبِ	آثار جنگ
<i>Latest developments</i>	اَلتَّطَوُّرَاتُ اَلْاٰخِرَةُ	آخرین تحولات
<i>Kidnapper</i>	خَاطِفُ اَلْاَشْخَاصِ ، اَلْمُخْتَطِفُ	آدم ربا
<i>Mental tranquility</i>	اَلسَّكِينَةُ اَلْعَقْلِيَّةُ ، هُدُوءُ اَلْبَالِ	آرامش فکری
<i>Complete tranquility</i>	اَلْهُدُوءُ اَلتَّامُّ	آرامش کامل
<i>Relative tranquility</i>	اَلْهُدُوءُ اَلنَّسْبِيُّ	آرامش نسبی
<i>To ease tension</i>	خَفِيفُ اَلْاَزْمَةِ وَ اَلتَّوَقُّرُ (قَهْدَةُ اَلْاَزْمَةِ وَ اَلتَّوَقُّرُ)	آرام کردن بحران و تشنج
<i>Tomb of the unknown soldier</i>	قَبْرُ اَلْجُنْدِيِّ اَلْمَجْهُولِ (نُصْبُ اَلْجُنْدِيِّ اَلْمَجْهُولِ)	آرامگاه سرباز گمنام
<i>Votes of the masses</i>	اَصْوَاتُ اَلْجَمَاهِيرِ	آرای توده مردم
<i>Public opinions</i>	اَلرَّايُ اَلْعَامُّ	آرای همگانی
<i>Far-fetched desires</i>	اَلْاَمَالُ اَلْبَعِيدَةُ ، اَلْاَمَالُ اَلْكَبِيرَةُ	آرزوهای دور و دراز
<i>Satanic desires</i>	اَلْاَمَالُ اَلشَّيْطَانِيَّةُ	آرزوهای شیطانی
<i>National ideals</i>	اَلْمَثَلُ اَلْقَوْمِيَّةُ	آرمانهای ملی
<i>To unfreeze an account</i>	عَدَمُ قَجْمِيدِ اَلْحِسَابِ	آزاد کردن حساب
<i>To unfreeze blocked assets</i>	اَلْاَفْرَاجُ عَنِ اَلْوَدَائِعِ اَلْمَالِيَّةِ اَلْمَجْمَدَةِ	آزاد کردن سپردههای بلوکه شده
<i>To recapture occupied lands</i>	قَهْرُ اَلْاَرَاظِ اَلْمُغْتَصَبَةِ	آزاد کردن زمینهای غصب شده

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
آزاد کردن زندانیان	سَرَّاحُ اَلْجَنَائِ	To release prisoners
آزاد کردن فکر و عقل	تَحْرِيرُ اَلْفِكْرِ	To liberate the mind
آزاد کردن گروگانها	اِطْلَاقُ سَرَّاحِ اَلرَّهَائِنِ	To release hostages
آزاد کردن محرومین از قید	تَحْرِيرُ اَلْمَحْرُومِينَ مِنْ قِيُودِ	To liberate the deprived
امپریالیسم	اَلْاِمْبِرِيَالِيَّةِ	from the shackles of
Imperialism		
آزادی از دست رفته	اَلْحُرِّيَّةُ اَلْمَفْقُودَةُ	Lost freedom
آزادی بیان و گفتار	حُرِّيَّةُ اَلْكَلَامِ	Freedom of speech
آزادی حقیقی	اَلْحُرِّيَّةُ اَلْحَقِيقِيَّةُ	Real freedom
آزادبخواه «آزادبخواهان»	اَلتَّحَرُّرِيُّ، نَصِيرُ اَلْحُرِّيَّةِ	Liberal (Liberals)
	«اَلْاَحْرَارُ»	
آزادبخواهی (آزادفکری)	حُرِّيَّةُ اَلْاَرَاءِ	Liberalism
آزادی عقیده	حُرِّيَّةُ اَلرَّأْيِ	Freedom of idea
آزادی فردی و اجتماعی	اَلْحُرِّيَّةُ اَلْفَرْدِيَّةُ وَ اَلْاَجْتِمَاعِيَّةُ	Individual and social freedom
آزادی فکر	حُرِّيَّةُ اَلْفِكْرِ	Freedom of thought
آزادی فوری	اَلْاَفْرَاجُ اَلسَّرِيعُ	Immediate release
آزادی کامل	اَلْحُرِّيَّةُ اَلْعَامِلَةُ	complete freedom
آزادی کشتی رانی	حُرِّيَّةُ اَلْمِلاَحَةِ	Freedom of shipping
آزادی مطبوعات	حُرِّيَّةُ اَلصَّحَافَةِ وَ اَلْمَطْبُوعَاتِ	Freedom of the press
آزادی موقتی	اَلْحُرِّيَّةُ اَلذَّوْقِيَّةُ، اَلْحُرِّيَّةُ اَلْمَوْقَّتَةُ	Provisional liberty
آزادی نهائی	اَلْاَعْتِقَاقُ اَلْاٰخِرُ	Final release

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Red alert signal</i>	صَفَارَةُ الْإِنْذَارِ	آزیر خطر (قرمز)
<i>White signal</i>	صَفَارَةُ الْأَمَانِ	آزیر رفع خطر (سفید)
<i>Victims of a hostile war</i>	مُشَوَّهُو الْحَرْبِ الْعُدَوَانِيَّةِ «مُتَضَرَّرُو»	آسیب دیدگان جنگ خصمانه
<i>Earth-quake victims</i>	مَنْكُوبُوا زَلْزَالِ	آسیب دیدگان زلزله
<i>National reconciliation</i>	الْمُصَالَحَةُ الْوُطَنِيَّةُ	آشتی ملی
<i>Tension and crisis</i>	الْفَوْضَى وَالْأُزْمَةُ	آشوب و بحران
<i>Racial violences</i>	الْفَوْضَى الْعُنْصَرِيَّةُ	آشوب های نژادی
<i>Outbreak of a war</i>	نُشُوبُ الْحَرْبِ	آغاز جنگ
<i>Covered with blood</i>	الْمُضَرَّجُ بِالدِّمَاءِ	آغشته بخون
<i>Calamities of a revolution</i>	آفَاتُ الثَّوْرَةِ	آفت های انقلاب
<i>Academy of Science</i>	لَجْنَةُ الْمُتَقَفُّونَ	آکادمی علوم
<i>Intelligentsia</i>	الْخُبَرَاءُ الْمُتَقَفُّونَ	آگاهان روشنفکر
<i>Political experts</i>	الْخُبَرَاءُ السِّيَاسِيُّونَ	آگاهان سیاسی (کارشناسان سیاسی)
<i>Communiqué</i>	الْبَيَانُ	آگهی، اعلامیه، اطلاعیه
<i>Puppet (stooge)</i>	الْزَبَّيْبَةُ	آلت دست
<i>Readiness for a war</i>	الْأُسْتَعْدَادُ لِلْمَعْرَكَةِ	آمادگی برای جنگ
<i>Combat readiness</i>	حَالَةُ التَّأَهُّبِ لِلْحَرْبِ	آمادگی رزمی
<i>Military alertness</i>	الْأُسْتَعْدَادُ الْعَسَكِيُّ	آمادگی نظامی
<i>on the alert</i>	حَالَةُ التَّأَهُّبِ فِي الْجَيْشِ	آماده باش ارتش
<i>Air alertness</i>	حَالَةُ التَّأَهُّبِ الْجَوِيِّ	آماده باش هوایی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
آماده کردن (واجد شرایط ساختن)	اَلتَّأْهِيلُ	To make ready
آمارهای دقیق از زیانهای دشمن	اِحْصَائِيَّاتٌ دَقِيقَةٌ عَنْ خَسَائِرِ اَلْعَدُوِّ	Accurate figures of an enemy's losses
آمارهای رسمی	اَلْاِحْصَائِيَّاتُ الرِّسْمِيَّةُ	official figures
آموزش حرفه‌ای	اَلتَّعْلِيمُ اَلْمِهْنِيّ	Vocational training
آموزش سیاسی، ایدئولوژی	اَلتَّعْلِيمُ السِّيَاسِيّ اَلْعَقَائِدِيّ	Politico-ideological training
آموزش عمومی	اَلتَّعْلِيمُ اَلْعَامُّ	Public education
آموزش فنی	اَلتَّعْلِيمُ اَلتِّهْنَسِيّ	Technical training
آموزش نظامی	دَعْلَمُ اَلْفَنُونِ اَلْعَسْكَرِيَّةِ ، اَلتَّدْرِيبُ اَلْعَسْكَرِيّ	Military training
آوارگان فلسطینی	اَلْمُشْرَدُّونَ اَلْفِلِسْطِينِيُّونَ	Palestinian refugees
آواره کردن مردم	كَشْرِدُ الشَّعْبِ	To render people homeless
آهن و آتش	اَلْحَدِيدُ وَالنَّارُ	Weapon and fire
آینده جنگ	مُسْتَقْبَلُ الْحَرْبِ	Future of a war
آینده درخشان	اَلْمُسْتَقْبَلُ اَلزَّاهِرُ، اَلْمُسْتَقْبَلُ اَلْبَاهِرُ	Brilliant future
آینده نزدیک	اَلْمُسْتَقْبَلُ اَلْقَرِيبُ	Near future
آیه‌های قرآن	آيَاتُ اَلْقُرْآنِ	Quranic verses
آیین عبادی - سیاسی	اَلطُّقُوسُ الدِّينِيَّةُ السِّيَاسِيَّةُ	Politico-religious ritual

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ائتلاف سیاسی	اَلتَّحْتُلُ السِّيَاسِيُّ	Political coalition
ائتلاف ملی	اَلْاِذْتِلاَفُ اَلْوَطَنِيُّ	National coalition
ابتکار عمل را بدست گرفتن	اَلْمُبَاشَرَةُ بِاَلْعَمَلِ	To take the initiative
ابراز تنفر کردن	اَلْاَسْتِغْنَارُ	To express one's aversion
ابراز نارضایتی کردن	اَلْاَعْرَابُ عَنِ اَلْاَسْتِیَاءِ	To express one's dissatisfaction
ابراز نگرانی کردن	اَلْاَعْرَابُ عَنِ اَلْقَلَقِ	To express one's concern
ابر قدرت‌ها	اَلْقُوَى اَلْکُبْرَى	Superpowers (Big powers)
ابلاغ کردن پیام	اِبْلَاغُ النَّدَاءِ ، اِبْلَاغُ اَلرَّسَالَةِ	To convey a message
اتحاد اسلامی	اَلْاِتِّحَادُ اَلْاِسْلَامِيُّ	Islamic unity
اتحاد روحانی و روشنفکر	وَحْدَةُ عُلَمَاءِ الدِّیْنِ وَ اَلْمُنَقَفِّیْنَ	Merger of the clergy and intelligentsia
اتحاد مستقل کارگری	اَلْاِتِّحَادُ اَلْعَمَالِیُّ اَلْمُسْتَقِلُّ	Independent labor union

فارسی	العربی	English
اتحاد ملی	اَلْاِتِّحَادُ اَلْوَطَنِيّ	National unity
اتحاد نامقدس	اَلْاِتِّحَادُ اَلدَّنَاسِ (غَيْرُ اَلْمَقْدَّسِ)	Unholy unity
اتحاد نظامی	اَلْاِتِّحَادُ اَلْعَسْكَرِيّ	Military alliance
اتحادیه بین المللی	اَلْاِتِّحَادُ اَلدَّوْلِيّ	International association
اتحادیه پیشه‌وران و اصناف	نِقَابَةُ اَلْمِهْنَيْنِ	Trade union
اتحادیه دانشجویان	رَابِطَةُ اَلطُّلَّابِ	Students' association
اتحادیه کارگران	نِقَابَةُ اَلْعَمَّالِ	Workers' union
اتحادیه کشورهای عرب	جَامِعَةُ اَلدَّوْلِ اَلْعَرَبِيَّةِ	League of the Arab States
اتحادیه هم‌بستگی	نِقَابَةُ اَلتَّضَامِنِ	Solidarity union
اتخاذ روش خصمانه	(دَبْنِ) اِتِّخَاذُ مَوْقِفِ عُدُوَائِيّ	Adoption of a hostile approach
اتفاق آراء	اِجْمَاعُ اَلْأَصْوَاتِ (اَكْثَرِيَّةً)	Consensus of opinions
اتفاق نظر همگانی	وَحْدَةُ اَلْأَرَآءِ اَلْعَامَّةِ	Plebiscite
اتکاء به خدا	اَلْاِتِّكَاْلُ عَلٰی اَللّٰهِ	Reliance on God
اتهامات بی اساس	دَهْمٌ عَارِفَةٌ عَنِ الصَّحَّةِ ، قَهْمٌ لَا اَسَاسَ لَهَا مِنْ اَلصَّحَّةِ	False accusations
اتهام جاسوسی	قَهْمَةُ اَلتَّجَسُّسِ	Espionage charge
اثرات زیان‌آور	اَلْاَثَارُ اَلسَّلْبِيَّةُ، اَلْاَثَارُ اَلْمُضِرَّةُ	Adverse effects
اجازه رسمی	اَلرَّخْمَةُ اَلرَّسْمِيَّةُ	Official permit
اجتماع سیاسی - مذهبی	اَلتَّجْمُعُ اَلسِّيَاسِيّ اَلدِّيْنِيّ	Politico-religious gathering
اجتماع نماز جمعه	تَجَمُّعُ صَلَاةِ اَلْجُمُعَةِ	Friday prayers congregation

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Implementation of constitutional amendments</i>	إِجْرَاءُ التَّعْدِيلَاتِ الدِّسْتُورِيَّةِ	اجرای اصلاحات قانون اساسی
<i>Implementation of development plans</i>	تَنْفِيذُ الْمَشَارِيعِ الْأَعْمَارِيَّةِ	اجرای برنامه‌های عمرانی
<i>Carrying out an execution order</i>	تَنْفِيذُ حُكْمِ الْأَعْدَامِ	اجرای حکم اعدام
<i>carrying out orders</i>	تَنْفِيذُ الْأَوَامِرِ	اجرای دستورات
<i>Enforcement of a law</i>	تَنْفِيذُ الْقَانُونِ	اجرای قانون
<i>Effective execution</i>	التَّطْبِيقُ الْإِجْجَابِيّ	اجرای مؤثر
<i>Playing a part</i>	الْقِيَامُ بِالذَّوْرِ	اجرای نقش
<i>Dead bodies</i>	جُنُثُ الْقَتْلَى	اجساد کشتگان
<i>General Assembly of the United Nations</i>	إِجْتِمَاعُ الْجَمْعِيَّةِ الْعَامَّةِ لِمَنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد
<i>Great respect</i>	الْأَحْتِرَامُ الْفَائِقُ	احترام زیاد
<i>Mutual respect</i>	الْأَحْتِرَامُ الْمُتَبَادَلُ	احترام متقابل
<i>To hoard</i>	الْأَحْتِنَارُ	احتکار کردن
<i>Rightist and leftist parties</i>	الْأَحْزَابُ الْيَمِينِيَّةُ وَالْيَسَارِيَّةُ	احزاب راستی و چپی
<i>Political parties</i>	الْأَحْزَابُ السِّيَاسِيَّةُ	احزاب سیاسی
<i>Small parties</i>	الْأَحْزَابُ الصَّغِيرَةُ	احزاب کوچک
<i>Different parties</i>	الْأَحْزَابُ الْمُخْتَلِفَةُ	احزاب گوناگون
<i>Suppressed desires</i>	الْمَشَاعِرُ الْمَكْبُوتَةُ	احساسات سرکوفته
<i>Counter-revolutionary sentiments</i>	الْأَحْسَائِسُ الْمُضَادَّةُ لِلثَّوْرَةِ	احساسات ضدانقلابی

English	فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ
<i>Divine laws</i>	احکام الهی	اَحْکَامُ اللَّهِ
<i>Religious instructions</i>	احکام دینی (شرعی)	اَلْاَحْکَامُ اَلشَّرْعِيَّةُ
<i>Revival of Islam</i>	احیای اسلام	اِحْيَاءُ الْاِسْلَامِ
<i>Renovation of a country</i>	احیای کشور	اِحْيَاءُ الْبِلَادِ
<i>National revival</i>	احیای ملی	اَلْاِحْيَاءُ الْوَطْنِيَّ
<i>Fake news</i>	اخبار جعلی	اَلْاَنْبَاءُ الْمَصْطَنَعَةُ، اَلْاَخْبَارُ اَلْمُزَوَّرَةُ
<i>Internal news</i>	اخبار داخله کشور	اَلْاَخْبَارُ اَلدَّخَلِيَّةُ
<i>Territorial disputes</i>	اختلاف ارضی	اَلْاِخْتِلَافُ اَلْاَرْضِيَّ
<i>Trivial differences</i>	اختلافات جزئی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْبَسِيطَةُ
<i>Profound differences</i>	اختلافات عمیق	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْجَدْرِيَّةُ
<i>Individual differences</i>	اختلافات فردی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْفَرْدِيَّةُ
<i>Tribal differences</i>	اختلافات قبیله ای	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْعَشَائِرِيَّةُ
<i>Group differences</i>	اختلافات گروهی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْجَمَاعِيَّةُ
<i>Religious differences</i>	اختلافات مذهبی (دینی)	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلدِّينِيَّةُ
<i>Ideological differences</i>	اختلافات مسلکی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلْعَقَائِدِيَّةُ
<i>International differences</i>	اختلافهای بین المللی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلدَّوْلِيَّةُ
<i>Historical differences</i>	اختلافهای تاریخی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلتَّارِيخِيَّةُ
<i>Internal differences</i>	اختلافهای داخلی	اَلْاِخْتِلَافَاتُ اَلدَّاخِلِيَّةُ
<i>Linguistic diversities</i>	اختلافهای زبانی	اِخْتِلَافُ اَللُّغَاتِ
<i>Border disputes</i>	اختلافهای مرزی	اَلنِّزَاعَاتُ اَلْاَقْلِيمِيَّةُ
<i>Repression</i>	اختناق	اَلْكَبْتُ
<i>Political concessions</i>	اختیارات سیاسی	اَلْمَصْلَاحِيَّاتُ اَلدَّبْلُومَاسِيَّةُ

<i>Unconditional</i>	إِسْحَابُ قُوَاتٍ أَلْعَدُوَّ يَدُونَ	اخراج عقب نشینی) فوری و
<i>withdrawal of enemy forces</i>	قَبْدٍ وَ لَاشَرِطٍ	بدون قید و شرط نیروهای دشمن
<i>To warn</i>	الْأَنْذَارُ	اخطار کردن، هشدار دادن
<i>Islamic ethics</i>	الْأَخْلَاقُ الْإِسْلَامِيَّةُ	اخلاق اسلامی
<i>Governmental departments</i>	الدَّوَاخِرُ الْحُكُومِيَّةُ	ادارات دولتی
<i>Administration of a country</i>	تَسْيِيرُ أُمُورِ الْبِلَادِ	اداره امور کشور
<i>Ideological bureau</i>	الدَّائِرَةُ الْعَقَائِدِيَّةُ	اداره ایدئولوژیکی
<i>Foreign relations' bureau</i>	دَائِرَةُ الْعِلَاقَاتِ	اداره روابط خارجی
	الْخَارِجِيَّةُ	
<i>Public relations' office</i>	دَائِرَةُ الْعِلَاقَاتِ الْعَامَّةِ	اداره روابط عمومی
<i>Cultural relations' office</i>	دَائِرَةُ الْعِلَاقَاتِ الثَّقَافِيَّةِ	اداره روابط فرهنگی
<i>Politico-religious bureau</i>	الدَّائِرَةُ السِّيَاسِيَّةُ الْعَقَائِدِيَّةُ	اداره سیاسی - ایدئولوژی
<i>Central office</i>	الدَّائِرَةُ الْمَرْكَزِيَّةُ	اداره مرکزی
<i>Office of Iranian interests</i>	دَائِرَةُ رِعَايَةِ الْمَصَالِحِ	اداره حفظ منافع ایران
	الْأِيْرَانِيَّةِ	
<i>Continuation of a war</i>	إِسْتِمْرَارُ الْحَرْبِ	ادامه جنگ
<i>Committed literature</i>	الْأَدَبُ الْمُلْتَزِمُ	ادبیات متعهد
<i>Territorial claim</i>	مَطْلَبَةُ الْأَرْضِيَّ (إِدْعَاءُ)	ادعای ارضی
<i>To claim a damage</i>	الْمَطْلَبَةُ بِتَعْوِذِضٍ	ادعای خسارت
<i>Merger of banks</i>	إِتْمَاجُ الْمَصَارِفِ	ادغام بانکها
<i>Divine religions</i>	الْأَدْيَانُ السَّمَاوِيَّةُ	ادیان آسمانی
<i>World public opinion</i>	الرَّأْيُ الْعَامُّ الْعَالَمِيُّ	اذهان عمومی جهان

English	فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ
God's will	اراده الهی	مَشِيئَةُ اللَّهِ
Will of the people	اراده ملت	إِرَادَةُ الشَّعْبِ
Occupied territories	اراضی غصب شده	اَلْأَرَاضِي اَلْمُغْتَصَبَةُ
Occupiers	اربابان اشغال گر	اَلْأَسْيَادُ اَلْمُحْتَطُونَ
World devourers	اربابان جهانخوار	اَلْأَسْيَادُ اَلْمُجَرِّمُونَ فِي اَلْعَالَمِ
To establish contact	ارتباط برقرار کردن	إِقَامَةُ اَلْعِلَاقَاتِ
Cordial relation	ارتباط صمیمانه و گرم	اَلْأَوَاصِرُ اَلْحَسَنَةُ وَاَلْحَارَةُ
Indirect contact	ارتباط غیبی	اَلْاِتِّصَالُ اَلْغَيْبِيُّ
Direct contact	ارتباط مستقیم	اَلْاِتِّصَالُ اَلْمُبَاشِرُ
Suspicious links	ارتباطهای مشکوک	اَلْاِرْتِبَاطَاتُ اَلْمُشْبُوْهَةُ
Reactionism	ارتجاع	اَلرَّجَعِيَّةُ
Reactionary	ارتجاعی	اَلرَّجَعِيُّ
Liberation army	ارتش آزادی بخش	جَيْشُ اَلتَّحْرِيرِ
Revolutionary army	ارتش انقلابی	جَيْشُ اَلثَّوْرَةِ
Army of 20-million	ارتش بیست میلیونی	جَيْشُ اَلْعِشْرِيْنَ مِیْلِیُونًا
Army of revolutionary guards	ارتش پاسداران انقلاب	كَتَائِبُ حَرَسِ اَلثَّوْرَةِ
Victorious army	ارتش پیروز	اَلْجَيْشُ اَلْمُنْتَصِرُ
Shattered army	ارتش متلاشی	اَلْجَيْشُ اَلْمُتَشَتَّتُ
Secret army	ارتش مخفی	اَلْجَيْشُ اَلْكَرِّيُّ
Mercenary army	ارتش مزدور	اَلْجَيْشُ اَلْعَمِیْلُ
Ideological army	ارتش مکتبی	اَلْجَيْشُ اَلرِّسَالِيُّ

English	فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ
<i>Strong army</i>	ارتش نیرومند	اَلْجَيْشُ اَلْبَاسِلُ
<i>Rival armies</i>	ارتش های رقیب	اَلْجُيُوشُ اَلْمُنَافِسَةُ
<i>Classical armies</i>	ارتش های کلاسیک	اَلْجُيُوشُ اَلْمُنْتَظِمَةُ
<i>Refugees' camp</i>	اردوگاه آوارگان	مَعَسَكُرُ اَلْمُشَرَّدِينَ
<i>War refugees' camp</i>	اردوگاه پناهندگان جنگی	مَعَسَكُرُ لَاجِئِ اَلْحَرْبِ
<i>Concentration camps</i>	اردوگاه های اجباری	اَلْمَعَسَكَرَاتُ اَلْاَعْتِقَالِيَّةُ
<i>Army camps</i>	اردوگاه های ارتش	مَكَنَاتُ اَلْجَيْشِ (اَلْمَعَسَكَرَات)
<i>Moral values</i>	ارزشهای اخلاقی	اَلْقِيَمُ اَلْاَخْلَاقِيَّةُ
<i>Islamic values</i>	ارزشهای اسلامی	اَلْقِيَمُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ
<i>Humanistic values</i>	ارزشهای انسانی	اَلْقِيَمُ اَلْاِنْسَانِيَّةُ
<i>Supreme values</i>	ارزشهای برتر (متعالی)	اَلْقِيَمُ اَلْعُلْيَا
<i>Corrupt values</i>	ارزشهای پوسیده	اَلْقِيَمُ اَلْبَالِيَّةُ
<i>Spiritual values</i>	ارزشهای معنوی	اَلْقِيَمُ اَلرُّوْحِيَّةُ
<i>Evaluation</i>	ارزیابی	اَلتَّقْيِيمُ
<i>Dispatch of forces</i>	ارسال نیروها	اِرْسَالُ اَلْقُوَاتِ
<i>National guidance</i>	ارشاد ملی	(اَلْاِرْشَادُ) اَلتَّوْجِيْهُ اَلْوَطَنِيُّ
<i>Executive organs</i>	ارگان های اجرایی	اَلْمَوْسَّاتُ اَلتَّنْفِيْذِيَّةُ
<i>American Sattelites in Europe</i>	اروپائی های هم پیمان امریکا	اَلْاَوْرُوْجِيْوْنَ اَلْحَلَفَاءُ لِاَلْمَرِيْكََا
<i>Astronomical figures</i>	ارقام نجومی	اَلْاَرْْقَامُ اَلْفَلَکِيَّةُ
<i>To be a disbeliever</i>	از ایمان تهی بودن	مَجْرَدَةٌ عَنِ الْاِيْمَانِ، اَلْعَارِيَّةُ عَنِ الْاِيْمَانِ

فارسی	العربی	English
از بین بردن اختلافات	دَبْدُ الْخِلَافَاتِ	To iron out differences
از بین بردن تبعیضات	إِلْغَاءُ التَّمْيِيزِ، إِلْغَاءُ التَّفْرِقَةِ	To abolish discriminations
از جهت اجتماعی	مِنْ النَّاحِيَةِ الْأَجْتِمَاعِيَّةِ	From a social viewpoint
از جهت معنوی	مِنْ النَّاحِيَةِ الْمَعْنَوِيَّةِ	From a spiritual viewpoint
از خدا بی خبر	غَافِلٌ عَنِ اللَّهِ، مُتَغَافِلٌ عَنِ اللَّهِ	God-forsaken
از دست دادن کنترل	فَقْدَانُ السَّيْطَرَةِ	To lose control
ازدیاد تشنج	قَصَاعِدُ التَّوَكُّرِ	Augmentation of tension
ازدیات مشکلات اقتصادی	كَثْرَةُ الْمَشَاكِلِ الْأَقْتِصَادِيَّةِ	Aggravation of economical and war difficulties
و جنگی	و الْحَرْبِيَّةِ	
از سر گرفتن کمک ها	إِسْتِثْنَاءُ الْمُسَاعَدَاتِ	To resume aids
از سر گرفتن مذاکرات	إِسْتِثْنَاءُ الْمَحَادَثَاتِ	To resume talks
از سرگیری روابط سیاسی	إِعَادَةُ الْعِلَاقَاتِ الدِّبْلُومَاسِيَّةِ	Resuming political relations
از سرگیری گفتگوهای مستقیم	إِسْتِثْنَاءُ الْمَحَادَثَاتِ الْمُبَاشَرَةِ	Resuming direct talks
از کوشش فروگذار نکردن	لَمْ يَدَأْ لَوْ أَىْ جُهْدٍ	To spare no effort
از هم پاشیدن	التَّفَرُّقُ	To be shattered
ازدرا فکن	الْمَسَافَةُ (طور بید)	Torpedo - boat
اسباب و عوامل خارجی	الْأَسْبَابُ وَالْمَوَاطِنُ الْخَارِجِيَّةُ	Foreign agents
استادان متعهد	الْأُسَاتِيذَةُ وَالْأَطْلَابُ	Committed Professors
استان مرزی	الْمُحَافَظَةُ الْخُدُودِيَّةُ «الْشَّغْرِيَّةُ»	Border province
استان مرکزی	الْمُحَافَظَةُ الْمَرْكَزِيَّةُ	Central province
استان های آسیب دیده	الْمُحَافَظَاتُ الْمُتَضَرَّرَةُ	Damaged provinces

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
استثمار انسان	اِسْتِغْلَالُ الْاِنْسَانِ	Exploitation of man
استثمار بیرحمانه	اَلْاِسْتِغْلَالُ بِكُلِّ قَسَاوَةٍ وَبِلَا رَحْمَةٍ	Ruthless exploitation
استثمار سرمایه داری	اَلْاِسْتِثْمَارُ الرِّاسْمَالِيُّ	Imperialistic exploitation
استحکامات نظامی	اَلتَّحْصِيْنَاتُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ (اَلدِّفَاعِيَّةُ)	Army fortifications
استخدام کارشناسان بیگانه	(تَوْظِيفُ) اِسْتِخْدَامُ اَلْخُبَرَاءِ اَلْاِجَانِبِ	Employment of foreign experts
استخدام کشوری	اَلتَّوْظِيفُ اَلْمَدَنِيُّ (اَلْحُكُوْمِيُّ)	Civil employment
استخراج و اکتشاف نفت	اِسْتِخْرَاجُ وَ اِسْتِكْشَافُ اَلنَّفْطِ	Oil exploration and exploitation
استراتژی جدید	اَلْاَسْتِرَاطِيجِيَّةُ اَلْجَدِيْدَةُ	New strategy
استراتژی جنگی	اَلْاَسْتِرَاطِيجِيَّةُ اَلْحَرْبِيَّةُ	War Strategy
استرداد اراضی اشغال شده	اِسْتِيعَادَةُ الْاَرَاْضِي الْمُحْتَلَّةِ	Extradition of occupied lands
استعفای دسته جمعی	اَلْاَسْتِغْنَالَةُ اَلْجَمَاعِيَّةُ	Collective resignation
استعفای دولت	اِسْتِغْنَالَةُ اَلْحُكُوْمَةِ	Resignation of a government
استعمار خون آشام	اَلْاُمْبِرِيَالِيَّةُ مِصْاصَةُ الدِّمَاءِ	Blood-thirsty imperialism
استعمارگر	اَلْمُسْتَعْمِرُ	Colonizer
استعمار نقابدار	اَلْاَسْتِعْمَارُ اَلْمَقْنَعُ	Masked imperialism
استعمار نو پا،	اَلْاَسْتِعْمَارُ اَلْجَدِيْدُ،	Neo- colonialism
استعمار جدید	اَلْاَسْتِعْمَارُ اَلْجَدِيْدُ	

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
استقبال خصمانه	اَلْاَسْتِقْبَالُ اَلْعِدَائِيُّ	Hostile welcome
استقبال و پذیرایی گرم	اَلْاَدْحَاوَةُ وَ اَلْتَّرْحَابُ	Warm welcome
استقرار سیاسی	اَلْاَسْتِقْرَارُ السِّيَاسِيُّ	Political stability
استقلال و آزادی	اَلْاَسْتِقْلَالُ وَ اَلْحُرِّيَّةُ	Independence and freedom
استقلال اقتصادی	اَلْاَسْتِقْلَالُ اَلْاَقْتِصَادِيُّ	Economic independence
استقلال سیاسی	اَلْاَسْتِقْلَالُ اَلْسِّيَاسِيُّ	Political independence
استقلال طلبان	اَلْاَنْفِصَالِيُّونَ	Independence seekers
استقلال فرهنگی و علمی	اَلْاَسْتِقْلَالُ اَلْتَّقَافِيُّ وَ اَلْعِلْمِيُّ	Cultural and scientific independence
استکبار جهانی	اَلْاَسْتِكْبَارُ اَلْعَالَمِيُّ	World imperialism
استکبار و استثمار	اَلْاَسْتِكْبَارُ وَ اَلْاَسْتِثْمَارُ، اَلْاَسْتِغْلَالُ	Oppression and exploitation
استمالت کردن (دلجوئی کردن)	اَلْاَسْتِمَالَةُ، اَلْاَسْتِعْطَافُ	To mollify
استمرار روابط دیپلماتی	اِسْتِمْرَارُ اَلْعِلَاقَاتِ اَلدِّیْپْلُومَاسِيَّةِ	Continuation of diplomatic relations
استوار نامه ها	اَوْرَاقُ اَلْاَعْتِمَادِ	Credentials
استیضاح دولت	اِسْتِجْوَابُ اَلْحُكُومَةِ	Impeachment of a government
اسرار شبکه جاسوسی	اَسْرَارُ اَلْعِصَابَةِ اَلْجَاسُوسِيَّةِ، اَسْرَارُ شَبَكَةِ اَلتَّجَسُّسِ	Secrets of a spy network
اسرار نظامی	اَلْاَسْرَارُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Secrets of an army

English	العَرَبِيّ	فارسی
To station refugees	إِسْكَانُ الْأَلْجَائِينَ	اسکان دادن پناهندگان
Forged notes	الْعُمْلَةُ الْمَزَيَّفَةُ	اسکناس جعلی
True Islam	الْإِسْلَامُ الْحَقِيقِيُّ	اسلام راستین
Beloved Islam	الْإِسْلَامُ الْعَزِيزُ	اسلام عزیز
Islam and blasphemy	الْإِسْلَامُ وَالْكُفْرُ	اسلام و کفر
Cold weapon	الْأَسْلِحَةُ الْبَيْضَاءُ	اسلحه سرد
Political weapon	الْأَسْلِحَةُ السِّيَاسِيَّةُ	اسلحه سیاسی
Firearms	الْأَسْلِحَةُ النَّارِيَّةُ	اسلحه گرم
Lethal weapons	الْأَسْلِحَةُ الْفَتَاكَةُ	اسلحه مرگبار
Military weapons	الْأَسْلِحَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	اسلحه نظامی
Nuclear weapons	الْأَسْلِحَةُ النَّوَوِيَّةُ (الْتَرِيَّةُ)	اسلحه هسته‌ای
Security documents	وَكُادِقُ الْأَمْنِ	اسناد امنیتی
War captives	أَسْرَى الْحَرْبِ	اسیران جنگ
Dissemination of knowledge	نَشْرُ الْعِلْمِ	اشاعه دانش
Spread of corruption	شُيُوعُ الْفَسَادِ	اشاعه فساد
Past mistakes	الْأَخْطَاءُ الْمَاضِيَّةُ	اشتباهات گذشته
Political blooper	الْأَخْطَاءُ السِّيَاسِيَّةُ	اشتباه سیاسی
Secret individuals	الْعَنَاصِرُ الْمُرْدِيَّةُ	اشخاص مرموز
Responsible persons	الْمَسْؤُولُونَ	اشخاص مسئول
Extreme punishment	أَشَدُّ الْعُقُوبَاتِ	اشد مجازات
Unlawful occupation	الْإِحْتِلَالُ غَيْرُ الشَّرْعِيِّ	اشغال غیرقانونی
To occupy strategic cities	إِحْتِلَالُ الْمُدُنِ الْأَسْتِرَاطِيَّةِ	اشغال کردن شهرهای استراتژیک

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
اشغال گر	اَلْمُحْتَلُّ	occupier
اشغال گران صهیونیسم	اَلْمُحْتَلُّونَ اَلصَّهْيَانِيَّةُ	Zionist occupiers
اشغال مناطق مهم	اِحْتِلَالُ اَلْمَنَاطِقِ اَلْمُهَمِّةِ	Occupation of strategic areas
اشغال نظامی	اَلْاِحْتِلَالُ اَلْعَسَكِيُّ	Military occupation
اشکالات اساسی	اَلْعُرَاقِبُ اَلْاَسَاسِيَّةُ	Substantial difficulties
اشک تمساح ریختن	ذَرْفُ دُمُوعٍ اَلتَّمْسَاحِ	To shed crocodile's tears
اشک شوق	دُمُوعُ اَلدُّشْمَانِ، عِبْرَةُ اَلشَّوْقِ، دَمْعَةُ اَلسُّرُورِ	Tears of joy
اصلاحات اجتماعی	(اَلْاَصْلَاحَاتُ) اَلتَّعْدِيْلَاتُ اَلْاجْتِمَاعِيَّةُ	Social reforms
اصلاحات اقتصادی	اَلْاَصْلَاحَاتُ اَلْاَقْتِصَادِيَّةُ	Economic reforms
اصلاحات سیاسی	اَلْاَصْلَاحَاتُ اَلسِّيَاسِيَّةُ	Political reforms
اصلاح ارضی	اَلْاَصْلَاحُ اَلزَّرَاعِيُّ	Land reform
اصلاح قانون اساسی	تَعْدِيْلُ اَلدُّسْتُورِ (اَلْقَانُونِ)	Constitutional amendment
اصلاح قانون استخدام	تَعْدِيْلُ قَانُونِ اَلتَّوْظِيْفِ	Employment code amendment
اصلاح کردن وضعیت	تَصْحِيْحُ اَلْاَوْضَاعِ	To rectify a situation
اصل عدم تجاوز	مَبْدَأُ عَدَمِ التَّعَدِّيِّ	Principle of non-transigence
اصول آشتی	مَبَادِي اَلْمُصَالَحَةِ	Reconciliation principles
اصول اساسی دین	مَبَادِي اَلدِّيْنِ اَلْاَسَاسِيَّةُ	Fundamental principles of a religion

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
اصول اسلامی	اَلْمَبَادِئُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic tenets
اصول انقلابی	اَلْمَبَادِئُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Revolutionary principles
اصول عالی	اَلْمَبَادِئُ اَلْعَالِيَّةُ	Exalted principles
اصول فقه	اَصُولُ الْفِقْهِ	Principles of religious jurisprudence
اصول گرایان	اَلْاَصُوْلِيُوْنَ	Fundamentalists
اصول مترقی	اَلْمَبَادِئُ اَلتَّقْدِیْمِيَّةُ، اَلْاَصُوْلُ اَلْمُتَرَقِّيَّةُ	Progressive principles
اطاعت کور کورانه	اَلْاَتْقِيَاءُ اَلْاَعْمٰی، اَلطَّاعَةُ اَلْعَمِيَاءُ	Blind obedience
اطلاعات سیاسی	اَلْمَعْلُوْمَاتُ اَلْسِیَاسِيَّةُ	Political information
اطلاعات طبقه بندی شده	اَلْمَعْلُوْمَاتُ اَلْمُبَوَّجَةُ	Classified information
اطلاعات منتشره	اَلْمَعْلُوْمَاتُ اَلْمُعْلَنَةُ	Published information
اظهارات رسمی	اَلتَّصْرِیْحَاتُ اَلرَّسْمِيَّةُ	Official remarks
اظهارات نماینده دولت	قَصْرِیْحَاتُ مُمَثِّلِ الْحُكُوْمَةِ	Remarks of a government's representative
اظهار امیدواری کردن	اَلْاَعْرَابُ عَنِ الْاَمَلِ	To express hope
اظهار خشنودی کردن	اَلْاَعْرَابُ عَنِ الْاَرْقِيَا ح	To express satisfaction
اظهار عقیده کردن	قَصْرِیْحُ اَلرَّأْيِ، اِجْدَاءُ وَجْهَةِ اَلنَّظَرِ	To express one's opinion
اظهار قدردانی کردن	قَصْرِیْحُ اَلْاَشَادَةِ	To express one's appreciation
اعاده صلح	اِعَادَةُ اَلْسَّلَامِ	Restoration of peace

فارسی	العَرَبِيّ	English
اعتبارات دولتی	(الْأَرْضِيَّةُ) الرِّصَادُ الْحُكُومِيَّةُ، الْأَعْتِمَادَاتُ الْحُكُومِيَّةُ	State credits
اعتبار بانکی	الرِّصِيدُ الْمَصْرَفِيُّ	Bank credit
اعتبار قانونی	صِفَةُ شَرْعِيَّةٍ، قِيَمَةُ قَانُونِيَّةٍ	Legal validity
اعتبار مالی	الرِّصِيدُ الْمَالِي	Financial credit
اعتراضات ضد دولتی	الْإِحْتِجَاجَاتُ الْمَضَادَّةُ لِلْحُكُومَةِ	Anti-state protests
اعتصابات پراکنده	الْأَضْرَابَاتُ الْمُبَعَثَرَةُ (الْمُتَفَرِّقَةُ)	Sporadic strikes
اعتصابات پی در پی کارگران	إِضْرَابَاتُ الْعُمَالِ الْمَتَوَكِّرَةِ، الْإِضْرَابَاتُ الْعَمَالِيَّةُ الْمُسْتَمِرَّةُ	Continuous strikes of workers
اعتصابات کنونی	الْأَضْرَابَاتُ الْحَالِيَّةُ	Present strikes
اعتصاب سراسری	الْأَضْرَابُ الشَّامِلُ	National strike
اعتصاب عمومی	الْأَضْرَابُ الْعَامُ	Public strike
اعتصاب غذا	الْأَضْرَابُ عَنِ الْتَغَامِ (الْأَكْلِ)	Hunger strike
اعتصاب نشسته	إِضْرَابُ الْجُلُوسِ	Sit-in strike
اعتلای اسلام	رَفْعَةُ الْأِسْلَامِ، اِعْتِلَاءُ الْأِسْلَامِ	Elevation of Islam
اعتماد به نفس	الْتِقَانُ بِالنَّفْسِ، الْأَعْتِمَادُ بِالنَّفْسِ	Self-reliance
اعدام چهره‌های مسلمان	إِعْدَامُ كَوْنِيَّةٍ مِنَ الشُّوَارِ الْمُسْلِمِينَ	Execution of moslem revolutionary figures
اعدام وحشیانه	إِعْدَامٌ وَحْشِيٌّ	Savage execution
اعدام‌های دستجمعی	الْأَعْدَامَاتُ الْجَمَاعِيَّةُ	Collective executions

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
اعدام‌های فوری	اَلْاَعْدَامَاتُ اَلْاَلِيَّةُ	Summary executions
اعزام به جبهه جنگ	اَلْاَلْتَحَاقُ بِجَبَّةِ اَلْقِتَالِ	Dispatch to a battle - field
اعضای بسیج	اَعْضَاءُ اَلتَّعْبِيَةِ	Mobilization members
اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	اَعْضَاءُ لَجْنَةِ اَلثَّوْرَةِ اَلثَّقَافِيَّةِ	Members of a cultural revolution headquarters
اعضای فرستادگان الجزایری	اَعْضَاءُ اَلْوَفْدِ اَلْجَزَائِرِيِّ	Members of the Algerian delegation
اعضای کنفرانس	اَعْضَاءُ اَلْمَوْتَمِرِ	Members of a conference
اعضای هیئت علمی	اَلْهَيْئَةُ اَلتَّعْلِيْمِيَّةُ (فِي اَلْجَامِعَةِ)	Faculty members
اعضای مجلس شورا	اَعْضَاءُ مَجْلِسِ اَلشُّوْرَى	Deputies of an assembly
اعطا کردن آزادی	مَنْحُ اَلْحُرِّيَّةِ	To grant freedom
اعطا کردن امتیاز	اِعْطَاءُ اَلْاَمْتِيَّازِ	To grant a concssion
اعطا کردن جایزه	مَنْحُ اَلْجَائِزَةِ	To award a prize
اعطای استقلال	مَنْحُ اَلْاَسْتِقْلَالِ	Granting independence
اعلامیه جنگی	اَلْبَلَاغُ اَلْحَرْبِيُّ	War declaration
اعلامیه حقوق بشر	اِعْلَانُ حُقُوقِ الْاِنْسَانِ	Human rights' declaration
اعلامیه دولت	اَلْبَلَاغُ اَلْحُكُوْمِيُّ	Government's Communique
اعلامیه مشترک	اَلْبَيَانُ اَلْمَشْتَرَكُ	Common Communique
اعلان آمادگی	اِعْلَانُ اَلتَّأَهُّبِ ، اَلْاَسْتِعْدَادُ	Declaring readiness
اعلان جنگ کردن	اِعْلَانُ اَلْحَرْبِ	To declare a War
اعلان حالت غیر مترقبه (غیر عادی)	اِعْلَانُ حَالِهِ اَلْعَلَوَارِيِّ	Declaring an unusual situation

فارسی	العربی	English
اعلان جهاد عمومی کردن	إِعْلَانُ الْجِهَادِ أَلْعَامِّ	To Declare public jihad
اعمال تحریک آمیز	أَلْأَعْمَالُ الْأَسْتَفْزَارِيَّةُ	Provocative acts
اعمال جنون آمیز	أَلْأَعْمَالُ الْمَتَهَوَّرَةُ	Foolish acts
اعمال دفاعی	أَلْأَعْمَالُ الدِّفَاعِيَّةُ	Defense operations
اعمال غیر انسانی	أَلْأَعْمَالُ الْإِنْسَانِيَّةُ	Inhumane acts
اعمال نفوذ	مُمَارَسَةُ الْتَغْوِطِ	Exerting influence
اغتشاشات خونی	الْأَضْطِرَاجَاتُ الدَّامِيَّةُ	Bloody violences
اغراق گویی کردن	الْمُبَالَغَةُ فِي الْحَدِيثِ	To exaggerate
افتتاح کردن جلسه	إِفْتِتَاحُ الْجَلْسَةِ	To open a meeting
افراد با نفوذ	أَصْحَابُ السُّلْطَةِ	Influential people
افراد پارتیزان و نیروی	قَوَاتُ حَرْبِ الْعِصَابَاتِ،	Guerrillas of national
مقاومت ملی	الْمُقَاوَمَةُ الشَّعْبِيَّةُ	resistance
افراد پایگاه هوایی	أَفْرَادُ الْقَاعِدَةِ الْجَوِّيَّةِ	Air-base personnel
افراد غیر نظامی	الْمَدَنِيُّونَ	Civilians
افراد مورد نظر	جَمَاهِيرُ الْمَقْصُودِ، الْأَفْرَادُ الْمَعْنِيَّةُ	Intended individuals
افراطی دست چپی	الْيَسَارُ الْمَتَطَرِّفُ	Leftist people
افراطی دست راستی	الْيَمِينُ الْمَتَطَرِّفُ	Rightist people
افراطیون سیاسی	الْمَتَطَرِّفُونَ السِّيَاسِيُّونَ	Political extremists
افزایش دستمزدها	إِرْقِفَاعُ الْأُجُورِ	Increase of wages
افزایش قیمت نفت	زِيَادَةُ أَسْعَارِ الْبِتْرُولِ	Increase of oil price

فارسی	العربی	English
افسر رابط	ضابطُ الأَرْكِباطِ ، ضابطُ الأَتِّصَالِ	Liasion officer
افکار پیشرفته	الأَفْكارُ التَّقَدِّمِيَّةُ	Progressive thoughts
افکار عمومی	الرَّأْيُ الْعَامُّ	Public opinions
افکار عمومی را گمراه ساختن	تَضْلِيلُ الرَّأْيِ الْعَامِّ	To divert public opinions
اقامه حکومت عدل الهی	إِقَامَةُ سَيَادَةِ الْعَدْلِ الْإِلَهِيِّ	Establishment of the government of divine justice
اقتصاد اسلامی	اَلْاِقْتِصَادُ الْاِسْلَامِيُّ	Islamic economics
اقتصاد بعد از جنگ	اِقْتِصَادُ مَا بَعْدَ الْحَرْبِ	Post-war economy
اقتصاد مصرفی	اَلْاِقْتِصَادُ الْاِسْتِهْلَاكِيُّ	Economy of consumption
اقتصاد هدایت شده	اَلْاِقْتِصَادُ الْمَوْجَّهُ	Guided economy
اقدامات احتیاطی	اَلتَّدَاوِیْرُ الْاِحْتِیاطِیَّةُ	Precautionary acts
اقدامات اخیر	اَلتَّدَاوِیْرُ الْاٰخِرَةُ	Recent strides
اقدامات اساسی	اَلتَّدَاوِیْرُ الْاَسَاسِیَّةُ	Fundamental measures
اقدامات اصلاحی	اَلتَّدَاوِیْرُ الْاَصْلَاحِیَّةُ	Reform measures
اقدامات فوری- اضطراری	اَلتَّدَاوِیْرُ الْمُسْتَعْجَلَةُ اَلْاَضْطِرَّارِیَّةُ	Emergency measures
اقدامات بجای	اَلتَّدَاوِیْرُ الْمُنَاسِبَةُ	Appropriate actions
اقدامات شدید	اَلتَّدَاوِیْرُ الصَّارِمَةُ	Stringent measures
اقدامات ضد قاچاق	اِتِّخَاذُ التَّدَاوِیْرِ لِمُتَاجَهَةِ	Anti-smuggling
	تَهْرِیْبِ الْبَضَائِعِ	measures
اقدامات مشترک	اَلتَّدَاوِیْرُ الْمَشْتَرَكَةُ	Joint ventures

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
اقدامات مؤثر	اَلْاِجْرَاءَاتُ اَللّٰزِمَةُ (اَلْاِجْبَابِيَّةُ)	Effective measures
اقدام به کاری کردن	اَلْمُبَادَرَةُ بِالْعَمَلِ ، اَلْاَقْدَامُ عَلَى الْعَمَلِ ، اِتِّخَاذُ اَلْاِجْرَاءَاتِ	To take measures
اقدام هیجان آمیز	اَلْخَطْوَةُ الْمُثْبِرَةُ	Provocative act
اشار مختلف	اَلطَّبَقَاتُ اَلْمُتَنَوِّعَةُ	People from various walks of life
اقلیت های مذهبی	اَلْاَقْلِيَّاتُ اَلدِّيْنِيَّةُ	Religious minorities
اقلیت های نژادی	اَلْاَقْلِيَّاتُ اَلْعُنْصَرِيَّةُ	Ethnic minorities
اکثریت توده ها	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلْجَمَاهِيرِ	Majority of the masses
اکثریت حاکم	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلْحَاكِمَةُ	Ruling majority
اکثریت سیاه پوست	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلْاَسْوَدُ	Majority of the black people
اکثریت قاطع	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلْاَشْحَقَةُ	Overwhelming majority
اکثریت قریب به اتفاق	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلتَّقْرِيبِيَّةُ	Approximate majority
اکثریت مطلق	اَلْاَغْلَبِيَّةُ اَلْمُطْلَقَةُ	Consensus majority
اکیپ گشتی نظامی	اَلدَّوْرِيَّةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Mobile military group
التقاطی	اَلْاَلْتِقَاطِيَّةُ	Eclectic
الله اکبر	اَللّٰهُ اَكْبَرُ	God is the greatest
الصاق نشریات	اِلْصَاقُ اَلنَّشْرَاتِ	Sticking bulletins
الغای شکنجه های بدنی	اِلْغَاءُ اَلتَّعْذِيبِ اَلْبَدَنِیِّ	Abolishment of physical punishments
الهام الهی	اَلْوَحْیُ اَلْاِلٰهِيُّ	Divine inspiration
اما کن عمومی	اَلْمَرَاقِیُّ اَلْعَامَّةُ	Public places

English	فارسی	العَرَبِيَّةُ
<i>Bombarded residential places</i>	اماکن مسکونی بمباران شده	الْأَمَاكِنُ السَّكَنِيَّةُ الْمَقْصُوفَةُ
<i>Friday prayers leader</i>	امام نماز جامع	إِمَامُ الْجَامِعِ
<i>Writ of pardon</i>	امان نامه	صَكُّ الْأَمَانِ
<i>World imperialism</i>	امپریالیسم جهانی	الْأَمْبِرِيَالِيَّةُ الْعَالَمِيَّةُ
<i>Islamic community</i>	امت مسلمان	الشَّعْبُ الْمُسْلِمُ
<i>Class distinctions</i>	امتیازات طبقاتی	الْفُرُوقُ الطَّبَقِيَّةُ
<i>Army commanders</i>	امرای ارتش	قَادَةُ الْجَيْشِ
<i>Enjoin the right and forbid the wrong</i>	امر به معروف و نهی از منکر	الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ
<i>Signing an agreement</i>	امضای قرارداد	تَوْقِيعُ الْأَدْنَاءِ
<i>International security</i>	امنیت بین المللی	الْأَمْنُ الدَّوْلِيُّ
<i>Internal security</i>	امنیت داخلی	الْأَمْنُ الدَّاخِلِيُّ
<i>Job security</i>	امنیت شغلی	الضَّمَانُ الْمِهْنِيُّ
<i>Territorial security</i>	امنیت کشوری	أَمْنُ الْبِلَادِ
<i>National security</i>	امنیت ملی	الْأَمْنُ الْوَطَنِيُّ
<i>Regional security</i>	امنیت منطقه ای	أَمْنُ الْمَنْطَقَةِ
<i>State properties</i>	اموال دولتی	الْمُمْتَلَكَاتُ الْحُكُومِيَّةُ، أَمْلاكُ الدَّوْلَةِ
<i>Personal properties</i>	اموال شخصی	الْمُمْتَلَكَاتُ الشَّخْصِيَّةُ
<i>To misappropriate public funds</i>	اموال مردم را حیف و میل کردن	إِجْتِزَازُ أَمْوَالِ النَّاسِ
<i>Stolen properties</i>	اموال مسروقه	الْثَّرَوَاتُ (الْأَمْوَالُ) الْمَسْرُوقَةُ

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
اموال مصادره شده	الْأَمْوَالُ الْمَصَادَرَةُ	Confiscated properties
اموال منقول	الْمُمْتَلَكَاتُ الْمَنْقُولَةُ	Movable goods
امور اجرائی	الْأَشْؤُونُ التَّنْفِیْذِیَّةُ	Executive affairs
امور داخلی	الْأَشْؤُونُ الدَّائِخِیَّةُ	Internal affairs
امور کشاورزی	الْأَشْؤُونُ الزَّرَاعِیَّةُ	Agricultural affairs
انبار باروت	مَخْزَنُ الْبَارُودِ	Explosive depot
انبار سوخت	مَخْزَنُ الْوَقُودِ	Fuel tank
انبار مهمات	مَخْزَنُ الْمَعْدَّاتِ الْعَسْكَرِیَّةِ	Ammunition dump
انتخابات آزاد عمومی	الْأَنْتِخَابَاتُ الْعَامَّةُ الْحُرَّةُ	Free general elections
انتخابات آزاد و بیطرف	الْأَنْتِخَابَاتُ الْحُرَّةُ وَالْمَرْفُوقَةُ	Free and impartial elections
انتخابات دو مرحله ای	الْأَنْتِخَابَاتُ فِی مَرَحَلَتَیْنِ	Two-phase elections
انتخابات عمومی	الْأَنْتِخَابَاتُ الْعَامَّةُ	General elections
انتخابات قلابی	الْأَنْتِخَابَاتُ الْمَزُورَةُ	Fraud elections
انتخابات مجلس ملی	إِنْتِخَابَاتُ الْمَجْلِسِ الْوَطَنِیِّ	Elections of national assembly
انتخابات رئیس جمهور	إِنْتِخَابَاتُ رِئَاسَةِ الْجُمْهُورِیَّةِ، إِخْتِیَارُ رِئَاسَةِ الْجُمْهُورِیَّةِ	Presidential elections
انتخابات میان دوره ای	الْأَنْتِخَابَاتُ التَّجْمِیْلِیَّةُ	Mid-term elections
انتخاب نهائی	الْأَدْنِیَّاءُ النَّهَائِیُّ	Final election
انتشار اسلام	إِذْتِشَارُ الْأِسْلَامِ	Spread of Islam
انتصاب رسمی	الْتِوَظِیفُ الرَّسْمِیُّ، الْتَّعْیِینُ الرَّسْمِیُّ	Official appointment

فارسی	اَعْرَبِيّ	English
انتظارات بیهوده	قَوَعُتَاتُ لَاجِدَوِيّ فِيْهَا	False expectations
انتظار خدمت	اَلْتَّوَقُّفُ عَنِ الْعَمَلِ ، اَلْاِيْتِمَاعُ عَنِ الْعَمَلِ	Service suspension
انتقاد آشکار	اَلنَّقْدُ الْعَلَنِيّ	Blatant criticism
انتقاد از خود کردن	مُعَاتَبَةُ النَّفْسِ ، اَلنَّقْدُ الذَّاتِيّ	self-criticism
انتقاد سازنده	اَلنَّقْدُ الْبَنَاءُ	Constructive criticism
انتقاد شدید	اَلنَّقْدُ الْعَنِيفُ، اَلنَّقْدُ الْقَاسِي	Severe criticism
انتقاد مغرضانه	اَلنَّقْدُ الْمَغْرَضُ	Hostile criticism
انتقال قدرت	اِنْتِقَالُ السُّلْطَانَةِ	Transfer of power
انتقاد کور کورانه	اَلنَّقْدُ الْأَعْمَى، السَّعْرُ الْأَعْمَى	Blind criticism
انجام دادن فريضة نماز روزانه	اَدَاءُ فَرِيضَةِ الصَّلَاةِ الْيَوْمِيَّةِ	To Perform daily prayers
انجام دادن مأموریت	اِدْجَازُ الْمِهْمَةِ	To fulfil a mission
انجام دادن مذاکرات	اِحْرَاءُ الْمُبَاهَاثَاتِ	To Conduct negotiations
انجام عملیات تخریبی	اِنْدِجَازُ الْعَمَلِيَّاتِ اَلتَّخْرِيبِيَّةِ	Conducting sabotage operations
انجمن اسلامی	اَلْاِتِّحَادُ الْاِسْلَامِيّ، اَلْجَمْعِيَّةُ الْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic association
انجمن تعاون کشاورزی	اَلْجَمْعِيَّةُ اَلتَّعَاوُذِيَّةُ اَلزَّرَاعِيَّةُ	Agricultural cooperative organization
انجمن حقوق بشر	لِجْنَةُ حُقُوقِ الْاِنْسَانِ	Human rights' commission
انجمن حقوق دانان	جَمْعِيَّةُ الْحُقُوقِيِّينَ	Lawyers' association
انجمن دانشجویان	اِتِّحَادُ الطَّلَبَةِ	Students' association
انجمن دوستی	جَمْعِيَّةُ الصَّدَاقَةِ	Friendship association

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
انجمن روحانیون مبارز	جَمْعِيَّةُ رِجَالِ الدِّينِ	Association of the combatant clergy
انجمن زنان انقلاب اسلامی	رَابِطَةُ نِسَاءِ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	Society of Islamic revolution's women
انجمن نویسندگان	إِتِّحَادُ الْكَتَّابِ	Writers' association
انجمن های آزاد	اَلْاِتِّحَادَاتُ الْحُرَّةُ	Free associations
انجمن های دوستی بین المللی	جَمْعِيَّةُ الصَّدَاقَةِ الدَّوْلِيَّةِ	International friendship societies
انجمن های صنفی	اَلْاِتِّحَادَاتُ الْمِهْنِيَّةُ	Trade unions
انجمن های کارگری	اَلْجَمْعِيَّاتُ الْعَمَالِيَّةُ	Labor associations
انجمن هلال احمر	جَمْعِيَّةُ الْهلالِ الْاَحْمَرِ	Red crescent society
انحراف انقلاب	إِنْحِرَافُ الثَّوْرَةِ	Diversion of a revolution
انحلال شورا	حُلُّ الْمَجْلِسِ	Dissolution of a council
اندوخته زندگی	إِدْخَارُ الْعُمُرِ	Life's saving
اندیشه انعطاف پذیر	اَلْمُرُوَّةُ الْفِكْرِيَّةُ، اَفْكَارُ لَاسْتَنْثِي	Unflexible thought
انرژی اتمی	اَلطَّاقَةُ اَلذَّرِيَّةُ	Atomic energy
انرژی خورشیدی	اَلطَّاقَةُ اَلشَّمْسِيَّةُ	Solar energy
انزوای سیاسی	اَلْاِنْزِوَاءُ السِّيَاسِيُّ	Political seclusion
انسان آواره و بی خانمان	اَلْمَشْرَدُ	Homeless individual
انسان دوستی - بشرخواهی	مُحِبُّ الْبَشَرِيَّةِ، حَامِي الْبَشَرِيَّةِ	Philanthropy

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Real mankind</i>	اَلْاِنْسَانُ الْحَقِيقِيُّ	انسان واقعی
<i>God willing</i>	اِنْ شَاءَ اللّٰهُ	انشاء الله
<i>Flexible</i>	اَلْمَرِنُ	انعطاف پذیر
<i>Internal explosion</i>	اَلْاَنْفِجَارُ الدَّاخِلِيُّ	انفجار داخلی
<i>Underground nuclear explosion</i>	اَلْاَنْفِجَارُ اَلْمَوْيُّ دَحْتَ اَلْاَرْضِ	انفجار هسته ای زیر زمینی
<i>Educational revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلتَّعْلِيْمِيَّةُ	انقلاب آموزشی
<i>Administrative revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْاِدَارِيَّةُ	انقلاب اداری
<i>Islamic revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	انقلاب اسلامی
<i>True Islamic revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ اَلْاصِيْلَةُ	انقلاب اصیل اسلامی
<i>Humanistic revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْاِنْسَانِيَّةُ	انقلاب انسانی
<i>Victorious revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلظَّافِرَةُ	انقلاب پیروزمندانه
<i>Global revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْعَالَمِيَّةُ	انقلاب جهانی
<i>Bloody revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلدَّامِيَّةُ	انقلاب خونبار
<i>Anti-imperialist revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ ضِدَّ اَلْاِمْبِرِيَالِيَّةِ	انقلاب ضد امپریالیستی
<i>Cultural revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلثَّقَافِيَّةُ	انقلاب فرهنگی
<i>Popular revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلشَّعْبِيَّةُ	انقلاب مردمی
<i>Constitutional revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلدِّسْتُوْرِيَّةُ	انقلاب مشروطه
<i>Sacred revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلْمَقْدَسَةُ	انقلاب مقدس
<i>Constant revolution</i>	اَلثَّوْرَةُ اَلدَّائِمَةُ	انقلاب همیشگی
<i>True revolutionaries</i>	اَلثَّوَارُ اَلْمُخْلِصُونَ	انقلابیون با اخلاص
<i>Muslim revolutionaries</i>	اَلثَّوَارُ اَلْمُسْلِمُونَ	انقلابیون مسلمان

فارسی	العربی	English
انگیزه سیاسی	الدافع السياسي	Political motive
انگیزه شخصی	النزعة الفرديّة	Personal motive
انواع شکنجه	أنواع التعذيب والتّنبيل	Various kinds of torture
اوج انقلاب	فيمّة الثّورة	Peak of a revolution
اوراق بهادر	الأوراق المميّنة	Valuable papers
اوراق ضاله (منحرفه)	الأوراق الضالّة	Seductive papers
اوضاع دشوار	الظروف الحرجة	Difficult situations
اوضاع فاجعه آميز	الوضع المأساوي	Disastrous situations
اوضاع کنونی جهان	الموقف الدّوليّ الراهن،	Present situations
	على الصّعيد الدّوليّ الراهن	of the world
اولويت ويژه	الأولويّة الخاصّة	Special priority
اوضاع محلی	المواقف الداخليّة	Local affairs
اهداف عالی	الأهداف العالیّة	Lofty objectives
اهداف مورد نظر	الأهداف المطلوبة	Intended objectives
اهدا کردن خون	التبرّع بالدم	To donate blood
اهل کتاب	أهل الكتاب	People of the Book
ایادی استعمار	أعوان الاستعمار، أذئاب الاستعمار	Hands of imperialism
ایادی بیگانه	عملاء الأجانب	Foreign hands
ایجاد ارتش ملی	تأسيس الجيش الشعبيّ	Establishment of a national army
ایجاد تغییرات	إيجاد التّغييرات	Fostering changes

فارسی	العربی	English
ایجاد جامعه توحیدی	بِنَاءُ آلِهْ جُمَعِ التَّوْحِيدِيَّ	Establishment of a monotheistic society
ایجاد دردسر کردن	خَلَقُ الِتَّمَاعِبِ	To create trouble
ایجاد سوء تفاهم کردن	خَلَقُ إِسَاعَةِ الْقَهْمِ	To create misunderstanding
ایجاد شورش و بلوا کردن	إِثَارَةُ الْفَوْضَى	To create disturbances
ایجاد کردن جو مساعد	خَلَقُ الْأَجْوَاءِ الْمُسَاعِدَةِ	To create a favorable atmosphere
ایجاد کردن حکومت ملی	تَشْكِيلُ الْحُكُومَةِ الْوَطَنِيَّةِ	To establish a national government
ایجاد کردن مشکلات	خَلَقُ آلِهْ عَصَلَاتِ	To create difficulties
ایجاد نارضائی کردن	خَلَقُ التَّدْمِرِ	To create resentment
ایدئولوژی اسلامی	الْإِيدُوْلُوجِيَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ	Islamic ideology
ایدئولوژی التقاطی	الْمَقْهُومِيَّةُ الْإِتْقَاطِيَّةُ	Eclectic ideology
ایدئولوژی انقلابی	الْإِيدُوْلُوجِيَّةُ الثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary ideology
ایدئولوژیکی	الْإِيدُوْلُوجِيَّةُ، الْمَقْهُومِيَّةُ	Ideological
ایراد کردن سخن رانی تاریخی	إِقْلَاءُ الْكَلِمَاتِ التَّارِيخِيَّةِ ، إِقْلَاءُ الْخِطَابِ التَّارِيخِيِّ	To deliver a historic speech
ایران بعد از انقلاب	إِيرَانُ بَعْدَ الثَّوْرَةِ	Post - revolutionary Iran
ایران پیش از انقلاب	إِيرَانُ قَبْلَ الثَّوْرَةِ	Pre-revolutionary Iran
ایستادگی در برابر دشمن	الصُّمُودُ أَمَامَ الْعَدُوِّ	Resistance against an enemy
ایستگاه رادیو	مَحْطَةُ الْإِذَاعَةِ	Radio station

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ایستگاه ردیابی	مَحَطَّةُ قِصَاصِ الْأَكْثَرِ ، مَحَطَّةُ الرَّسَامِ ، مَحَطَّةُ تَتَبُعِ الْأَكْثَرِ	Tracking station
ایستگاه فرستنده	مَحَطَّةُ الْأَرْسَالِ - الْبَثِّ مَحَطَّةُ تَتَبُعِ الْأَكْثَرِ	Transmitting station
ایستگاههای رادیوی مخفی	مَحَطَّاتُ الْأَذَاعَاتِ السَّرِّيَّةِ	Clandestine radiostations
ایفای نقش مهم	لَعَبُ الدَّوْرِ الْكَبِيرِ	Playing a significant role
ایمان به خدا	الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ	Belief in God
ایمان به روز قیامت	الْإِيْمَانُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ، الْإِيْمَانُ بِيَوْمِ الْمَعَادِ	Belief in resurrection
ایمان به غیب	الْإِيْمَانُ بِالْغَيْبِ	Belief in the unseen
ایمان محکم	الْإِيْمَانُ الصَّلْبُ	Firm faith
ایمان و تقوی	الْإِيْمَانُ وَالتَّقْوَى	Faith and piety

ب

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
با آتش بازی کردن	اَللَّعِبُ بِالنَّارِ	To play with fire
با اتکاء به خدا	اَلتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ	With reliance on God
با اراده مردان مؤمن	بِعَزِيمَةِ الرِّجَالِ الْمُؤْمِنِينَ	With the will of believers
با استقبال گرم روبرو شدن	اَلْمُقَابِلَةُ بِالْحَفَاوَةِ وَالْتَّرْحَابِ اَلْمَالِغِينَ	To be accorded an enthusiastic welcome
با اکثریت قریب به اتفاق	بِأَغْلَبِيَّتِهِ سَاحِقَةٍ	With an overwhelming majority
با اندوه فراوان	بِإِلْغِ الْحُزَنِ وَالْأَسَى	Sorrowfully
به اتفاق آراء	بِإِلْجَمَاعِ الْأَرَاءِ	Unanimously
با تمام سلاح	بِالْأَسَدْحَةِ الْعَامِلَةِ	Fully armed
با تمام نیرو	بِكُلِّ قُوَّةٍ	With all one's might
با چنگک و دندان جنگیدن	اَلْقِتَالُ بِالْأَسْنَانِ وَالْأظْفَارِ	To fight tooth and nail
با حسن نیت	مَعَ حَسَنِ النِّيَّةِ	With good intention

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
با خاک یکسان شده	اَلْمُدْمَرَّةُ ، اَلْمَحَطَّمَةُ	<i>Razed to the ground</i>
با دست خالی	بِيَدٍ خَالِيَةٍ	<i>Empty-handed</i>
بار مشکلات زندگی	اَعْبَاءُ الْحَيَاةِ	<i>Burden of life's problems</i>
بازآموزی ایدئولوژیکی	تَعْلِيمُ الْاَيْدِئُولُوْجِيَّةِ	<i>Ideological reeducation</i>
بازار آزاد برای صادرات	سُوْقُ حَرَّةٌ لِلصَّادِرَاتِ	<i>Free market for exports</i>
بازار بین‌المللی	اَلسُّوقُ اَلدُّوْلِيَّةُ	<i>International market</i>
بازارجنگ، میدان مبارزه	سُوْقُ اَلْحَرْبِ ، سُوْحُ اَلنِّضَالِ	<i>Battle-field</i>
بازار داخلی	اَلسُّوقُ اَلْمَحَلِّيَّةُ	<i>Internal market</i>
بازار سیاه	اَلسُّوقُ اَلسَّوْدَاءُ	<i>Black market</i>
بازار مشترک اروپا	اَلسُّوقُ اَلْاُوْرُوْپِيَّةُ اَلْمُشْتَرَكَةُ	<i>European common market</i>
بازار مشترک اسلامی	اَلسُّوقُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ اَلْمُشْتَرَكَةُ	<i>Islamic common market</i>
بازارهای جهانی	اَلْاَسْوَاقُ اَلْعَالَمِيَّةُ	<i>World markets</i>
بازاریابی	تَسْوِيْقُ اَلْبَيْضَاعَةِ	<i>Finding a market</i>
بازایستاندن حرکت ارتش	اِيْقَافُ حَرَكَةِ الْجَيْشِ	<i>To stop an army movement</i>
بازپرداخت وام	تَسَدِيْدُ الْقَرْضِ	<i>Repayment of loans</i>
بازپس گرفتن نواحی اشغال شده	اِسْتِعَادَةُ اَلنَّوَاحِي اَلْمُحْتَلَّةِ	<i>To recapture occupied areas</i>
بازجویی	اَلتَّحْقِيْقُ	<i>Interrogation</i>
بازخرید کردن	اَلْاَفْتِدَاءُ	<i>To pay off</i>
بازداشت	اَلْاَعْتِقَالُ ، اَلتَّوْقِيفُ	<i>Detention</i>
بازداشت شدگان سیاسی	اَلْمُعْتَقَلُوْنَ اَلْسِّيَاسِيُّوْنَ	<i>Political detainees</i>
بازداشت کردن گروگان‌ها	اِعْتِقَالُ اَلرَّهَائِنِ	<i>To detain hostages</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
بازداشتگاه و بازداشت شده	اَلْمَعْتَقَلُ	House of detention
بازسازی اقتصادی	تَرْمِيمُ الْبِنَاءِ اَلْاِقْتِصَادِيَّ	Economic reconstruction
بازسازی کردن	اَلْاَعْمَارُ مِنْ جَدِيدٍ	To reconstruct
بازسازی مناطق جنگی	تَجْدِيدُ الْبِنَاءِ فِي الْمَنَاطِقِ اَلْحَرْبِيَّةِ	Reconstruction of war zones
بازگرداندن حق فلسطینی ها	اِعَادَةُ حُقُوقِ اَلْفِلِسْطِينِيِّينَ	To restore Palestinian rights
بازگشائی دانشگاهها	فَتْحُ اَلْجَامِعَاتِ	Reopening of universities
بازگشت به خدا و رسول او	اَلْعَوْدَةُ اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ	Returning to God and His prophet
بازگشت به میهن عزیز	اَلْعَوْدَةُ اِلَى الْوَطَنِ اَلْحَبِيبِ	Returning home
بازگشت موفقیت آمیز	عَوْدَةٌ نَاجِحَةٌ	Successful return
بازوی امپریالیسم	ذِرَاعُ الْاَمْبِرِيَالِيَّةِ	Imperialist's arm
بازی استعمارگرایانه	اَلتَّلَاعِبُ اَلْاِسْتِعْمَارِيَّ	Imperialistic game
بازی امپریالیست	اَلتَّلَاعِبُ اَلْاَمْبِرِيَالِيَّ	Imperialist's game
بازیچه دست بیگانه	لُعْبَةُ بَيْدِ الْاَجْنَبِيِّ	Foreign puppet
بازی خطرناک سیاسی	لُعْبَةُ سِيَاسِيَّةٍ خَطِيْرَةٌ	Dangerous political game
بازی نقش ژاندارم در خلیج	لُعْبُ دَوْرِ اَلشُّرَطِيِّ فِي الْخَلِيْجِ	To play the role of gendarme in the persian Gulf area
بازی کردن نقش مهم و مؤثر	لُعْبُ دَوْرِ مُهِمٍّ وَمَوْكَّرٍ	To play an effective role
بازی های سیاسی	اَلتَّلَاعِبَاتُ اَلْسِيَاسِيَّةُ	Political games
باستقبال شهادت رفتن	اَلتَّرْحِيْبُ لِاَلْاِسْتِشْهَادِ	To welcome martyrdom
باسواد یا بیسواد	مُتَعَلِّمٌ اَمْ اُمِّيٌّ	Literate or illiterate

English	العَرَبِيّ	فارسی
Bravely	بِشَهَامَةٍ وَرَجُوَةٍ	با شهامت و مردانگی
Thankfully	مَعَ وَافِرِ الشُّكْرِ	با عرض تشکر
To free on bail	إِطْلَاقُ السَّرَاحِ بِإِلْتِفَافِهِ	با قید ضمانت آزاد کردن
Residues of vice	أَلرَّوَابِيبُ السَّيِّئَةِ	باقی مانده‌های بدی و زشتی
Regretfully	مَعَ أَلْأَسَفِ الشَّدِيدِ	با کمال تأسف
Willingly	بِجَلِّ سُرُورٍ	با کمال میل
To increase wages	رَفَعَ أَسَاسَ الرِّوَابِيبِ وَالْأُجُورِ	بالا بردن پایه حقوق و دستمزد
To increase workers' wages	رَفَعَ أُجُورَ الْعَمَالِ	بالا بردن دستمزد کارگران
To raise the level of technical knowledge	رَفَعَ مُسْتَوَى الْوَعْيِ الْفَنِيِّ	بالا بردن سطح شعور فنی
To increase the oil price	رَفَعَ أَسْعَارَ الْبِتْرُولِ	بالا بردن قیمت نفت
To increase prices	رَفَعَ الْأَسْعَارَ	بالا بردن نرخها
Escalation of economic inflation	إِرْقِيفَاعُ التَّضَخُّمِ الْأَقْتِصَادِيِّ	بالا رفتن تورم اقتصادی
Escalation of Political awareness	إِرْقِيفَاعُ مُسْتَوَى الْوَعْيِ السِّيَاسِيِّ	بالا رفتن سطح شعور سیاسی
To wrestle with problems	مُقَارَعَةُ الْمُعْضِلَاتِ	با مشکلات دست و پنجه نرم کردن
Air-way	شَرِيطَةُ الْمَطَارِ	باند فرودگاه
Smugglers' band	عِصَابَةُ التَّهْرِيبِ	باند قاچاق
Islamic Interest-free bank	الْمَصْرَفُ الْأِسْلَامِيُّ الْلَا رِبَوِيّ	بانک بی بهره اسلامی
International bank	الْبَنْكُ الْتَوَلِيّ	بانک بین المللی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
بانک جهانی	اَلْبَنْكُ الْعَالَمِيّ ، اَلْمَصْرِفُ الْعَالَمِيّ	World bank
بانک خون	مَصْرِفُ الدَّمِ	Blood bank
بانک مرکزی	اَلْبَنْكُ الْمَرْكَزِيّ	Central bank
با نهایت اشتیاق	فِي غَايَةِ الشَّوْقِ	Enthusiastically
با نیروی جانبازی و فداکاری	بِقُوَّةِ التَّضَحِّيَةِ وَالْفِدَاءِ	Sacrificially
باهتزاز درآوردن پرچم ایران	تَرَفَّرُ اَلْعَلَمِ عَلٰى رُبُوعِ اِيْرَانِ	To hoist the flag of Iran
بایکوت کردن فعالیت سیاسی	تَجْمِيْدُ نَشَاطِ اَلْحَرَكَةِ السِّيَاسِيَّةِ	To boycott political activities
به بردگی کشیدن و استثمار کردن	اَلْاُسْتِعْبَادُ وَالْاُسْتِغْلَالُ	To enslave and exploit
به بند کشیدن و بهره برداری کردن از ضعفاء	اِسْتِغْلَالُ الضَّعَفَاءِ	To enslave and exploit the deprived
بپا خاستن	اَلْقِيَامُ	To rise up
به پیروزی نهائی رسیدن	اَلْوُصُولُ اِلَى الْاَدْنٰى نِصَارٍ اَلْنِّهَائِيّ	To reach final victory
به پیش رفتن	اِلَى الْاَمَامِ	To go ahead
بت شکن	مُحَطِّمُ الْاَصْنَامِ	Idol-destroyer
به تعویق انداختن مذاکرات	تَأْجِيلُ الْمُبَاحَثَاتِ (اَلْمُحَادَثَاتِ)	To delay negotiations

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
به تلافی، به خونخواهی	أَلَاخْذُ بِالنَّارِ ، قَتْلُ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ	In retaliation for
به توافق رسیدن	الْوُصُولُ إِلَى اتِّفَاقٍ	To reach an agreement
به چیزی امید بستن	الْأَمَلُ إِلَى شَيْءٍ	To hope in something
به حالت آماده باش در آوردن	إِعْلَانُ حَالَةِ التَّأَهُّبِ فِي الْجَيْشِ ، الْجَيْشُ عَلَى أَهْبَةِ الْأَسْتِعْدَادِ	To be alert
به حال عادی برگرداندن	الْعَوْدَةُ إِلَى الْحَالَةِ الطَّبِيعِيَّةِ	To restore to normal
بحث آزاد	الْمُبَاحَثَةُ الْمَفْتُوحَةُ ، الْمُنَظَرَةُ الْمَكْشُوفَةُ	Free debate
بحث داغ و گرم	الْجِدَالُ بِحَرَارَةٍ	Heated discussion
بحث روبه‌رو	جَوْلَةُ الْمُجَابَهَةِ ، بَحْثُ الْمَوَاجَهَةِ (حوار علی)	Face-to-face discussion
بحث سیاسی	الْجَوْلَةُ السِّيَاسِيَّةُ	Political controversy
بحث فلسفی	الْبَحْثُ الْفَلَسَفِيُّ	Philosophical argument
بحث گروهی	الْبَحْثُ الْجَمَاعِيُّ	Panel discussion
بحث مستقل	الْبَحْثُ الْمُسْتَقِلُّ	Independent discussion
بحث مفید و ثمر بخش	الْجَوْلَةُ الْمُنْمِرَةُ	Effective argument
بحث مکتبی	الْبَحْثُ الْعَقَائِدِيُّ	Ideological dispute
بحران اقتصادی	الْأَزْمَةُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	Economic crisis
بحران بیکاری	أَزْمَةُ الْبِطَالَةِ	Unemployment crisis
بحران ذخیره غذایی	أَزْمَةُ إِحْتِيَاطِي الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ	Crisis of foodstuff reserves

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
بحران سوخت	أَزْمَةٌ الْوُكُودِ وَالْمَحْرُوقَاتِ	Fuel crisis
بحران فرهنگی	أَلْأَزْمَةُ الثَّقَافِيَّةُ	Educational crisis
بحران کابینه	أَلْأَزْمَةُ الْوِزَارِيَّةُ	Crisis of a cabinet
بحران گروگان‌ها	أَزْمَةُ الرِّهَائِنِ	Hostages' crisis
بحران نفت	أَزْمَةُ الْبِتْرُولِ	Oil crisis
بحران‌ها و مشکلات	أَلْأَزْمَاتُ وَ اَلْمَتَاعِبُ	Crises and problems
بحران‌های سیاسی	أَلْأَزْمَاتُ السِّيَاسِيَّةُ	Political crises
بحران‌های شدید	أَلْأَزْمَاتُ اَلْطَّاحِنَةُ	Hard crises
به‌حضور رسیدن (شرفیاب شدن)	أَلْتَشْرِفُ بِمُقَابَلَتِهِ ...	To be received in audience
به‌حضور طلبیدن (پذیرفتن)	أَلْأَسْتِقْبَالُ ...	To grant an audience
به‌خرج دولت	عَلَى كَتَافِ اَلْحُكُومَةِ	At a government's expense
بخش اشغالی	اَلْجُزْءُ اَلْمُحْتَلُّ	Occupied area
بخش حفاظت - نگهداری	قِسْمُ اَلصِّيَانَةِ	Security section
بخش خصوصی	اَلْقِطَاعُ الْخَاصُّ	Private sector
بخش سیاسی - ایدئولوژی	اَلْقِسْمُ السِّيَاسِيُّ اَلْأَيْدِئُولُوجِيَّيْ	Politico-ideological department
بخش عمومی	اَلْقِطَاعُ اَلْعَامُّ	Public sector
بخش فرهنگی	اَلْقِسْمُ اَلثَّقَافِيُّ	Cultural section
بخشنامه	اَلتَّعْمِيمُ ، اَلْمَنْشُورُ اَلدَّوْرِيُّ	Directive
بدترین وضع	أَخْسُ مَوْقِفٍ ، أَحْطَ صُورَةٍ	The worst situation
بدخواهان	اَلْمُسِيءُونَ	Ill-wishers

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
بدرفتاری	اَلْمُعَامَلَةُ اَلْسَيِّئَةُ	<i>Ill-treatment</i>
بدرقه گرم	اَلتَّوَدِيعُ بِحِفَاوَةٍ	<i>Warm welcome</i>
به دریافت جایزه نوبل نائل گردیدن	اَلْفَوْزُ بِجَائِزَةِ اَلنُّوبَلِ	<i>To win the Noble Prize</i>
به دست آوردن پیروزی	اِحْرَازُ اَلنَّصْرِ	<i>To achieve victory</i>
به دست آوردن قدرت	اِكْتِسَابُ اَلْقُدْرَةِ	<i>To acquire power</i>
بدون پایه و اساس	عَارٍ مِنْ اَلصَّحَّةِ ، لِاَسَاسٍ لَهُ مِنْ اَلصَّحَّةِ	<i>Without foundation</i>
بدون خون ریزی	بِدُونِ سَفْكِ اَلدِّمَاءِ	<i>Bloodless</i>
بدون قید و شرط آزاد کردن	اَلْاَعْتِقَاقُ بِدُونِ قَيْدٍ وَلاَ شَرْطٍ	<i>To release unconditionally</i>
بر آوردن نیازها	اِنْجَازُ اَلْحَاجَاتِ ، قَضَاءُ اَلْحَاجَاتِ	<i>To fulfil needs</i>
برادران انقلابی	اَلْاُخُوَّةُ اَلثَّوْرِيَّةُ	<i>Revolutionary brothers</i>
برادران بی دفاع	اَلْاُخُوَّةُ اَلْاَدْرِیَاءُ	<i>Defenseless brothers</i>
برادران مسلمان	اَلْاُخُوَّةُ اَلْمُسْلِمُونَ	<i>Muslim brothers</i>
برادران و یاوران	اَلْمَتَآخُونَ وَ اَلْمَتَعَاضِدُونَ	<i>Brothers and companions</i>
بر اساس مصالح دوجانبه	عَلَى اَسَاسِ اَلْمَصَالِحِ اَلْمُتَبَادَلَةِ	<i>Based on mutual interests</i>
بر افروختن آتش جنگ داخلی	اِشْعَالُ ذَاكِ اَلْحَرْبِ اَلدَّاخِلِيَّةِ	<i>Rekindle the fire of a civil war</i>
بر انداختن رژیم	اَلْاَطَاحَةُ بِاَلْحَكْمِ ، اَلْاَطَاحَةُ بِاَلنِّظَامِ اَلْحَاكِمِ	<i>To topple a regime</i>
برای خاطر پایان دادن به جنگ	لِاَجْلِ اِنْهَاءِ اَلْحَرْبِ	<i>For the purpose of ending a war</i>

فارسی	العَرَبِيّ	English
برای رفع خستگی	تَرَوِيحًا لِّلنَّفْسِ	<i>For refreshment</i>
برای وحدت عمل و هدف	مِنْ أَجْلِ وَحْدَةِ الْعَمَلِ وَالْهَدَفِ	<i>For the unity of action and purpose</i>
برپا کردن تظاهرات	إِقَامَةُ الْمَظَاهِرَاتِ	<i>To stage demonstrations</i>
برپا کردن جشن	إِقَامَةُ الْحَفْلِ	<i>To hold a ceremony</i>
برپا کردن قوانین اسلامی	إِقَامَةُ الْقَوَائِدِ الْإِسْلَامِيَّةِ	<i>To enact Islamic laws</i>
برپا کردن مانورهای نظامی	إِقَامَةُ الْمُنَاوَرَاتِ الْعَسْكَرِيَّةِ	<i>To set up military manoeuvres</i>
برپایی جمهوری اسلامی	إِقَامَةُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	<i>To establish the Islamic republic</i>
بر پایه‌های مکتبی	عَلَى أَسْسِ عَقَائِدِيَّةٍ	<i>On ideological foundations</i>
برتری آرمان و ایده	الْمَثَلُ الْأَعْلَى	<i>Superiority of idea</i>
برتری به دست آوردن	إِحْرَازُ التَّفَوُّقِ	<i>To achieve supremacy</i>
برتری نظامی	التَّفَوُّقُ الْعَسْكَرِيُّ	<i>Military supremacy</i>
برج عاج	بُرْجُ الْعَاجِ	<i>Ivory tower</i>
برج مراقبت	بُرْجُ الْمُرَاقَبَةِ (الْمَرَصِدِ)	<i>Watch tower</i>
بر حسب ظاهر	عَلَى الظَّاهِرِ	<i>Apparently</i>
برخورد ابر قدرت‌ها	إِصْطِدَامُ الْقُوَى الْعَظْمَى	<i>Confrontation of big powers</i>
برخورداری از حقوق سیاسی	مُمَارَسَةُ الْحَقُوقِ السِّيَاسِيَّةِ	<i>Enjoying political rights</i>
برخورد بین‌المللی	إِصْطِدَامُ دَوْلِيٍّ	<i>International conflict</i>
برخورد خصمانه	الْأَصْطِدَامُ الْعِدَائِيُّ	<i>Hostile confrontation</i>
برخورد شدید	الْأَصْطِدَامُ الْعَنِيفُ	<i>Hard conflict</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
برخورد مسلحانه	اَلْأَصْطِدَامُ اَلْمُسَلَّحُ	Armed conflict
برخورد منافع	اِحْتِكَاءُ اَلْمَصَالِحِ	Conflict of interests
برخورد نظامی	اَلْأَشْتِبَاكُ اَلْعَسَكِيُّ	Military confrontation
برخوردهای خیابانی	اَلْأَشْتِبَاكَاتُ اَلشَّارِعِيَّةُ	Street clashes
برخوردهای داخلی	اَلْأَصْطِدَامَاتُ اَلدَّاخِلِيَّةُ	Internal conflicts
برخوردهای سیاسی-اجتماعی	اَلْأَصْطِدَامَاتُ اَلسِّيَاسِيَّةُ اَلْأَجْتِمَاعِيَّةُ	Politico-socio conflicts
برخورد هسته‌ای	اَلْأَصْطِدَامُ اَلنُّوَوِيّ	Nuclear confrontation
بردگی و استثمار	اَلْأَسْتِعْبَادُ ، اَلْأَسْتِغْلَالُ	Slavery and exploitation
بررسی اوضاع	اِسْتِعْرَاضُ اَلْمَوْقِفِ ، دِرَاسَةُ اَلْمَوْقِفِ	Survey of situations
بررسی تاریخ	دِرَاسَةُ اَلتَّارِيخِ	Survey of the history
بررسی خود کفائی	تَحْقِيقُ اَلْاَكْتِفَاءِ اَلذَّاتِيِّ	Investigation of self-sufficiency
بررسی فرهنگ و تمدن اسلامی	دِرَاسَةُ اَلثَّقَافَةِ وَ اَلْحَضَارَةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Survey of the Islamic culture and civilization
بررسی مشکلات اجتماعی	دِرَاسَةُ اَلْمَشَاكِلِ اَلْأَجْتِمَاعِيَّةِ	Survey of social problems
بررسی مشکلات منطقه	دِرَاسَةُ مَشَاكِلِ اَلْمِنْطَقَةِ	Survey of regional problems
بررسی نیروی انسانی لازم	دِرَاسَةُ اَلْقُوَّةِ اَلبَشَرِيَّةِ اَلْاَلَزِمَةِ	Investigation of necessary man-power
بررسی‌های اجتماعی	اَلدِّرَاسَاتُ اَلْأَجْتِمَاعِيَّةُ	Social investigations
بررسی‌های علمی	اَلدِّرَاسَاتُ اَلْعِلْمِيَّةُ	Scientific investigations

English	فارسی	الْعَرَبِيُّ
<i>Bourgeois</i>	بورژوازی	الْبُرْجُوزِيَّةُ
<i>On defenseless people</i>	برسر مردم بی دفاع	عَلَى رُؤُوسِ النَّاسِ الْأَبْرِيَاءِ
<i>To recognize</i>	به رسمیت شناختن	الْأَعْتِرَافُ
<i>To iron out differences</i>	برطرف کردن اختلافات	تَبْدِيلُ الْخِلَافَاتِ
<i>To meet needs</i>	برطرف کردن نیازها	رَفْعُ الْحَوَائِجِ
<i>On the top of centuries</i>	بر فراز قرون	عَبْرَ الْقُرُونِ
<i>To establish relations</i>	برقرار کردن روابط بین	إِيجَادُ الْعِلَاقَاتِ
<i>between universities</i>	دانشگاه‌ها	بَيْنَ الْجَامِعَاتِ
<i>To set up air and sea</i>	برقرار کردن روابط هوایی	إِقَامَةُ إِرْتِبَاطِ جَوِّيٍّ وَبَحْرِيٍّ
<i>links</i>	و دریائی	
<i>To establish peace and</i>	برقراری صلح و امنیت	إِقْرَارُ السَّلَامِ
<i>security</i>		
<i>To dismiss from service</i>	برکنار کردن از خدمت	الْفَصْلُ مِنَ الْوِظَيفَةِ
<i>To return assets</i>	برگرداندن دارائی‌ها	إِعَادَةُ الثَّرَوَاتِ
<i>To return the spirit of</i>	برگرداندن روح تمدن	إِعَادَةُ رُوحِ الْحَضَارَةِ
<i>civilization to nations</i>	به ملت‌ها	إِلَى الشُّعُوبِ
<i>To recapture</i>	برگرداندن قدس غصب شده	إِسْتِرْجَاعُ الْقُدْسِ الْمَغْتَصَبَةِ
<i>occupied Guods</i>		
<i>To restore a taghouti</i>	برگرداندن وضع طاغوتی	إِعَادَةُ الْحَالَةِ الطَّاغُوتِيَّةِ
<i>regime</i>		
<i>To perform prayers</i>	برگزاری نماز	أَدَاءُ الصَّلَاةِ
<i>Return to Islam</i>	برگشت به اسلام	الْعُودَةُ إِلَى الْإِسْلَامِ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
برگشت به میدان سیاست	عَوْدَةٌ إِلَى مَجَالِ السِّيَاسَةِ	Return to a political arena
برگشت به نقطه اول (عقب نشینی)	عَوْدَةٌ عَلَى بَدْءٍ	Return to an original point
برگشت پیروزمندانه	اَلْعَوْدَةُ الظَّاهِرَةُ	Successful return
برگشت نیروها	عَوْدَةُ الْقُوَى	Return of forces
برگ شناسائی	بِطَاقَةِ اَلْهَوِيَّةِ	Idendity card
برگ گواهی عدم سوء پیشینه	شَهَادَةُ حُسْنِ السُّلُوكِ	Clearance paper
برگ معافیت ترخیص کالا	وَرَقَةُ اِعْفَاءٍ تَرْخِيصِ اَلْبَضَائِعِ	Customs clearance
برنامه آموزش نظامی	بِرْنامَجِ اَلتَّدْرِيبِ اَلْعَسْكَرِيِّ	Program of military training
برنامه اصلاح ارضی	بِرْنامَجِ كَعْدِيلِ اَلْأَرْضِ	Land reform program
برنامه انقلاب فرهنگی	مَشْرُوعُ اَلثَّوْرَةِ اَلثَّقَافِيَّةِ	Program of cultural revolution
برنامه انقلابی	اَلْبِرْنامَجُ اَلثَّوْرِي	Revolutionary program
برنامه بهداشتی	اَلْبِرْنامَجُ اَلصِّحِّي	Health program
برنامه تقسیم زمین	بِرْنامَجُ تَقْسِيمِ اَلْأَرْضِ	Land distribution program
برنامه ریزی بسیج	تَخْطِيطُ اَلتَّعْبِيَةِ	Mobilisation planning
برنامه ضربتی	بِرْنامَجُ اِنْقِلَابِي	Crash program
برنامه کار سران	جَدْوَلُ اَعْمَالِ اَلْقِمَّةِ	Program of the summit
برنامه مبارزه با موادمخدر	مَشْرُوعُ مُكَافَحَةِ اَلْمَخْدَرَاتِ	Anti - narcotic program
برنامه نوسازی	مَشَارِيعُ اَلتَّجْدِيدِ	Modernization program
برنامه های استراتژی	اَلْبِرَامِجُ اَلْاَسْتِرَاجِيَّةُ	Strategic plans
برنامه های تربیتی	اَلْبِرَامِجُ اَلتَّرْبَوِيَّةُ	Educational plans

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
برنامه‌های تفریحی	بَرَامِجُ التَّسْلِيَةِ	Recreational plans
برنامه‌های جدید	اَلْمَشَارِيعُ الْجَدِيدَةُ	Modern plans
برنامه‌های خانه‌سازی	اَلْمَشَارِيعُ السَّكْنِيَّةُ	Housing plans
برنامه‌های دولت جدید	اَلْمَنْهَجُ اَلْوِزَارِيُّ لِاَلْحُكُومَةِ الْجَدِيدَةِ	Programs of a new government
برنامه‌های روزانه	اَلْبَرَامِجُ اَلْيَوْمِيَّةُ	Daily schedules
برنامه‌های علمی	اَلْمَنْهَاجُ اَلْعِلْمِيَّةُ	Scientific programs
برنامه‌های عمرانی	بَرَامِجُ اَلتَّوَسُّيعِ ، اَلْمَشَارِيعُ اَلْعَمْرَانِيَّةُ	Development plans
برنامه‌های ملی	اَلْبَرَامِجُ اَلْوَطَنِيَّةُ	National plans
به ریاست	بِرِئَاسَةِ	Under the chairmanship of
بزرگداشت خاطره	تَعْرِيدُهُمُ اَلذِّكْرَى	Honoring the memory of
بزرگ کردن مسائل	تَعْظِيمُ اَلْقَضَايَا	To magnify problems
به زندان برگرداندن	اَلْاَعَادَةُ اِلَى اَلسَّجْنِ	To return to a prison
بستن دانشگاه‌ها	اِغْلَاقُ اَلْجَامِعَاتِ ، تَعْطِيلُ اَلْجَامِعَاتِ	To close down universities
بستن مراکز فساد و فحشا	اِغْلَاقُ مَرَاكِزِ اَلْفَسَادِ اَوِ اَلْفَحْشَا	To close down the centers of corruption
بستن مرزها	اِغْلَاقُ اَلْحُدُودِ	To close borders
به سرکردگی امپریالیسم	بِرِئَاسَةِ اَلْاِمْبِرِيَالِيَّةِ	Headed by imperialism
بسمه تعالی (به نام خدا)	بِسْمِ تَعَالَى	In the name of the Most High
بسیج ارتش	تَعْيِيْنَةُ اَلْجَيْشِ	Army mobilisation

فارسی	اَلْعَرَبِيّ	English
بسیج اقتصادی	اَلتَّعْبِيَةُ اَلْاِقْتِصَادِيَّةُ	<i>Economic mobilisation</i>
بسیج عمومی (همگانی)	اَلتَّعْبِيَةُ اَلْعَامَّةُ	<i>Public mobilisation</i>
بسیج مستضعفین	تَّعْبِيَةُ اَلْمُسْتَضْعَفِيْنَ	<i>Mobilisation of the deprived</i>
بشکه نفت	بِرْمِيلُ اَلنَّفْطِ	<i>Oil barrel</i>
به شهادت نایل آمدن	نَيْلُ الشَّهَادَةِ	<i>To achieve the position of a martyr</i>
بعد از انقلاب	بَعْدَ الثَّوْرَةِ	<i>Post- revolutionary</i>
بعد مادی	اَلْبَعْدُ اَلْمَادِيّ	<i>Material dimension</i>
بعد معنوی	اَلْبَعْدُ اَلْمَعْنَوِيّ	<i>Spiritual dimension</i>
به فرمان	حَسَبَ اَلْأَمْرِ	<i>At the behest of</i>
بقایای رژیم قبلی	بَقَايَا اَلنِّظَامِ اَلْسَّابِقِ (اَلْمَتَقَدِّمِ)	<i>Remnants of the previous regime</i>
بقای سلامت و سعادت	اِسْتِمْرَارُ اَلسَّلَامَةِ وَ اَلسَّعَادَةِ	<i>Continued health and prosperity</i>
به قول معروف	عَلَى رَأْيِ اَلْمَثَلِ	<i>So-called</i>
به کاربردن نیروی اتم در راه صلح جهانی	اِسْتِخْدَامُ اَلطَّاقَةِ اَلذَّرِّيَّةِ لِاَجْلِ اَلسَّلَامِ اَلْعَالَمِيِّ	<i>To exploit atomic power for the world peace</i>
به کار گرفتن بمب‌های آتش‌زا	اِسْتِعْمَالُ اَلْقَنَابِلِ اَلْحَارِقَةِ	<i>To utilize incendiary bombs</i>
به کارگماشتن زنان	تَوْظِيفُ اَلنِّسَاءِ	<i>To employ women</i>
به لباس اسلام	فِي زِيِّ اَلْاِسْلَامِ	<i>In the guise of Islam</i>
به لطف خدا	بِعِินَايَةِ اَللّٰهِ	<i>By the grace of God</i>

فارسی	العربی	English
بلعیدن دولت‌های کوچک	إِبْتِلَاعُ الدُّوَلِ الصُّغَرَى	To devour small countries
بلند کردن (شعار دادن)	رَفَعَ الْأَلْفِتَاتِ ...	To chant a slogan
بلندگوهای استعمار	أَبْوَاقُ الْأَسْتِعْمَارِ	Mouthpieces of imperialism
بلندگوهای غرب	أَبْوَاقُ الْغَرْبِ	Mouthpieces of the west
بلندی‌های استراتژیک	الْأَرْضِيفَاعَاتُ الْأَسْترَاتِيجِيَّةِ	Strategic heights
بلوف سیاسی	الْنَتَاشُ السِّيَاسِيُّ	Political bluff
بلوك شرق	الْكُتْلَةُ الشَّرْقِيَّةُ ، الْمُعَسَّرُ الشَّرْقِيُّ	Eastern bloc
بلوك غرب	الْكُتْلَةُ الْغَرْبِيَّةُ ، الْمُعَسَّرُ الْغَرْبِيُّ	Western bloc
بلوکه کردن سرمایه	قَحْمَ بِنْدَرُؤُسِ الْأَمْوَالِ	To block assets
بمب اتم	الْقُبْلَةُ الذَّرِّيَّةُ	Atomic bomb
بمباران تأسیسات نظامی	قَصْفُ الْمُنْشآتِ الْعَسْكَرِيَّةِ	Bombardment of military installations
بمباران شهرهای مسکونی	قَصْفُ الْمَدَنِ السَّكَنِيَّةِ	Bombardment of residential cities
بمباران وحشیانه	الْقَصْفُ الْوَحْشِيُّ	Savage bombardment
بمباران هوایی	الْغَارَاتُ الْجَوِّيَّةُ . الْقَصْفُ الْجَوِّيُّ	Air bombardment
بمب افکن	قَذْفَةُ الْقَنَابِلِ	Bomber
بمب انداختن	قَذَفَ الْقَنَابِلِ	To launch a bomb
بمب ساعتی	الْقُبْلَةُ الْمَوْقُوتَةُ	Time bomb

English	العَرَبِيّ	فارسی
To plant a bomb	نَصَبُ الْقُنْبُلَةِ	بمب کار گذاشتن
Incendiary bombs	القَنَابِلُ الْمُحَرِّقَةُ	بمب های آتش زا
Tears bombs	القَنَابِلُ الْمُسِيلَةُ لِلدَّمُوعِ	بمب های اشک آور
Microbic bombs	القَنَابِلُ الْأَسَاسَةُ (الْجُرُومِيَّةُ)	بمب های حامل میکرب
Cluster bombs	قَنَابِلُ الْعُنُقُودِيَّةِ	بمب های خوشه ای
Napalm bombs	قَنَابِلُ النَّبَالِمِ	بمب های ناپالم
Petrol bombs	القَنَابِلُ الْبِتْرُولِيَّةُ	بمب های بنزینی
Guided bombs	القَنَابِلُ الْمُوَجَّهَةُ	بمب های هدایت شونده
Hydrogenous bombs	القُنْبُلَةُ الْهَيْدْرُوجِيَّةُ	بمب هیدروژنی
To protest against	التَّدْمُرُ	به مخالفت برخاستن
To put into practice	تَنْفِيذُ الْعَمَلِيَّاتِ	به مرحله اجرا در آوردن
To condemn to death	الْحُكْمُ بِالْمَوْتِ	به مرگ محکوم کردن
On the occasion of	بِمُنَاسَبَةِ	به مناسبت
In the name of Islam	بِاسْمِ الْأِسْلَامِ	به نام اسلام
Political deadlock	فَشْلُ الْمَسَاعِي السِّيَاسِيَّةِ	بن بست سیاسی
Military deadlock	فَشْلُ الْمَسَاعِي الْعَسْكَرِيَّةِ	بن بست نظامی
Slaves of Satan	عَبْدَةُ الشَّيْطَانِ	بندگان شیطان
To serve the interests of	الْعَمَلُ بِصَالِحِ ...	به نفع کسی عمل کردن
Social foundation	الْمَوْسَسَةُ - الْمُنْتَظَمَةُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ	بنیاد اجتماعی
War victims' foundation	مَوْسَسَةُ ضَحَايَا الْحَرْبِ	بنیاد جنگ زدگان
Martyrs' foundation	مَوْسَسَةُ الشَّهْدَاءِ	بنیاد شهید

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Foundation for the undertrodden</i>	مُؤَسَّسَةُ الْمُسْتَضْعِفِينَ	بنیاد مستضعفان
<i>Housing foundation</i>	مُؤَسَّسَةُ الْبِنَاءِ	بنیاد مسکن
<i>N.B. foundation</i>	لَجْنَةُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ	بنیاد نهج البلاغه
<i>Culmination of a revolution</i>	دَجَاحُ الثَّوْرَةِ	به نتیجه رسیدن انقلاب
<i>Founder</i>	الْمُؤَسِّسُ	بنیان گذار
<i>Emergency budget</i>	الْمِيزَانِيَّةُ الْمُسْتَعْجَلَةُ	بودجه اضطراری
<i>Ratified budget</i>	الْمِيزَانِيَّةُ الْمَصَادِقُ عَلَيْهَا	بودجه تصویب شده
<i>General budget</i>	الْمِيزَانِيَّةُ الْعَامَّةُ	بودجه کل
<i>National budget</i>	الْمِيزَانِيَّةُ الْوَطَنِيَّةُ	بودجه ملی
<i>Scholarship</i>	زَمَانَةُ دِرَاسِيَّةٍ، بُورْصَةُ دِرَاسِيَّةٍ، مِئْنَةُ دِرَاسِيَّةٍ	بودس تحصیلی
<i>Propagandistic trumpets</i>	أَدْوَاقُ الدَّعَايَةِ وَالنَّشْرِ	بوق های تبلیغاتی
<i>To improve situations</i>	تَحْسِينُ الْأَوْضَاعِ	بهبود بخشیدن به اوضاع
<i>Welfare of the deprived</i>	تَحْسِينُ حَالَةِ الْمُسْتَضْعِفِينَ	بهبود حال مستضعفین
<i>Improvement of relations</i>	تَحْسِينُ الْعِلَاقَاتِ	بهبود روابط
<i>To accomplish an objective</i>	الْوُصُولُ إِلَى الْهَدَفِ	به هدف رسیدن
<i>To disturb calculations(plans)</i>	تَغْيِيرُ الْحِسَابَاتِ	به هم زدن محاسبات
<i>To debunk</i>	الْأَفْضَاحُ	بی آبرو کردن
<i>To discredit a revolution</i>	إِفْتِرَاعُ حَقِيقَةِ الثَّوْرَةِ	بی اعتبار کردن انقلاب
<i>Restless</i>	الْتِّقَلُّ، إِضْطِرَابُ النَّفْسِ	بی امان
<i>Government's statements</i>	تَصَرُّفَاتُ الْحُكُومَةِ	بیانات دولت

فارسی	العربی	English
بیان شدیدالحن	الْكَلِمَةُ الشَّدِيدَةُ اَللَّهْجَةُ	Harsh statement
بیان گرم و داغ	قَصَرِدِحَاتُ حَارَّةٌ	Fervid rhetoric
بیانیه تحریک آمیز	بَيَانَاتٌ مُهَيِّجَةٌ	Provocative statement
بیانیه رسمی	اَلْبَلَاغُ الرَّسْمِيُّ، اَلْبَيَانُ الرَّسْمِيُّ	Official communiqué
بیانیه شماره	بَيَانٌ رَقْمٌ	Communiqué No
بیانیه مشترک	اَلْبَيَانُ اَلْمُشْتَرَكُ	Joint communiqué
بیانیه وزارت دفاع	بَلَاغُ وَزَارَةِ اَلدِّفَاعِ	Communiqué of the Ministry of Defense
بیانیه های نظامی	اَلْبَلَاغَاتُ اَلْعَسَكِيَّةُ	Military communiqués
بی بند وباری (لاقیدی)	اَلْاِسْتِهْتَارُ	Indolence
به یاری خدا	بِعَوْنِ اَللّٰهِ	With God's help
بی بهره از آزادی	مَحْرُومٌ مِّنْ اَلْحُرِّيَّةِ	Deprived of freedom
بیت المال	بَيْتُ اَلْمَالِ	public treasury
بیدار ساختن مسلمانان	دَوْعِيَّةُ اَلْمُسْلِمِينَ	To awaken muslims
بیداری اسلامی	اَلْيَقَظَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic awareness
بیداری سیاسی	اَلْيَقَظَةُ اَلْسِّيَاسِيَّةُ	Political awareness
بیداری و هوشیاری دائم	اَلْيَقَظَةُ وَ اَلصَّحْوَةُ اَلدَّائِمَةُ	Constant awareness
بیدریغ	بَغِيرَ فِشَلٍ	Unflinching
بیرون راندن بیگانگان	اِخْرَاجُ اَلْاَجَانِبِ	To expell foreigners
بی سواد	اَلْاُمِّيُّ، غَيْرُ مُتَعَلِّمٍ	Illiterate
بی شرم	قَلِيلُ اَلْحَيَاءِ	Impudent
بی طرف	غَيْرُ مُتَحَيِّزٍ	Impartial

English	العربی	فارسی
<i>Impartially</i>	الْجِیَادِیُّ	بی طرفانه
<i>Impartiality</i>	الْجِیَادُ، عَدَمُ الْأُحْیَازِ	بی طرفی
<i>People's allegiance</i>	بِیْعَةُ النَّاسِ	بیعت مردم
<i>Out of work</i>	عَاطِلٌ عَنِ الْعَمَلِ ، جِدُونِ عَمَلٍ	بیکار
<i>Unemployment</i>	الْبَطَالَةُ	بیکاری
<i>Unpaid labor</i>	السُّخْرَةُ	بیگاری
<i>Foreign</i>	الْأُجْنَبِيُّ	بیگانه
<i>Xenophilous</i>	الْمُحِبُّ لِلْأُجْنَبِيِّ	بیگانه پرست
<i>Patients suffering from</i>	الْمَرْضَى الْمُصَابُونَ	بیماران مبتلا به
<i>Mental hospital</i>	مُسْتَشْفَى الْأَمْرَاضِ الْعَقْلِيَّةِ	بیمارستان روانی
<i>Mobile hospital</i>	الْمُسْتَشْفَى الْمُتَحَرِّكُ	بیمارستان متحرک
<i>Military hospitals</i>	الْمُسْتَشْفَى الْعَسْكَرِيَّةُ	بیمارستان های نظامی
<i>Fatal disease</i>	الْمَرَضُ الْخَطِيرُ	بیماری خطرناک
<i>Contiguous diseases</i>	الْأَمْرَاضُ الْمُسْتَوَاطِنَةُ	بیماری های بومی
<i>Contagious diseases</i>	الْأَمْرَاضُ الْمُعْدِيَّةُ	بیماری های مسری
<i>Health insurance</i>	التَّأْمِينُ الصَّحِّيُّ	بیمه بهداشت
<i>To internationalize a crisis</i>	قَدْوِيلُ الْأَزْمَةِ	بین المللی کردن بحران
<i>Self-sufficiency</i>	الْكَفَايَةُ الذَّائِقَةُ، الْأُسْتِغْنَاءُ عَنِ الْغَيْرِ	بی نیازی از دیگران

پ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
پاداش کارمندان	مُخَافَاةُ اَلْمَوْظِعِينَ	Office workers' bonus
پادگان نظامی	اَلْقَاعِدَةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ ، اَلْحَامِيَّةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Army garrison
پارتی بازی	اَلْوِسَاطَةُ	To display favortism
پاره کردن زنجیرهای استعمار	قَطْعُ سِلَاسِلِ اَلْاِسْتِعْمَارِ	Cast off the shackles of imperialism
پاسخ مثبت	اَلْاُجَابَةُ اَلْمُثَبَّتَةُ	Positive response
پاسخ منفی	اَلْجَوَابُ اَلْمَنْفِيُّ	Negative response
پاسداران اسلام	حُمَاةُ اَلْاِسْلَامِ ، حَرَسَةُ اَلْاِسْلَامِ	Guards of Islam
پاسداران انقلاب اسلامی	حُمَاةُ اَلثَّوْرَةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ (حُرَّاسِ)	Islamic revolutionary guards
پاسداران مرزی	اَلْقَوَاتُ اَلْحُدُودِيَّةُ	Frontier guards
پاسگاه پلیس	مَخْفَرُ اَلشَّرْطَةِ	Police station

فارسی	العربی	English
پاسگاه ژاندارمری	مَخْفَرُ الدَّرَكِ	<i>Gendarmerie outpost</i>
پاسگاه‌های مرزی	اَلْمَخَافِرُ اَلْحُدُودِيَّةُ	<i>Border posts</i>
پاشیدن تخم اختلاف	زَرَعُ بَذُورِ اَلْخِلَافِ	<i>To plant seeds of discord</i>
پاکسازی	اَلتَّطْهِيرُ	<i>Purge</i>
پاکسازی اداری	اَلتَّطْهِيرُ اَلْاِدَارِيّ	<i>Administrative purge</i>
پاکسازی‌های داخلی	اَلتَّطْهِيرَاتُ اَلدَّاخِلِيَّةُ	<i>Internal purges</i>
پاک کردن فرهنگ و ارداتی	اِزَالَةُ اَلتَّقَاةِ اَلْمُسْتَوْرَدَةِ	<i>To purify the Imported Culture</i>
پالایشگاه نفت	مَصْفَى اَلْبِتْرُولِ ، مَصْفَى كَثْرِبِرِ اَلنِّفْطِ	<i>Oil refinery</i>
پایان پیروزمندانه	اَلْاَدْتِصَارُ اَلنِّهَائِيّ	<i>Successful end</i>
پایان دادن جنگ	اِنْهَاءُ اَلْحَرْبِ	<i>To end a war</i>
پایتخت‌های دول اسلامی	عَوَاصِمُ اَلدُّوَلِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	<i>Islamic capitals</i>
پایتخت همیشگی	اَلْعَاصِمَةُ اَلدَّائِمِيَّةُ	<i>Constant capital</i>
پایداری و استقامت	اَلصُّمُودُ وَاَلْمَقَاوَمَةُ	<i>Resistance</i>
پایگاه اختلاف	قَاعِدَةُ اَلْخِلَافِ	<i>Bastion of opposition</i>
پایگاه استراتژی	اَلْقَاعِدَةُ اَلْاَسْتِرَاطِيَّةُ	<i>Strategic position</i>
پایگاه استعمار	رَكِيْزَةُ اَلْاَسْتِعْمَارِ	<i>Bastion of imperialism</i>
پایگاه الهی شهادت	قَاعِدَةُ اَلْاَسْتِشْهَادِ اَلْاِلَهِيَّةِ	<i>Divine position of martyrdom</i>
پایگاه چریک‌ها - پایگاه (کلاه سبزها) - پایگاه رنجرها	قَاعِدَةُ حَرْبِ اَلْعِصَابَاتِ ، (قَوَاتِ اَلْمَغَاوِيْرِ)	<i>Guerrillas' base</i>
پایگاه دریایی	اَلْقَاعِدَةُ اَلْبَحْرِيَّةُ	<i>Naval base</i>

فارسی	العربی	English
پایگاه متمایل به غرب	(قَاعِدَةُ) الْجَنَاحِ الْمُتَمَائِلُ لِلْغَرْبِ	<i>Pro-western position</i>
پایگاه موشک انداز	قَاعِدَةُ إِطْلَاقِ الصَّوَارِيخِ	<i>Launching pad</i>
پایگاه نظامی	القَاعِدَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	<i>Military base</i>
پایگاه هوایی	القَاعِدَةُ الْجَوِّيَّةُ	<i>Air base</i>
پایگاههای نظامی بیگانه	القَوَاعِدُ الْعَسْكَرِيَّةُ الْأَجْنَبِيَّةُ	<i>Foreign military bases</i>
پایمال کردن حقوق انسان	سَحْقُ الْحُقُوقِ الْإِنْسَانِيَّةِ	<i>Trample upon man's rights</i>
پایه دموکراسی	الِدِّعَامَةُ الدِّيمُقْرَاطِيَّةُ	<i>Foundation of democracy</i>
پایه گذاری کردن	إِرْسَاءُ الْأَسَاسِ	<i>To lay a foundation</i>
پایه محکم	الْأَسَاسُ الْمُتَمَيِّنُ، قَاعِدَةُ صُلْبَةٍ	<i>Solid foundation</i>
پایه های اصلی	الْأُسُسُ الْأَرْكَاسِيَّةُ	<i>Fundamental bases</i>
پایه های انقلاب اسلامی	أُسُسُ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	<i>Foundations of the Islamic revolution</i>
پایه های زندگی	أُسُسُ الْحَيَاةِ	<i>Foundations of life</i>
پائین آمدن سطح فرآورده های نفتی	إِنْخِفَاضُ مُسْتَوَى إِدْتِاجِ النَّفْطِ (تَخْفِيفُ)	<i>Decrease in oil products</i>
پائین آمدن قیمت ها	هَبُوطُ الْأَسْعَارِ	<i>Fall of prices</i>
پخش برنامه ها	بَثُّ الْبَرَامِجِ	<i>Broadcasting programs</i>
پخش خبر	نَشْرَةُ الْأَخْبَارِ	<i>News broadcast</i>
پخش دارو	تَوَزُّعُ الْأَدْوِيَةِ	<i>Distribution of medicine</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
Spread of rumors	النَّشْرَةُ الشَّائِعَةُ	پخش شایعه
Distribution of useful films	تَوَزِيعُ الْأَفْلامِ الْمُفِيدَةِ	پخش فیلم های مفید
Distribution of revolutionary publications	تَوَزِيعُ الْمَنْشُورَاتِ الثَّوْرِيَّةِ	پخش نشریات انقلابی
Phenomenon of brutality	الظَّاهِرَةُ الْعَنِيفَةُ	پدیده خشونت
Intellectual phenomena	الْمُظَاهِرُ الْفِكْرِيَّةُ	پدیده های فکری
Manifestations of a progressive society	مُظَاهِرُ الْمُجْتَمَعِ الْأَرَقِي	پدیده های يك جامعه مرقى
To disperse muslims	كَشَتَبَتِ الْمُسْلِمِينَ	پرا كندن مسلمين
To launch a rocket	إِطْلَاقُ الصَّارُوخِ	پرتاب كردن موشك
Densely-populated	الْمُرْدَحَمَةُ ، كَثِيرُ الْنَفُوسِ	پر جمعيت
Flag of oppression	عَلَمُ الظُّغْيَانِ ، عَلَمُ الظُّلْمِ	پرچم بيداد گرى
Standard bearers	حَمَلَةُ الْأَعْلَامِ	پرچمداران
To burn a flag	حَرَقَ الْعَلَمَ	پرچم سوزاندن
Payment of ransom	دَفْعُ التَّعْوِیضَاتِ	پرداخت غرامت
Payment of taxes	دَفْعُ الضَّرَائِبِ	پرداخت مالیات
Payment of expenses	دَفْعُ النِّفَقَاتِ وَالتَّجَالِيفِ	پرداخت مخارج و هزینه
To embark upon an action	الْقِيَامُ بِالْعَمَلِ	پرداختن به كار
Payment of a loan	تَسْدِيدُ الدِّيُونِ (الْقُرُوضِ)	پرداخت وام
Iron certainties	الْأَسْتَارُ الْحَدِيدِيّ	پرده آهنین
Shadow of doubt	سِتَارٌ مِنَ الْغُمُوضِ	پرده ابهام

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
پرده از چهره برداشتن	كَشَفُ اَللَّثَامِ ، كَشَفُ اَلْقِنَاعِ عَنِ اَلْوَجْهِ قَمَامًا	To unmask
پرده برداری کردن	إِزَاحَةُ اَلسَّتَّارِ	To unveil
پرده برداشتن از جنایات	كَشَفُ اَلنَّقَابِ عَنِ اَلْجَرَائِمِ	To reveal crimes
پرده برداشتن از روی توطئه	اَلْكَشْفُ عَنِ اَلْمُؤَامَرَةِ	To unfold a Conspiracy
پرفایده	اَلنَّافِعُ ، اَلْمُفِيدُ	Useful
پر کردن وقت بیکاری	سَدُّ اَلْفِرَاقِ	To fill the leisure time
پروازهای آموزشی	اَلرَّحَلَاتُ اَلتَّعْلِيمِيَّةُ	Educational flights
پروازهای اکتشافی	اَلرَّحَلَاتُ اَلْاِسْتِطْلَاعِيَّةُ ، اَلرَّحَلَاتُ اَلتَّجَسُّسِيَّةُ	Reconnaissance flights
پروانه اقامت	دَفْتَرُ اَلْاِقَامَةِ	Residence permit
پروانه خروج	تَأْشِيرَةُ اَلْخُرُوجِ ، قَصْرِيجُ مُعَادَرَةِ اَلْبِلَادِ ، سِمَةُ اَلْخُرُوجِ	Exit permit
پروانه کالاهای وارداتی	اَلتَّصْرِيجَةُ اَلْجُمْرُكِيَّةُ لِلْبَضَائِعِ اَلْمُسْتَوْرَدَةِ	Clearance of imported commodities
پروانه ورود به خاک کشور	تَأْشِيرَةُ اَلدُّخُولِ ، قَصْرِيجُ دُخُولِ اَلْبِلَادِ	Entrance permit
پروانه ورود کالا	قَصْرِيجَةُ اِسْتِيرادِ اَلْبَضَائِعِ	Clearance for importing goods
پرورشگاه کودکان بی سرپرست	دَارُ اَلْاِيْتَامِ	Orphanage
پروژه پنجساله اقتصادی	اَلْخُطَّةُ اَلْخَمْسِيَّةُ اَلْاِقْتِصَادِيَّةُ	Five-year economic plan

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
پروژه تأمین گاز	خُطَّةُ إِعْتِمَادِ الْغَازِ	Gas supply project
پروژه‌های آبیاری	مَشَارِيعُ الْآرْيِ	Irrigation plans
پروژه‌های بهداشتی	اَلْمَشَارِيعُ اَلصَّحِّيَّةُ	Hygienic projects
پروژه‌های عمرانی	اَلْمَشَارِيعُ اَلْعُمْرَانِيَّةُ، اَلْمُخَطَّطَاتُ اَلْاَعْمَارِيَّةُ	Development projects
پرونده‌های جنائی	اَلْمَلَفَاتُ اَلْجِنَائِيَّةُ	Criminal files
پزشک روانی	طَبِيبُ اَلْاَعْصَابِ	Psychiatrist
پزشک قانونی	اَلطَّبُّ اَلْعَدَلِيُّ	Coroner
پزشک متخصص	اَلطَّبِيبُ اَلْاُخْصَائِيُّ	Special physician
پس انداز يك عمر	ذَخِيرَةُ اَلْعُمُرِ	Life's saving
پست خالی	مَنْصَبُ شَاغِرٍ	Vacant post
پست خود را رها کردن	قَرَكُ اَلْوَظَيفَةِ	To quit one's post
پست دیده بانی	وَظِيفَةُ اَلْحِرَاسَةِ	Look-out post
پسترهای مذهبی و غیر مذهبی	اَلْاَعْلَانَاتُ اَلدِّينِيَّةُ وَعِیْرُ اَلدِّينِيَّةِ	Religious and non-religious posters
پست سفارشی	اَلْبَرِیدُ اَلْمُسَجَّلُ	Registered mail
پست وزارتی	اَلْمَنْصَبُ اَلْوِزَارِيُّ	Ministerial post
پست‌های بالا	اَلْمَنَاصِبُ اَلْعُلَیَا	Top posts
پست‌های دولتی	اَلْمَنَاصِبُ اَلْحُكُومِيَّةُ	Governmental posts
پشت جبهه	اَلْخُطُوطُ اَلْخَلْفِيَّةُ لِلْجَبْهَةِ	Behind a front
پشت درهای بسته سیاست	وَرَاءُ كَوَالِیسِ السَّیَاسَةِ، خَلْفَ اَلْاَجْوَابِ اَلْمُعْلَقَةِ	Behind the closed doors of politics

فارسی	العربی	English
پشت میله‌های زندان	خَلْفَ أَسْوَارِ السَّجْنِ	<i>Behind bars</i>
پشتوانه ارزی	رَصِيدُ الْعُمْلَةِ	<i>Exchange reserve</i>
پشتوانه اسکناس	رَصِيدُ الْأَوْراقِ النَّقْدِيَّةِ	<i>Currency reserve</i>
پشتوانه پول بین‌المللی	رَصِيدُ النَّقْدِ الدَّوْلِيِّ	<i>International monetary reserve</i>
پشتوانه حقیقی	الرَّكِيزَةُ الْحَقِيقِيَّةُ	<i>Real support</i>
پشتوانه روحی	الدَّعَامَةُ الْمَعْنَوِيَّةُ	<i>Spiritual support</i>
پشتوانه طلا	رَصِيدُ الذَّهَبِ	<i>Gold reserve</i>
پشتوانه ملی	الرَّصِيدُ الشَّعْبِيُّ	<i>National support</i>
پشتوانه‌های نقدی	الْأَرْصِدَةُ النَّقْدِيَّةُ	<i>Cash reserves</i>
پشتیبان قوی	الظَّهِيرُ الْقَوِيُّ وَالْمُسَادِدُ الْكَبِيرُ	<i>Firm support</i>
پشتیبانی کردن از انقلاب	حِمَايَةُ الثَّوْرَةِ	<i>To support a revolution</i>
پل ارتباطی	الْجِسْرُ الرَّابِطُ	<i>Connection bridge</i>
پل استراتژی	الْجِسْرُ الْأَسْتِرَاطِيَّجِيُّ	<i>Strategic bridge</i>
پل‌های متحرک موقتی	الْجُسُورُ الْمُتَحَرِّكَةُ الْمُوقَّتَةُ	<i>Suspension bridges</i>
پلاکاردهای بزرگ	الْإِلَافَاتُ الْكَبِيرَةُ	<i>Big posters</i>
پل هوایی	جِسْرٌ جَوِّيٌّ	<i>Air bridge</i>
پلیس امدادی	جُودِيسُ النَّجْدَةِ، شُرَطَةُ النَّجْدَةِ	<i>Reinforcing police</i>
پلیس بین‌المللی	الْقُوَاتُ الدَّوْلِيَّةُ	<i>International police</i>
پلیس ضد شورش	قُوَاتُ الشَّرْطَةِ الْضَارِبَةِ	<i>Riot police</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
Judicial police	أَلْشَّرَطَةُ الْقَضَائِيَّةُ	پلیس قضائی
Secret police	أَلْشَّرَطَةُ السَّرِّيَّةِ	پلیس مخفی
To take refuge in	أَلَّا تَلْتَجِأَ، أَلْدَجُوءُ	پناه آوردن
Underground shelter	أَلْمَلْجَأُ	پناهگاه زیرزمینی
Dissatisfied refugees	أَللَّاجِحُونَ أَلْمَتَمَرِّضُونَ	پناهندگان ناراضی
Political asylum	أَللدَّجُوءُ أَلْسِّيَاسِيّ	پناهندگی سیاسی
Political refugee	أَللَّاجِيّ أَلْسِّيَاسِيّ	پناهنده سیاسی
To seek asylum	أَللدَّجُوءُ	پناهنده شدن
Muslim refugee	أَللَّاجِيّ أَلْمُسْلِمُ	پناهنده مسلمان
Revolutionary guise	أَلْبُرْقُعُ أَلثَّوْرِيّ	پوشش انقلابی
To cover up great facts	تَغْطِيَّةُ أَلْحَقَائِقِ الْكَبِيرَةِ	پوشیدن حقایق بزرگ
Currency in a country	أَلْعَمَلَةُ أَلْوَطَنِيَّةُ	پول رایج کشور
Official currency	أَلنَّقْدُ أَلْقَانُونِيّ وَأَلْمَتَدَاوَلُ	پول رسمی و رایج
Forged notes	أَلنَّقُودُ أَلْمَزِيْفَةُ	پول های تقلبی
Disembark	أَلْأَنْزَالُ مِنْ أَلسَّفِينَةِ إِلَى أَلْبَرِّ	پیاده شدن از کشتی
To implement a law	تَطْبِيقُ أَلْقَانُونِ	پیاده کردن قانون
Enemy's infantry	مَشَاهِدُ أَلْعَدُوِّ	پیاده نظام دشمن
Inspiring message	أَلنِّدَاءُ أَلْمُسْلِمِ	پیام الهام بخش
Divine message	أَلنِّدَاءُ أَلْإِلَهِيّ	پیام الهی
Message of a revolution	نِدَاءُ أَلثَّوْرَةِ	پیام انقلاب
Great prophet	أَلرَّسُولُ أَلْأَعْظَمُ	پیامبر بزرگوار
Historic message	أَلنِّدَاءُ أَلتَّارِيخِيّ	پیام تاریخی

فارسی	العربی	English
پیام تبریک	بَرْقِيَّةُ التَّهْنِئَةِ	<i>Congratulatory message</i>
پیام تسلیت	بَرْقِيَّةُ التَّعْزِيَةِ	<i>Condolence message</i>
پیام دوستانه	الْنِّدَاءُ الْوَدَّيُّ	<i>Friendly message</i>
پیام شفاهی	الْنِّدَاءُ الشَّفَوِيّ	<i>Oral message</i>
پیام مخصوص	الْنِّدَاءُ الْخَاصُّ	<i>Special message</i>
پیام میهن (فریاد وطن)	نِدَاءُ الْوَطَنِ	<i>Patriotic message</i>
پیام وحدت بخش	نِدَاءُ الْوَحْدَةِ	<i>Unifying message</i>
پیام‌های رسمی	الْقَرَارَاتُ الرَّسْمِيَّةُ	<i>Official messages</i>
پیام هم‌بستگی	نِدَاءُ التَّضَامِنِ	<i>Solidarity message</i>
پیچیدگی موضوع	تَعْقِيدُ الْأَمْرِ	<i>Complication of a subject</i>
پیروان خط امام	الْمُقْتَدُونَ سَبِيلَ الْأَمَامِ	<i>Followers of the Imam's line</i>
پیروان فرهنگ غرب	الْمُقَلِّدُونَ لِلثَّقَافَةِ الْغَرْبِيَّةِ	<i>Followers of the western culture</i>
پیرومندان	جَيْلٌ اِنْتَصَارَ	<i>Victoriously</i>
پیروزی اراده و تصمیم	غَلَبَةُ الْأَرَادَةِ وَالْعَزْمِ	<i>Victory of the will</i>
پیروزی انقلاب اسلامی	اِنْتِصَارُ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	<i>Culmination of the Islamic revolution</i>
پیروزی با حق است	جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، الْنَّصْرُ مَعَ الْحَقِّ	<i>Truth will triumph</i>
پیروزی بر مشکلات	الْتَّغَلُّبُ عَلَى الْمَشَاكِلِ (عَلَى الْمَتَاعِبِ)	<i>To overcome difficulties</i>
پیروزی چشم‌گیر	الْفَوْزُ الشَّاقِقُ	<i>Remarkable victory</i>

فارسی	العَرَبِيّ	English
پیروزی حتمی	النَّصْرُ الْمَحْتُمُ	Inevitable victory
پیروزی حق بر باطل	إِنْتِصَارُ الْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ	Victory of right over wrong
پیروزی خون بر شمشیر	إِنْتِصَارُ الدِّمِّ عَلَى السَّيْفِ	Victory of blood over the sword
پیروزی غافلگیرانه	الْإِنْتِصَارُ الْمُبَاغِتُ	Surprise victory
پیروزی قاطع	الْإِنْتِصَارُ الْحَاسِمُ	Overwhelming victory
پیروزی کامل	الْإِنْتِصَارُ التَّامُ	Total victory
پیروزی مستضعفین	فُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Victory of the deprived
پیروزی نهائی	الْإِنْتِصَارُ النَّهَائِيُّ	Ultimate victory
پیروزی‌های اخیر	الْإِنْتِصَارَاتُ الْأَخِيرَةُ	Recent victories
پیش آمد تأسف بار	الْحَادِثُ الْمَوْسِفُ	Tragic incident
پیش آمد دردناک	الْحَادِثُ الْمُؤْلِمُ	Disasterous incident
پیش از انقلاب اسلامی	قَبْلَ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	prior to the Islamic revolution
پیشروان ادب	رُؤَادُ الْأَدَبِ	Literary pioneers
پیشرفت تکنولوژی	التَّقَدُّمُ التَّكْنَوُلُوجِيُّ	Technological advancement
پیشرفت جهانگردی	إِدْتِمَاعُ السَّيَاحَةِ	Tourism progress
پیشرفت چشم گیر	النَّجَاحُ الْفَائِذُ، التَّقَدُّمُ السَّامِي	Remarkable progress
پیشرفت سریع	الْإِنْتِعَاشُ السَّرِيعُ	Rapid advancement
پیشرفت علمی	التَّقَدُّمُ الْعِلْمِيُّ	Scientific progress
پیشرفت کمی و کیفی	التَّقَدُّمُ الْكَيْفِيُّ وَالْكَمِّيُّ	Qualitative and quantitative progress

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Pincer advance</i>	تَقَدُّمُ الْكَمَائِثِ	پیشرفت گازانبری
<i>Muslim pioneers</i>	رُؤَادُ الْعَالَمِ الْأُسْلَامِيِّ	پیشگامان جهان اسلامی
<i>Death-seekers</i>	الْمُسْتَمِيتُونَ	پیش مرگان
<i>Prayer leader</i>	إِمَامُ الْجَمَاعَةِ	پیش نماز
<i>Draft of a constitution</i>	مُسَوِّدَةُ الدِّسْتُورِ	پیش نویس قانون اساسی
<i>Draft of an agreement</i>	مُسَوِّدَةُ الْأَقْدَفَاقِيَّةِ	پیش نویس قرارداد بین
<i>Between two countries</i>	بَيْنَ الْبِلَدَيْنِ	دو کشور
<i>Comprehensive proposal</i>	الْمُقْتَرَحُ الْكَامِلُ	پیشنهاد جامع
<i>constructive proposals</i>	الْمُقْتَرَحَاتُ الْبِنَاءُ	پیشنهادات سازنده
<i>Scientific proposals</i>	الْمُقْتَرَحَاتُ الْعِلْمِيَّةُ	پیشنهادات علمی
<i>Peace proposals</i>	مُقْتَرَحَاتُ السَّلَامِ	پیشنهادات صلح
<i>Islamic leaders</i>	أَدِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ	پیشوایان اسلام
<i>Religious leader</i>	الزَّعِيمُ الدِّينِيّ	پیشوای مذهبی
<i>Compaigm against illiteracy</i>	مُتَافِحَةُ الْأُمِّيَّةِ	پیکار با بیسوادی
<i>Collective defense treaty</i>	مُعَاهَدَةُ الدِّفَاعِ الْجَمَاعِيِّ	پیمان تدافعی دسته جمعی
<i>Bilateral defense</i>	الْمُعَاهَدَةُ الثَّنَائِيَّةُ	پیمان تدافعی دوجانبه
<i>New treaty between</i>	الْتِّحَافُ الْجَدِيدُ بَيْنَ	پیمان جدید بین
<i>Collective defense</i>	الْمِيشَاقِ الْجَمَاعِيِّ	پیمان دستجمعی
<i>Joint defense agreement</i>	مُعَاهَدَةُ الدِّفَاعِ الْمَشْتَرَكِ	پیمان دفاع مشترک و
<i>and economic cooperation</i>	وَالْتَّعَاوُنِ الْأَقْتِصَادِيّ	همکاری اقتصادی
<i>Peace treaty</i>	مُعَاهَدَةُ السَّلَامِ	پیمان صلح

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Friendship and cooperation treaty</i>	مُعَاهَدَةُ الصَّدَاقَةِ وَالتَّعَاوُنِ	پیمان کمک و دوستی
<i>CENTO treaty</i>	حِلْفُ السَّنْتُو الْمَرْكَزِيّ	پیمان مرکزی سنتو
<i>Sacred agreement</i>	حِلْفُ الْمُقَدَّسِ	پیمان مقدس
<i>NATO treaty</i>	حِلْفُ الْأَطْلَسِ	پیمان ناتو
<i>Military treaty</i>	حِلْفُ الْعَسْكَرِ	پیمان نظامی
<i>Economic treaties</i>	الْمُعَاهَدَاتُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	پیمان‌های اقتصادی
<i>Concluded agreements</i>	الْمُعَاهَدَاتُ الْمَعْقُودَةُ	پیمان‌های منعقدہ
<i>Firm link</i>	الرَّابِطَةُ الْثَوِيَّةُ	پیوند محکم

ت

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تا آخرین قطره خون خود مبارزه کردن	اَلدِّضَالُ حَتَّى اَلْمَوْتِ	<i>To fight to the last drop of one's blood</i>
تا آخرین نفس	حَتَّى اَلنَّفْسِ اَلْاٰخِرَةِ	<i>To the last breath</i>
تابلو اعلانات	لَوْحَةُ اَلْاَعْلَانَاتِ	<i>Bulletin board</i>
تاجی از گل	اِكْلِيلٌ مِّنْ اَلزَّهْوَرِ	<i>Wreath</i>
تأخیر در پرداخت	اَلتَّأَخِيرُ فِي اَلدَّفْعِ	<i>Delay in payment</i>
تارومار کردن نیروهای دشمن	سَحَقُ قُوَّاتِ اَلْعَدُوِّ، اِبَادَةُ قُوَّاتِ اَلْعَدُوِّ	<i>To rout enemies</i>
تاریخ جدید سیاسی	اَلتَّارِيخُ السِّيَاسِيُّ اَلْحَدِيثُ	<i>New political history</i>
تاریخ سیاه	اَلتَّارِيخُ اَلْاَسْوَدُ	<i>Black history</i>
تاریخ کهن	اَلتَّارِيخُ اَلْعَرِيْقُ	<i>Ancient history</i>
تاریخ مسلمین	تَّارِيخُ اَلْمُسْلِمِيْنَ	<i>History of muslims</i>
تاریخ معاصر	اَلتَّارِيخُ اَلْمُعَاصِرُ	<i>Contemporary history</i>

فارسی	العربی	English
تازیانه‌های شکنجه	سِاطُ التَّعْذِيبِ	Flogs of torture
تازه به‌دوران رسیده (نو کیسه)	أَلْثَرَى الْجَدِيدُ	Upstart
تأسیسات اتمی	الْمُنْشآتُ الذَّرَوِيَّةُ	Atomic installations
تأسیسات اقتصادی	الْمُنْشآتُ الْاِقْتِصَادِيَّةُ	Economic installations
تأسیسات بهداشتی	الْمُنْشآتُ الصَّحِّيَّةُ	Hygienic organizations
تأسیسات دشمن	مُنْشآتُ الْعَدُوِّ	Enemy's installations
تأسیسات رادار	مُنْشآتُ الرِّادَارِ	Radar installations
تأسیسات صنعتی	الْمُنْشآتُ الصَّنَاعِيَّةُ	Technical installations
تأسیسات گاز	مُنْشآتُ الْغَازِ	Gas installations
تأسیسات مسکونی	الْمُنْشآتُ السَّكْنِيَّةُ	Housing installations
تأسیسات نظامی	الْمُنْشآتُ الْعَسْكَرِيَّةُ	Military installations
تأسیسات نفتی	الْمُنْشآتُ الْبِتْرُولِيَّةُ	Oil installations
تأسیس صندوق‌های پستی	إِدْجَادُ الصَّنَادِيقِ الْبَرِيدِيَّةِ	To install mail boxes
تأسیس کتابخانه عمومی	تَأْسِيسُ الْمَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ	Establishment of a public library
تاکتیک جنگی	الْتَتَكِيْكُ الْحَرْبِيُّ	War tactics
تأمین آزادی	ضَمَانُ الْحُرِّيَّةِ	Providing liberty
تأمین آزادی کشتی‌رانی	قَضْمِينُ حُرِّيَّةِ الْمَلَاَحَةِ	Providing shipping freedom
تأمین نسل‌های آینده	ضَمَانُ الْبُستَقْبَلِ لِلْأَجْيَالِ	providing for the future generations
تأمین اسلحه	تَجْهِيْزُ السِّلَاحِ	Supplying weapons
تأمین خدمات لازم	تَأْمِينُ الْخِدْمَاتِ الْاَلْاَزِمَةِ	Providing necessary services

فارسی	العربی	English
تأمین شرایط زندگی بهتر برای کارگران و کشاورزان	ضَمَانُ ظُرُوفِ الْمَعِيشَةِ الْفُضْلَى لِلْعَمَالِ وَالْفَلَاحِينَ	Providing better living conditions for workers and farmers
تأمین کردن اعتبار بودجه	إِعْتِمَادُ الْمُبْتَازِنَةِ	To provide budget credit
تأمین مواد ضروری	تَجْهِيْزُ الْمَوَادِّ الْضَّرُورِيَّةِ	Providing necessary materials
تأييد الهی	التَّأْيِيْدُ الْإِلَهِيّ	God's help
تبادل بازرگانی	التَّبَادُلُ التِّجَارِيّ	Commercial exchange
تبادل جاسوسان	تَبَادُلُ الْجَوَاسِيسِ	Exchange of spies
تبادل گروگانها	مُبَادَلَةُ الرِّهَائِنِ	Exchange of hostages
تبادل نظر	إِبْدَاءُ الْأَرْأَاءِ	Exchange of ideas
تبدیل دانشگاهها به دانشگاههای اسلامی	تَحْوِيلُ الْجَامِعَاتِ إِلَى جَامِعَاتٍ إِسْلَامِيَّةٍ	To islamicize universities
تبریکات گرم و صمیمانه	الْتِهَانِيّ الْحَارَّةُ وَالْخَالِصَةُ	Warm and sincere congratulations
تبعض نژادی	الْتَفْرِقَةُ الْعُنْصَرِيَّةُ ، الْتَمْيِيْزُ الْعُنْصَرِيّ	Racial discrimination
تبلیغ آشکار	الدَّعَايَةُ الْمَشْهُوَّةُ	Open propaganda
تبلیغات پوچ	الدَّعَايَاتُ الْفَارِغَةُ	Hollow propaganda
تبلیغات سیاسی	الدَّعَايَاتُ الدَّبْلُومَاسِيَّةُ	Political propaganda
تبلیغات گمراه کننده	الدَّعَايَاتُ الْفُضِّلَةُ	Mischievous propaganda
تبلیغات مخرب	الدَّعَايَاتُ الْمُخَرِّبَةُ	Destructive propaganda
تبلیغات مسموم	الدَّعَايَاتُ السَّامَةُ	Poisonous propaganda

فارسی	العربی	English
تبلیغات مغرضانه	الدَّعَايَاتُ الْمُعَادِيَّةُ، الدَّعَايَاتُ الْمَغْرِضَةُ	Hostile propaganda
تبلیغ دروغین	الدَّعَايَةُ الْكَاذِبَةُ	Distorted propaganda
تبلیغ شیطانی	الدَّعَايَةُ الْخَبِيثَةُ	Satanic propaganda
تثبیت بازار	إِسْتِقْرَارُ السُّوقِ	Stability of a market
تثبیت قدرت	تَثْبِيتُ الْقُدْرَةِ، إِسْتِقْرَارُ الْقُدْرَةِ	Consolidation of power
تثبیت قیمتها	إِسْتِقْرَارُ الْقِيَمِ، تَثْبِيتُ الْأَسْغَارِ	Stability of prices
تثبیت نرخ موادغذائی	تَثْبِيتُ أَسْغَارِ الْمَوَادِّ الْتَّمَوِيْنِيَّةِ	Stability of foodstuff prices
تجار بازار	تُجَّارُ السُّوقِ	Bazaar merchants
تجارت خارجی	التَّجَارَةُ الْأَجْنَبِيَّةُ، التَّجَارَةُ الْخَارِجِيَّةُ	Foreign trade
تجاوز آشکار، تجاوز علنی	الْعُدْوَانُ السَّافِرُ الْأَعْتِدَاءُ السَّافِرُ	Flagrant violation
تجاوز آشکار به حقوق بشر	الْعُدْوَانُ السَّافِرُ عَلَى الْحَقُوقِ الْإِنْسَانِيَّةِ	Flagrant violation of human rights
تجاوزات مرزی	الْتَحَرُّشَاتُ الْحُدُودِيَّةُ	Border tresspasses
تجاوز به اموال دولتی	الْتَعَدِّي عَلَى الْمُمْتَلَكَاتِ الْحُكُومِيَّةِ	Trespass on state properties
تجاوز بیرحمانه	الْأَعْتِدَاءُ الْغَادِرُ، الْعُدْوَانُ الْغَاشِمُ	Ruthless violation

<i>Modern trespass</i>	الْأَعْتِدَاءُ الْجَدِيدُ	تجاوز جدید
<i>Trespass on a border</i>	إِعْتِدَاءُ الْعَدُوِّ عَلَى الْحُدُودِ	تجاوز دشمن به مرز
<i>To suppress aggressors</i>	إِبْقَافُ الْمُعْتَدِينَ عِنْدَ حَدِّهِمْ	تجاوز کاران را سر جای خود نشاندن
<i>Renewal of relations between two countries</i>	إِعَادَةُ الْعِلَاقَاتِ بَيْنَ الْبَلَدَيْنِ	تجدید روابط بین دو کشور
<i>Reorganization</i>	تَجْدِيدُ السَّازِمَانِ (روش، سیستم)	تجدید سازمان
<i>Renewal of negotiations between two countries</i>	إِعَادَةُ النَّظَرِ فِي الْمِلَاكِ بَيْنَ الْبَلَدَيْنِ	تجدید مذاکرات بین دو کشور
<i>Reaffirmation of allegiance</i>	تَجْدِيدُ الْعَهْدِ	تجدید میثاق
<i>Revision of elections</i>	إِعَادَةُ النَّظَرِ فِي الْأُذُنِخَابَاتِ	تجدید نظر در انتخابات
<i>Traumatic experiences</i>	التَّجَارِبُ الصَّعْبَةُ	تجربه های سخت
<i>Political experiences</i>	التَّجَارِبُ السِّيَاسِيَّةُ	تجربه های سیاسی
<i>New experiences</i>	التَّجَارِبُ الْجَدِيدَةُ	تجربه های نوین
<i>Separatist</i>	الْأَنْفِصَالِيُّ	تجزیه طلب، جدائی طلب
<i>Psychonalysis</i>	التَّحْلِيلُ النَّفْسِيُّ	تجزیه و تحلیل روانی
<i>Assembling in</i>	التَّجْمَعُ فِي	تجمع در
<i>Worldly trappings</i>	الْكَمَالِيَّاتُ وَ تَزِينَاتُ الْحَيَاةِ	تجملات و زرق و برق دنیائی
<i>Security equipment</i>	أَجْهَزَةُ الْأَمْنِ	مقامات امنیتی
<i>Wirless equipment</i>	الْأَجْهَازُ الْإِلَسْلِكِي (لَا سِلْكِي)	دستگاه بی سیم
<i>Medical equipment</i>	الْأَجْهَازَةُ الطَّبِيبَةُ	تجهیزات پزشکی
<i>Enemy's equipment</i>	مُعَدَّاتُ الْعَدُوِّ الْمُهَاجِمِ	تجهیزات دشمن

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تجهیزات دفاع هوایی	أَجْهَزَةُ الدِّفَاعِ الْجَوِّيَّةِ	Air defence equipment
تجهیزات گوناگون	أَلتَّجْهِيزَاتُ الْمُخْتَلِفَةِ	Various equipment
تجهیزات نظامی	أَلْمُعَدَّاتُ الْعَسَكِيَّةِ	Military equipment
تجهیز تمام نیروها	حَشْدُ كُلِّ الطَّاقَاتِ	To mobilize forces
تحت الحمايه	تَحْتَ الْوَصَايَةِ، تَحْتَ الْأَنْتِدَابِ - مَحْمِيَّة	Protectorate
تحت پوشش ايمان	تَحْتَ ظِلِّ الْأَيْمَانِ	Under the cover of faith
تحت ستم	تَحْتَ الْجَوْرِ، تَحْتَ الظُّلْمِ	Under oppression
تحت عنايت	تَحْتَ الرَّعَايَةِ	Under the auspices of
تحت لوای	تَحْتَ الرَّايَةِ	Under the banner of
تحت نظر	تَحْتَ الْمَنْظَرِ	Under the supervision of
تحريك آميز	أَلْمُحَرِّكُ، أَلْمُيَبِّحُ	Provocative
تحريكات دشمن	إِسْتِغْزَارَاتُ الْعَدُوِّ	Enemy's provocations
تحريك وجنبش مردم	تَحْرِيكُ الْجَمَاهِيرِ	Provocation and movement of the masses
تحریم اقتصادی	أَلْحَظْرُ الْأَقْتِسَادِي	Economic sanctions
تحریم کالاها	مُقَاطَعَةُ الْبَضَائِعِ	Ban on commodities
تحریم معاملات بازرگانی	مُقَاطَعَةُ الْمُعَامَلَاتِ الْعِجَارِيَّةِ	Ban on trades
تحریم نفتی	أَلْمُقَاطَعَةُ الْبِتْرُولِيَّةِ	Oil embargo
تحصیلات دانشگاهی	أَلدِّرَاسَةُ الْجَامِعِيَّةِ	University education
تحصیلات عالیه	أَلدِّرَاسَاتُ الْعُلْيَا	Higher education
تحصیل علوم اسلامی	دِرَاسَةُ الْعُلُومِ الْإِسْلَامِيَّةِ	Acquiring Islamic sciences

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تحصیل کرده‌ها	اَلْمُتَعَفُّونَ	Educated people
تحقق آرمان‌های انقلابی	تَحْقِيقُ اَهْدَافِ الثَّوْرَةِ	Materialization of the ideals of a revolution
تحقیقات شریعت اسلامی	تَسْطُلَعَاتُ الشَّرِيعَةِ اِلِسْلَامِيَّةٍ	Islamic investigations
تحکیم روابط دوستی و برادری	تَعَزُّيْزُ اَلْعِلَاقَاتِ اَلْوُدِّيَّةِ وَاَلْاُخُوِيَّةِ، قَوِّطِيدُ وَاَشَائِجِ	Strengthening of friendship and fraternal relations
تحلیل سیاسی	اَلتَّحْلِيلُ السِّيَاسِيُّ	Political analysis
تحمل ناپذیر	لَا يُطَاقُ، لَا يُحْتَمَلُ، لَا يُسَمَّحُ بِهِ	Unbearable
تحمیل بحران	تَحْمِيلُ الْاَزْمَةِ	Imposition of a crisis
تحمیل شده	فُرِضَ عَلٰی، اَلْحُكْمُ عَلٰی	Imposed
تخریب کردن	اَلتَّحْطِیْمُ	To demolish
تخریب خانه‌های مسکونی	هَدْمُ اَلْبُيُوتِ اَلسَّكْنِيَّةِ	To demolish homes
تخطی از قوانین، نقض قوانین	نَقْضُ اَلْقَوَانِیْنِ، اَلْمُخَالَفَةُ مَعَ اَلْقَوَانِیْنِ	Violation of laws
تخفیف بحران	تَخْفِیْفُ حَالَةِ الْاَزْمَةِ	Diminution of a crisis
تخفیف شدت بحران	تَخْفِیْفُ حِدَّةِ الْاَزْمَةِ	Diminishing the vehemence of a crisis
تخلیه اراضی اشغال شده	اَلْاَنْسِحَابُ مِنْ اَلْاَرَاضِ اَلْمُحْتَلَّةِ	Evacuation of occupied territories
تخلیه کشور از قوای بیگانه	جَلَاءُ قُوَّاتِ الْاُحْتِلَالِ مِنْ اَلْبِلَادِ، اِنْسِحَابُ قُوَّاتِ الْاُحْتِلَالِ مِنْ اَلْبِلَادِ	Evacuation of a country from foreign forces

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تخم خشونت و وحشت	بَذُورُ الْعُنْفِ وَالْأَرْهَابِ	<i>Seeds of brutality and terror</i>
تخم نفاق پاشیدن	زَرَعُ بَذْرِ النِّفَاقِ	<i>To plant seeds of discord</i>
آمد گیهای نظامی	اَلْأَسْتَعْدَادَاتُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	<i>Military supplies</i>
تداوم انقلاب	اِسْتِمْرَارُ الثَّوْرَةِ، دَوَامُ الثَّوْرَةِ	<i>Continuation of a revolution</i>
تربیت غلط	سُوءُ التَّوَجُّهِ اَلتَّرَبُّوِي	<i>Wrong education</i>
تربیت نیروی انسانی	إِعْدَادُ اَلطَّاقَةِ اَلبَشَرِيَّةِ	<i>Training of man-power</i>
ترتیب کار داران	قَدَسِيرُ الْأَمْرِ، قَرَقِيبُ الْأُمُورِ	<i>Training of charge d'affaires</i>
ترجیح مرگ بر زندگی	إِيشَارُ الْمَوْتِ عَلَى الْحَيَاةِ	<i>Preferance of death to life</i>
ترخیص کالا	إِخْرَاجُ اَلْبَضَاعَةِ	<i>Clearance of commodities</i>
ترخیص گمرکی	اَلرَّخْصَةُ اَلْجُمْرِكِيَّةُ، (اَلْمَكْسِيَّةُ)	<i>Customs' clearance</i>
ترس رسوائی	خَشْيَةُ مِّنَ اَلْفَضِيحَةِ	<i>Fear of scandal</i>
ترقی سرسام آور قیمتها	إِرْقِيفَاعُ الْأَسْعَارِ بِشَكْلِ رَهِيْبٍ	<i>Soaring prices</i>
ترك جلسه كنفرانس بعنوان	اَلْأَنْسِحَابُ مِنْ جَلْسَةِ الْمُؤْتَمَرِ	<i>To leave a comference</i>
اعتراض	إِعْتِرَاضاً	<i>as a protest</i>
ترك عقیده	قَرَكُ اَلْعَقِيْدَةِ	<i>Abandoning one's idea</i>
ترمیم کابینه	اَلتَّعْدِيلُ اَلْوِزَارِيِّ	<i>Cabinet reshuffling</i>
ترمیم لایحه	تَعْدِيلُ اَللَّاحِظَةِ	<i>Rectification of a bill</i>
ترور شخصیتها	إِغْتِيَالُ اَلشَّخْصِيَّاتِ	<i>Character assasination</i>
ترور کردن	اَلْإِغْتِيَالُ	<i>Terrorize</i>
ترور و کشتارها	اَلْإِغْتِيَالَاتُ وَالْمَذَابِحُ	<i>Terror and killings</i>

فارسی	العربی	English
تروریست	الْأَرْهَابِيُّ ، الْعُنْصَرُ الْأَرْهَابِيُّ	Terrorist
تزکیه نفس	تَزْكِيَةُ النَّفْسِ ، تَزْكِيَةُ النَّفْسِ	Self-purification
تسریع در کار	الْتَّرْعَةُ فِي الْعَمَلِ	Expediting an action
تسلط اقتصادی	الْسيطرة الاقتصادية	Economic domination
تسلط بیگانه	الْسيطرة الأجنبية	Foreign domination
تسلط فرهنگی	السيطرة الثقافية	Cultural domination
تسلط کامل بر آسمان جنگ	السيطرة التامة على سماء	Complete control
	الْمَعْرَكَةِ	Over a war
تسلط نظامی	السيطرة العسكرية	Military domination
تسلیم گفتن	الْمُؤَاَسَاةُ - التَّعْزِيَةُ	To condole
تسلیم ابر قدرتها شدن	الْأُسْتِسْلَامُ لِلدُّوَلِ الْعَظْمَى	To succumb to super powers
	الْخُضُوعُ لِلدُّوَلِ الْكَبْرِى	
تسلیم ستم شدن	الْأُسْتِسْلَامُ لِلظُّلْمِ	To submit to oppression
تسلیم شدن	الْأُسْتِسْلَامُ	To submit
تسلیم کردن سلاح	تَسْلِيمُ الْأَسْلِحَةِ	To surrender arms
تسلیم گزارش به	تَسْلِيمُ التَّقْرِيرِ إِلَى	To submit a report to
تسویه حساب (کردن)	تَصْفِيَةُ الْحَسَابِ	To clear accounts
تسهیلات آموزشی	تَسْهِيلُ التَّعْلِيمِ	Educational facilities
تسهیلات اعتباری	تَسْهِيلَاتُ الْأَرْضِيَّةِ ، سُهُولَةٍ فِي الْأَعْتِمَادِ	Credit facilities
تشتت آراء	تَدْبَنُّبُ الْأَبْجِلِجُولُوجِي ، تَدْبَنُّبُ الْأَفْخَارِ	Diversity of opinions

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Enhancement of repression</i>	تَشْدِيدُ الْكَبْتِ	تشدید اختناق
<i>To intensify a crisis</i>	تَشْدِيدُ الْأَزْمَةِ، تَشْدِيدُ الْكَبْتِ	تشدید کردن بحران
<i>Administrative formalities</i>	اَلرُّوُتِبَةُ اَلْاِدَارِيَّةُ	تشریفات اداری
<i>Official formalities</i>	اَلْمُرَاسِيْمُ اَلرَّسْمِيَّةُ	تشریفات رسمی
<i>Unofficial ceremonies</i>	اَلْمُرَاسِيْمُ اَلْاَعْتِيَادِيَّةُ	تشریفات غیر رسمی
<i>Dusting ceremonies</i>	مُرَاسِيْمُ اَلتَّنْظِيْفِ	تشریفات گردگیری
<i>Modern organizations</i>	اَلتَّنْظِيْمَاتُ اَلْحَدِيْثَةُ	تشکیلات جدید
<i>Establishment of an Islamic government</i>	تَشْكِيلُ الْحُكُوْمَةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	تشکیل حکومت اسلامی
<i>Holding a seminar</i>	قَا لَيْفُ الْمُؤْتَمَرِ ، اِنْعِقَادُ اَلنَّدْوَةِ	تشکیل سمینار
<i>Holding a meeting</i>	قَا لَيْفُ الْمَجْلِسِ	تشکیل شورا
<i>Forming a cabinet</i>	قَا لَيْفُ الْحُكُوْمَةِ	تشکیل کابینه
<i>Holding a press conference</i>	اِجْرَاءُ الْمَقَابَلَةِ اَلصَّحْفِيَّةِ	تشکیل مصاحبه مطبوعاتی
<i>Elimination of tension</i>	سِيَّاسَةُ اَلْوِفَاقِ	تشنج زدائی
<i>To thirst for martyrdom</i>	اَلتَّعَطُّشُ لِّلشَّهَادَةِ	تشنه شهادت بودن
<i>Agitation of public opinions</i>	جَلْبَلْبَلَةُ اَلرَّأْيِ اَلْعَامِّ	تشویش افکار عمومی
<i>Funeral process</i>	تَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ، تَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ	تشییع جنازه
<i>Extensive purge</i>	قَطْطِیرُ رَاسِعِ اَلنَّطَاقِ	تصفیه دامنه دار
<i>Purge of unwanted elements</i>	تَصْفِیَةُ اَلْعَنَاصِرِ اَلخَبِیْثَةِ	تصفیه عناصر ناپاک
<i>To purge undesirable elements</i>	قَطْطِیرُ عَنَاصِرٍ غَیْرِ مَرْغُوبٍ فِیْهَا	تصفیه کردن عناصر نامطلوب

فارسی	العربی	English
تصفیه کردن مزدوران بیگانه	دَصْفِيَّةُ عَمَلَاءِ الْأَجَانِبِ	To expell foreign mercenaries
تصمیماتی چندبعدی	قَرَارَاتُ مُتَعَدِّدَةِ الْجَوَانِبِ	Multi-dimensional decisions
تصمیمات سرنوشت ساز	قَرَارَاتُ مَصِيرِيَّةٍ	Fateful decisions
تصمیمات لازم	الْقَرَارَاتُ الْإِلَازِمَةُ ، الْقَرَارَاتُ الْإِحَاسِمَةُ	Necessary decisions
تصمیم قاطع	الْقَرَارُ الْإِحَاسِمُ	Firm decision
تصویب کردن لایحه	الْتَصْدِيقُ عَلَى اللَّائِحَةِ	To pass a bill
تصویب نامه	الْقَرَارُ	Resolution
تصویب نامه شورای امنیت	قَرَارُ مَجْلِسِ الْأَمْنِ	Security council's resolution
تصویب نامه هیئت دولت	قَرَارُ مَجْلِسِ الْوُزَرَاءِ	Government's resolution
تصویب نهائی	الْتَقْرِيرُ النِّهَائِيُّ ، الْمُصَادَقَةُ النِّهَائِيَّةُ	Final verification
تضعیف کردن انقلاب	إِضْعَافُ الثَّوْرَةِ	To weaken a revolution
تصویری از جبهه های جنگ	مَنْظَرٌ مِنْ جِبَاهَاتِ الْقِتَالِ	Picture from battlefields
تطبیق برنامه های آموزشی	تَطْبِيقُ الْبَرَامِجِ التَّعْلِيمِيَّةِ	Coordination of educational programs
تطبیق تاریخی	الْتَطْبِيقُ التَّارِيخِيُّ	Historical comparison
تطور روابط اقتصادی	تَطَوُّرُ الْعِلَاقَاتِ الْأَقْتِصَادِيَّةِ	Evolution of economic relations
تظاهرات دانشجویی	الْمُظَاهَرَاتُ الْإِثْلَاقِيَّةُ	Student demonstrations
تظاهرات میلیونی	الْمُظَاهَرَاتُ الْمَلْيُونِيَّةُ	Massive demonstrations
تظاهرات فرمایشی	الْمُظَاهَرَاتُ الْكَلَامِيَّةُ	Rubber-stamp demonstrations

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تظاهر کننده	اَلْمُتَظَاهِرُ	<i>Demonstrator</i>
تظاهر کنندگان غیر مسلح	اَلْمُتَظَاهِرُونَ بِدُونِ سِلَاحٍ	<i>Unarmed demonstrators</i>
تعالیم اسلامی	اَلتَّعَالِيمُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	<i>Islamic teachings</i>
تعاون روستائی	اَلتَّعَاوُنُ اَلْقَرْوِيَّ	<i>Rural cooperative</i>
تعديل ثروتها	كَمْعِدِلُ اَلثَّرَوَاتِ	<i>Adjustment of assets</i>
تعرض به ناموس	اَلْاَعْتِدَاءُ عَلٰى اَلْعِرْضِ، اِعْتِدَاءُ (عَلٰى اَلشَّرَفِ)	<i>Rape</i>
تعرفه‌های گمرکی و بازرگانی	اَلتَّعْرِيفَاتُ اَلْجُمْرِكِيَّةُ وَ اَلتَّجَارِكِيَّةُ	<i>Commercial tariffs</i>
تعصبات واهی و پوچ	اَلتَّعَصُّبَاتُ اَلْوَاهِيَّةُ وَ اَلْجَوْفَاءُ	<i>Baseless biases</i>
تعصب‌های نژادی	اَلتَّعَصُّبَاتُ اَلْعَنْصَرِيَّةُ، اَلنَّعَرَاتُ اَلْقَوْمِيَّةُ	<i>Racial biases</i>
تعطیل تابستانی	اَلْعَظْلَةُ اَلصَّيْفِيَّةُ	<i>Summer vacation</i>
تعطیل رسمی	اَلْعَظْلَةُ اَلرَّسْمِيَّةُ	<i>Official holiday</i>
تعطیل عمومی	اَلْعَظْلَةُ اَلْعَامَّةُ	<i>Public holiday</i>
تعقیب بزهکاران	مُطَارَدَةُ اَلْمُجْرِمِينَ	<i>Prosecution of culprits</i>
تعقیب دزدان	مُطَارَدَةُ اَللُّصُوفِ	<i>Prosecution of thieves</i>
تعقیب دشمن	مُطَارَدَةُ اَلْعَدُوِّ (اَلْاَخْصَمِ)	<i>Pursuing an enemy</i>
تعقیب کردن جانی	مُطَارَدَةُ اَلْمُجْرِمِ	<i>To trace a criminal</i>
تعلیمات حیات بخش	اَلتَّعْلِيمَاتُ اَلْحَيَوِيَّةُ	<i>Life-inspiring instructions</i>
تعلیم و تربیت اجباری	اَلتَّعْلِيمُ وَ اَلتَّرْبِيَّةُ اَلْاَلْزَامِيَّةُ	<i>Compulsory education</i>

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Social and political commitments</i>	الْتِزَامَاتُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ - السِّيَاسِيَّةُ	تعهدات اجتماعی-سیاسی
<i>Religious commitment</i>	الْتِزَامُ الشَّرْعِيُّ	تعهد شرعی
<i>Determination of the fate</i>	تَقْدِيرُ الْمَصِيرِ	تعیین سرنوشت
<i>To feed the poor</i>	إِطْعَامُ الْمَسَاكِينِ	تغذیه کردن بینوایان
<i>Fundamental changes</i>	الْتَطَوُّرَاتُ الْأَصْلِيَّةُ، الْتَطَوُّرَاتُ الْأَسَاسِيَّةُ	تغییرات اساسی
<i>Basic changes</i>	الْتَغْيِيرَاتُ الْجَنْدَرِيَّةُ	تغییرات بنیادی
<i>Vital changes</i>	الْتَغْيِيرَاتُ الْحَيَوِيَّةُ	تغییرات حیاتی
<i>Organizational changes</i>	الْتَطَوُّرَاتُ التَّنْظِيمِيَّةُ	تغییرات سازمانی
<i>Profound changes</i>	الْتَطَوُّرَاتُ الْعَمِيقَةُ	تغییرات عمیق
<i>Quantitative changes</i>	الْتَطَوُّرَاتُ الْكَمِّيَّةُ	تغییرات کمی
<i>Qualitative changes</i>	الْتَطَوُّرَاتُ النُّوعِيَّةُ	تغییرات کیفی
<i>Change of situations</i>	تَطَوُّرُ الْمَوْقِفِ	تغییر اوضاع
<i>Change in educational programs</i>	تَغْيِيرُ الْمُنَهِجِ الدِّرَاسِيِّ	تغییر برنامه‌های درسی
<i>To change one's opinion</i>	تَبْدِيلُ الْعَقِيدَةِ، الْمَصَالِحَةُ، الْمُساوَمَةُ	تغییر عقیده دادن
<i>To disguise</i>	الْتَخْفِي، الْتَنَكُرُ	تغییر لباس دادن-تغییر قیافه دادن
<i>Change in the course of history</i>	تَغْيِيرُ مَجْرَى التَّارِيخِ	تغییر مسیر تاریخ
<i>Mutual understanding</i>	الْتَفَاهُمُ الْمَتَبَادَلُ بَيْنَ الطَّرَفَيْنِ	تفاهم دوجانبه

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تفاهم فکری و عاطفی	اَلتَّفَاهُمُ اَلْفِکَرِيُّ وَالْعَاطِفِيُّ	<i>Intellectual and sentimental understanding</i>
تفاهم مشترک	اَلتَّفَاهُمُ اَلْمَشْتَرَكُ	<i>Common understanding</i>
تفتیش عقاید	بَحْثُ اَلْعَقَائِدِ	<i>Probing of beliefs</i>
تفرعن و استکبار	اَلتَّفَرُّعُ وَ اَلْاِسْتِکْبَارُ	<i>Pride and oppression</i>
تفرقه کشورهای اسلامی	تَفَرُّقُ اَلدُّوَلِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	<i>Separation of Islamic countries</i>
تفسیر اخبار	اَلتَّعْلِيْقُ عَلٰی اَلْاَخْبَارِ	<i>News comment</i>
تفسیر سیاسی	اَلتَّعْلِيْقُ اَلْسِّيَاسِيُّ	<i>Political comment</i>
تفنگداران نیروی دریایی	مُشَاهِدَةُ اَلْقُوَّةِ اَلْبَحْرِيَّةِ	<i>Naval marines</i>
تفویض مسئولیتها	تَفْوِيْضُ اَلْمَسْئُوْلِيَّاتِ	<i>Delegation of responsibilities</i>
تقاضای برحق	اَلتَّطَلُّبُ اَلشَّرْعِيُّ	<i>Righteous demands</i>
تقاضای رای اعتماد از پارلمان	طَلَبُ اَلثَّقَةِ مِنْ اَلْمَجْلِسِ	<i>To demand for a vote of confidence</i>
تقاضای روزافزون	اَلطَّلِبَاتُ اَلكَثِيْرَةُ، طَلَبُ اَلزِّيَادَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ	<i>Ever-increasing demand</i>
تقاضای عفو	طَلَبُ اَلْعَفْوِ	<i>Pleading for mercy</i>
تقاضای غرامت	طَلَبُ اَلْفِدْيَةِ، طَلَبُ اَلْغَرَامَةِ	<i>Demand for ransom</i>
تقدیم کردن قربانیان	تَقْدِيْمُ اَلضَّحَايَا اَلكَثِيْرَةِ	<i>To offer victims</i>
تقسیم اراضی	تَقْسِيْمُ اَلْاَرَاْضِي، تَوَزِيْعُ اَلْاَرَاْضِي	<i>Allotment of lands</i>
تقسیم کردن غنائم	تَقْسِيْمُ اَلْغَنَائِمِ	<i>To distribute booties</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تقلب در مواد غذایی	اَلْغِشُّ فِي اَلْمَوَادِّ اَلتَّمَوِجِيَّةِ	<i>Fraud in foodstuffs</i>
تقلید طوطی صفتانه	اَلْمُحَاكَاةُ اَلْبَبَغَاوِيَّةُ	<i>Parrot-like imitation</i>
تقویت روابط بین دو کشور	تَوْطِیدُ اَلْعَلَاqَاتِ بَیْنِ اَلْبِلَدَیْنِ	<i>Strengthening of relations between two countries</i>
تقویت قوای مرزی	تَعْرِیزُ سِلَاحِ اَلْحُدُودِ	<i>Reinforcement of border forces</i>
تقویت کردن رشد اقتصادی	اَلتَّنْمِیَةُ اَلْاَقْتِصَادِیَّةُ	<i>To strengthen an economic foundation</i>
تقویت کردن روابط	تَوْحِیقُ اَلرَّوَابِطِ (اَلْعَلَاqَاتِ)	<i>To strengthen relations</i>
تقویت نیروهای مسلح	تَعْرِیزُ اَلْقُوَاتِ اَلْمُسَلَّحَةِ	<i>Strengthening of armed forces</i>
تکاور	اَلْفِدَائِیُّ	<i>Naval commando</i>
تکذیب کردن	اَلتَّنْفِیْذُ	<i>To deny</i>
تکفیر سیاسی	اَلتَّكْفِیرُ السِّیَاسِیُّ	<i>political excommunication</i>
تکلیف مذهبی یا شرعی	اَلتَّعَهُدُ اَلشَّرْعِیُّ	<i>Religious obligation</i>
تکنولوژی جدید	اَلتَّكْنُولُوجِیَّةُ اَلْجَدِیدَةُ	<i>Modern technology</i>
تکنولوژی متحول	اَلتَّكْنُولُوجِیَّةُ اَلْمُتَطَوِّرَةُ	<i>Changing technology</i>
تکنیک نظامی	اَلتَّقْنِیَّةُ اَلْعَسْكَرِیَّةُ ، اَلْفَنُّ اَلْعَسْكَرِیُّ	<i>Military technique</i>
تکیه گاه استعمار	رَكِیْزَةُ اَلْاِسْتِعْمَارِ	<i>Bastion of imperialism</i>
تلاش مذبحانه	اَلْجُهُودُ اَلْیَائِسَةُ ، اَلْمُحَاوَلَةُ اَلْیَائِسَةُ	<i>Futile attempt</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تلاش های موفقیت آمیز	اَلْمَسَاعِي اَلنَّاجِحَةُ	Successful efforts
تلافی جویانه	اَلْاُفْتِصَاصِيَّةُ	Retaliatory
تلاوت آیاتی از کلام الله مجید	تِلَاوَةُ مَا يَتَيَسَّرُ مِنْ آيَاتِ اَلذِّكْرِ	Cantillation of
	اَلْحَكِيمِ	Quranic verses
تلفات جانی	خَسَائِرُ فِي اَلْاَرْوَاحِ	Human casualties
تلفات سنگین	اَلْخَسَائِرُ اَلْفَاحِشَةُ	Heavy casualties
تلگراف تسلیت آمیز	بَرْقِيَّةٌ اَلتَّعْزِيَّةُ، بَرْقِيَّاتُ اَلْمُوَاسَاةِ	Condolence telegram
تلگراف تهنیت آمیز	بَرْقِيَّةٌ اَلتَّهْنِئَةُ	Congratulatory telegram
تلگرافهای تأیید	بَرْقِيَّاتُ اَلتَّأْيِيدِ	Telegrams of confirmation
تلمبه خانه نفت	مِضْحَةُ اَلْبِتْرُولِ	Oil pumping station
تماس تلفنی	اَلْاَتِّصَالُ اَلهَاتِفِيُّ	Telephone contact
تماس نزدیک	مُلاَمَسَةٌ قَرِيبَةٌ، اِتِّصَالٌ قَرِيبٌ	Close contact
تمام عیار	خَالِصٌ	Genuine
تمامیت حاکمیت ارضی	اَلسِّيَادَةُ عَلٰی اَلْاَرْضِی	Tenitorial integrity
تمایلات ایدئولوژیکی	اَلْمَيُولُ اَلْاَيْدِيُولُوْجِيَّةُ	Ideological inclinations
تمایلات افراطی	اَلْمَيُولُ اَلْمُتَطَرِّفَةُ	Extremist tendencies
تمایلات چپ گرایی	اَلْمَيُولُ اَلْيَسَارِيَّةُ اَلْمُتَطَرِّفَةُ، اَلْاَقْجَاهَاتُ اَلْمُتَطَرِّفَةُ (اَلْيَسَارِيَّةُونَ)	Leflist inclinations
تمایلات سیاسی	اَلْمَيُولُ اَلْسِّيَاسِيَّةُ	Political inclinations
تمایل به شرق یا غرب	اَلْمَيْلُ اِلَى اَلشَّرْقِ	Inclination toward East or
	أَوْ اَلْغَرْبِ	West

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
تمدن اسلامی	اَلْحَضَارَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic civilization
تمدن بزرگ	اَلْحَضَارَةُ اَلْكُبْرَى	Great civilization
تمدن جدید	اَلْحَضَارَةُ اَلْحَدِيْثَةُ	Modern civilization
تمدن غربی	اَلْحَضَارَةُ اَلْغَرْبِيَّةُ	Western civilization
تمدن قرن بیستم	حَضَارَةُ اَلْقَرْنِ اَلْعِشْرِيْنِ	Twentieth-century civilization
تمرین نظامی	اَلتَّنْرِیْبُ اَلْعَسَکَرِیُّ	Military exercise
تملق گوئی (چرب زبانی)	اَلْمُدَاهَنَةُ ، اَلتَّحَدُّقُ	Flattery
تمیز حق از باطل	تَمْیِيزُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ	Distinguishing right from wrong
تناقض گوئی کردن	اَلتَّنَاقُضُ	Contradiction
تنزل قیمت ها	اِنْخِفَاضُ اَلْاَسْعَارِ	Fall of prices
تنزیه نفس	تَهْدِیْبُ اَلنَّفْسِ اَوْ اَلتَّزْکِیَّةُ	Self-purification
تنظیم برنامه	اِعْدَادُ اَلْبَرْدنامِجِ ، اِعْدَادُ اَلْمَنْهَجِ	Formulation of program
تنگ کردن محاصره	تَضْیِيقُ اَلْحِصَارِ	To tighten the seige
تنگه استراتژی هرمز	مَضِیْقُ هَرْمُزِ اَلْاَسْتِرَاطِیَجِیِّ	Strategic Hormoz strait
تنها راه حل پایان جنگ	اَلْحَلُّ اَلْوَحِیْدُ لِاَنْهَاءِ الْحَرْبِ	Sole resolution to end a war
تنها مرجع دینی	اَلْمَرْجِعُ اَلدِّیْنِیُّ اَلْوَحِیْدُ	Great religious authority
توازن اجتماعی	اَلتَّوَازُنُ اَلْاِجْتِمَاعِیُّ ، اَلْمُوَازَنَةُ اَلْاِجْتِمَاعِیَّةُ	Social balance

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
Negative balance	اَلْمُوَاَزَنَةُ السَّالِبَةُ	توازن منفی
Balance of regional power	مُوَاَزَنَةُ اَلْقُوَى فِی اَلْمِنْطَقَةِ	توازن نیرو در منطقه
Heavy artillery	اَلْمِدْفَعِيَّةُ اَلثَقِيْلَةُ	توپخانه سنگین
Field artillery	اَلْمِدْفَعِيَّةُ اَلْمَيْدَانِيَّةُ	توپخانه صحرائی
Anti-aircraft artilleries	اَلْمَدَافِعُ اَلْمُضَادَّةُ لِلْجَوِّ ، اَلْمَدَافِعُ اَلْمُضَادَّةُ لِلطَّائِرَاتِ	توپخانه‌های ضد هوائی
Anti-aircraft cannon	اَلْمَدَافِعُ اَلْمُضَادَّةُ لِلطَّائِرَاتِ	توپ ضد هوائی (آتش پدافند)
Long-range cannons	اَلْمَدَافِعُ اَلْبَعِيْدَةُ اَلْمَدَى	توپ‌های دارای برد دور
God's grace	اَلْعِزَايَةُ اَلْاَلٰهِيَّةُ	توجه و عنایت الهی
Monotheism	اَلتَّوْحِيدُ	توحید
Monotheistic	اَلتَّوْحِيْدِيُّ	توحیدی
Awakened muslim masses	اَلْجَمَاهِيْرُ اَلْمُسْلِمَةُ اَلْوَاعِيَّةُ	توده بیدار مسلمان
Muslim opressed masses	اَلْجَمَاهِيْرُ اَلْمُسْلِمَةُ اَلْمُسْتَضْعَفَةُ	توده مسلمان مستضعف
Praying masses	جَمَاهِيْرُ اَلْمُصَلِّينَ	توده نمازگزار
Combatant masses	اَلْجَمَاهِيْرُ اَلْمُنَاضِلَةُ	توده‌های مبارز
Oppressed and deprived masses	جَمَاهِيْرُ اَلشَّعْبِ اَلْجَمَاهِيْرُ اَلْمُسْتَضْعَفُ وَ اَلْمَحْرُومَةُ	توده‌های مردم
World inflation	اَلتَّضَخُّمُ اَلْعَالَمِيُّ	تورم جهانی

فارسی	العربی	English
تورم دائمی	اَلتَّضَخُّمُ الْمُسْتَمِرُّ	Constant inflation
تورم مالی	اَلتَّضَخُّمُ الْمَالِیُّ	Monetary inflation
تورم و بیکاری	اَلتَّضَخُّمُ وَالْبَطَالَةُ	Inflation and unemployment
توزیع آب	اِحْصَالُ الْمِیَاهِ	Water distribution
توزیع قدرت	تَقْسِیْمُ الْقُدْرَةِ	Distribution of power
توزیع مواد مصرفی	تَوَزِیْعُ الْمَوَادِّ اَلْاَسْتِهْلَاکِیَّةِ	Foodstuff distribution
توسعه اقتصادی	اَلتَّنْمِیَةُ اَلْاِقْتِصَادِیَّةُ	Economical expansion
توسعه طلبان	اَلتَّوَسُّعِیُّونَ	Expansionists
توسل به زور	اِسْتِخْدَامُ الْقُوَّةِ	Resort to force
توسل به خشونت	اِسْتِخْدَامُ الْقُوَّةِ	Resort to violence
توطئه بزرگ	اَلْمُوَاسَرَةُ الْكُبْرَى	Big plot
توطئه جهانی	اَلتَّامُرُ الْعَالَمِیُّ	World plot
توطئه دست چپی	اَلْمُوَاسَرَةُ الْخَطِیْرَةُ	Leftist plot
توطئه خطرناک	اَلْمُوَاسَرَةُ الْیَسَارِیَّةُ، اَلتَّامُرُ الْیَسَارِیَّةُ	Dangerous plot
توطئه دست راستی	اَلْمُوَاسَرَةُ اَلْیَمِیْنِیَّةُ	Rightist plot
توطئه رذیلانه	اَلْمُوَاسَرَةُ اَلذَّخِیْفَةُ	Vicious plot
توطئه گر داخلی	اَلْمُتَآمِرُ اَلدَّخِلِیُّ	Internal plotter
توطئه کودتای نافرجام	اَلْمُوَاسَرَةُ اَلْاَقْضِیَّیَّةُ الْفَاشِیَّةُ (اَلْعَقِیْمَةُ)	Plot of an aborted coup
توطئه های آشکار و نهان	اَلْمُوَاسَرَاتُ اَلْجَلِیَّةُ وَالسَّرِیَّةُ	Overt and covert plots
توطئه های داخلی	اَلْمُوَاسَرَاتُ اَلدَّخِلِیَّةُ	Internal plots

فارسی	العربی	English
توطئه‌های شیطانی	أَلْمَوُ امْرَأَاتُ الْغَيْبَةِ، أَلْمَوُ امْرَأَاتُ الدَّيْبَةِ	<i>Devilish plots</i>
توقیف بدون محاکمه	أَلتَّوْقِيفُ بِدُونِ الْمَحَاكَمَةِ	<i>Internment without trial</i>
توقیف غیرقانونی	أَلتَّوْقِيفُ الْتَّعْسَفِي	<i>Illegal detention</i>
توقیف کردن روزنامه‌ها	مَنْعُ الصَّحَفِ	<i>To ban newspapers</i>
تولیدات صنعتی	أَلْمُنْتَجَاتُ الصَّنَاعِيَةِ	<i>Industrial products</i>
تهدید آمیز	بَحْلٌ إِذْذَارٌ، أَلْإِذْذَارُ لِنَهَائِي	<i>Threatening</i>
تهدید اقتصادی	أَلْإِذْذَارُ الْأَقْتِصَادِي، أَلتَّهْدِيدُ الْأَقْتِصَادِي	<i>Economic threat</i>
تهدید به دخالت نظامی	أَلتَّهْدِيدُ بِأَلتَّدْخُلِ الْعَسْكَرِي	<i>Threatening with military intervention</i>
تهدید به مرگ	أَلْإِذْذَارُ بِأَلْمَوْتِ	<i>Death threat</i>
تهدید کردن، اولتیماتوم دادن	أَلْإِذْذَارُ	<i>To threaten</i>
تهدید نظامی	أَلتَّهْدِيدُ الْعَسْكَرِي	<i>Military threat</i>
ته مانده‌های تمدن غربی	رَوَاسِبُ الْحَضَارَةِ الْغَرْبِيَّةِ	<i>Remnants of the Western culture</i>
تهی شدن زندگی از ارزشهای آسمانی	خُلُوُّ الْحَيَاةِ مِنَ الْقِيَمِ السَّمَاوِيَّةِ	<i>Life without spiritual values</i>
تیر روزنامه‌ها	عَنَاوِدُنُ الصَّحَفِ	<i>Newspapers headlines</i>
تیراندازی	إِطْلَاقُ النَّارِ	<i>Shooting</i>
تیراندازی از دو طرف	تَبَادُلُ إِطْلَاقِ النَّارِ	<i>Exchange of fire</i>

<i>Firing with long-range artillery</i>	أَلْتَرَّاشِقُ بِإِلْمِدْفَعِيَّتِهِ ذَاتِ الْمَدَى الْبَعِيدَةِ	تیراندازی باتوپخانه برد زیاد
<i>Strained relations</i>	تَعْيِيرُ جَوِّ الْعَلَاَقَاتِ	تیرگی روابط
<i>Strained relations between two countries</i>	تَدَهْوَرُ الْعَلَاَقَاتِ بَيْنَ الْبِلَدَيْنِ	تیرگی روابط بین دو کشور
<i>Relief team</i>	فِرْقَةُ الْنَجْدَةِ	تیم امداد
<i>Transition team</i>	فِرْقَةُ الْنَقْلِ	تیم انتقالی
<i>Rescue team</i>	فِرْقَةُ الْأَنْقَاذِ	تیم نجات

ث

فارسی	العربی	English
ثابت قدم	رَاطِطُ الْجَاشِ، الْمَصْمُ، عَازِمٌ عَلَى	<i>Resolute</i>
ثبات داخلی	الْإِسْتِقْرَارُ الدَّاخِلِيُّ	<i>Internal stability</i>
ثبات قدم	رِبَاطَةُ الْجَاشِ	<i>Resolution</i>
ثبات منطقه	إِسْتِقْرَارُ الْمِنْطَقَةِ	<i>Regional stability</i>
تثبيت قيمتها	ثُبُوتُ الْأَسْعَارِ	<i>Stability of Prices</i>
ثبت کردن	التَّسْجِيلُ	<i>To record</i>
ثبت نام کردن	تَسْجِيلُ الْأَسْمِ	<i>To register</i>
ثروت افسانه‌ای	الثَّرَوَةُ الْخَيَالِيَّةُ	<i>Fabulous wealth</i>
ثروت حیوانی	الثَّرَوَةُ الْحَيَوَانِيَّةُ	<i>Animal weath</i>
ثروت دریائی	الثَّرَوَةُ الْمَائِيَّةُ	<i>Sea wealth</i>
ثروت غارت شده	الثَّرَوَةُ الْمَنْهُوبَةُ، الثَّرَوَةُ الْمَسْلُوبَةُ	<i>Plundered wealth</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Enormous riches</i>	الثَّرَوَةُ الطَّائِلَةُ	ثروت کلان
<i>National wealth</i>	الثَّرَوَةُ الْوَطَنِيَّةُ	ثروت ملی
<i>Wealthy</i>	الثَّرِيّ، الْمُوسِرُ - الْغَنِيُّ	ثروتمند
<i>Illegal riches</i>	الثَّرَوَةُ الْإِلْشَرَعِيَّةُ	ثروت نامشروع
<i>Result of an effort</i>	ثَمَرَةُ الْجَهْدِ	ثمره کوشش
<i>Results of a revolution</i>	فَتَاوِجُ الثَّوْرَةِ ، مُعْطَيَاتُ انْتِثَارَةِ	ثمره های انقلاب
<i>Eulogy</i>	الْمَدْحُ	ثنا گوئی

ج

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
جا دادن، اسکان دادن	اَلْاَسْتَاْنُ	To station
جاسازی کردن	اَلْاُخْفَاءُ	To stow away
جاسوس	اَلْجاسُوسُ	Spy
جاسوسی به نفع بیگانگان	اَلْتَجَسُّسُ لِصَالِحِ الْاَجْنَبِيِّ	Spying for foreigners
جام پیروزی	كَاسُ الْفَوْزِ	Victory cup
جام شهادت سرکشیدن	شَرْبُ كَاسِ الشَّهَادَةِ	To achieve martyrdom
جام قهرمانی	كَاسُ اَلْبَسْطُوْنَةِ	Championship cup
جامعه اسلامی	اَلْمُجْتَمَعُ الْاِسْلَامِيُّ	Islamic community
جامعه اقتصادی اروپا	اَلْمُجْتَمَعُ الْاِقْتِصَادِيُّ الْاُرُوْپِيُّ	European economic community
جامعه ایرانی	اَلْمُجْتَمَعُ الْاِيْرَانِيُّ	Iranian community
جامعه بدون طبقه	اَلْمُجْتَمَعُ اَلْاِلَاطَبَقِيُّ	Classless community
جامعه روحانیت	جَمَاعَةُ رِجَالِ اَلدِّیْنِ	Religious community

فارسی	العربی	English
جامعه فتودالی	الْمُجْتَمَعُ الْأَقْطَاعِيُّ	Feudalistic society
جامعه مترقی	الْمُجْتَمَعُ الرَّاقِي، الْمُجْتَمَعُ الْتَقَدُّمِيُّ	Progressive society
جامعه مصرفی	الْمُجْتَمَعُ الْأَسْتِهْلَاكِيُّ	Consumption society
جامعه ملل	عَصَبَةُ الْأُمَمِ	United Nations
جامعه نمونه	الْمُجْتَمَعُ الشُّمُوزِيُّ	Exemplary society
جام‌های بدبختی و محرومیت	كُؤُوسُ الْبُؤْسِ وَالْحِرْمَانِ	Cups of poverty and deprivation
جانبازی در راه خدا	الْتَضَاعِيَّةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	Devotion to Allah
جان برکف	الْمُضْحِي بِنَفْسِهِ	Self-sacrificing
جانشین ستاد ارتش	أَرْكَانُ الْجَيْشِ بِأَلْوَكَاثِهِ	Deputy chief of staff
جانشین وزیر دفاع	وَزِيرُ الدِّفَاعِ بِأَلْوَكَاثِهِ	Deputy secretary of defense
جانی جنگک	مُجْرِمُ الْحَرْبِ	War criminal
جانی درجه اول	الْمُنْدَبُ الْأَوَّلُ، الْمُجْرِمُ الْأَوَّلُ	Arch-criminal
جاه‌طلبی	الْطُمُوحُ، حُبُّ الرِّدَّاسَةِ	Ambition
جای پا	مَوْطِئُ الْقَدَمِ	Foothold
جای جنگک (منطقه جنگی)	مَكَانُ الْحَرْبِ	War zone
جبران خسارت	دَفْعُ التَّعْوِیْضَاتِ، دَفْعُ الْغَرَامَةِ	Compensation for losses
جبهه آزادیبخش	جَبْهَةُ التَّحْرِیرِ	Liberation front
جبهه امپریالیستی و صهیونیستی	جَبْهَةُ الْأَمْبِرِیَالِیْتِ وَالصَّیْیُودِیْتِ	Imperialist and zionist front

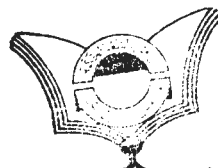
English	العَرَبِيّ	فارسی
Steatfastness front	جَبْهَةُ الْمُقَاوَمَةِ	جبهه پایداری
Revolutionary democratic front	الْجَبْهَةُ الدِّيمُقْرَاطِيَّةُ الثَّوْرِيَّةُ	جبهه دمکراتیک انقلابی
United front	الْجَبْهَةُ الْمُتَّحِدَةُ	جبهه متحد
National front	الْجَبْهَةُ الْوَطَنِيَّةُ	جبهه ملی
War fronts	جَبْهَاتُ الْحَرْبِ، جَبْهَاتُ الْقِتَالِ	جبهه‌های جنگ
Fighter jet	الطَّائِرَةُ النَّفَائِةُ	جت شکاری
Separatism	الْأَنْفِصَالِيَّةُ	جدائی طلبی - تجزیه طلبی
Cash fines	الْغَرَامَةُ النَّقْدِيَّةُ	جرائم نقدی
Germ of corruption	جُرُومَةُ الْفَسَادِ	جرثومه فساد
Immoral offenses	الْجَرَائِمُ الْإِخْلَاقِيَّةُ	جرمهای غیر اخلاقی
Political processes	الْتِبَارَاتُ السِّيَاسِيَّةُ	جریانات سیاسی
Details	الْتَفَاصِيلُ، النِّقَاطُ الرَّكْزِيَّةُ	جزئیات
Further details	الْتَفَاصِيلُ بِصُورَةٍ أَكْثَرِ	جزئیات بیشتر
Small segment	الْجُزْءُ الضَّئِيلُ	جرئی کوچک
Dead bodies	جُثُ الثَّقَلَى	جسد‌های کشته شدگان
Opening ceremony	الْحَفْلَةُ الْإِفْتِتَاحِيَّةُ	جشن افتتاحیه
Religious ceremony	الْحَفْلَةُ الدِّينِيَّةُ	جشن مذهبی
Millenary ceremony	الْمَهْرَجَانُ الْأَلْفِي	جشنواره هزاره
To forge notes	تَرْدِيفُ الْعُمْلَةِ	جعل کردن اسکناس
Forged	الْمَزُورُ، الْمَزَيَّفُ	جعلی، ساختگی
Security executioners	جَلَاوِزَةُ الْأَمْنِ	جلادان امنیتی

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
جلسه آشتی	إِجْتِمَاعُ الْمُصَالَحَةِ	Reconciliatory session
جلسه اضطراری	الْإِجْتِمَاعُ الطَّارِئُ	Emergency session
جلسه افتتاحیه	الْجَلْسَةُ الْإِفْتِتَاحِيَّةُ	Opening session
جلسه علنی	الْجَلْسَةُ الْعَلَنِيَّةُ	Open session
جلسه غیر علنی (سری)	الْجَلْسَةُ السَّرِّيَّةُ، الْجَلْسَةُ الْمَغْلَقَةُ	Closed session
جلسه فوق العاده	الْجَلْسَةُ الطَّارِئَةُ	Extraordinary session
جلسه مقدماتی	الْإِجْتِمَاعُ التَّحْضِيرِي	Preparatory meeting
جلو گیری از تجاوز به خاک میهن	صَدَّ الْعُدُوَّانَ عَلَى أَرْضِ الْوَطَنِ	Prevention of violation against a country
جلو گیری کردن از جنبش های آزادیخواهی	صَدَّ الْحَرَكَاتِ التَّحْرِيرِيَّةَ	To stop a liberation move ment
جمع آوری پول	جَمْعُ الْمَالِ، إِدْخَارُ الْمَالِ	Fund raising
جمع آوری اخبار	جَمْعُ الْأَخْبَارِ، جَمْعُ الْأَنْبَاءِ، جَمْعُ الْمَعْلُومَاتِ	To collect information
جمع کردن اعانه	جَمْعُ التَّيَبَرُّعَاتِ	To collect donations
جمع کردن ثروت	إِدْخَارُ الْمَالِ	To accumulate wealth
جمعه سیاه	الْجُمُعَةُ السَّوْدَاءُ	Black Friday
جمعیت حقوق بشر	جَمْعِيَّةُ الْحُقُوقِ الْإِنْسَانِيَّةِ	Human rights' commission
جمعیت دانشجویان	جَمْعِيَّةُ الطَّلَبَةِ	Students' association
جمعیت مستضعفین	جَمْعِيَّةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Association of the deprived
جمعیت های تعاونی	الْجَمْعِيَّاتُ التَّعَاوُنِيَّةُ	Cooperative organizations

فارسی	العربی	English
جمعیت‌های تعاونی	الْجَمْعِيَّاتُ التَّعَاوُفِيَّةُ	<i>Rural cooperatives'</i>
کشاورزی	الْفَلَاחِيَّةُ	<i>associations</i>
جمعیت‌های خیریه	الْجَمْعِيَّاتُ الْخَيْرِيَّةُ	<i>Charitable organizations</i>
جمعیت هلال احمر	جَمْعِيَّةُ الْهَلَالِ الْأَحْمَرِ	<i>Red crescent society</i>
جمهوری اسلامی ایران	الْجُمْهُورِيَّةُ الْأِسْلَامِيَّةُ الْأُيْرَانِيَّةُ	<i>Islamic Republic of Iran</i>
جناح سیاسی	الْجَنَاحُ السِّيَاسِيُّ	<i>Political wing</i>
جنازه سرباز گمنام	جُنْمَانُ الْجُنْدِيِّ الْمَجْهُولِ	<i>Dead body of the unknown soldier</i>
جنايات جنسی	الْجَرَائِمُ الْجَنَسِيَّةُ	<i>Sexual crimes</i>
جنايات جنگی	الْجَرَائِمُ الْحَرْبِيَّةُ	<i>War crimes</i>
جنايات غير انساني	الْجَرَائِمُ الْأَلَاِئْسَانِيَّةُ	<i>Inhumane crimes</i>
جنايات وحشيانه	الْجَرَائِمُ الْوَحْشِيَّةُ	<i>Atrocious crimes</i>
جنايات هولناك	الْجَرَائِمُ الْمُخْيفَةُ	<i>Heinous crimes</i>
جنايتكاران وابسته	مَرَادِطُ الْمُجْرِمِينَ	<i>Associated criminals</i>
جنبش جدائی طلبان	الْحَرَكَةُ الْأَنْفِصَالِيَّةُ	<i>Dissident move ment</i>
جنبش چپ گرایانه	الْحَرَكَةُ الْيَسَارِيَّةُ	<i>Leftist movement</i>
جنبش دانشجویی	الْتَّحَرُّكُ الْطُلَّابِيُّ	<i>Student movement</i>
جنبش دولت‌های غیرمتعهد	حَرَكَةُ الدُّوَلِ غَيْرِ الْمُنْتَخِازَةِ	<i>Movement of non - alligned nations</i>
جنبش زنان	حَرَكَةُ النِّسَاءِ	<i>Women's movement</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيّ	English
جنبش ملی	اَلنَّهْضَةُ اَلْوَطَنِيَّةُ ، اَلْحَرَكَةُ اَلْوَطَنِيَّةُ	National movement
جنبش ملی کردن نفت	حَرَكَةُ تَأْمِيْمِ اَلنَّفْطِ	National Oil movement
جنبش و حرکت مستمر (جنب و جوش)	اَلْحَرَكَةُ اَلدَّائِمَةُ	Continuous movement
جنبش های آزادی بخش	اَلْحَرَكَاتُ اَلتَّحْرِیُّةُ	Liberation movements
جنبش های آزادیخواهی در منطقه	حَرَكَاتُ اَلتَّحْرِیْرِ فِی اَلْمِنْطَقَةِ	Liberation movements in the region
جنبش های استقلال طلبانه	اَلْحَرَكَاتُ اَلْاِسْتِقْلَالِیَّةُ	Independence movements
جنبش های اسلامی در جهان	اَلْحَرَكَاتُ اَلْاِسْلَامِیَّةُ فِی اَلْعَالَمِ	Islamic movements in the world
جنبش های ملی	اَلْحَرَكَاتُ اَلْوَطَنِیَّةُ	National movements
جنگ اتمی	اَلْحَرْبُ اَلذَرِیَّةُ	Atomic war
جنگ استقلال	حَرْبُ اَلْاِسْتِقْلَالِ	Independence war
جنگ اسلام علیه کفر	مَعْرِکَةُ اَلْاِسْلَامِ ضِدَّ اَلْکُفْرِ	War of Islam against blasphemy
جنگ اعراب و اسرائیل	اَلْحَرْبُ اَلْعَرَبِیَّةُ اَلْاِسْرَائِیْلِیَّةُ	Arab-Israel- war
جنگ اعصاب	اَلْحَرْبُ اَلنَّفْسِیَّةُ	War of nerves
جنگ افروز	مُتَعَاطِی اَلْحَرْبِ ، مَنْ اَشْعَلَ نَارَ اَلْحَرْبِ	War monger
جنگ امپریالیسم جهانی	مُحَارَبَةُ اَلْاَمْبِرِیَالِیَّةِ اَلْعَالَمِیَّةِ	War of world imperialism

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
جنگ ایدئولوژیکی	اَلْحَرْبُ اَلْاِیْدِیُولُوجِیَکَیْه	<i>Ideological war</i>
جنگ ایران و عراق	اَلْحَرْبُ اَلْاِیْرَانِیَّه اَلْعِرَاقِیَّه	<i>Iran - Iraq war</i>
جنگ برادر کشی	اَلْاَقْتِتَالُ بَیْنِ اَلْاُخُوَّة	<i>War of fratricide</i>
جنگ تبلیغاتی، جنگ سرد	اَلْحَرْبُ اَلْعَلَامِیَّه، اَلْحَرْبُ اَلْبَارِدَه	<i>Cold war</i>
جنگ تحمیلی	اَلْحَرْبُ اَلْمَفْرُوضَه	<i>Imposed war</i>
جنگ تمام عیار	اَلْحَرْبُ اَلشَّامِلَه	<i>Full-scale war</i>
جنگ فرسایشی	حَرْبُ اَلِاسْتِنزَافِ اَلدِّمَاءِ	<i>War of attrition</i>
جنگجویان شجاع	اَلْمُقَاتِلُونَ اَلشَّجْعَانُ	<i>Brave warriors</i>
جنگ جهانی اول	اَلْحَرْبُ اَلْعَالَمِیَّه اَلْاُولَى	<i>First World War</i>
جنگ جهانی دوم	اَلْحَرْبُ اَلْعَالَمِیَّه اَلثَّانِیَّه	<i>Second World War</i>
جنگ چریکی	حَرْبُ اَلْعَصَابَاتِ	<i>Guerrilla warfare</i>
جنگ حق و باطل	حَرْبُ اَلْحَقِّ وَ اَلْبَاطِلِ	<i>War between right and wrong</i>
جنگ خانمانسوز	حَرْبُ اَلدِّمَارِ	<i>Devastating war</i>
جنگ خانه به خانه	حَرْبُ اَلْبِیوتِ اِلَى اَلْبِیْتِ	<i>House-to-house battle</i>
جنگ خصمانه عمومی	اَلْحَرْبُ اَلْعَدُوَانِیَّه اَلشَّامِلَه	<i>Hostile war</i>
جنگ خونین داخلی	اَلْحَرْبُ اَلْاَهْلِیَّه اَلدِّمَوِیَّه	<i>Internal bloody war</i>
جنگ خیابانی	حَرْبُ اَلشَّوَارِعِ	<i>Street-to-street battle</i>
جنگ داخلی	اَلْحَرْبُ اَلدَّخِلِیَّه، اَلْحَرْبُ اَلْاَهْلِیَّه	<i>Internal war</i>
جنگ دریائی و زمینی	اَلْحَرْبُ اَلْبَحْرِیَّه وَ اَلْبَرِّیَّه	<i>Sea and land battle</i>
جنگ روانی	اَلْحَرْبُ اَلنَّفْسِیَّه	<i>Psychological warfare</i>



فارسی	الْعَرَبِيُّ	English
جنگ زدگان	مُضَاوُ الْحَرْبِ ، الْمُضَاوُونَ بِالْحَرْبِ ، مَنكُوبُوا الْحَرْبِ	War-stricken people
جنگ سخت	الْحَرْبُ الْعَنِيفَةُ	Fierce battle
جنگ سرد	الْحَرْبُ الْبَارِدَةُ	Cold war
جنگ سرنوشت ساز	الْمَعْرِكَهٗ الْمَصِيرِيَّةُ	Fateful war
جنگ سنگر به سنگر	حَرْبُ الْخَنَادِقِ	Trench-to-trench battle
جنگ سیاسی	الْحَرْبُ السِّيَاسِيَّةُ ، الْحَرْبُ الْدِّبْلُومَاسِيَّةُ	Political war
جنگ ضد اسلام	الْحَرْبُ ضِدَّ الْأِسْلَامِ	Anti-Islamic war
جنگ طولانی	الْحَرْبُ الطَّوِيلَةُ الْأَمَدُ	Prolonged war
جنگ علیه انقلاب اسلامی	الْحَرْبُ الْمُضَادَّةُ لِلثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	War imposed upon the Islamic revolution
جنگ فرسایشی با دشمن	حَرْبُ الْأَسْتِنزَافِ ضِدَّ الْعَدُوِّ	War of attrition against an enemy
جنگ کفار با ملت مسلمان	حَرْبُ الْكُفَّارِ مَعَ شَعْبِ الْأِسْلَامِ	War of infidels against muslins
جنگ کنونی	الْحَرْبُ الْحَالِيَّةُ	Present war
جنگ مخرب	الْحَرْبُ الْهَدَامَةُ	Damaging war
جنگ مستضعفین علیه	نِضَالُ الْمُسْتَضْعَفِينَ ضِدَّ الْمُسْتَكْبِرِينَ	War of the oppressed against oppressors
جنگ مقدس	الْحَرْبُ الْمُقَدَّسَةُ	Sacred war

فارسی	العربی	English
جنگ ناخواسته	الْحَرْبُ غَيْرُ الْمَطْلُوبَةِ ، حَرْبٌ غَيْرُ مَرْغُوبٍ فِيهَا	Unwanted war
جنگ نظامی	الْحَرْبُ الْعَسْكَرِيَّةُ	Military war
جنگ وحشیانه	الْحَرْبُ الْوَحْشِيَّةُ	Atrocious war
جنگ وگریز	الْكُرُّ وَالْفَرُّ	Hit-and-run battle
جنگ‌های صلیبی	الْحُرُوبُ الصَّلِيبِيَّةُ	Crusades
جنگ‌های نامنظم	الْحُرُوبُ غَيْرُ الْمُنْتَظَمَةِ	Irregular warfare
جو آشفته	الْجَوُّ الْمَقْلِقُ	Disturbed atmosphere
جوابگوی نیازمندیهای	التَّلَبُّيَّةُ لِمَتَمَتَّلِبَاتِ	To meet the needs of a
اجتماع بودن	الْاجْتِمَاعِيَّةُ	society
جو اجتماعی	الْجَوُّ الْاجْتِمَاعِيُّ	Social atmosphere
جواز عبور	قَصْرِيحُ الْمُرُورِ ، بِطَاقَةِ الْمُرُورِ	Entrance permit
جو اطمینان	جَوُّ الطَّمَآنِيَّةِ ، جَوُّ الْيَقِينِ	Climate of confidence
جوامع مترقی	الْمُجْتَمَعَاتُ الرَّاقِيَّةُ	Progressive societies
جوانان تشنه شهادت	الشَّبَابُ الْمَتَلَهِّفُونَ لِلشَّهَادَةِ	Youths desirous of martyrdom
جوانان شجاع	الشَّبَابُ الْأَجْطَالُ	Valiant youths
جوانان مبارز	الشَّبَابُ الْمُقَاتِلُونَ	Combatant youths
جوانان کشور	شَبَابُ الْوَطَنِ	Youths in a country
جوانان گمراه	الشَّبَابُ الضَّالُّ	Misled youths
جوانان مسلمان انقلابی	الشَّبَابُ الْمُسْلِمُ الثَّوْرِيُّ	Revolutionary muslim youths

فارسی	العربی	English
جوانان مؤمن	الشباب المؤمنون	Faithful youths
جواهرات سلطنتی	المجوهرات المدیة	Imperial gems
جو خصوصیت	الجو العدائی	Atmosphere of antagonism
جو خہ آتش	حزيرة النار	Firing squad
جو سیاسی	الجو السیاسی	Political atmosphere
جو معنوی	الجو المعنوی	Spiritual atmosphere
جو نا آرام	الجو المضطرب، الجو المقلق	Disturbed atmosphere
جو ناتوانی	جو من العجز	Undermining atmosphere
جہاد	الحرب المقدس، الجهاد المقدس	Holy war (jihad)
جہاد اصیل	الحرب الحقیقی، الجهاد ذو الاصل	Genuine crusade
جہاد اکبر	الجهاد الاکبر	Great war
جہاد دانشگاهی	الجهاد الجامعی	University crusade
جہاد در راہ خدا	الجهاد فی سبیل اللہ	Fight for God
جہاد سازندگی	جهاد البناء	Reconstruction crusade
جہاد مداوم	الجهاد المستمر	Continuous crusade
جہاد مقدس	الحرب المقدسة، الجهاد المقدس	Holy crusade
جهان اسلامی	العالم الاسلامی	Islamic world
جهان امروز	عالم الیوم	Today world
جهان پهناور	العالم المترامی الاطراف	Vast world
جهانخواران (دولت‌ها)	الدول المستغلة	World devourers

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Capitalistic world</i>	اَلْعَالَمُ اَلرَّاسْمَالِيّ	جهان سرمایه‌داری
<i>Third world</i>	اَلْعَالَمُ اَلثَّالِثُ	جهان سوم
<i>Big strides</i>	اَلْوَكْبَاتُ اَلْجَبَارَةُ	جهش‌های عظیم
<i>Monthly ration</i>	اَلرَّاقِبُ اَلشَّهْرِيّ	جیره ماهانه
<i>Rationing</i>	اَلتَّمَوُّدُ	جیره‌بندی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
چادرهای آوارگان جنگ	مُخَيَّمَاتُ مُشَرَّدِي اَلْحَرْبِ	War victims' Camps
چادرهای پناهندگان	مُخَيَّمَاتُ اَلْاِجْتِهِنِ	Refugees' Camps
چاره اندیشی	قَدِيرُ اَلْحَيَلَةِ، قَدِيرُ اَلْأَمْرِ	Remedy
چاه عمیق	اَلْبَيْتْرُ اَلْعَمِيقَةُ	Deep well
چاه های نفت	اَبَارُ اَلْبَيْتْرُولِ، حُقُولُ اَلْبَيْتْرُولِ، اَبَارُ اَلنَّفْطِ	Oil wells
چپاول	اَلسَّلْبُ وَ اَلنَّهْبُ	Plunder
چپاولگر	قَطَاعُ اَلطَّرِيقِ	Plunderer
چپاولگری	اَلقَرَصَنَةُ، اَلنَّهْبُ	Plundering
چپ گرا	اَلْيَسَارِيُّ	Leftist
چپ نما	اَلْمُتَظَاهِرُ بِاَلْيَسَارِيِّ	Leftist-like
چپی میانه رو	اَلْيَسَارِيُّ اَلْوَسَطِ	Moderate leftist
چتر باز	اَلْهَابِطُ اَلْجَوِّي، جُنْدِيُّ اَلْمِظَالَتِ	Patatrooper

فارسی	العربی	English
چترنجات	مِظَلَّةُ الْهَبُوطِ	Parachute
چراغانی	إِقَامَةُ الزَّيِّنَاتِ	Illumination
چراغ سبز نشان دادن	إِشَارَةُ الْمَوَاقِيَةِ	To signal a green light
چریک - کوماندو - رنجر	جُنْدِيُّ قُوَّاتِ الصَّاعِقَةِ، جُنْدِيُّ قُوَّاتِ الْمَغَاوِيرِ	Guerrilla-commando
چریکهای مخفی	الْجُنْدِيُّ دَحَتْ الْأَرْضَ لِقُوَّاتِ الْمَغَاوِيرِ	Underground guerrillas
چریکهای مسلمان	الْجُنْدِيُّ الْمُسْلِمُ لِقُوَّاتِ الصَّاعِقَةِ	Muslim commandos
چشمان بیدار سربازان	عُيُونُ الْجُنُودِ الْبَاهِرَةِ	Soldiers' open eyes
چشم دوختن	الْتَّحْدِيقُ	To look at
چشم دوختن به آینده درخشان	الْتَّطَلُّعُ إِلَى الْمُسْتَقْبَلِ الْزَاهِرِ	Looking at the bright future
چشم طمع دوختن	الْتَّطْمِيعُ إِلَى	Cast greedy eyes at
چکاچک شمشیرها	قَرَقَعَةُ السُّيُوفِ	Clash of swords
چگونگی تغذیه	نَوْعِيَّةُ التَّغْذِيَةِ	Manner of feeding
چماق دار	حَامِلُ الْمِغْوَارِ	Stick-wielder
چماقداری	حَمْلُ الْمِغْوَارِ	Stick-wielding
چمدان سیاسی - (پیک سیاسی)	الْحَقِيقَةُ الدَّيْلُومَاسِيَّةُ	Portfolio
چندبعدی (نه تو)	مُتَعَدِّدَةُ الْأَبْعَادِ	Multi-dimensional
چندجانبه	مُتَعَدِّدَةُ الْجَوَانِبِ	Multi-pronged
چند ملیتی	مُتَعَدِّدَةُ الْجَنَسِيَّاتِ	Multi-national

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
Gallows	خَشَبَةُ الْمَشْنَقَةِ	چوبه دار
Frame-work	اَلدِّعَامَةُ، اَلْقَائِلُ، اَلْاُطَارُ	چهارچوب، اساس
Islamic frame-work	فِي اِطَارِ اِسْلَامِيٍّ	چهارچوب اسلامی
Idelological frame-work	فِي اِطَارِ فِكْرَةٍ وَ اِجْدِيوْ لُوجِيَّةٍ مُعَيَّنَةٍ	چهارچوب فکری و ایدئولوژی معین
Religious frame-works	اِطَارُ اَلْمَذَاهِبِ اَلْمُتَعَدِّدَةِ	چهارچوب مذاهب گوناگون
Prominent figure	اَلْوَجْهُ اَلْبَارِزُ	چهره بارز
Brilliant figure	اَلْوَجْهُ اَلْمَتَّاقُ	چهره درخشان
Anti-humane figure	اَلْوَجْهُ اَلْمُضَادُّ لِلبَشَرِ	چهره ضدانسانی

ح

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Unfortunate event</i>	الْخَارِئَةُ، النِّعْسَةُ	حادثة شوم
<i>Terrible event</i>	الْحَادِثُ الْمُرَوِّعُ	حادثة وحشتناك، حادثة هولناك
<i>Protector of foreign interests</i>	رِعايَةُ مَصَالِحِ الْغَرَبِ	حافظ منافع غرب
<i>Just ruler</i>	الْحَاكِمُ الْعَادِلُ	حاکم عادل
<i>Territorial integrity</i>	السِّيَادَةُ عَلَى الْأَرْضِ	حاکمیت ارضی، تمامیت ارضی
<i>Divine sovereignty</i>	حَاكِمِيَّةُ اللَّهِ	حاکمیت خدا
<i>Mental conditions</i>	الْحَالَاتُ النَّفْسِيَّةُ	حالات روانی
<i>Critical condition</i>	الْحَالَةُ السِّيَاسِيَّةُ الْمَتَأَزِّمَةُ	حالت بحرانی سیاسی
<i>Physical and mental condition</i>	الْحَالَةُ الْجِسْمِيَّةُ وَالنَّفْسِيَّةُ	حالت جسمی و روحی
<i>State of silence</i>	مَوْقِفُ السَّكُوتِ	حالت سکوت
<i>Anormal condition</i>	حَالَةُ التَّوَثُّرِ	حالت غیر عادی

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
Extra - ordinary situation	حَالَةُ اَلطَّوَارِئِ	حالت فوق العاده
Supporters of human rights	حُمَاةُ حَقُوقِ الْاِنْسَانِ	حامیان حقوق بشر
To intervene	اَلْحَيَلُوْلَةُ	حایل شدن
Life imprisonment	اَلسَّجْنُ اَلْمُوْبِدَ	حبس ابد
Imprisonment and torture	اَلْحَبْسُ وَ اَلتَّعْدِيْبُ	حبس و شکنجه
Pilgrimage	اَلْحَجُّ	حج
Veil-dress	اَلْبُرْقُعُ، اَلْحِجَابُ، اَلسَّتَرُ، اَلسَّتَارُ	حجاب-پوشش
Islamic dress	اَلسَّتَرُ اَلْاِسْلَامِيّ، اَلْحِجَابُ اَلْاِسْلَامِيّ	حجاب اسلامی
Woman's dress	حِجَابُ الْمَرْأَةِ	حجاب زن
Pilgrims	اَلْحُجَّاجُ، زُوَّارُ اَلْعَتَبَاتِ	حُجَّاج - زائران عتبات
Minimum wages	اَلْحَدُّ اَلْاَدْنَى لِاَلْاُجُورِ	حداقل دستمزد
Minimum cost	اَلْحَدُّ اَلْاَدْنَى لِاَلْمُتَّعَالِفِ	حداقل هزینه
Optimum capacity	اَلْكَثْرِيَّةُ اَلْحَجْمِ، اَلْجَبْرُ حَجْمِ اَلْمُمْكِنِ	حداکثر ظرفیت
Average national income	مُعْدَلُ اَلدَّخْلِ اَلْقَوْمِيّ	حدا متوسط درآمد ملی
Quorum	اَلنِّصَابُ، اَلْكَافِي لِتَعْقِدِ جَلْسَةٍ	حدنصاب
Divine laws	حُدُودُ اَللّٰهِ	حدود الهی
Holy tradition	اَلْحَدِيثُ اَلشَّرِيفُ	حدیث شریف
Elimination of interest	إِبْطَالُ الرِّبْحِ، حَذْفُ الرِّبْحِ، اِلْغَاءُ الرِّبْحِ	حذف بهره

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Professional</i>	اَلْمِهْنِيّ، اَلْفَنِّي، اَلْمُخْتَصُّ بِمِهْنَتِهِ	حرفه‌ای
<i>Liberation movements</i>	اَلْحَرَكَاتُ اَلتَّحَرُّرِيَّةُ	حرکت‌های آزادیخواهی
<i>Suspected movements</i>	حَرَكَاتُ مَشْكُوكٍ فِيْهَا	حرکت‌های مشکوک
<i>Aerial space</i>	اَلْمَجَالُ اَلْجَوِّيّ	حریم هوایی، حریم فضائی
<i>National unity party</i>	حِزْبُ اَلْاِتِّحَادِ اَلْوَطَنِيّ	حزب اتحاد ملی
<i>Allah's party (confederates)</i>	حِزْبُ اَللّٰهِ	حزب الله
<i>Islamic Republican party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْجُمْهُورِيّ اَلْاِسْلَامِيّ	حزب جمهوری اسلامی
<i>Ruling party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْحَاكِمُ	حزب حاکم
<i>Leftist party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْيَسَارِيّ	حزب دست‌چپی
<i>Rightist party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْيَمِينِيّ	حزب دست‌راستی
<i>Social-democratic party</i>	اَلْحِزْبُ اَلدِّيمُقْرَاطِيّ اَلْاُسْتِرَاقِيّ	حزب سوسیال‌دمکرات
<i>Political party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْسِّيَاسِيّ	حزب سیاسی
<i>Satanic Party</i>	حِزْبُ اَلشَّيْطَانِ	حزب شیطان
<i>Illegal party</i>	اَلْحِزْبُ غَيْرُ اَلْقَانُونِيّ	حزب غیرقانونی
<i>Labor party</i>	حِزْبُ اَلْعَمَالِ	حزب کارگران
<i>Conservative party</i>	حِزْبُ اَلْمُحَافِظِيْنَ	حزب محافظه‌کار
<i>National party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْوَطَنِيّ	حزب ملی
<i>Defunct party</i>	اَلْحِزْبُ اَلْمُنْحَلَّةُ، اَلْحِزْبُ اَلْمَطْرُودُ	حزب منحلّه
<i>Special account</i>	مِنْ اَلْعَدَالَةِ اَلْحِسَابُ اَلْاَخْصَ	حساب ویژه
<i>Deposit accounts</i>	حِسَابُ اَلْوَدَائِعِ	حساب‌های سپرده

English	العربی	فارسی
ky chance	حَسَنُ الصَّدْفِ	حسن اتفاق
Good understanding	اَلتَّفَاهُمُ اَلْمَشْتَرَكُ	حسن تفاهم
Good conduct	حَسَنُ السُّلُوكِ	حسن رفتار
Good will	حَسَنُ النِّيَّةِ	حسن نیت
Good neighbor policy	حَسَنُ الْجَوَارِ	حسن همجواری
Place of religious assembly	اَلْحُسَيْنِيَّةُ	حسینیه
Presence in the scence	اَلْحُضُورُ فِي السَّاحَةِ	حضور در صحنه
Active presence	اَلْحُضُورُ اَلْفَعَالُ	حضور فعال
Continued presence	اَلْحُضُورُ الدَّائِمُ	حضور مداوم
Military presence	اَلتَّوَاجُدُ الْعَسْكَرِيُّ	حضور نظامی
Drilling new oil wells	حَفَرُ الْآبَارِ اَلنَّفْطِيَّةِ اَلْجَدِيدَةِ	حفر چاههای جدید نفت
Digging water wells	حَفَرُ آبَارِ لِمِيَاهِ اَلشَّرْبِ	حفر چاههای آب آشامیدنی
Digging a canal	حَفَرُ الْقَنَاةِ	حفر قنات
Maintainance of combat readiness	اَلْمُحَافَظَةُ عَلَى حَالَةِ اَلتَّأَهُّبِ لِمُلْقِمَاتِ	حفظ آمادگی رزمی
Maintainance of security	حِفْظُ اَلْأَمْنِ	حفظ امنیت
Protection of a revolution	صِيَادَةُ اَلثَّوْرَةِ	حفظ انقلاب
Maintainance of neighborly rights	حِفْظُ حُقُوقِ الْجَوَارِ	حفظ حقوق همجواری
Maintainance of Islamic traditions	حِفْظُ اَلشَّعَائِرِ وَ اَلْآدَابِ اَلْإِسْلَامِيَّةِ	حفظ شعائر و آداب اسلامی
Protection of imperialist's interests	حِرَاسَةُ اَلْمَصَالِحِ اَلْإِمْبَرِيَالِيَّةِ	حفظ مصالح امپریالیسم

فارسی	العربی	English
حقایق جدید	أَلْحَقَائِقُ الْجَدِيدَةُ	New facts
حق پناهندگی	حَقُّ الدُّجُوءِ	Right to seek asylum
حق حاکمیت	حَقُّ السِّيَادَةِ	Sovereignty
حق سکوت	حَقُّ السَّكُوتِ	Hush money
حق سیاسی	أَلْحَقُّ السِّيَاسِيُّ	Political right
حق موجودیت	حَقُّ الْكَيْمَانِ	Right to exist
حق و باطل	أَلْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ	Right and wrong
حق و تو	حَقُّ الْفَيْتُو	Veto Right
حقوق باز نشستگی	رَوَاقِبُ التَّقَاعِدِ	Pension
حقوق بشر	حُقُوقُ الْإِنْسَانِ	Human rights
حقوق تمام اقلیتهای مذهبی	حُقُوقُ كَافَّةِ الْأَقْلِيَّاتِ	Rights of religious minorities
حقوق حق، حقوق مشروع	أَلْحُقُوقُ الْمَشْرُوعَةِ	Inalienable rights
حقوق دان، قانون دان	أَلْعَالِمُ بِالْقَانُونِ، أَلْعَالِمُ بِالْشَّرِيعَةِ، أَلْمُتَشَرَّعُ	Jurisprudent
حقوق گمرکی	أَلْضَرَائِبُ الْجَمْرُكِيَّةِ	Customs' duties
حقوق مدنی	أَلْحُقُوقُ الْمَدَنِيَّةِ	Civic rights
حقوق مشروع	أَلْحُقُوقُ الشَّرْعِيَّةِ	Legitimate rights
حقوق ملی	أَلْحُقُوقُ الْوَطَنِيَّةِ	National rights
حقیقت تاریخی	أَلْحَقِيقَةُ التَّارِيخِيَّةِ	Historic fact
حقیقت عریان	أَلْحَقِيقَةُ الْوَاضِحَةِ	Unvarnished truth
حقیقت قرآن	حَقِيقَةُ الْقُرْآنِ	Quranic fact

فارسی	العربی	English
حاکم ظالم	السُّلْطَانُ الْجَائِرُ	Cruel ruler
حکم اعدام	حُكْمُ الْأَعْدَامِ	Death sentence
حکومت ائتلافی	الْحُكُومَةُ الْأُتْلَافِيَّةُ	Coalition government
حکومت استبدادی	الْحُكُومَةُ الْأُسْتَبْدَادِيَّةُ	Despotic government
حکومت اسلامی	الْحُكُومَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ	Islamic government
حکومت اشرافی	الْحُكُومَةُ الْأَرِسْتَقْرَاطِيَّةُ	Aristocratic government
حکومت الله	الْقُدْرَةُ الْأَلَهِيَّةُ	Government of Allah
حکومت جدید	الْحُكُومَةُ الْجَدِيدَةُ	New government
حکومت خودمختاری	الْحُكُومَةُ ذَاتُ الْأَسْتِقْلَالِ الْدَّخِلِيِّ	Autonomous government
حکومت سرنیزه	حُكُومَةُ النَّارِ وَالْجَدِيدِ	Pressure government
حکومت ضعیف	الْحُكُومَةُ الضَّعِيفَةُ	Weak government
حکومت عدل الهی	حُكُومَةُ الْعَدْلِ الْأَلَهِيَّةِ	Government of divine justice
حکومت غیر قانونی کافر	الْحُكُومَةُ غَيْرُ الشَّرْعِيَّةِ الْتَّافِرَةِ	Illegal and infidel government
حکومت قانونی	الدَّوْلَةُ الشَّرْعِيَّةُ	Legitimate government
حکومت متبوعه	الْحُكُومَةُ الْمَتَبُوعَةُ	Subject government
حکومت مرکزی	الْحُكُومَةُ الْأَمْرُكَزِيَّةُ	Central government
حکومت موقت	الْحُكُومَةُ الْمُؤَقَّتَةُ	Provisional government
حکومت نظامی	الْحُكْمُ الْعُرْفِيُّ، الْحُكْمُ الْعَسَكِيُّ	Martial law
حکومت های استعماری	الْحُكُومَاتُ الْأَسْتَعْمَارِيَّةُ	Imperialistic governments
حکومت های مزدور	الْحُكُومَاتُ الْأَجِيرَةُ	Mercenary governments

فارسی	الْعَرَبِيَّة	English
حل بحران موجود	حَلُّ الْأَزْمَةِ الْقَائِمَةِ	<i>Solution of the present crisis</i>
حل دوستانه	الْحَلُّ الْأَوْدَى	<i>Amicable solution</i>
حل سیاسی	الْحَلُّ السِّيَاسِي	<i>Political solution</i>
حل عادلانه	الْحَلُّ الْعَادِلُ	<i>Just solution</i>
حل کردن اختلافات	حَلُّ الْأَخِلَافَاتِ	<i>To settle disputes</i>
حلقه گل	بَاقَةُ مِنَ الزُّهُورِ	<i>Wreath of flowers</i>
حل مسالمت آمیز	الْحَلُّ السَّلْمِي	<i>Peaceful solution</i>
حل مشکلات سیاسی	حَلُّ الْمَعْضَلَاتِ السِّيَاسِيَّةِ	<i>Settlement of political problems</i>
حماسه های پهلوانی	الْمَلَاهِمُ الْبَطُولِيَّةُ	<i>Heroes' epics</i>
حمام خون	حَمَامُ الدَّمِ	<i>Blood bath</i>
حمایت بیدریغ	الْتَدَعْمُ الْكَامِلُ	<i>Unflinching support</i>
حملات مرزی	الْهَجَمَاتُ عَلَى الْخُدُودِ	<i>Border attacks</i>
حملات موشکی	الْهَجَمَاتُ الصَّارُوخِيَّةُ	<i>Missile attacks</i>
حملات وحشیانه هوایی	الْعِمَارَاتُ الْجَوِّيَّةُ الْوَحْشِيَّةُ	<i>Savage air raids</i>
حمل پوستر	حَمْلُ الْأَعْلَانَاتِ الْوَرَقِيَّةِ	<i>Carrying a poster</i>
حمل سلاح	حَمْلُ الْأَسْلِحَةِ	<i>Carrying arms</i>
حمل سلاح غیرمجاز	حَمْلُ الْأَسْلِحَةِ بِشَكْلِ غَيْرِ شَرْعِيٍّ، حَمْلُ الْأَسْلِحَةِ غَيْرِ الْمَجَازَةِ	<i>Carrying illegal arms</i>
حمله	الْهَجُومُ، الْتَعَدِّيُّ، الْغَارَةُ	<i>Attack</i>
حمله با موشک	الْهَجُومُ بِالصَّوَارِيحِ	<i>Missile attack</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
حمله تلافی جو یانه	سَنُ الْغَارَاتِ الْاَدْتِمَامِيَّةِ	<i>Retaliatory attack</i>
حمله جسورانه	اَلْحَمْلَةُ اَلْجَرِيَّةُ	<i>Bold attack</i>
حمله چریکی	حَمْلَةُ اَلْعَصَابَاتِ	<i>Guerrilla attack</i>
حمله چندجانبه	اَلْهَجُومُ اَلْمُتَعَدَّدُ اَلْجَوَانِبِ	<i>Multi-pronged attack</i>
حمله شبانه	اَلْغَارَاتُ اَللَّيْلِيَّةُ	<i>Overnight assault</i>
حمله غافلگیرانه	اَلْحَمْلَةُ اَلْمُفَاجِئَةُ	<i>Surprise attack</i>
حمله مسلحانه	اَلْهَجُومُ اَلْمُسَلَّحُ	<i>Armed attack</i>
حمله وحشیانه	سَنُ حَمْلَةٍ هَمَجِيَّةٍ ، اَلْهَجُومُ اَلْوَحْشِيُّ	<i>Savage aggression</i>
حمله های موفقیت آمیز	اَلْغَارَاتُ اَلنَّاجِحَةُ	<i>Successful attacks</i>
حمله هوایی	اَلْغَارَةُ اَلْجَوِّيَّةُ	<i>Air raid</i>
حوادث بین المللی	اَلْاَحْدَاثُ اَلدَّوْلِيَّةُ	<i>International events</i>
حوادث پی در پی	اَلْاَحْدَاثُ اَلْمُتَوَالِيَّةُ ، اَلْاَحْدَاثُ اَلْمُتَعاقِبَةُ	<i>Consecutive events</i>
حوادث تاریخی	اَلْاَحْدَاثُ اَلتَّارِيخِيَّةُ	<i>Historic events</i>
حوادث خونین	اَلْاَحْدَاثُ اَلدَّامِيَّةُ	<i>Bloody events</i>
حوادث دانشگاه	اَلْاَحْدَاثُ اَلْجَامِعِيَّةُ	<i>University events</i>
حوزه انتخابیه	اَلدَّائِرَةُ اَلْاَدْتِخَابِيَّةُ	<i>Constituency</i>
حوزه رای گیری	دَائِرَةُ اَلْاَقْتِرَاعِ ، دَائِرَةُ عَمَلِيَّةِ اَلتَّصَوُّيْتِ	<i>Polling center</i>
حوزه فعالیت ها	دَائِرَةُ اَلنَّشَاطَاتِ	<i>Sphere of activities</i>
حوزه های علمی دینی	اَلْعَوَزَاتُ اَلْعِلْمِيَّةُ اَلدِّيْنِيَّةُ	<i>Theological schools</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Outskirts</i>	ضَوَاحِي الْمَدِينَةِ ، مَشَارِقُ الْمَدِينَةِ	حومه شهر
<i>Misappropriation of funds</i>	التَّبْذِيرُ فِي أَمْوَالِ الدَّوْلَةِ ، إِجْتِرَازُ أَمْوَالِ الْحُكُومَةِ	حیف و میل اموال
<i>To misappropriate</i>	التَّبْذِيرُ ، الْأَجْتِرَازُ	حیف و میل کردن
<i>Militaristic machination</i>	الْإِحْتِيَالُ الْعَسَكِيُّ ، الْخُدْعَةُ الْعَسَكِيَّةُ	حيلة نظامی

خ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
خاک میهن	أَرْضُ الْوَطَنِ	<i>Home-land</i>
خاموش کردن آتش انقلاب	إِخْمَادُ نَارِ الثَّوْرَةِ	<i>Extinguish the fire of a revolution</i>
خاموش کردن روح انقلابی	إِخْمَادُ أَلرُّوحِ الثَّوْرِيَّةِ	<i>Suppress a revolutionary spirit</i>
خاموشی	الْإِطْفَاءُ	<i>Blackout</i>
خانواده اشرفی	الْعَائِلَةُ الْأَرِسْتَقْرَاطِيَّةُ	<i>Aristocratic family</i>
خانواده داغدیده	الْعَائِلَةُ الْمَصَابَةُ	<i>Bereaved family</i>
خانواده گروگانها	عَوَائِلُ الرِّهَائِنِ	<i>Hostages' families</i>
خانواده متدین	الْأُسْرَةُ الْمُتَدِينَةُ	<i>Religious family</i>
خانواده های شهداء	عَوَائِلُ الشَّهْدَاءِ	<i>Martyrs' families</i>
خانواده های مرفه	الْعَوَائِلُ الْمَرْقِيَّةُ	<i>Wealthy families</i>
خانواده های مستضعف	الْعَوَائِلُ الْمُسْتَضْعَفَةُ	<i>Impoverished families</i>

فارسی	العربی	English
خانواده‌های مقتولین و مجروحین	عَوَائِلُ الْقَتْلَى وَالْجَرْحَى	<i>Families of the martyred and injured</i>
خانه فقرا و بیچارگان	بَيْتُ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ	<i>House of the poor</i>
خانه خدا	بَيْتُ اللَّهِ	<i>Mecca</i>
خانه مسکونی ارزان قیمت	الدَّارُ السَّكِينَةُ الزَّهِيْدَةُ الثَّمَنُ ،	<i>Low-priced home</i>
خانه مسکونی گران قیمت	دَارُ سَكَنٍ بِهَا ظَنُّهُ الثَّمَنُ ، الْمَنَازِلُ الشَّعْبِيَّةُ	
خانه‌های چوبی	الْبَيْوتُ الْخَشَبِيَّةُ	<i>Wooden houses</i>
خانه‌های فرهنگی	بَيْوتُ مَوْظَفِي الْمَعَارِفِ	<i>Cultural houses</i>
خاورمیانه	الْشَّرْقُ الْأَوْسَطُ	<i>Middle East</i>
خبرچین	النَّمَامُ ، الْوَأَشَى ، دَاقِلُ الْأَخْبَارِ	<i>Informer</i>
خبرگزاری خاورمیانه	وِثَايَةُ أَنْبَاءِ الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ	<i>Middle East News agency</i>
خبرگزاری‌های مرکزی (رکن ۲)	وِثَايَةُ الْأَسْتِخْبَارَاتِ الْمَرْكَزِيَّةِ	<i>Central news agencies</i>
خبر مسرت بخش	الْخَبَرُ السَّارُّ	<i>Good news</i>
خبرنگاران داخلی و خارجی	مُرَاسِلُونَ دَاخِلٌ وَخَارِجٌ	<i>Foreign and domestic reporters</i>
خبرنگار خبرگزاری	مُرَاسِلٌ وَثَايَةُ أَنْبَاءِ الشَّرْقِ	<i>Middle East reporter</i>
خاورمیانه	الْأَوْسَطُ	
خبرهای ناگوار	الْأَنْبَاءُ الْحَزِيْنَةُ	<i>sad news</i>
خبرهای وارده	الْأَنْبَاءُ الْوَأَصِلَةُ	<i>Imported news</i>
خداداد	عَطَاءُ اللَّهِ	<i>God-given</i>
خدا را شکر	الْحَمْدُ لِلَّهِ	<i>Thanks God</i>

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
خدایان ساختگی	الْأَلِهَةُ الْمُصْطَنَعَةُ	Myths - idols
خدمات آموزشی	الْخِدْمَاتُ التَّعْلِيمِيَّةُ	Educational services
خدمات اجتماعی	الْخِدْمَاتُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ	social services
خدمات جنگی	الْخِدْمَاتُ الْحَرْبِيَّةُ	War - fare services
خدمات رفاهی	الْخِدْمَاتُ الرَّفَاهِيَّةُ	Welfare services
خدمات شایسته و با ارزش	الْخِدْمَاتُ الْأَلْبَقَّةُ وَالْقِيَمَةُ	Valuable services
خدمات عمومی	الْخِدْمَاتُ الْعَامَّةُ	Public services
خدمات کشوری	الْخِدْمَاتُ الْحُكُومِيَّةُ	Civil services
خدمت به بشریت	الْخِدْمَةُ إِلَى الْإِنْسَانِيَّةِ	Services to humanity
خدمت به مستضعفین	خِدْمَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Serving the deprived
خدمت وظیفه	الْتَجَنُّبُ الدَّجَارِي	Conscription
خدمه، گروه	الْطَّاقِمُ	Crew
خرابکاران	الْمُخَرَّبُونَ، الْمُخْلِدُونَ بِالْأَمْنِ، الْعَنَاصِرُ الْهَدَامَةُ	Saboteurs
خرابکاری	الْتَخْرِيبُ	Sabotage
خراب کردن پالایشگاههای نفت	قَدَمِيرُ مَصَافِي الْبِتْرُولِ	To destroy oil refineries
خراب کردن خانه‌های مسلمانان	قَدَمِيرُ دِيُوتِ الْمُسْلِمِينَ	To demolish residential houses
خراب کردن روابط دوستانه	قَدَهُورُ الْعِلَاقَاتِ الْوُدِّيَّةِ	To spoil friendly relations
خرد کردن جنبش (انقلاب)	ضَرْبُ حَرَكَةِ الثَّوْرَةِ	To crush a revolution

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
خرید اسلحه	شِرَاءُ اَلْاَسْلِحَةِ	Arms purchase
خرید منازل (خانه‌ها)	شِرَاءُ اَلْمَسَاكِينِ	Purchase of houses
خرید وسایل یدکی و مهمات	شِرَاءُ قِطَعِ اَلْعِمَارِ وَ اَلْعَتَادِ	Purchase of spare parts
جنگی	اَلْحَرْبِيَّ	
خزانه دولت	بَيْتُ اَلْمَالِ ، خَزَائِنَةُ اَلْحُكُومَةِ	Government's treasury
خسارات مالی	اَلْخَسَارُ اَلْمَالِيَّةُ	Financial damages
خسارات غیر قابل جبران	اَلْخَسَارُ اَلْفَادِحَةُ ، اَلْخَسَارُ اَلْجَسِيمَةُ	Unrepairable damages
خسارت مادی	اَلْخَسَارَةُ اَلْمَادِيَّةُ	Material damages
خستگی ناپذیر - نستوه	لَا يَمَلُّ ، لَا يَتَعَبُ ، لَا يَعْرِفُ اَلْكُلَّ	Untiring
خشک سالی	اَلْجَفَافُ ، اَلْجَدَبُ	Drought
خشم انقلابی	اَلْغَيْظُ اَلثَّوْرِيَّ	Revolutionary wrath
خشونت پلیس	شِرَاسَةُ وَ وَحْشِيَّةُ اَلشَّرْطَةِ	Police brutality
خشونت در اروپا	اَلْعُنْفُ فِي اُورُوبَا	Brutality in Europe
خشونت در رفتار	اَلتَّشَدُّدُ فِي اَلتَّصَرُّفِ ، اَلشَّرَاسَةُ فِي اَلسُّلُوكِ	Brutal behavior
خط آتش	خُطُوطُ اَلنَّارِ	Fire line
خط آتش بس	خُطُوطُ اَلْبَدَدَةِ	Cease-fire line
خطابه پیش از نماز	خُطْبَةُ قَبْلَ اَلصَّلَاةِ	Sermon
خطابه مهم	اَلخُطْبَةُ اَلْمُهْمَةُ	Important sermon
خط امام	خُطُّ اَلْاِمَامِ ، ذَهَبُ اَلْاِمَامِ	Imam's line

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>First line of a front</i>	خَطُّ النَّارِ، الْخُطُوطُ الْأُولَى لِهَيْئَةِ الْجَبَّةِ، خَطُّ الْمَوَاجِهَةِ فِي الْجَبَّةِ	خط مقدم جبهه
<i>Deviatory line</i>	الْخَطُّ الْمُنْحَرِفُ	خط انحرافی
<i>Islamic Republic's line</i>	خَطُّ الشُّورَةِ الْأِسْلَامِيَّةِ	خط انقلاب اسلامی
<i>Friday prayers sermon</i>	خُطْبَةُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ	خطبه نماز جمعه
<i>Fire hazard</i>	خَطَرُ الْحَرِّ ذِقِ	خطر آتش سوزی
<i>Potential danger</i>	الْخَطَرُ الْمُحْتَمَلُ الْخُدُوثُ	خطر احتمالی
<i>Danger of addiction</i>	خَطَرُ الْأَدْمَانِ	خطر اعتیاد
<i>Risk of war</i>	خَطَرُ الْحَرْبِ	خطر جنگ
<i>Imminent danger</i>	الْخَطَرُ الْمُحْتَمُومُ	خطر حتمی
<i>Real danger</i>	الْخَطَرُ الْحَقِيقِيُّ	خطر حقیقی
<i>Dangerous situations</i>	فِدَاخَةُ الْمَوْقِفِ، خُطُورَةُ الْمَوْقِفِ	خطرناک بودن اوضاع
<i>Military danger</i>	الْخَطَرُ الْعَسْكَرِيُّ	خطر نظامی
<i>Leader's line</i>	خَطُّ الْقَائِدِ	خط رهبر
<i>Political line</i>	الْخَطُّ السِّيَاسِيُّ	خط سیاسی
<i>Satanic line</i>	خَطُّ الشَّيْطَانِ	خط شیطان
<i>Straight revolutionary line</i>	الْخَطُّ الشُّوْرِيُّ الصَّحِيحُ	خط صحیح انقلابی
<i>General line</i>	الْخَطُّ الْعَامُّ	خط کلی
<i>Religious leader's line</i>	خَطُّ الْمَرْجِعِيَّةِ الدِّينِيَّةِ	خط مرجعیت دینی
<i>Border line</i>	خَطُّ الْحُدُودِ	خط مرزی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
خط مستقیم الهی	اَلْخَطُّ اَلْاِلَهِيّ الْمُسْتَقِيمُ	Direct divine line
خط مشی دولت	مَوْقِفُ الْحُكُومَةِ ، اَلْسِّيَاسَةُ الْحُكُومِيَّةُ	Government's policy
خط مشی سیاسی	خَطُّ الْعَمَلِ اَلْسِّيَاسِيّ	Political trend
خط مقدم جبهه	خَطُّ الْجَبْهَةِ اَلْمُقَدَّمَةِ	First line of a front
خط واقعی	اَلْخَطُّ اَلْوَاقِعِيّ	Real line
خطوط ارتباطی	خُطُوطُ اَلْاِتِّصَالِ	Communication lines
خطوط تدارکاتی	خُطُوطُ اَلتَّجَبُّزَاتِ	Supply lines
خطیب سیاسی	اَلْخَطِيبُ اَلْسِّيَاسِيّ	Political orator
خلاف قانون اساسی	مُخَالَفَةُ اَلدِّسْتُورِ	Unconstitutional
خلع سلاح کردن	خَلَعَ السِّلَاحَ	To disarm
خلع لباس کردن	خَلَعَ اَلْمَلَابِسَ	To defrock (unfrock)
خلع ید کردن	اَلتَّجَرُّدُ مِنْ اَلْمَسْؤُولِيَّةِ	To evict
خمپاره اندازی	رَمْيُ قَنَاجِلِ اَلْهَاوِنِ	Mortar launcher
خنثی کردن بمب	إِدْطَالُ مَفْعُولِ اَلْقُنْبُلَةِ	To defuse a bomb
خنثی کردن توطئه و سوء قصد	إِفْشَالُ اَلْمُؤَامَرَةِ	To neutralize a plot
خنثی کردن عملیات ضد دولتی	إِحْبَاطُ عَمَلِيَّاتِ مُضَادَّةِ اَلْحُكُومَةِ	To foil anti-state operations
خنثی کردن کوششهای ضد انقلاب	إِحْبَاطُ اَلْمَسَاعِي اَلْمُضَادَّةِ اَللِّثْوَرَةِ	To foil anti-revolutionary's efforts
خنجر به پشت زدن	طَعَنَةُ خَنْجَرٍ فِي الظَّهْرِ	To stab in the back
خواب ابدی	اَلنَّوْمُ اَلسَّرْمَدِيّ	Eternal sleep

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
خواسته‌های کلان	اَلْمَطْلَبَاتُ اَلْهَائِلَةُ	Terrible needs
خواسته‌های مردم	مَطْلَبَاتُ الشَّعْبِ	People's demands
خواندن قرآن، قرائت قرآن	قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، قِلَاوَةُ الْقُرْآنِ	Quranic cantillation
خواهر روحانی	اَلْاُخْتُ (فِي الْمَسِيحِيَّةِ)	Nun
خودخواه و متکبر	اَلْمَتَعَطِّرِسُ، اَلْمَتَكَبِّرُ، اَلْمَتَعَجَّرِفُ	Arrogant
خودداری از پرداخت مالیات	اِمْتِنَاعُ عَنْ دَفْعِ اَلضَّرَائِبِ	To avoid paying taxes
خودداری از جنگ	اَلْتَّجَنُّبُ عَنْ اَلْحَرْبِ	To avoid a war
خودداری کردن از درگیری	اَلْتَّجَنُّبُ مِنْ اَلْخِصَامِ	To avoid entanglement
خودداری کردن از رای دادن	اَلْاِمْتِنَاعُ عَنِ اَلتَّصَوُّبِ	To refrain from voting
خودکفا	اَلْاِكْتِفَاءُ اَلذَّاتِي (اَلنَّفْسِي)	Self-sufficient
خودکفائی	اَلْمُكْتَفِي	
خودمختار (دولت خودمختار)	اَلْاِكْتِفَاءُ اَلذَّاتِي (ذَاتِيًّا)	Self-sufficiency
خودمختاری	اَلدَّوْلَةُ اَلْمُسْتَقِلَّةُ	Autonomous
خودمختاری	اَلْحُكْمُ اَلذَّاتِي	Autonomy
خودمحوری، خودنمائی و خودستائی	حُبُّ اَلظُّهُورِ، حُبُّ اَلتَّظَاهِرِ	Self-centricism
خوزستان نفت‌خیز	خَوْزِسْتَانُ اَلْمَلِيَّةِ بِاَلنَّقِطِ	Oil-producing khuzestan
خوش‌بین	اَلْمُسْتَبَشِرُ، مُحِبُّ اَلْخَيْرِ	Optimist
خوش‌ذات	سَلِيمُ الصَّمِيرِ	Good-natured
خوشگذرانی	اَلتَّرَفُ، اَلْبَدَخُ	Luxury
خون‌آشام	مَصْصُ اَلدَّمِ، مَرْقَشِفُ اَلدَّمِ	Blood-sucker

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Blood-money</i>	دَمَنْ أَلْدَمَّ	خون بها
<i>Sacred blood</i>	أَلْدَمَاءُ أَلزَّكِيَّةُ ، أَلْدَمَاءُ أَلطَّاهِرَةِ	خونهای پاک، خونهای مقدس
<i>To shed blood</i>	سَفَكَ أَلْدَمَاءُ	خون ریختن
<i>Blood shed</i>	إِرَاقَتُهُ أَلْدَمَاءُ ، سَفَكَ أَلْدَمَاءُ	خونریزی
<i>Red blood</i>	أَلْدَمُّ أَلْقَادِي الْأَحْمَرُ	خون سرخ
<i>Blood of brave martyrs</i>	دِمَاءُ الشَّهَدَاءِ أَلْأَدْنَالِ	خون شهیدان شجاع
<i>Warm blood</i>	مِنْ ذَوَاتِ أَلْدَمِّ أَلْحَارِّ	خون گرم
<i>Blood and martyrdom</i>	أَلْدَمُّ وَ أَلشَّهَادَةُ	خون و شهادت
<i>Bloody</i>	أَلْدَامِي	خونین-خونبار
<i>Ferocious nature</i>	أَلطَّبِيعَةُ أَلْمَنْبُودَةِ	خوی زشت حیوانی
<i>Treason</i>	أَلخِيَانَةُ ، أَلْعَدَرُ	خیانت

فارسی	العربی	English
دادستان اداری	الْمَنِيَابَةُ الْأَدَارِيَّةُ	<i>Administrative prosecutor</i>
دادستان کل	الْمُدْعَى الْعَامُّ	<i>Prosecutor-general</i>
دادستان نظامی	الْمَنِيَابَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	<i>Army prosecutor</i>
دادگاه استیناف	الْمَحْكَمَةُ الْأَسْتِثْنَائِيَّةُ	<i>Appeal court</i>
دادگاه انقلاب	مَحْكَمَةُ الثَّوْرَةِ	<i>Revolutionary tribunal</i>
دادگاه بین المللی	مَحْكَمَةُ الْعَدْلِ الدَّوْلِيَّةُ	<i>International tribunal</i>
دادگاه شرعی	الْمَحْكَمَةُ الشَّرْعِيَّةُ	<i>Religious tribunal</i>
دادگاه صحرایی	الْمَحْكَمَةُ الْيَمْدَانِيَّةُ	<i>Court-martial</i>
دادگاه عالی	الْمَحْكَمَةُ الْعُلْيَا	<i>Supreme court</i>
دادگاه عدل الهی	مَحْكَمَةُ الْعَدْلِ الْإِلَهِيَّةُ	<i>Court of the divine justice</i>
دادگاه عمومی	الْمَحْكَمَةُ الْعُمُومِيَّةُ	<i>Public court</i>
دادگاه نظامی	الْمَحْكَمَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	<i>Military court</i>

فارسی	العربی	English
داد گاه و بژه نظامی	الْمَحْكَمَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ الْخَاصَّةُ	<i>Special military court</i>
دادن وام	مَنْحُ الْقَرْضِ، السَّلْفَةُ	<i>To grant loans</i>
داد و ستد بازرگانی	الْصَفَقَاتُ التِّجَارِيَّةُ، الْمُعَامَلَاتُ التِّجَارِيَّةُ	<i>Commercial transactions</i>
دارای انگیزه انسانی	ذَاتُ دَرَعَةٍ إِنْسَانِيَّةٍ	<i>Humanistic motive</i>
دارای پایگاه مردمی	ذَوْ قَاعِدَةٍ وَ دَعَامَةٍ جَمَاهِيرِيَّةٍ	<i>Popular position</i>
دارای روح پاک	ذَوُ النَّفْسِ الرِّكِيَّةِ	<i>Having a holy spirit</i>
دارای شهرتی جهانی بودن	الْتَّمَتَّعُ بِسَمْعِهِ عَالَمِيَّةٍ	<i>Enjoying universal recognition</i>
داروهای آرام بخش	الْعَقَاقِيرُ الْمُبَدِّدَةُ	<i>Tranquilizers</i>
دارائیهای بلو که شده	الْأَشْرَاطُ الْمَجْمَدَةُ	<i>Blocked assets</i>
دامن زدن به آتش جنگ	إِثَارَةُ نَارِ الْحَرْبِ	<i>To inflame a war</i>
دامن زدن به تعصبات مذهبی	إِثَارَةُ النِّعَرَاتِ الدِّينِيَّةِ	<i>To aggravate religious biases</i>
دامنه جنگ	نِطاقُ الْحَرْبِ	<i>Extent of a war</i>
دامنه دار	وَاسِعُ النِّطاقِ	<i>Exensive</i>
دانشجویان باتقوی	الْطَّلَابُ الْمُتَّقُونَ	<i>Pious students</i>
دانشجویان تندرو	الطَّلَبَةُ الْمُتَسَطِّفُونَ	<i>Radical students</i>
دانشجویان حوزه علمیه	طَلَبَةُ الْحَوْزَةِ الْعِلْمِيَّةِ	<i>Students of a theological school</i>
دانشجویان خارجی	الطَّلَابُ الْأَجَانِبُ، طُلَّابُ الْبَعَثَاتِ	<i>Foreign students</i>
دانشجویان دربند	الطَّلَابُ الْمُقَيَّدُونَ	<i>Jailed students</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
دانشجویان علوم اسلامی	طَلَبَةُ اَلْعُلُومِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	<i>Students of Islamic disciplines</i>
دانشجویان مبارز و متعهد	اَلطُّلَّابُ اَلْمُنَاضِلُونَ وَاَلْمُلْتَزِمُونَ	<i>Committed and combatant students</i>
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام	اَلطُّلَبَةُ اَلْمُسْلِمُونَ اَلْمُلْتَزِمُونَ جِهَتِجِ اَلْاِمَامِ	<i>Muslim students following the Imam's line</i>
دانشجوی اعزامی به خارج	طَلَبَةُ اَلْبَعْثَاتِ	<i>Students going abroad</i>
دانشجوی داوطلب	اَلطُّالِبُ اَلْمُسْتَنْجِدُ	<i>Volunteer student</i>
دانشجوی رسمی	اَلطُّالِبُ اَلنِّظَامِيُّ	<i>Professiional student</i>
دانشجوی غیر تمام وقت	اَلطُّالِبُ اَلْمُنْتَسِبُ	<i>Special student</i>
دانشجوی مستمع آزاد	اَلطُّالِبُ اَلْمُسْتَمِعُ اَلْحُرُّ	<i>Auditing student</i>
دانشجوی ممتاز	اَلطُّالِبُ اَلْمُتَفَوِّقُ	<i>Distinguished student</i>
دانشکده افسری	اَلْكَلِيَّةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ ، اَلْكَلِيَّةُ اَلْحَرْبِيَّةُ	<i>Officers' college</i>
دانشکده صنایع دریائی	كَلِيَّةُ اَلصَّنَاعَاتِ اَلْبَحْرِيَّةِ	<i>College of naval sciences</i>
دانشگاههای استعماری	اَلْجَامِعَاتُ اَلْاِسْتِعْمَارِيَّةُ	<i>Colonial universities</i>
دانشگاههای علوم و علوم انسانی	اَلْجَامِعَاتُ اَلْعِلْمِيَّةُ وَ اَلْاِنْسَانِيَّةُ	<i>Science and humanities universities</i>
دانشگاههای معتبر	اَلْجَامِعَاتُ اَلْمُعْتَبَرَةُ	<i>Accredited universities</i>
دانشگاه ، دانشگاهی	اَلْجَامِعَةُ ، اَلْجَامِعِيُّ	
دانشمند اسلام شناس	اَلْعَالِمُ اَلْاِسْلَامِيُّ	<i>Islamic scholar</i>
دانشمندان سرشناس	اَلْعُلَمَاءُ اَلْبَارِزُونَ	<i>Eminent scholar</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
دانشنامهٔ دکترا - (درجه دکترا)	دَرَجَةُ الدُّكْتُورَاةِ وَالْأَجَازَةِ	Doctoral degree
داوطلب نظام وظیفه	اَلْمُتَطَوِّعُ فِي الْجَيْشِ	Army volunteer
داوطلبانه	اَلْاِخْتِيَارِي، اَلْمُتَطَوِّعُ	Voluntarily
دائرة ارشاد سیاسی مکتبی	دَائِرَةُ الْاِرْشَادِ السِّيَاسِيِّ اَلْعَقَائِدِيِّ	Office of politico-ideological guidance
دائرة اموری بیگانگان	قِسْمُ شُؤْنِ الْاَجَانِبِ	Office of foreign affairs
دائرة تشخیص هویت	دَائِرَةُ تَحْقِيقِ الْاَحْوَالِ اَلشَّخْصِيَّةِ	Identity department
دائرة ثبت نام	مَكْتَبُ التَّنْصِيقِ، دَائِرَةُ اَلتَّسْجِيلِ	Registration office
دائرة روابط بین المللی	دَائِرَةُ اَلْعَلَاَقَاتِ الدَّوْلِيَّةِ	Office of international relations
دائرة مبارزه با منکرات	مُدِيرِيَّةُ مَعَاوَضَةِ الْاَجْرَامِ وَالْمُنْكَرَاتِ	Department for the prevention of sins
دبیر اول سفارت	اَمِيْنُ السَّرِّ، اَلسَّكْرِيَّيْنِ الْاَوَّلُ لِلِسَّفَارَةِ	First secretary
دبیرخانه	اَلْاَمَانَةُ الْعَامَّةُ، اَلسَّكْرِيَّيَّةُ	Secretariat
دبیر کل	اَلسَّكْرِيَّيْنِ الْعَامَّ، اَلْاَمِيْنُ الْعَامُّ	Secretary-general
دبیر کل اتحادیه کشورهای عربی	اَلْاَمِيْنُ الْعَامُّ لِجَامِعَةِ الدَّوَلِ اَلْعَرَبِيَّةِ	-of the Arab countries' league
دبیر کل سازمان ملل متحد	اَلسَّكْرِيَّيْنِ الْعَامَّ لِلْاُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ، اَلْاَمِيْنُ الْعَامُّ لِلْاُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	-of the United Nations

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
دخالت در امور اجرائی	اَلتَّدَخُلُ فِي الشُّؤُنِ اَلتَّنْفِيذِيَّةِ	<i>Intervention in executive affairs</i>
دخالت در امور ایران	اَلتَّدَخُلُ فِي شُؤُنِ اِیْرَانَ	<i>Intervention in Iran's affairs</i>
دخالت دو ابر قدرت	تَدَخُلُ اَلْفَوْقَیْنِ اَلْعَظَمَیَّیْنِ	<i>Intervention of super powers</i>
دخالت کردن در امور داخلی	اَلتَّدَخُلُ فِي الشُّؤُنِ اَلدَّاخِلِیَّةِ	<i>To intervene in internal affairs</i>
دخالت مستقیم نظامی	اَلتَّدَخُلُ اَلْعَسْكَرِيُّ اَلْمُبَاشِرُ	<i>Direct military intervention</i>
دخالت‌های خرابکارانه	اَلتَّدَخُلَاتُ اَلتَّخْرِیْبِیَّةُ	<i>Destructive interventions</i>
دختران با حجاب	اَلْفَتَاتُ اَلْمُحَجَّبَاتُ ، اَلنِّسَاءُ اَلْمُحَجَّبَاتُ	<i>Veiled girls</i>
در آستانه	فِي عَتَبَةِ اَلْبَابِ	<i>At the threshold of</i>
در آغوش کشیدن - (دست دادن)	اَلْمُصَافَحَةُ ، اَلْاِحْتِضَانُ	<i>To embrace</i>
درآمد سالانه	اَلدَّخْلُ اَلسَّنَوِيُّ	<i>Annual income</i>
درآمد سرانه	دَخْلُ اَلْفَرْدِ	<i>Per capita</i>
درآمد نفت	عَائِدَاتُ اَلْبِتْرُولِ	<i>Oil revenue</i>
در ابتدای جنگ	فِي بَدَايَةِ اَلْحَرْبِ	<i>At the beginning of a war</i>
در انزوا باقی ماندن	اَلْاِدْخَاوُءُ عَلٰی اَلنَّفْسِ ، اَلْاِدْخِرَاوُءُ (اَلْاِدْخِرَالُ)	<i>To remain in isolation</i>
درآمد ماهیانه	اَلْاَوَارِدُ اَلشَّهْرِيَّ	<i>Monthly profit</i>
دراز مدت	طَوِيلُ اَلْاَمَدِ	<i>Long - term</i>
دراوج انقلاب	فِي ذُرْوَةِ اَلثَّوْرَةِ	<i>At the peak of a revolution</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
در این برهه از زمان	فِي هَذِهِ اَلْظُرُوفِ اَلرَّاهِنَةِ	<i>In this period</i>
در این رابطه	بِهَذَا اَلشَّأْنِ، بِهَذَا اَلْخُصُوصِ	<i>In this connection</i>
در این رهگذر	فِي هَذَا اَلسَّبِيلِ	<i>At this juncture</i>
در این زمینه	فِي هَذَا اَلْمَيْدَانِ، فِي هَذَا اَلْمَجَالِ، فِي هَذَا اَلْمِضْمَارِ	<i>In this field</i>
در این وقت حساس	فِي هَذَا اَلْوَقْتِ اَلْحَسَّاسِ	<i>In this sensitive period</i>
در بحبوحه انتخابات	فِي اَئْتِنَاءِ اَلْاَدْتِمِخَابَاتِ	<i>During the elections</i>
در برابر طغیان گران کافر	ضِدَّ اَلطَّغَاةِ اَلْكَفَرَةِ	<i>Against infidel aggrisors</i>
در پایان دیدار	فِي خِتَامِ اَللِّقَاءِ	<i>At the end of a visit</i>
در پشت درهای بسته	وَرَاءَ اَلْكُوالِیْسِ	<i>Behind closed doors</i>
در پیرامون این موضوع	حَوْلَ هَذَا اَلْمَوْضُوعِ	<i>About this subject</i>
در تبعید	فِي اَلْمَنْفَى	<i>In exile</i>
در تحلیل نهائی	فِي اَلتَّحْلِيلِ اَلنِّهَائِيِّ	<i>In the final analysis</i>
در تمام جبهه‌ها	فِي جَمِيعِ اَلجَبَهَاتِ	<i>In all fronts</i>
در تمام زمینه‌ها	فِي كُلِّ اَلْمِیَادِیْنِ، فِي جَمِيعِ اَلْمَجَالَاتِ	<i>In all fields</i>
در چنگال بحران	فِي مَخَالِبِ اَلْاَزْمَاتِ	<i>In the grip of crisis</i>
در چهارچوب قانون	فِي اِطَارِ اَلْقَوَاعِیْنِ	<i>Within the framework of laws</i>
در حدود اختیار	فِي دَاخِلِ اَلصَّلَاحِیَّاتِ	<i>Within one's jurisdiction</i>
در حضور	بِحَضُورِ	<i>In the presence of</i>
در حمایت	فِي دَعْمِ	<i>In support of</i>
در خدمت مردم	فِي خِدْمَةِ اَلنَّاسِ	<i>At the service of</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
درخواست آتش بس	طَلَبُ وَقْفِ إِطْلَاقِ النَّارِ	Cease—fire appeal
درخواست کمک از کسی کردن	طَلَبُ الْمُسَاعَدَةِ مِنْ شَخْصٍ	To request for help
درخواست های فوری	اَلطَّلِبَاتُ الْمُسْتَعَجَلَةُ	Urgent request
در درجه اول	فِي الْاَوَّلِيَّاتِ	First of all
در دست اقدام	فِي حَيْزِ التَّنْفِيذِ	Under consideration
در دستور قرار دادن	تَعْيِينَ جَدْوَلِ الْأَعْمَالِ	To put on an agenda
در راه آزادی و استقلال	فِي طَرِيقِ الْحُرِّيَّةِ وَالْاِسْتِقْلَالِ	In the way of freedom and independence
در راه استبدادگران	فِي وَجْهِ الْمُسْتَبِدِّينَ	In the way of tyrant rulers
در راه خدا	فِي سَبِيلِ اللَّهِ	In the way of God
در راه دفاع	لِاجْلِ الدِّفَاعِ	In defense of
در راه طاغوت	فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ	In the way of taghout
در راه مصالح اسلامی	فِي سَبِيلِ الْمَصْلَحَةِ الْاِسْلَامِيَّةِ	For Islamic interests
در رأس	عَلَى الرَّأْسِ	At the head of
در زمینه اجتماعی	فِي الْحَقْلِ الْاجْتِمَاعِيِّ	In the social field
در زمینه صنایع	فِي حَقْلِ الصَّنَاعَاتِ	In the realm of industry
در سایه انقلاب اسلامی	فِي ظِلِّ الثَّوْرَةِ الْاِسْلَامِيَّةِ	Thanks to the Islamic revolution
در سطح بین المللی	عَلَى الصَّعِيدِ الدَّوْلِيِّ، عَلَى الْمُسْتَوَى الدَّوْلِيِّ	At the international level

فارسی	العربی	English
در سطح جهانی	عَلَى الصَّعِيدِ الْعَالَمِيِّ، عَلَى مُسْتَوَى عَالَمِيٍّ	<i>At the universal level</i>
در سطح سفیر	عَلَى مُسْتَوَى السَّفِيرِ	<i>At the ambassadorial level</i>
در سطح سیاست خارجی	عَلَى صَعِيدِ السِّيَاسَةِ الْخَارِجِيَّةِ	<i>At the level of foreign policy</i>
در سطح عالی	عَلَى مُسْتَوَى رَفِيعٍ	<i>At a high level</i>
در سطح عدالت اجتماعی	عَلَى صَعِيدِ الْعَدَالَةِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ	<i>At the level of social justice</i>
در شعاع - (در سایه)	عَلَى ضَوْءٍ	<i>Within the radius</i>
در قدرت باقی ماندن	الْبَقَاءُ فِي السِّلْطَةِ	<i>To stay in power</i>
در ضدیتی با	فِي قَضَائِمٍ مَعَ	<i>In defiance of</i>
در عین حال	فِي نَفْسِ الْوَقْتِ (آدی)	<i>Simultaneously</i>
در غیبت	فِي غِيَابٍ	<i>In the absence of</i>
در کشاکش زندگی	فِي مَعْتَرَكِ الْحَيَاةِ	<i>In the struggle for survival</i>
در کنترل	تَحْتَ السَّيْطَرَةِ	<i>Under control</i>
در گیر جاسوسی	الْمُشْتَبِكُ بِالنَّجَسِ	<i>Involved in espionage</i>
در گیر جنگی شدن	خَوْضُ مَعْرَكَةٍ	<i>To engage in a battle</i>
در گیر و دار حوادث	فِي زِحَامِ الْحَوَادِثِ، فِي مَعْمَعَةٍ الْحَوَادِثِ، فِي مَشَاكِلِ الْأَحْدَاثِ	<i>In the throes of events</i>
درگیری مسلحانه	الْأَشْتِبَاكُ الْمُسَلَّحُ	<i>Armed struggle</i>
درگیری های اخیر	الْأَشْتِبَاكَاتُ الْأَخِيرَةُ	<i>Recent conflicts</i>
درگیری های شدید	الْأَشْتِبَاكَاتُ الشَّدِيدَةُ	<i>Hard struggles</i>
در لباس دینی	فِي الزِّيِّ الدِّينِيِّ	<i>In the guise of religion</i>

فارسی	العربی	English
درمان روانی	أَعْلَاجُ النَّفْسِ	Psychotherapy
درمان مجروحان	مُعَالَجَةُ الْجُرْحَى	Treatment of the injured
درموقع ورود	عِنْدَ الدَّخُولِ	Upon arrival
در میان مردم تفرقه انداختن	تَقْسِيمُ الشَّعْبِ، بَثُّ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ النَّاسِ	To divide people
در نتیجه درگیری	مِنْ جَرَاءِ الْأُشْتِبَاكِ	As a result of engagement
در نطفه خفه کردن	قَضَى عَلَى... فِي مَهْدِهَا، الْقَضَاءُ عَلَى... فِي مَهْدِهَا	To kill in the bud
در نهایت سادگی	فِي مُنْتَهَى الْبَسَاطَةِ	Extremely simple
دروغ پراکنی	إِذْ تَشَارُ الْكُذِبُ، إِيخْتِلَاقُ الْكَاذِبِ، بَثُّ الْكُذِبِ	Spreading lies
دروغ محض	الْكُذِبُ الْخَالِصُ	Mere fabrication
درهم فرو ریختن پایه های	تَقْوِیضُ أَرْكَانِ الْحُكْمِ	To shake the foundations of
حکومت استعماری	الْأَسْتِعْمَارِیِّ	imperialism
دریادار	الْأَمِيرُ الْبَحْرِیُّ	Admiral
دریاهای آزاد	الْبَحَارُ الْمَتَشَوِّفَةُ	Open seas
دریایی از خون	بَحْرٌ مِنْ الدِّمَاءِ	Sea of blood
دریدن همه موازین	إِدْتِهَاجُ جَمِیعِ الْمَوَازِينِ	To rip off all criteria
دزدان دریایی	الْقَرَّاصِنَةُ، الْقَرَصَانُ	Pirates
دزدان واقعی	الْخُصُوصُ الْحَقِیقَةُیُّونَ	Real thieves
دزد حرفه ای	الْخَصُّ الْمُحْتَرِفُ	Professional thief
دژ تسخیر ناپذیر	الْقَلْعَةُ الْحَصِیْنَةُ	Unconquerable fortress
دژ تسلیحاتی	الْمَعْقِلُ الْمُسَلَّحُ	Armored stronghold

English	فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ
Fortified castle	دژ مستحکم	اَلْحِصْنُ اَلْحَصِيْنُ
Gains of a revolution	دست آوردهای انقلاب	مُنَجَزَاتُ الثَّوْرَةِ، مَكْسَبُ الثَّوْرَةِ
Superpowers' conspiracy	دست ابرقدرتها	اَيْدِي اَلْقُوَى اَلْكُبْرَى
To drop a claim	دست از ادعا برداشتن	اَلْتَفُّ عَنْ اَلدَّعْوَى، اَلْتَنَحِي عَنْ اَلدَّعَاءِ
To stop rioting	دست از شورش برداشتن	اَلْتَفُّ عَنْ اَلْفَوْضَى
First — hand	دست اول	اَلْأَوَّلُ مِنْ دَوَّعِهِ
Fostered by imperialism	دست پرورده استعمار	رَبِيْبُ اَلْاِسْتِعْمَارِ
Reactionary groups	دستجات ارتجاع	اَلْفُلُولُ اَلرَّجْعِيَّةُ
Hand of a tyrant ruler	دست حاکم ستمگر	يَدُ اَلْحَاكِمِ اَلْجَائِرِ اَوْ اَلظَّالِمِ
Blood—stained hand	دست خون آلود	اَلْيَدُ اَلْدَّامِيَّةُ
To stretch one's hand	دست درازی کردن	اَلتَّطَاوُلُ عَلَى اَمْوَالِ اَلنَّاسِ
Hand of an aggressor	دست تجاوزگر	فِي اَيْدِي اَلدُّوْلِ اَلْمُعْتَدِيَةِ
Hand of oppressors	دست ستمگران	اَيْدِي اَلظَّالِمَةِ
Peddler	دست فروش	اَلْبَائِعُ اَلْمَتَجَوِّلُ
Executive body	دستگاه اجرایی	جِهَازُ اَلتَّنْفِيْذِ
Transmitting system	دستگاه فرستنده	جِهَازُ اَلرَّسَالِ
Receiving system	دستگاه گیرنده	جِهَازُ اَلْاِسْتِقْبَالِ
Foreign propaganda system	دستگاههای تبلیغاتی بیگانگان	اَجْزِئَةُ اَلْاِعْلَامِ اَلْاَجْنَبِيَّةِ
Low wages	دست مزد کم	اَلْاُجُورُ اَلزَّهِيْدَةُ
Western hirling	دست نشانده غرب	رَبِيْبَةُ اَلْعَرَبِ
Deviated satrap	دست نشانده منحرف	اَلْعَمِيْلُ اَلْمُنْحَرِفُ

فارسی	العربی	English
دستورات آشکار	أَلْأَوَامِرُ الصَّرِيحَةُ	Clear instructions
دستورات اسلامی	أَلتَّعَالِيمُ الْأِسْلَامِيَّةُ	Islamic instructions
دستورات الهی	أَلْأَوَامِرُ الْأَلَهِيَّةُ	Divine instructions
دستور بازداشت	أَمْرُ الْأَعْتِقَالِ (إِلْقَاءُ الْقَبْضِ)	Arrest warrant
دستور بسیج	قَانُونُ التَّعْيِينَةِ الْعَامَّةِ	Mobilization order
دستور جلسه	جَدْوَلُ أَعْمَالٍ أَلْجُلْسَةِ	Agenda
دستهای بیکاری	أَلْبَطَالَةُ	Unemployed hands
دستهای کارگری (نیروی کار)	أَلْأَيْدِي الْعَامِلَةِ	Workers' hands
دستهای ناپاک کافران	أَيْدِي الْكُفْرِ أَلدَّنِيَّةُ	Dirty hands of infidels
دسته بندی سیاسی	أَلتَّوَاطُؤُ السِّيَاسِيَّ	Political faction
دسته عزا	مَوْكِبُ الْحُزْنِ	Mourning procession
دسیسه چینی و توطئه علیه	رَسْمُ الدَّسَائِسِ وَالْمُؤَامَرَاتِ	Conspiring against the
جهان اسلام	ضِدَّ الْعَالَمِ الْأِسْلَامِيِّ	world of Islam
دسیسه های مزدوران داخلی	دَسَائِسُ الْعَمَلَاءِ الْمَحَلِّيِّينَ	Plot of internal mercenaries
دشمنی آشکار انسان	أَلْعَدُوَانُ الصَّرِيحُ لِلْإِنْسَانِ	Open enemy of mankind
دشمن اشغالگر	أَلْعَدُوُّ الْمُحْتَلِّ	Occupier enemy
دشمن اصلی	أَلْعَدُوُّ الرَّدِّيْسِيِّ، أَلْعَدُوُّ الْأَصْلِيِّ	Real enemy
دشمنان اسلام	أَعْدَاءُ الْأِسْلَامِ	Enemy of Islam
دشمنان انقلاب اسلامی	أَعْدَاءُ الثَّوْرَةِ الْأِسْلَامِيَّةِ	Enemies of the Islamic revolution
دشمنان داخلی و خارجی	أَلْأَعْدَاءُ الْمَحَلِّيُّونَ وَالْأَجَانِبُ	Internal and external enemies

فارسی	العربی	English
دشمنانه	الْعِدَائِيُّ	<i>In the hostile manner</i>
دشمن بیگانه	الْخَصْمُ الْأَجْنَبِيُّ	<i>Foreign enemy</i>
دشمن پلید	الْخَصْمُ الشَّرِيرُ، الْعَدُوُّ الْخَبِيثُ	<i>Wicked enemy</i>
دشمن خلق	عَدُوُّ النَّاسِ	<i>Enemy of the people</i>
دشمن شناخته شده	الْخَصْمُ الْمَعْرُوفُ، الْعَدُوُّ الْمَعْرُوفُ	<i>Known enemy</i>
دشمن قسم خورده	الْعَدُوُّ الْمُتَحَالِفُ، الْعَدُوُّ الَّذِي أَقْسَمَ الْيَمِينَ	<i>Avowed enemy</i>
دشمن کافر	الْخَصْمُ الْكَافِرُ	<i>Infidel enemy</i>
دشمن کینه توز	الْعَدُوُّ الْحَقُودُ	<i>Vindictive enemy</i>
دشمن مشترک	الْعَدُوُّ الْمَشْتَرَكُ	<i>Common enemy</i>
دشمن آشکار بشر	الْعَدُوُّ الْمَعْرُوفُ لِلْبَشَرِ	<i>Open enemy of mankind</i>
دشمنی با بیگانه	الْعِدَاءُ لِلْأَجْنَبِيِّ	<i>Xenophobia</i>
دشواریهای قانونی و سیاسی	الْمَشَاكِلُ الْقَانُونِيَّةُ وَالسِّيَاسِيَّةُ	<i>Legal and political problems</i>
دعای نماز جمعه	دُعَاءُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ	<i>Friday prayers</i>
دفاع از استقلال و آزادی	الدِّفَاعُ عَنِ الْأَسْتِقْلَالِ وَالْحُرِّيَّةِ	<i>Defense of independence and freedom</i>
دفاع از اسلام	الدِّفَاعُ عَنِ الْأِسْلَامِ	<i>Defense of Islam</i>
دفاع از حقوق بشر	الدِّفَاعُ عَنْ حُقُوقِ الْإِنْسَانِ	<i>Defense of human rights</i>
دفاع از میهن	الدَّوْدُ عَنِ الْوَطَنِ	<i>Defense of one's Country</i>
دفاع ضد هوائی	الدِّفَاعَاتُ الْجَوِّيَّةُ الْمُضَادَّةُ	<i>Anti - aircraft defense</i>
دفاع و جانبازی	الدِّفَاعُ وَالتَّضَحِّيَّةُ	<i>Defense and self-sacrifice</i>
دفتر تبلیغات	مَكْتَبُ الْإِعْلَامِ	<i>Publicity office</i>

فارسی	العربی	English
دفتر تحکیم وحدت	مَكْتَبُ تَعَزُّزِ دِزِ الْوَحْدَةِ	Office of strengthening unity
دفتر سازمان آزادیبخش	مَكْتَبُ مُنْتَظَمَةِ الْتَحْرِيرِ	Office of a liberation movement
دفتر سیاسی	اَلْمَكْتَبُ السِّيَاسِيُّ	Political bureau
دفتر عمران روستا	مَكْتَبُ اِعْمَارِ الرِّيفِ	Office of rural development
دفتر کاخ ریاست جمهوری	مَكْتَبُ شُؤُونِ رِئَاسَةِ الْجُمْهُورِيَّةِ	President's office
دفتر مرکزی خبر	اَلْمَكْتَبُ الْمَرْكَزِيُّ لِلْاَنْبَاءِ	Central news bureau
دفتر نخست وزیری	مَكْتَبُ رِئَاسَةِ الْوُزَرَاءِ	Prime minister's office
دفتر هم آهنگی	اَلْمَكْتَبُ التَّنْسِيقِيّ	Coordination office
دفتر همکاریها	مَكْتَبُ اَلتَّعَاوُنِ	Cooperations office
دفع حملات	رَدُّ الْغَارَاتِ، صَدُّ الْهُجُومِ	Repelling attacks
دفع هر گونه تجاوز	صَدُّ اَيِّ اِعْتِدَاءٍ	Repelling any violation
دگرگونی برنامه‌های درسی	تَطْوِيرُ اَلْمَنَهِجِ الدِّرَاسِيَّةِ	Curricular changes
دگرگونی بنیادی	اَلتَّغْيِيرُ الْجَذَرِيَّةُ	Basic changes
دلاور سربازان میهن	جُدُودُ الْوَطَنِ الْبَوَاسِلُ	Brave soldiers of a country
دلائل آشکار	اَلْاَدِلَّةُ الْوَاضِحَةُ، اَلْبَرَاهِينُ اَلنَّاصِحَةُ	Obvious reasons
دلجوئی کردن	اَلْاَسْتِعْظَافُ	To mollify
دل مرده‌ها	اَصْحَابُ الضَّمَائِرِ اَلْمَيِّتَةِ	Depressed people
دمکراسی خیالی	اَلدِّيمَقْرَاطِيَّةُ اَلْمَزْعُومَةُ	Imaginary democracy
دنیای آزاد	اَلْعَالَمُ الْحُرُّ	Free world
دنیای اسلامی	اَلْعَالَمُ الْاِسْلَامِيّ	World of Islam

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Industrial world</i>	اَلْعَالَمُ الصَّنَاعِيّ	دنیای صنعتی، جهان صنعتی
<i>Far from biases</i>	بَعِيدٌ عَنِ اَلْعَصَبِيَّاتِ	دور از تعصبات
<i>Corrupt period</i>	اَلْعَهْدُ اَلْبَائِدُ	دوران پوسیده
<i>Black period</i>	اَلْمَرْحَلَةُ اَلسَّوْدَاءُ	دوران سیاه
<i>Domination period</i>	عَهْدُ اَلْاِتِّدَابِ	دوران قیمومیت
<i>Round of talks</i>	دَوْرُ اَلْمُعَادَاةِ، كِتَابَعُ اَلْمُبَاهَاةِ	دور مذاکرات
<i>Hypocrite</i>	اَلْمُنَافِقُ، اَلْمُرَائِي	دو رو- ریاکار- منافق
<i>Hypocrisy</i>	اَلرِّدَاءُ، اَلنِّفَاقُ	دو روئی- ریا
<i>Period of suppression</i>	عَهْدُ اَلْكَبْتِ	دورهٔ اختناق
<i>Preparatory period</i>	اَلدَّوْرَةُ اَلتَّهَيِّدِيَّةُ	دورهٔ آمادگی
<i>Transitional period</i>	اَلْفَتْرَةُ اَلْاُنْتِقَالِيَّةُ	دورهٔ انتقالی
<i>Orientation period</i>	اَلْفَتْرَةُ اَلتَّوْجِيهِيَّةُ	دورهٔ توجیهی
<i>Dilemma</i>	اَلظُّرُوفُ اَلْقَاسِيَّةُ وَ اَلصَّعْبَةُ	دورهٔ سخت و مشکل
<i>Apprenticeship period</i>	دَوْرَةُ اَلتَّطْبِيقِ	دورهٔ کارآموزی
<i>Avoiding a risk</i>	اَلْاِبْتِغَاءُ عَنِ اَلْخَطَرِ	دوری از خطر
<i>Freedom lovers</i>	مُحِبُّو اَلْحُرِّيَّةِ	دوستانان آزادی
<i>Philanthropy</i>	حُبُّ اَلْاِنْسَانِ، حُبُّ اَلْبَشَرِ	دوستی انسان
<i>Side by side</i>	جَنْبًا اِلَى جَنْبٍ	دوش به دوش
<i>Dissident government</i>	اَلْحُكُومَةُ اَلْاِنْقِصَالِيَّةُ	دولت تجزیه طلب
<i>Young Islamic government</i>	دَوْلَةُ اَلْاِسْلَامِ اَلْفَتِيَّةُ	دولت جوان اسلامی
<i>State within state</i>	حُكُومَةُ دَاخِلِ حُكُومَةٍ	دولت در دولت

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Provisional government</i>	اَلْحُكُومَةُ اَلْمُؤَقَّتَةُ	دولت سایه (موقت)
<i>National government</i>	اَلْحُكُومَةُ اَلْوَطَنِيَّةُ	دولت ملی
<i>Host government</i>	اَلدَّوْلُ اَلْمُضَيِّفَةُ	دولت های میزبان
<i>Reactionary governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلرَّجَعِيَّةُ	دولت های ارتجاعی
<i>Imperialist governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلْاِمْبِرِيَالِيَّةُ	دولت های امپریالیستی
<i>Big and small States</i>	اَلدَّوْلُ اَلْكَبْرَىٰ وَ اَلصَّغْرَىٰ	دولت های بزرگ و کوچک
<i>Neutral governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلْمُحَادِدَةُ	دولت های بیطرف
<i>Progressive governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلْمَتَقَدِّمَةُ	دولت های پیشرفته
<i>Islamic governments</i>	دَوْلُ اَلْعَالَمِ اَلْاِسْلَامِيّ	دولت های جهان اسلامی
<i>Developing nations</i>	اَلدَّوْلُ اَلنَّامِيَّةُ	دولت های در حال توسعه
<i>Warring governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلدُّخَارِبَةُ	دولت های در حال جنگ
<i>Friendly governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلصَّدِيقَةُ	دولت های دوست
<i>Litoral states</i>	اَلدَّوْلُ اَلسَّاحِلِيَّةُ	دولت های ساحلی
<i>Socialist governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلْاِسْتِرَاكِيَّةُ	دولت های سوسیالیستی
<i>Eastern governments</i>	اَلدَّوْلُ اَلشَّرْقِيَّةُ	دولت های شرقی
<i>Industrial nations</i>	اَلدَّوْلُ اَلصَّنَاعِيَّةُ	دولت های صنعتی
<i>Government members of the common market</i>	اَلدَّوْلُ اَلْاَعْضَاءُ فِي اَلسُّوقِ اَلْاُوْرُوْجِيَّةِ اَلْمَشْتَرَكَةِ	دولت های عضو بازار مشترک اروپا
<i>Backward nations</i>	اَلدَّوْلُ اَلْمَتَخَلِّفَةُ	دولت های عقب افتاده
<i>Non-aligned countries</i>	اَلدَّوْلُ غَيْرُ اَلْمُنْحَازَةِ، اَلدَّوْلُ اَلْمُحَادِدَةُ	دولت های غیر متعهد

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
دولت‌های کمونیستی	اَلدُّوْلُ اَلشُّيُوْعِيَّةُ، اَلْحُكُوْمَاتُ اَلشُّيُوْعِيَّةُ	Communist governments
دولت‌های متخاصم	اَلدُّوْلُ اَلْمُعَادِيَّةُ	Hostile governments
دولت‌های (ملت‌های) مترقی و پیشرفته	اَلدُّوْلُ اَلرَّاقِيَّةُ، اَلشُّعُوْبُ اَلْمُتَحَضِّرَةُ	Progressive nations
دولت‌های متعهد	اَلدُّوْلُ اَلْمُنْحَازَةُ، اَلدُّوْلُ اَلْمُوَالِيَّةُ	Committed governments
دولت‌های محروم معروف به جهان سوم	اَلدُّوْلُ اَلْمَحْرُوْمَةُ اَلْمُسْتَاثِمَا الْعَالَمِ اَلثَّالِثِ	Third world countries
دولت‌های مشترك المنافع بریتانیا	رَايَّةُ اَلدُّوْلِ ذَاتِ اَلْمَصَالِحِ اَلْمُشْتَرَكَةِ اَلْبَرِيْطَانِيَّةِ، دَوْلُ اَلْكَمْنَوِلْثِ	Common wealth countries
دولت‌های وابسته و متمایل	اَلدُّوْلُ اَلْمُنْحَازَةُ	Dependent countries
دولت هم‌کیش	اَلدُّوْلَةُ ذَاتُ عَقِيْدَةٍ وَاحِدَةٍ	Co-religious countries
دو مرحله‌ای	ذُو مَرَحَلَتَيْنِ	Two-phase
دو ملیتی	ذُو جَنَسِيَّتَيْنِ	Bi-national
دهکده متروکه	اَلْقَرْيَةُ اَلْمَتْرُوْكَةُ، اَلرِّيْفُ اَلْمَهْجُوْرَةُ	Deserted villages
دهه فجر	عَشْرَةُ اَلْفَجْرِ	Decade of Dawn
دیپلومات‌های خارجی	اَلدَّبْلُومَاسِيُوْنَ اَلْاَجَانِبُ، اَلْمُمَثِّلُوْنَ اَلْاَجَانِبُ	Foreign diplomats
دیپلوماسی، سیاست	اَلسِّيَاسَةُ، فَنُّ اَلسِّيَاسَةِ، اَلدَّبْلُومَاسِيَّةُ	Diplomacy

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
دیدار تاریخی	اَللِّقَاءُ اَلتَّارِيخِيُّ	<i>Historic visit</i>
دیدار رسمی	اَلزِّيَارَةُ اَلرَّسْمِيَّةُ	<i>Official visit</i>
دیدار غیررسمی	اَلزِّيَارَةُ غَيْرُ اَلرَّسْمِيَّةِ	<i>Unofficial visit</i>
دیدار مطبوعاتی	اَللِّقَاءُ اَلصَّحْفِيُّ	<i>Conference meeting</i>
دیدارهای دوجانبه و سه‌جانبه	لِقَاءَاتُ اَلْقَمَّةِ اَلثَّنَائِيَّةِ وَ اَلثَّلَاثِيَّةِ	<i>Bilateral and trilateral visits</i>
دیدارهای محرمانه	اَللِّقَاءَاتُ اَلسَّرِيَّةُ	<i>Secret meetings</i>
دیده‌کنجکاو	اَلنَّظَرَةُ اَلْفَاحِصَةُ	<i>Inquisitive look</i>
دیکتاتور- ظالم	اَلْحَاكِمُ اَلْمُسْتَبِدُّ، اَلْحَاكِمُ اَلْمُطْلَقُ	<i>Dictator</i>
دیکتاتوری	اَلْاُسْتِبْدَادِيَّةُ، اَلدِّكْتَاتُورِيَّةُ	<i>Dictatorship</i>
دین جاویدان	اَلدِّينُ اَلْخَالِدُ	<i>Eternal religion</i>
دین جدید	اَلدِّينُ اَلْجَدِيدُ	<i>New religion</i>
دین حقیقی	اَلدِّينُ اَلْحَقِيقِيُّ	<i>True religion</i>
دیوار آهنین	اَلسَّتَّارُ اَلْحَدِيدِيُّ	<i>Iron curtains</i>
دیوار صوتی	اَلْحَاجِزُ اَلصَّوْتِيُّ	<i>Sound barrier</i>
دیوارهای سلول	جُدُرَانُ زِنْدَانِهِ	<i>Walls of the cell</i>
دیوان عالی کشور	مَجْلِسُ اَلْقَضَاءِ اَلْاَعْلَى	<i>Supreme court</i>

ذ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ذات	اَلذَّاتُ	Nature
ذخیره	اَلذَّخِيْرَةُ	Supply
ذخیره های طبیعی	ذَخَائِرُ الطَّبِيعَةِ	Natural supplies
ذرات پراکنده	اَلذَّرَاتُ الْمُبَعَثَرَةُ	Scattered particles
ذریه پیغمبر	ذُرِّيَّةُ الرَّسُولِ	Prophet's progeny
ذکاوت و هوش	اَلذِّكَاءُ	Intelligence
ذکر کردن	اَلذِّكْرُ	To mention
ذلیل	اَلْحَقِيْرُ، اَلذَّلِيْلُ	Humble
ذوب آهن ملی	مَصَابِعُ صَهْرِ الْحَدِيْدِ اَلْوَطَنِيَّةُ	National still mill
ذهن	اَلْعَقْلُ، اَلذَّهْنُ	Mind
ذهنی	اَلْعَقْلِيُّ، اَلذَّهْنِيُّ	Intellectual
دو جنبه تین، دو پهلو	ذَوَ طَرَفَيْنِ، ذَوَ طَابِعَيْنِ	Equivocal
ذو حیاتین	اَلْبَرْمَاثِيُّ	Amphibious

English

اَلْعَرَبِيُّ

فارسی

Taste

اَلتَّذَوُّقُ، اَلطَّعْمُ

ذوق-سلیقه، ذائقه

Qualified

ذُو اَلصَّلَاحِيَّةِ

ذی صلاحیت

Precious

اَلنَّفِيسُ، اَلثَّمِينُ

ذقیمت

فارسی	اَلْعَرَبِيُّ	English
رابطه بین علم و دین	اَلْعَلَاَقَةُ بَيْنَ اَلْعِلْمِ وَ اَلدِّينِ	Relation between science and religion
رابطه حسنه	اَلْعَلَاَقَةُ اَلْحَسَنَةُ	Good terms
رابطه غیر قانونی	اَلْعَلَاَقَةُ غَيْرُ اَلشَّرْعِيَّةِ	Illegal liasion
رابطه ناگسستنی	عَلَاَقَةُ عَدَمِ اَلْاَنْفِصَالِ	Inseparable relation
رادیوی خارجی	اَلْاَذَاعَةُ اَلْاُجْنِبِيَّةُ	Foreign radio station
راز بقاء و دوام	سِرُّ اَلدِّيْمُومَةِ	Secret of survival
راز افکار و ارزشهای پیشرفته	سِرُّ تَبَدُّلِ اَلْاَفْكَارِ وَ اَلْقِيَمِ اَلْاَرَاْقِيَّةِ	Secret of Progressive thoughts and values
راز ترقی و پیشرفت	رَمَزُ اَلتَّفَوُّقِ	Secret of advancement
راز وحدت	رَمَزُ اَلْوَحْدَةِ	Secret of unity
راست گرا	اَلْيَمِينِيُّ	Rightist
رانندن (از کشور)	اَلتَّهْجِيرُ، اَلنَّفْيُ	To expel

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
Refugees	الْمُهَاجِرُونَ	رانده شدگان
Way of a revolution	طَرِيقُ الثَّوْرَةِ	راه انقلاب
March	الْمُظَاهَرَةُ، الْمَسِيرَةُ	راهپیمایی
Protest march	الْمُظَاهَرَةُ الْإِحْتِجَاجِيَّةُ، مُظَاهَرَةُ إِحْتِجَاجِيَّةٍ	راهپیمایی اعتراض آمیز
Victory march	مُظَاهَرَةُ الْأَذْتِصَارِ	راهپیمایی پیروزی
Solidarity march	مُظَاهَرَةُ الْوَحْدَةِ	راهپیمایی وحدت
Transit route	طَرِيقُ الْمُرُورِ الْعَامِّ، الْتَرَانْسِيتُ	راه ترانزیت
Path of truth	طَرِيقُ الْحَقِّ	راه حق
Path of truth and justice	طَرِيقُ الْحَقِّ وَالْعَدَالَةِ	راه حق و عدالت
Path of God	سَبِيلُ اللَّهِ	راه خدا
Compromising solution	الْحُلُولُ التَّسَاوُمِيَّةُ	راه حل سازشکارانه
Peaceful solution	الطَّرُقُ السَّلَامِيَّةُ	راه حل های مسالمت آمیز
Suitable solution	الْحُلُولُ الْمُنَاسِبَةُ	راه حل های مناسب
Straight path	الْصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ	راه راست، صراط مستقیم
Rural road	الطَّرِيقُ الرِّيْفِيُّ	راه روستائی، راه های
Rural	الطَّرُقُ الْقَرْوِيَّةُ	روستائی
Bypass	الطَّرِيقُ الْجَانِبِيُّ، الطَّرِيقُ الْفَرَعِيُّ	راه فرعی
Wrong direction	الْتَّوْجِيهُ الْخَاطِئُ	راهنمایی غلط
Pilgrims' guide	دَلِيلُ الْعُجَّاجِ	راهنمایی حجاج

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
راهنمایی کردن	اَلْاُرْشَادُ، اَلدَّلَالَةُ	To guide
راههای آبی (راههای دریائی)	طُرُقُ اَلْمِلاَحَةِ	Water canals
راههای هوایی	اَلطَّرِيقُ اَلْجَوِّيَّةُ، اَلْمُواصِلَاتُ اَلْجَوِّيَّةُ	Airways
رای آزاد	اَلرَّأْيُ اَلْحُرُّ	Free Vote
رای اتخاذ شده	اَلرَّأْيُ اَلْمَتَّبَعِيُّ	Adopted vote
رای اعتماد	اَخَذُ اَلثَّقَةِ	Vote of confidence
رای اکثریت	رَأْيُ اَلْاَغْلَبِيَّةِ، رَأْيُ اَلْاَكْثَرِيَّةِ	Majority Vote
رای دادن	اَلتَّصَوُّيْتُ	To vote
رای دهنده	اَلْمُقْتَرِعُ	Voter
رایزن سفارت	مُسْتَشَارُ السَّفَارَةِ	Embassy's advisor
رای شماری	فَرَزُ اَلْاَصْوَاتِ	Counting of the Votes
رای عدم اعتماد	تَّصَوُّيْتُ عَدَمِ اَلْاَعْتِمَادِ	Vote of non-confidence
رای علنی	اَلرَّأْيُ اَلْمَكْشُوفُ، اَلنَّظَرُ اَلصَّرِيحُ	Open vote
رای قاطع	اَلصَّوْتُ اَلْمَرْجِعُ	Decisive vote
رای گیری	اَلْاِقْتِرَاعُ، عَمَلِيَّةُ اَلتَّصَوُّيْتِ	Polling
رئیس بانک	مُدِيرُ اَلْمَصْرِفِ	Bank manager
رئیس پلیس	مُدِيرُ اَلشَّرْطَةِ	Chief of the Police
رئیس تشریفات	مُدِيرُ اَلْمَراسِمِ	Master of ceremonies
رئیس جمهور منتخب	اَلرَّئِيسُ اَلْمُنْتَخَبُ	President—elect
رئیس جمهوری	رِئَاسَةُ الْجُمْهُورِيَّةِ	President
رئیس حزب	رِئِيسُ الْحِزْبِ	Party leader

Head of a family	رَبُّ الْعَائِلَةِ	رئیس خانواده
Prosecutor-general	رَدِيسُ الْمَحْكَمَةِ الْعُلْيَا فِي الْبِلَادِ	رئیس دادگاه عالی کشور
Head of a judicial court	رَدِيسُ الْمَحْكَمَةِ الْقَضَائِيَّةِ	رئیس دادگاه قضائی
Dean of a college	عَمِيدُ الْكُلِيَّةِ	رئیس دانشکده
Chancellor of a university	رَدِيسُ الْجَامِعَةِ	رئیس دانشگاه
Head of a secret office	مُدِيرُ الْقَلَمِ السَّرِيِّ	رئیس دفتر محرمانه
Head of a private office	رَدِيسُ الدِّيْوَانِ	رئیس دفتر مخصوص
Head of a state	رَدِيسُ الْحُكُومَةِ	رئیس دولت
Head of a liberation movement	رَدِيسُ مَنْشَقَمَةِ التَّحْرِيرِ	رئیس سازمان آزادی بخش
Chief of staff	رَدِيسُ الْقِيَادَةِ الْمُشْتَرَكَةِ	رئیس ستاد مشترک
Chief of the police	مُدِيرُ الشَّرْطَةِ الْعَامِ	رئیس شهربانی کل کشور
Mayor	رَدِيسُ الْبَلَدِيَّةِ	رئیس شهرداری
Chief of the police station	مُدِيرُ مَرْكَزِ الشَّرْطَةِ	رئیس کلانتری
Head of a committee	مُدِيرُ اللَّجْنَةِ	رئیس کمیته
Head of foreign affairs	رَدِيسُ لُجْنَةِ الْأَشْؤُونِ	رئیس کمیته امور خارجه
Committee	الْغَارِجِيَّةِ لِلْبِرِّ لِمَانِ	مجلس
Speaker of a majlis	رَدِيسُ الْمَجْلِسِ	رئیس مجلس
Speaker of the islamic assembly	رَدِيسُ مَجْلِسِ الْأَشْؤَرِ الْإِسْلَامِيِّ	رئیس مجلس شورای اسلامی

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Head of a delegation</i>	رَدِيسُ الْوَقْدِ	رئیس هیئت اعزامی
<i>Kidnaping</i>	اِخْتِطَافُ الْاَفْرَادِ	ربودن افراد
<i>Political figure</i>	الرَّجُلُ السِّيَاسِيُّ	رجل سیاسی
<i>Rejection of charges</i>	دَفْعُ اَلْتَّهَمِ	رد اتهامات
<i>Parade</i>	اَلْاَسْتِعْرَاضُ	رژه - سان و رژه
<i>Brave combatants</i>	اَلْمُقَاتِلُونَ الْاَبْطَالُ وَالشُّجْعَانُ	رزمندگان شجاع و دلیر
<i>Repressive regime</i>	اَلنِّظَامُ اَلتَّابِعُ	رژیم اختناق
<i>Land-lord- peasant regime</i>	نِظَامُ الْاَقْطَاعِ	رژیم ارباب و رعیتی
<i>Reactionary regime</i>	اَلنِّظَامُ اَلرَّجْعِيُّ	رژیم ارتجاعی
<i>Puppet regime</i>	اَلْحُكْمُ اَلْمَزِيفُ	رژیم پوشالی
<i>Tyrant regime</i>	اَلنِّظَامُ اَلظَّالِمُ، اَلنِّظَامُ اَلظَّالِمِ	رژیم جبار
<i>Republic</i>	اَلنِّظَامُ الْجُمْهُورِيُّ	رژیم جمهوری
<i>Criminal regime</i>	اَلنِّظَامُ الْجَانِي، اَلنِّظَامُ الْمَضْطَرِدُّ	رژیم جنایتکار
<i>Despotic regime</i>	اَلنِّظَامُ الْاَدْنَايُ، نِظَامُ مُحِبِّ لِنَاذِهِ	رژیم خودکامه
<i>Autonomous regime</i>	نِظَامُ اَلدَّوْلَةِ اَلْمُسْتَقِلَّةِ	رژیم خودمختار
<i>Puppet regime</i>	اَلنِّظَامُ الرَّجِيبُ	رژیم دست نشانده
<i>Dictatorial regime</i>	اَلنِّظَامُ اَلْاَسْتِمْدَادِيُّ	رژیم دیکتاتوری
<i>Capitalist regime</i>	اَلنِّظَامُ اَلرَّأْسَالِيُّ	رژیم سرمایه داری

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
رژیم شاهنشاهی	اَلنِّظَامُ اَلْمَلَكِيُّ	<i>Monarchical regime</i>
رژیم شیطانی	اَلنِّظَامُ اَلشَّيْطَانِيُّ	<i>Diabolic regime</i>
رژیم صهیونیستی	اَلنِّظَامُ اَلنَّصْرِيّ	<i>Zionist regime</i>
رژیم ضد مردمی	اَلنِّظَامُ اَلْمُضَادُّ لِجَمَاهِيرٍ	<i>Anti-popular regime</i>
رژیم غاصب	اَلنِّظَامُ اَلْغَاصِبُ	<i>Usurper regime</i>
رژیم غیر قانونی	اَلنِّظَامُ غَيْرُ اَلْقَانُونِيّ	<i>Illegal regime</i>
رژیم فاسد	اَلنِّظَامُ اَلْفَاسِدُ	<i>Corrupt regime</i>
رژیم فرعونى	اَلنِّظَامُ اَلْفِرْعَوْنِيّ	<i>pharaonic regime</i>
رژیم قبلى	اَلنِّظَامُ اَلسَّابِقُ، اَلنِّظَامُ اَلْمَتَقَدِّمُ	<i>Previous regime</i>
رژیم کفر	نِظَامُ اَلْكَفْرِ	<i>Atheist regime</i>
رژیم کمونیستی	اَلنِّظَامُ اَلشُّيْعِيّ	<i>Communist regime</i>
رژیم مارکسیستی	اَلنِّظَامُ اَلْمَارْكِسِيّ	<i>Marxist regime</i>
(کمونیستی)	(كُمُونِيْسْتِي)	
رژیم محافظه کار	اَلنِّظَامُ اَلْمُحَافِظُ	<i>Conservative regime</i>
رژیم مشروطه سلطنتی	اَلنِّظَامُ اَلْمَلَكِيّ اَلدِّسْتُوْرِيّ	<i>Constitutional monarchy</i>
رژیم منفور	اَلْحُكْمُ اَلْقَبِيْحُ، اَلنِّظَامُ اَلْمُعْيَبُ، اَلنِّظَامُ (اَلْمَكْرُوهُ، اَلْمَطْرُوْدُ، اَلْمَنْفُوْرُ)	<i>Destestable regime</i>
رژیم نژادپرست	اَلنِّظَامُ اَلْعُنْصَرِيّ	<i>Racist regime</i>
رسالت الهی	اَلرِّسَالَةُ اَلسَّمَاوِيَّةُ	<i>Divine mission</i>
رسالت نجات انسان	رِسَالَةُ اِنْقَاذِ اَلْاِنْسَانِ	<i>Mission to save humanity</i>

فارسی	العَرَبِيَّة	English
رساندن فریاد انقلاب	إِصْصَالُ دِئَاءِ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	To carry a
	إِلَى الْعَالَمِ	revolutionary voice to
رسانه‌های گروهی	وَسَائِلُ الْأَعْلَامِ	Mass media
رستگاری جاودانه	الْفَلَاحُ الْآبِدِيُّ، الْفَوْزُ الْخَالِدُ	Everlasting salvation
رسوایی کامل	الْفَضِيحَةُ الْتَامَةُ	Complete disgrace
رسول - پیام‌آور	الرَّسُولُ	Messenger
رسیدن به ژرفای اسلامی	الْوُصُولُ إِلَى عُمُقِ الْإِسْلَامِ	To reach the depth of Islam
رسیدن به خود کفائی	الْوُصُولُ إِلَى حَدِّ الْاِكْتِفَاءِ	To attain self-sufficiency
	الذَّاتِيَّ	
رسیدن به هدف‌ها	الْوُصُولُ إِلَى الْأَهْدَافِ	To attain objectives
رشد اجتماعی	الْوَعْيُ الْأَجْتِمَاعِيُّ	Social growth
رشد اسلام	نُمُو الْإِسْلَامِ	Growth of Islam
رشد اقتصاد ملی	تَنْمِيَةُ الْأَقْتِصَادِ الْوَطَنِيِّ	National economic growth
رشد اقتصادی	التَّنْمِيَةُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	Economic growth
رشد سالیانه	النُّمُو السَّنَوِيُّ	Annual growth
رشد طبیعی	النُّشُوءُ الطَّبِيعِيُّ	Natural growth
رشد فرآورده‌های ملی	تَنْمِيَةُ الْأَنْتَاجِ الْوَطَنِيِّ	Growth of national products
رشد ملی	الْوَعْيُ الْقَوْمِيُّ	National growth
رشوه	الرِّشْوَةُ، الْبَرِّ طِيلُ	Bribe
رشوه دهنده - راشی	الرَّاشِي	Briber
رشوه گرفتن	الْأَرْقِشَاءُ	To receive a bribe
رشوه گیرنده - مرتشی	الْمُرْقِشِي	Bribee

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
رضایت نامه	شَهَادَةُ حَسَنِ السُّلُوكِ	Letter of recommendation
رفاه عمومی	اَلرِّفَاهِيَّةُ اَلْعَامَّةُ	Public welfare
رفاه کارگران	رِفَاهُ اَلْعُمَالِ	Workers' welfare
رفاه و آسایش	اَلرِّخَاءُ وَ اَلرِّفَاهِيَّةُ	Welfare and comfort
رفتار اجتماعی	اَلسُّلُوكُ اَلْجَمَاعِيُّ	Social welfare
رفتار اسلامی	اَلسُّلُوكُ اَلْاِسْلَامِيُّ	Islamic treatment
رفتار انسانی	اَلْمُعَامَلَةُ اَلْاِنْسَانِيَّةُ، اَلسُّلُوكُ اَلْاِنْسَانِيُّ	Humanitarian behavior
رفتار خصمانه (غیردوستانه)	اَلسُّلُوكُ اَلْعُدُوَانِيُّ	Hostile behavior
رفتار شخصی	اَلسُّلُوكُ اَلشَّخْصِيُّ	Personal behavior
رفتار غیر قانونی	اَلسُّلُوكُ اَلْمَعْرُودُ	Disorderly conduct
رفتار فردی	اَلسُّلُوكُ اَلْاِنْفِرَادِيُّ	Personal conduct
رفتار ناشایست	اَلسُّلُوكُ اَلْمُسِيْنُ	Abominable behavior
فراندم کردن	اَلْاِسْتِفْتَاءُ اَلْعَامُ	Hold a referendum
رفع اختلاف	حَلُّ اَلْخِلَافِ	Settlement of differences
رفع بحران - رفع خطر	حَلُّ اَلْاَزْمَةِ	Removal of sanctions
رفع توقیف	رَفْعُ اَلْحَجَرِ	Lifting a ban
رفع خستگی	اَلتَّرْوِيْحُ عَنِ اَلنَّفْسِ	Refreshment
رفع سوء تفاهم	رَفْعُ سَوْءِ اَلتَّفَاهُمِ	Removal of misunderstanding
رفع کمبودها	حَلُّ اَلنَّوَاقِصِ	Alleviation of shortages
رفع محاصره	فَكُّ اَلْحِصَارِ	Breaking a siege
رفع مصونیت	رَفْعُ اَلْحَصَانَةِ	Depriving of immunity

فارسی	العَرَبِيّ	English
رقابت بین المللی	الْمُنَافَسَةُ الدَّوْلِيَّةُ	International rivalry
رقابت سالم	الْمُنَافَسَةُ الصَّحِيحَةُ	Healthy competition
رقابت سیاسی	الْمُنَافَسَةُ السِّيَاسِيَّةُ	Political rivalry
رکود اقتصادی	الْأَزْمَةُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	Economic recession
رکورد جهانی	الْأَدْجَمَادُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	World record
رگبار گلوله - (تیراندازی)	إِطْلَاقُ الرِّصَاصِ، قَرَّاشِقُ الرِّصَاصِ	Barrage of bullets
رمز استقلال	مَظْهَرُ الْأَسْتِقْلَالِ	Secret of independence
رمز وحدت	رَمَزُ الْوَحْدَةِ	Secret of unity
رنگ سیاسی، جنبه سیاسی	الْصَّبْغَةُ السِّيَاسِيَّةُ، الطَّابِعُ السِّيَاسِيُّ	Political aspect
روابط استراتژی	الْعَلَاَقَاتُ الْأَسْتِرَاقِيَّةُ	Strategic relations
روابط بازرگانی	الْعَلَاَقَاتُ التِّجَارِيَّةُ	Commercial relations
روابط برادری	عَلَاَقَاتُ الْأُخُوَّةِ، الْعَلَاَقَاتُ الْأَخَوِيَّةُ	Fraternal relations
روابط بین المللی	الْعَلَاَقَاتُ الدَّوْلِيَّةُ	International relations
روابط بین دو کشور	عَلَاَقَاتُ الْبِلَدَيْنِ	Relations between two countries
روابط پیچیده	الْصَّلَاتُ الْمَعْرَقَلَةُ، الْعَلَاَقَاتُ الْمَعْقَدَةُ	Complicated relations
روابط تجاری بین المللی	الْعَلَاَقَاتُ التِّجَارِيَّةُ الدَّوْلِيَّةُ	International trade relations

فارسی	العربی	English
روابط تیره	قَعَبِيرُ جَوَّ الْعَلَاqَاتِ	Strained relations
روابط جنسی	الْمَصَلَاتُ الْإِجْنَسِيَّةُ	Sexual relations
روابط حسن همجواری	عَلَاqَاتُ حَسَنِ الْجَوَارِ	Good neighborly relations
روابط حسنه	حَسَنُ الرِّوَابِطِ	Good relations
روابط خارجی	الْعَلَاqَاتُ الْخَارِجِيَّةُ	Foreign relations
روابط خصمانه	الْعَلَاqَاتُ الْعِدَائِيَّةُ	Hostile relations
روابط خصوصی	الْمَصَلَاتُ الشَّخْصِيَّةُ	Private relations
روابط دوجانبه	الْعَلَاqَاتُ الثَّنَائِيَّةُ	Bilateral relations
روابط دوستانه	الْمَصَلَاتُ الْوُدِّيَّةُ	Friendly relations
روابط دیپلماتیک	الْعَلَاqَاتُ الدِّبْلُومَاسِيَّةُ	Diplomatic relations
روابط سرد	الْعَلَاqَاتُ الْبَارِدَةُ	Cold relations
روابط سیاسی	الْعَلَاqَاتُ السِّيَاسِيَّةُ	Political relations
روابط عمومی	الْعَلَاqَاتُ الْعَامَّةُ	Public relations
روابط عمیق و برادرانه	الْعَلَاqَاتُ الْوَكِيْقَةُ وَالْأَخَوِيَّةُ	Profound and fraternal relations
روابط فرهنگی	الْعَلَاqَاتُ الثَّقَافِيَّةُ	Cultural relations
روابط گرم و دوستانه	الْعَلَاqَاتُ الْحَمِيْمَةُ	Warm and friendly relations
روابط نامشروع	الْعَلَاqَاتُ غَيْرُ الشَّرْعِيَّةِ، الْمَصَلَاتُ غَيْرُ الْقَانُونِيَّةِ	Illegal relations
روادید ورود و خروج	قَاشِيْرَةُ الدُّخُولِ وَالْخُرُوجِ	Entrance and exit visa
روان شناسی	عِلْمُ النَّفْسِ، دَسِيْمَكُوْلُوجِيَا	Psychologist
روبرو شدن با دشمن	مُجَابَهَةُ الْعَدُوِّ	To encounter an enemy

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
روبرویی بامتجاوزین بیگانه	مُجَابَهَةُ الْمُعْتَدِلِينَ الْأَجَانِبِ	Encounter with foreign aggressors
روبرویی نیروهای مخفی	مُؤَاجَهَةُ الْقَوَى الْخَفِيَّةِ	Clash of underground forces
روح آزادی طلبی	أَلْرُوحُ الْأُسْتِقْلَالِيَّةِ	Spirit of Freedom-loving
روح انقلابی	أَلْرُوحُ الثَّوْرِيَّةِ	Revolutionary spirit
روحانی، عالم دین	عَالِمُ الدِّينِ	Clergyman
روحانی نما	عَالِمُ الدِّينِ الْمُرَيَّفِ	Pseudo - clergyman
روحانیون مبارز	عُلَمَاءُ الدِّينِ الْمُناضِلُونَ	Combatant clergy
روحانیون متعهد	عُلَمَاءُ الدِّينِ الْمُلتَزِمُونَ	Committed clergy
روحانیون میانه رو	رِجَالُ الدِّينِ الْمُعتَدِلُونَ	Moderate clergy
روح بزرگ انقلابی	أَلْرُوحُ الثَّوْرِيَّةِ الْعَظِيمَةِ	Great revolutionary spirit
روح پاک	أَلْرُوحُ الظَّاهِرَةِ	Purified soul
روح فداکاری اسلامی	رُوحُ التَّضَحِّيَةِ الْأِسْلَامِيَّةِ	Spirit of Islamic devotion
روحیه عالی - (معنویات)	أَلْمَعْنَوِيَّاتُ الْعَالِيَةِ	High morale
روحیه قوی	أَلْمَعْنَوِيَّاتُ الْعَالِيَةِ	Strong morale
روز آزادی	يَوْمُ الْأُسْتِقْلَالِ، يَوْمُ الْحُرِّيَّةِ	Independence day
روز جهانی کارگر	يَوْمُ الْعَمَالِ الْعَالَمِيِّ	Labor Day
روز انتقام	يَوْمُ الْأَنْتِقَامِ، يَوْمُ الثَّأْرِ	Day of revenge
روز زن	يَوْمُ الْمَرْأَةِ	Women's day
روز عزا	يَوْمُ الْحَدَادِ، يَوْمُ الْحُزَنِ، يَوْمُ النَّدْبَةِ	Mourning day
روز فرخنده	أَلْيَوْمُ السَّعِيدِ	Auspicious day

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
روز فرخنده کارگر	يَوْمُ الْعَامِلِ الْمَيِّمُونُ	<i>Auspicious Labor Day</i>
روز قدس	يَوْمُ الْقُدْسِ	<i>Quods' day</i>
روز قیامت	يَوْمُ الْقِيَامَةِ	<i>Doomsday</i>
روز ملی کار	يَوْمُ الْعَمَلِ الْوَطَنِيِّ	<i>National labor day</i>
روز نامه فوق العاده	مُلْحَقُ الْجَرِيدَةِ	<i>Extraordinary paper</i>
روز نامه نگاران بیگانه	اَلصَّحَفِيُّونَ الْاَجَانِبُ	<i>Foreign journalists</i>
روز نامه نویس - مقاله نویس	اَلصَّحَفِيُّ	<i>Journalist</i>
روز نامه		<i>Newspaper</i>
روز نامه نیمه رسمی	اَلْجَرِيدَةُ شِبْهُ الرِّسْمِيَّةِ	<i>Semi-official paper</i>
روز نامه های استعماری مزدور	اَلصَّحُفُ الْاِسْتِعْمَارِيَّةُ، اَلصَّحُفُ الْمَاجُورَةُ	<i>Imperialist papers</i>
روز نامه های جهانی	اَلصَّحُفُ الْعَالَمِيَّةُ	<i>Universal papers</i>
روز نامه های کثیر الانتشار	اَلصَّحُفُ الْوَاسِعَةُ الْاَنْتِشَارُ	<i>Papers with a great circulation</i>
روزه - روزه گرفتن	اَلصَّوْمُ، اَلصِّيَامُ	<i>To fast</i>
روز های تعطیل	اَيَّامُ الْعُضَلَةِ	<i>Holidays</i>
روزه سیاسی	اَلصَّوْمُ السِّيَاسِيُّ	<i>Political fast</i>
روز یادبود	يَوْمُ الذِّكْرِ	<i>Commemorative day</i>
روستائی	اَلْقَرْوِيُّ، اَلْقَلَّاحِيُّ، اَلرِّيْفِيُّ	<i>Rural</i>
روسری	رَبَطَةُ الرَّاسِ، اَشَارِبُ	<i>Headscarf</i>
روش انعطاف ناپذیر	اَلْمَوْقِفُ اَلصَّلْبُ	<i>Unflexible manner</i>
روش تحقیق	مَنْهَجُ الْبَحْثِ	<i>Method of research</i>

English	العَرَبِيَّة	فارسی
Way of military attack	أَسْلُوبُ الْهَجُومِ الْعَسْكَرِيِّ	روش حمله نظامی
Hostile manner	الْمَوْقِفُ الْعِدَائِيّ، الْمَنْهَجُ الْعِدَوَانِيّ، الطَّرِيقُ الْعِدَائِيّ	روش خصمانه
Decisive manner	الْمَوْقِفُ الْحَاسِمُ	روش قاطع
Modern Scientific approaches	الْأَسَالِيبُ الْعِلْمِيَّةُ الْحَدِيثَةُ	روش های جدید علمی
Political ways	الْتَزَعَاتُ السِّيَاسِيَّةُ	روش های سیاسی
Intellectual	الْمُتَنَوِّرُ	روشن فکر
Muslim intellectuals	الْمُفَكِّرُونَ الْمُسْلِمُونَ	روشن فکران مسلمان
Westernized intellectuals	الْمُتَنَوِّرُونَ الْغَرَبِيِّونَ	روشن فکران غربی
Illegal ways	الْأَسَالِيبُ غَيْرُ مَشْرُوعَةٍ	روش های غیر قانونی
Historic event	الْحَدَثُ التَّارِيخِيُّ	رویداد تاریخی
Political events	الْأَحْدَاثُ السِّيَاسِيَّةُ	رویدادهای سیاسی
To release spies	تَسْرِيجُ الْجَوَاسِيسِ	رها کردن جاسوسان
To release hostages	إِنْقَاضُ الرِّهَائِنِ، اطلاق سراح	رهاندن گروگان ها (نجات دادن)
Surmounting difficulties	الْتَخَلُّصُ مِنَ الْمَشَاكِلِ	رهایی از مشکلات
Liberation of the deprived	إِنْقَاضُ مُسْتَضْعَفِي الْعَالَمِ كَافَّةً	رهایی تمام مستضعفین جهان
Release of political Prisoners	إِطْلَاقُ سَرَّاحِ الْمَسَاجِينِ السِّيَاسِيَّةِ	رهائی زندانیان سیاسی
Liberation of Quods	تَخْلِصُ الْقُدْسِ مِنْ	رهایی قدس از
Complete liberation	الْخَلَاصُ الْكَامِلُ	رهائی کامل
Leader of a revolution	قَائِدُ الثَّوْرَةِ، زَعِيمُ الثَّوْرَةِ	رهبر انقلاب

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
رهبران گروه مخالف	رُعَمَاءُ اَلْمُخَالِفِينَ	Opposition leader
رهبر بیدار	اَلْقَائِدُ اَلْمُنَوَّرُ اَلْعَقْلُ ،	Enlightened leader
رهبر توانا	اَلْقَائِدُ اَلْوَاعِي ، اَلزَّعِيمُ اَلْقَدِيرُ	Charismatic leader
رهبر حکیم و دانا	اَلْقَائِدُ اَلْحَكِيمُ اَلْعَالِمُ	Wise leader
رهبری توده	قِيَادَةُ اَلْجَمَاهِيرِ	Leadership of the masses
رهبری خیانتکار	اَلْقِيَادَةُ اَلْخَائِنَةُ	Treacherous leadership
رهبر روحانی	اَلْقَائِدُ اَلرُّوحَانِي ، اَلْقَائِدُ اَلدِّينِي ، اَلزَّعِيمُ اَلرُّوحِي	Religious leader
رهبر سیاسی و مذهبی	اَلْقَائِدُ اَلسِّيَاسِي وَ اَلشَّرْعِي	Politico-religious leader
رهبر قاطع	اَلزَّعِيمُ اَلْقَدُّ	Decisive leader
رهبر قبیله	شَيْخُ اَلْعَشِيرَةِ	Tribal leader
رهبر کارگران اعتصابی	زَعِيمُ اَلْعَمَالِ اَلْمُضْرِبِينَ	Leader of striking workers
رهبر مخالفین	زَعِيمُ اَلْمُخَالِفِينَ	Opposition leader
رهبر مزدور و خائن	اَلْقَائِدُ اَلْعَمِيلُ اَلْخَائِنُ	Mercenary leader
رهبر مستضعفین	قَائِدُ اَلْمُسْتَضْعَفِينَ	Leader of the oppressed
رهبر مسؤول	اَلْقَائِدُ اَلْمَسْئُولُ	Responsible leader
رهبر ملل مسلمان	زَعِيمُ اَلْاُُمَّةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Leader of muslim nations
رهبری الهام بخش	اَلْقِيَادَةُ اَلْمُلْهِمَةُ	Inspiring leadership
رهبری انقلاب	قِيَادَةُ اَلثَّوْرَةِ	Revolutionary leader
رهبری بشری	اَلْقِيَادَةُ اَلْبَشَرِيَّةُ	Leadership of mankind
رهبری خردمندان	اَلْقِيَادَةُ اَلْحَكِيمَةُ	Wise leadership
رهبری روحانیت	قِيَادَةُ عُلَمَاءِ اَلدِّينِ	Clergy leadership

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Leadership of a just jurisprudent</i>	قِيَادَةُ الْفَقِيهِ الْعَادِلِ	رهبری فقیه عادل
<i>Decisive leadership</i>	الْزَعَامَةُ الْفَدَّةُ، الْقِيَادَةُ الْفَدَّةُ	رهبری قاطع
<i>Collective leadership</i>	قِيَادَةُ الْجَمْعِيِّ، زَعَامَةُ الْجَمْعِيِّ	رهبری گروهی
<i>Popular leadership</i>	الْقِيَادَةُ الْجَمَاهِيرِيَّةُ	رهبری مردمی
<i>Central leadership</i>	الْقِيَادَةُ الْمَرْكَزِيَّةُ	رهبری مرکزی
<i>Joint leadership</i>	الْقِيَادَةُ الْمُشْتَرَكَةُ	رهبری مشترک
<i>Military leadership</i>	الْقِيَادَةُ الْعَسَكِيَّةُ	رهبری نظامی
<i>Presidency</i>	رِئَاسَةُ الْجُمْهُورِيَّةِ	ریاست جمهوری
<i>To quell a movement</i>	سَكَبُ الْمَاءِ عَلَى لَهْيِبِ الثَّوْرَةِ	ریختن آب بر آتش انقلاب
<i>Religious leadership</i>	الْقِيَادَاتُ الدِّينِيَّةُ	رهبری‌های دینی
<i>Deep-rooted</i>	الْجَذَرِيُّ	ریشه‌دار
<i>To eradicate a germ of corruption</i>	إِسْتِئْصَالُ جُرْثُمَةِ الْفَسَادِ	ریشه کن ساختن جرثومه فساد
<i>To eradicate</i>	إِسْتِئْصَالُ الْجَذَرِ، الْأُسْتِئْصَالُ، الْأَقْتِلَاعُ	ریشه کن کردن
<i>To eradicate illitracy</i>	إِسْتِئْصَالُ الْأُمِّيَّةِ	ریشه کن کردن بیسوادی
<i>Roots of imperialism</i>	جُذُورُ الْأُسْتِعْمَارِ	ریشه‌های استعمار
<i>Roots of a revolution</i>	جُذُورُ الثَّوْرَةِ	ریشه‌های انقلاب
<i>Historic roots</i>	الْجُذُورُ التَّارِيخِيَّةُ	ریشه‌های تاریخی
<i>Roots of corruption</i>	جُذُورُ الْفَسَادِ	ریشه‌های فساد
<i>Roots of problems</i>	جُذُورُ الْمَشَاكِلِ	ریشه‌های مشکلات

ز

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
زاغه نشینان	سُكَّانُ اَلْعُشَّشِ	<i>Pit-dwellers</i>
زانوزدن	اَلْجَثْمُ عَلٰى اَلرُّكْبَتَيْنِ	<i>To kneel</i>
زباله‌دان تاریخ	مَزْبَلَةُ اَلتَّارِيخِ	<i>Stackheap of the history</i>
زبان توده‌ها	لُغَةُ اَلْجَمَاهِيْرِ	<i>Language of the masses</i>
زبان دیپلوماتیک (دیپلوماسی)	اَللُّغَةُ اَلدِّیْپِلُومَاسِيَّةُ	<i>Diplomatic language</i>
زبان‌شناس	اَلتَّعَرُّفُ عَلٰى اَللُّغَةِ	<i>Linguist</i>
زبان محلی، زبان روز	اَللُّغَةُ اَلدَّارِجَةِ	<i>Common language</i>
زخمی و مجروح	اَلْمَجْرُوحُ	<i>Wounded and injured</i>
زدو خورد خونین	اَلْاُسْتَبَاكُ اَلدَّامِي	<i>Bloody struggle</i>
زدو خورد مسلحانه	اَلْاُسْتَبَاكُ اَلْمَسْلَحُ	<i>Armed struggle</i>
زره پوش	اَلْمَصْفَحَةُ	<i>Armed tank</i>
زکات	اَلزَّكَاةُ	<i>Islamic tax</i>
زلزله دردناک	اَلزَّلْزَالُ اَلْمُؤْلِمُ	<i>Terrible earthquake</i>

فارسی	العربی	English
زلزله زدگان	مَنْهُ وَدُوَ الزُّلْزَالِ	Earth—quake stricken people
زمان اختیار خود را بازیافتن	إِسْتِعَادَةُ السَّيِّئَةِ عَلَى نَفْسِهِ	To control Oneself
زمان امور را به دست گرفتن	السَّيِّئَةِ عَلَى زِمَامِ الْأُمُورِ	To reign over
زمان گذشته	الزَّمَنُ الْمُنْصَرَمُ	Ancient times
زمین اشغال شده	الْأَرْضُ الْمَحْتَلَّةُ	Occupied territory
زمین خوار	مُغْتَصَبُ الْأَرْضِ	Land—grabber
زمین گذاشتن سلاح	وَضَعَ الْأَسْلِحَةَ	To put down arms
زمین لرزه شدید	الْهَزَاتُ الْأَرْضِيَّةُ الشَّدِيدَةُ	Strong earthquake
زمین های بایر	الْأَرْضُ الْبُورُ	Barren lands
زمین های پهناور	الْأَرْضُ الْمُتَرَامِيَّةُ الْأَطْرَافُ	Vast lands
زمین های قابل کشت	أَرْضٌ صَالِحَةٌ لِلزَّرْعِ	Arable lands
زمینه را آماده کردن	إِعْدَادُ الْمَجَالَاتِ، الْأَسْتِعْدَادُ	Prepare the ground
زمینه مشترک	الْمَجَالُ الْمُشْتَرَكُ	Common ground
زمینه های بازرگانی یا مصرفی	الْحُقُولُ التِّجَارِيَّةُ	Commercial and consumption backgrounds
زمینه های اجتماعی	أَوِ الْأَسْتِهْلَاقِيَّةُ أَوِ الصَّنَاعِيَّةُ الْمُضَامِيرُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ، الْمَجَالَاتُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ، الْمَيَادِينُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ	Social backgrounds
زمینه های تاریخی	الْحُقُولُ التَّارِيخِيَّةُ	Historical backgrounds
زمینه های فرهنگی	الْمَجَالَاتُ الثَّقَافِيَّةُ وَالْتَّعْلِيمِيَّةُ	Cultural backgrounds

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
زمینه‌های مختلف	مُخْتَلِفُ الْمَجَالَاتِ ، مُخْتَلِفُ اَلْمِيَادِينِ ، مُخْتَلِفُ اَلْمَضَامِيرِ	<i>Various fields</i>
زنان بیوه	اَلزَّوْجَاتُ اَلْأَرَامِلُ	<i>Widows</i>
زنان چادرپوش	اَلنِّسَاءُ اَلْمَحْجَبَاتُ	<i>Chador-clad women</i>
زنان مجاهد ایرانی	اَلنِّسَاءُ اَلْأَيُّرَادِيَّاتُ اَلْمُنَاضِلَاتُ	<i>Iranian combatant women</i>
زنان مسلمان	اَلنِّسَاءُ اَلْمُسْلِمَاتُ	<i>Muslim women</i>
زناي آشکار	اَلزِّنَاءُ اَلْعَلْنِيَّ	<i>Open adultery</i>
زناي محصنه	زِّنَاءُ اَلْمَحْصِنَةِ	<i>Adultery with married women</i>
زنجیر بندگی	سَلْسِلُ اَلْعُبُودِيَّةِ	<i>Chain of servitude</i>
زندان	اَلسِّجْنُ	<i>Prison</i>
زندان ابد	اَلسِّجْنُ اَلْمُؤَبَّدُ	<i>Life imprisonment</i>
زندان انفرادی	اَلسِّجْنُ اَلْأَنْفِرَادِيَّ	<i>Individual cell</i>
زندان با اعمال شاقه	اَلسِّجْنُ مَعَ اَلْأَعْمَالِ اَلشَّاقَةِ	<i>Imprisonment with hard labor</i>
زندانشگاهها و بازداشتگاهها	اَلسُّجُونُ وَ اَلْمُعْتَقَلَاتُ	<i>Jails and detention houses</i>
زندان‌های تاریک	اَلسُّجُونُ اَلْمُظْلِمَةُ	<i>Dungeons</i>
زندانی- در بند	اَلْمَحْبُوسُ، اَلْمَسْجُونُ	<i>Jailed</i>
زندانیان نادم	اَلسُّجَنَاءُ اَلنَّادِمُونَ	<i>Repentant Prisoners</i>
زندانی جنگ	سَجِينُ اَلْحَرْبِ	<i>Prisoner of war</i>
زندانی سیاسی	اَلسُّجِينُ اَلسِّيَاسِيُّ، اَلسُّجَنَاءُ اَلسِّيَاسِيُّونَ	<i>Political prisoner</i>

<i>Civilized life</i>	الْحَيَاةُ الْمَدَنِيَّةُ، الْحَيَاةُ الْحَضَرِيَّةُ	زندگانی متمدن
<i>Free and independent life</i>	الْحَيَاةُ الْحُرَّةُ الْمُسْتَقِلَّةُ	زندگی آزاد و مستقل
<i>Social and political life</i>	الْحَيَاةُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ وَالسِّيَاسِيَّةُ	زندگی اجتماعی، سیاسی
<i>Life in the next world</i>	الْحَيَاةُ الْآخِرَوِيَّةُ	زندگی اخروی
<i>Living in wooden huts</i>	الْعَيْشُ فِي أَكْوَاجٍ مِنَ الْأَلْوَاخِ الْعَثَبِيَّةِ	زندگی در آلونک‌های چوبی
<i>Wordly life</i>	الْحَيَاةُ الدُّنْيَوِيَّةُ	زندگی دنیائی
<i>Respectable life</i>	الْحَيَاةُ الْكَرِيمَةُ	زندگی خوب و شرافتمندانه
<i>Healthy life</i>	الْحَيَاةُ السَّالِمَةُ	زندگی سالم
<i>Life of struggle and self-sacrifice</i>	الْحَيَاةُ نِضَالٌ وَعِظَاءٌ	زندگی مبارزه و ایثار
<i>Comfortable life</i>	حَيَاةُ الْبَدْحِ وَالْعَرَفِ	زندگی مرفه
<i>Modern life</i>	الْحَيَاةُ الْجَدِيدَةُ	زندگی نوین
<i>Monotonous life</i>	الْحَيَاةُ الْرَوْتِيْنِيَّةُ	زندگی يك نواخت
<i>Long live</i>	لَبِّعِشْ	زنده باد
<i>To revive the Islamic legacy</i>	إِحْيَاءُ التُّرَاثِ الْأِسْلَامِيِّ	زنده کردن میراث اسلامی
<i>Adulterer and adulteress</i>	الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي	زن زناکار و مرد زناکار
<i>Woman worker</i>	الْمَرْأَةُ الْعَامِلَةُ	زن کارگر
<i>Combatant woman</i>	الْمَرْأَةُ الْمُنَاصِلَةُ	زن مبارز
<i>Fighting woman</i>	الْمَرْأَةُ الْمُجَاهِدَةُ	زن مجاهد
<i>Real woman</i>	الْمَرْأَةُ الْوَاقِعِيَّةُ	زن واقعی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
زنهای ایرانی	اَلنِّسَاءُ اَلْاِيرَانِيَّاتُ	<i>Iranian women</i>
زیانهای فراوان	اَلْاَضْرَارُ اَلْجَسِيْمَةُ، اَلْاَضْرَارُ اَلْبَالِغَةُ، اَلْخَسَائِرُ اَلْفَادِحَةُ	<i>Extensive damages</i>
زیانهای کم	اَلْخَسَائِرُ اَلتَّطْفِيفَةُ	<i>Insignificant damages</i>
زیبائی زندگی دنیا	زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	<i>Beauty of the worldly life</i>
زیبائی معصومانه	اَلْجَمَالُ اَلْبَرِيّ	<i>Innocent beauty</i>
زیر آتش قرار دادن	وَضَعُهُ قَحْتَ اَلنَّارِ	<i>To fire upon</i>
زیر انواع شکنجه‌های	قَحْتَ اَفْسَى اَنْوَاعِ اَلتَّعْذِيبِ	<i>Under the hardest tortures</i>
زیر بنای جامعه نوین	قَاعِدَةُ الْمُجْتَمَعِ اَلْحَدِيثِ	<i>Foundation of a modern society</i>
زیر پا	قَحْتَ اَلْاَقْدَامِ	<i>To trample upon</i>
زیر پتک ترس و تهدید	قَحْتَ مِطْرَقَةِ اَلتَّهْدِيدِ وَالْاَرْهَابِ	<i>Under fear and intimidation</i>
زیر پرچم	قَحْتَ اَلْعَلَمِ، قَحْتَ اَلرَّايَةِ	<i>Under the banner of</i>
زیر لوای اسلام	قَحْتَ رَايَةِ اَلْاِسْلَامِ	<i>In the guise of</i>
زیر دریائی مخصوص	اَلْعَوَاصِفَةُ اَلْخَاصَّةُ	<i>Special submarine</i>
زیر زمین، زیرزمینی	قَحْتَ اَلْاَرْضِ	<i>Underground</i>
زیر غل و زنجیر	قَحْتَ اَلْغُلِّ وَاَلْسُلْسِلَةِ	<i>Under lock and chain</i>
زیر فشار مردم	قَحْتَ اَلضَّغْطِ اَلْجَمَاهِيرِيِّ	<i>Under people's pressure</i>
زیر کی و دانائی دیپلوماسی	اَلدِّكَاةُ وَ اَلْمَعْرِفَةُ اَلدِّیْبِلُومَاسِيَّةُ	<i>Diplomatic shrew</i>

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Under the supervision of the United Nations</i>	تَحْتَ إِشْرَافِ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	زیر نظر سازمان ملل متحد
<i>Under the domination of imperialists</i>	تَحْتَ سَيِّطَرَةِ الْأُمْبِرِيَالِيَّةِ	زیر نفوذ حکومت‌های استعمارطلب
<i>Under one banner</i>	تَحْتَ عَلَمٍ وَاحِدٍ	زیر یک پرچم
<i>Under the yoke of Superpowers</i>	تَحْتَ ذِیْمِ الْقُوَى الْكُبْرَى	زیر یوغ ابرقدرت‌ها

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ژاندارم	اَلشَّرْطِيُّ اَلدَّرَكُ	Gendarme
ژاندارم جدید (پلیس)	اَلشَّرْطِيُّ اَلْجَدِيدُ	Modern policeman
ژاندارم خاورمیانه	اَلشَّرْطِيُّ اَلدَّرَكُ لِدَشْرِقِ اَلْاَوْسَطِ	Gendarme of the Middle East
ژاندارمری	اَلدَّرَكُ	Gendarmerie
ژرف - عمیق	اَلْعَمِيقُ	Profound
ژرفای حقیقت	عَمَقُ اَلْحَقِيقَةِ	Depth of truth
ژرف بین	دَقِيقُ اَلنَّظَرِ	Deep-sighted
ژنده	اَلرَثُ	Shabby
ژنده پوش	رَثُ اَلثَّوْبِ، رَثُ اَلثِّيَابِ	Clothed in rage
ژنرال	جِنَرَالُ	General
ژنرال های فراری	اَلْجِنَرَالَاتُ اَلْهَارِبُونَ	Fugitive generals
ژوری	جَلَسَةُ اَلْاَمْتِحَانِ	Jury
ژولیده	اَلْمُشَعَّتُ، غَيْرُ مَرَقَّبِ، رَثُ اَلْهَيْئَةِ	Dishevelled

س

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Artificial</i>	مُخْتَلَقٌ، مُصَنَّعٌ	ساختگی و بی اساس
<i>To build a modern society</i>	بِنَاءُ الْمَجْتَمَعِ الْجَدِيدِ	ساختن اجتماع جدید
<i>To build an exemplary society</i>	بِنَاءُ الْمَجْتَمَعِ النَّمُودَجِيِّ	ساختن اجتماع نمونه
<i>To build an ideological society</i>	بِنَاءُ أُمَّةٍ عَقَائِدِيَّةٍ	ساختن امت مکتبی
<i>To build up a human being</i>	بِنَاءُ الْإِنْسَانِ	ساختن انسان
<i>To build up humanity</i>	بِنَاءُ الْإِنْسَانِيَّةِ	ساختن انسانیت
<i>To construct modern petrochemical installations</i>	بِنَاءُ الْمُنْشَآتِ الْكِبَرُو كِيمِيَاوِيَّةِ الْجَدِيدَةِ	ساختن تأسیسات پتروشیمی جدید
<i>To construct Islamic universities</i>	بِنَاءُ الْجَامِعَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ	ساختن دانشگاه‌های اسلامی
<i>To construct housing units</i>	بِنَاءُ الْوَحَدَاتِ السَّكْنِيَّةِ	ساختن واحدهای مسکونی
<i>Simplicity</i>	الْبَسَاطَةُ، السَّادَجَةُ	سادگی

فارسی	العربی	English
سازش کردن با دشمن	اَلْمُسَاوَمَةُ مَعَ اَلْعَدُوِّ	To compromise with an enemy
سازمان آب و برق	مَصْلَحَةُ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ	Water and power authority
سازمان آزادیبخش فلسطین	مُنْظَمَةُ اَلتَّحْرِیْرِ اَلْفِلَسْطِیْنِیَّةِ	Palestine liberation organization
سازمان آمادگی ملی	مُنْظَمَةُ اَلتَّعْیِیْنَةِ اَلْوَطَنِیَّةِ	National mobilization organization
سازمان بسیج ملی	مُسَسَّسَةُ مُشْرِدِی اَلْحَرْبِ	War refugees' organization
سازمان آوارگان جنگ	مُدِیْرِیَّةُ اَلتَّوْظِیْفِ اَلْمَدَنِیِّ	Civil servants' employment organization
سازمان استخدام کشوری	مُدِیْرِیَّةُ اَلْاَسْتِخْبَارَاتِ	Intelligence service
سازمان اطلاعات	مُنْظَمَةُ اَلْاَقْتِصَادِ اَلْاِسْلَامِیِّ	Islamic economic organization
سازمان اقتصاد اسلامی	مُسَسَّسَةُ اَلْاَمْنِ، دَائِرَةُ اَلْاَمْنِ	Security organization
سازمان امنیت	مُنْظَمَةُ رِیَاعَةِ اَلْاَبْلَاقِ	Student affairs' organization
سازمان امور دانشجویی	مُسَسَّسَةُ اَلتَّبَرُّعِ بِالدَّمِ	Blood transfusion organization
سازمان انتقال خون	مَصْلَحَةُ اَلْاَوْقَافِ	Endowment's organization
سازمان اوقاف	مُدِیْرِیَّةُ اَلتَّخْطِیْطِ وَ	Plan and budget organization
سازمان برنامه و بودجه	اَلْمِیْزَانِیَّةِ	
	مُسَسَّسَةُ اَلتَّعْیِیْنَةِ، مُوسَّسَةُ	Mobilization organization
سازمان بسیج	اَلتَّطَوُّعِ	

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سازمان بسیج پیشاهنگان	مُنَظَّمَةُ قَاهِبِ الْكُشَافِينَ	Organization for the mobilization of scouts
سازمان بسیج عشایر	مُنَظَّمَةُ كَعْبِيَّةِ الْعَشَائِرِ	Tribal mobilization organization
سازمان بسیج مستضعفان	مُنَظَّمَةُ كَعْبِيَّةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Organization for the mobilization of the deprived
سازمان بین المللی بهداشت	مُنَظَّمَةُ الصَّحَّةِ الْعَالَمِيَّةِ	International Health Organization
سازمان بین المللی - ملل متحد	مُؤَسَّسَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	International organization
سازمان پلیس مخفی	دِيْنَامُ الشَّرْطَةِ الْخَفِيَّةِ	International secret police
سازمان تربیت بدنی	مُنَظَّمَةُ رِعَايَةِ الشَّبَابِ، مُدِيرِيَّةُ التَّرْجِيَةِ الْبَدَنِيَّةِ	Physical education organization
سازمان تروریستی	النِّظَامُ الْأَرْهَابِيُّ، الْمُنَظَّمَةُ الْأَرْهَابِيَّةُ	Terrorist organization
سازمان تعاون روستائی	مُؤَسَّسَةُ التَّعَاوُنِ الرَّدْفِيِّ	Rural cooperative organization
سازمان جنگ	مُؤَسَّسَةُ الْحَرْبِ	War organization
سازمان جوانان	مَرْكَزُ رِعَايَةِ الشَّبَابِ	Youths' organization
سازمان چریکهای اسلام	مُؤَسَّسَةُ جُنُودِ مَغَاوِدِرِ الْإِسْلَامِ، مُنَظَّمَةُ الْمُقَاتِلِينَ الْمُسْلِمِينَ	Islamic guerrillas' organization
سازمان خبرگزاری رسمی	مُؤَسَّسَةُ وَكَايَةِ الْأَنْبَاءِ الرَّسْمِيَّةِ	Official news agency

Organization of petroleum exporting countries	مُنَظَّمَةُ الدُّوَلِ الْمُصَنِّرَةِ لِلنِّفْطِ (أوبك)	سازمان دولت‌های صادر کننده نفت (اوپک)
Radio and television organization	مُؤَسَّسَةُ الرَّادِيَوِ وَالتَّلْفِزِيُونِ	سازمان رادیو تلویزیون
Women's organization	رَابِطَةُ الْمَرْأَةِ	سازمان زنان
Underground organization	الْمُنَظَّمَةُ دَحْتَ الْأَرْضِيَّةِ	سازمان زیرزمینی
International Amnesty Organization	مُنَظَّمَةُ الْعَفْوِ الدُّوَلِيَّةِ	سازمان عفو بین‌المللی
Non-profit organization	الْمُؤَسَّسَةُ غَيْرُ الْأَنْتِفَاعِيَّةِ	سازمان غیرانتفاعی
Free masonry organization	الْمُؤَسَّسَةُ الْمَسَوْدِيَّةُ	سازمان فراماسونری
Organization for combating freemasonry	مُؤَسَّسَةُ مَخَافَةِ الْمَسَوْدِيَّةِ	سازمان مبارزه با فراماسونری
Housing organization	مُؤَسَّسَةُ الْأَسْكَنِ	سازمان مسکن
United Nations' organization	مُنَظَّمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	سازمان ملل متحد
Organization of African unity	مُنَظَّمَةُ الْوَحْدَةِ الْأَفْرِيقِيَّةِ	سازمان وحدت آفریقا
Reactionary organizations	الْمُنَظَّمَاتُ الرَّجَعِيَّةُ	سازمان‌های ارتجاعی
Exploitative organizations	الْمُؤَسَّسَاتُ الْأَسْتَعْمَارِيَّةُ	سازمان‌های استعماری
Intelligence organizations	الْمُنَظَّمَاتُ التَّجَسُّسِيَّةُ	سازمان‌های جاسوسی
State organizations	الْمُؤَسَّسَاتُ الْحُكُومِيَّةُ	سازمان‌های دولتی
Non-governmental organizations	الْمُؤَسَّسَاتُ غَيْرُ الْحُكُومِيَّةِ	سازمان‌های غیردولتی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سازمانهای مزدور دیکتاتوری	اَلْاُنْظَمَةُ اَلدِّيْكَتَاتُورِيَّةُ اَلْعَمِيْلَةُ	Mercenary organizations
سازندگان تاریخ ملت	صَادِعُو قَارِيْخِ اَلْمِلَّةِ	National epoch-makers
سازو برگ جنگی	اَلْمُعْدَّاتُ اَلْحَرْبِيَّةُ، اَلْعَتَادُ اَلْحَرْبِيُّ، مَعْدَاتُ اَلْقِتَالِ،	Military supply
ساعت بیکاری	وَقْتُ اَلْفَرَاغِ	Leisure time
ساعت کار	وَقْتُ اَلْعَمَلِ	Working hour
ساقط کردن طاغوت	اِسْقَاطُ اَلطَّاغُوتِ	To topple a taghout
ساقط کردن نظام حاکم	اِسْقَاطُ اَلنِّظَامِ اَلْحَاكِمِ	To topple a ruling system
ساکنان محله فقیرنشین	سُكَّانُ اَلْاَحْيَاءِ اَلشَّعْبِيَّةِ فِي اَلْمَدِيْنَةِ	Slum dwellers
ساکنین مرزی	سُكَّانُ اَلْمَنَاطِقِ اَلْحُدُودِيَّةِ	Border residents
سال برادری	عَامُ اَلْاُخُوَّةِ	Year of fraternity
سال تحصیلی	اَلْعَامُ اَلدِّرَاسِيّ، اَلسَّنَةُ اَلدِّرَاسِيَّةُ	Scholastic year
سال جاری	اَلْعَامُ اَلْحَالِيّ	Current year
سال درسی آینده	اَلْعَامُ اَلدِّرَاسِيّ اَلْقَادِمُ	Next academic year
سال رحمت و برکت	عَامُ اَلرَّحْمَةِ وَ اَلْبَرَكَاتِ	Year of blessing
سالگرد	اَلذِّكْرَى اَلسَّنَوِيَّةُ	Anniversary
سالگرد شهادت	ذِكْرَى اَلْاُسْتِشْهَادِ	Anniversaty of martyrdom
سال مالی	اَلسَّنَةُ اَلْمَالِيَّةُ	Fiscal year

فارسی	العربی	English
سالیان دراز	الْأَعْوَامُ الْمَتَمَادِيَّةُ، السَّنَوَاتُ الْطَوِيلَةُ	Long years
سالیانه	السَّنَوِيُّ	Annually
سالی یک بار	مَرَّةً وَاحِدَةً كُلَّ سَنَةٍ	Once a year
سانحه وحشتناک	الْكَارِثَةُ الْمُرَوَّعَةُ	Terrible accident
سانحه هوایی	الْكَارِثَةُ الْجَوِّيَّةُ	Air accident
سانسور کامل	الرَّقَابَةُ الْتَامَّةُ	Complete censure
ساواک	ساواک، شُرْطَةُ أَمْنِ النِّظَامِ	Savak (security organization)
سبب مستقیم مرگ	السَّبَبُ الْمُبَاشِرُ لِلوَفَاةِ	Direct cause of death
سپاه بسیج	حَرَسُ التَّعْبِیْثِ	Mobilization Corps
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	حَرَسُ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	Islamic revolutionary guards Corps
سپرده بانکی	الْوَدِيعَةُ الْمَصْرَفِيَّةُ	Bank deposit
موانع جنگی	الْمَتَارِيسُ	War barriers
ستاد ارتش	قِيَادَةُ الْجَيْشِ	Army staff
ستاد اطلاعات جنگ	قِيَادَةُ اسْتِخْبَارَاتِ الْحَرْبِ	War information head quarters
ستاد اطلاعاتی	مَرْكَزُ الْقِيَادَةِ الْإِسْتِخْبَارِيَّةِ	Information head quarters
ستاد امداد	الْقِيَادَةُ التَّعَاوُذِيَّةُ	Relief headquarters
ستاد امور جنگ زدگان	قِيَادَةُ أُمُورِ مَنْعُوبِي الْحَرْبِ	Headquarters for the affairs of war-stricken people

English	العَرَبِيّ	فارسی
Headquarters of a cultural revolution	لَجْنَةُ الثَّوْرَةِ الثَّقَافِيَّةِ	ستاد انقلاب فرهنگی
Economic mobilization headquarters	قِيَادَةُ التَّعْيِيْنَةِ الْأَقْتِصَادِيَّةِ	ستاد بسیج اقتصادی
Publicity headquarters	لَجْنَةُ الْأَعْلَامِ	ستاد تبلیغات
Headquarters for administrative violations	لَجْنَةُ التَّحْقِيقِ الْإِدَارِيَّةِ	ستاد تحقیقات اداری
Foodstuffs distribution headquarters	قِيَادَةُ تَوَزِيعِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ	ستاد توزیع مواد غذایی
Treatment headquarters	قِيَادَةُ الْمَعَالِجَةِ	ستاد درمان
General headquarters	الْقِيَادَةُ الْعَامَّةُ	ستاد کل
Central headquarters	الْقِيَادَةُ الْمَرْكَزِيَّةُ	ستاد مرکزی
Idolatry	عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ	ستایش بتان، بت پرستی
Fifth column	الْطَّابُورُ الْخَامِسُ، الرِّقْلُ الْخَامِسُ	ستون پنجم
Pillar of a religion	عَمُودُ الدِّينِ	ستون دین
Armored column	الْقَرْفَةُ الْمُنْدَرَعَةُ	ستون زرهی - (لشکر زرهی)
Backbone of a revolution	الْعَمُودُ الْفِقْرِيُّ لِلثَّوْرَةِ	ستون فقرات انقلاب
Military column	رَقْلُ عَسْكَرِيٍّ	ستون نظامی
Column of commemoration	الْأَنْصَبُ التَّذْكَارِي	ستون یادبود
Quarrel	لِلْمُشْتَدَاءِ الْتِّشَاحُنْ، الَّتَطْلَحُنْ	ستیز

فارسی	الْعَرَبِيَّةُ	English
ستیزه جو	الْمُتَشَاكِحُ، الْمُتَطَاغِنُ	Quarrelsome
سخت ترین انواع شکنجه	أَشَدُّ أَنْوَاعِ التَّعْذِيبِ	Hardest tortures
سخت گیری کردن	أَقْسَى أَنْوَاعِ التَّعْذِيبِ	To be strict
سخن بی پرده	الْكَلَامُ الْوَاضِحُ	Explicit statement
سخن بی مناسبت	الْكَلَامُ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ	Improper speech
سخن بیهوده	الْكَلَامُ الْفَارِغُ، الْكَلَامُ الْتَافِهُ	Empty statement
سخن پوچ و بی اساس	الْكَلَامُ الْمُخْتَلَقُ	Foundless statement
سخن تند و زننده	الْكَلَامُ اللَّاذِعُ	Harsh statement
سخن چینی	الْوَسَايَةِ، التَّهْمِيمَةِ	Talebearing (informing)
سخن دل آویز	الْكَلَامُ الرَّادِعُ	Pleasant words
سخنرانی	الْعِطَابَةُ، الْعِطَابُ	Speech
سخنرانی تاریخی	الْكَلِمَةُ التَّارِيخِيَّةُ	Historic speech
سخن زشت و بی پروا	الْكَلَامُ الْمُسْتَهْجَنُ	Obscene words
سخن سرسری	الْكَلَامُ الْأَعْتِبَاطِيُّ	Superficial talk
سخن گوی رسمی دولت	الْمُتَحَدِّثُ الرَّسْمِيُّ بِاسْمِ الْحُكُومَةِ	Official spokesman
سخن گوی مهمان	الضَّيْفُ الْمُتَحَدِّثُ	Guest speaker
سخن گوی نظامی	الْمُتَكَلِّمُ الْعَسْكَرِيُّ	Army spokesman
سخن منافی اخلاق	الْحَدِيثُ الْإِلَاحِي	Immoral statement
سخن موهوم	الْكَلَامُ الْمَزْعُومُ، الْكَلَامُ الْوَاهِي	Baseless words
سخن ناموزون	الْحَدِيثُ غَيْرُ الْمَوْزُونِ	Inappropriate statement
سرازیر شدن سیل کمکها	إِنْجِيَالٌ سَيْلٌ الْمُسَاعَدَةِ	Flow of aids

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Ashamed</i>	مُنْعَسُ الرِّئَاسِ، الْمَتَسُوفُ، الْخَجَلَانُ	سرافکنده
<i>Leaders of Islamic countries</i>	رُؤَسَاءُ الْبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ	سران کشورهای اسلامی
<i>Soldiers of Islam</i>	جُنُودُ الْإِسْلَامِ، حَرَسُ الْإِسْلَامِ	سربازان اسلام
<i>Captured soldiers</i>	الْجُنُودُ الْأَسْرَى	سربازان اسیر
<i>Arrested soldiers</i>	الْجُنُودُ الْمَعْتَقَلُونَ	سربازان بازداشتی
<i>Awakened soldiers</i>	الْجُنُودُ السَّاهِرُونَ	سربازان بیدار
<i>Brave soldiers</i>	جُنُودُنَا الْبَوَاسِلُ	سربازان دلیر ما
<i>Deluded soldiers</i>	الْجُنُودُ الْمَخْدُوعُونَ	سربازان فریب خورده
<i>Mercenary soldiers</i>	الْجُنُودُ الْمُرْتَزِقَةُ، الْجَيْشُ الْمُرْتَزِقُ	سربازان مزدور
<i>Injured soldiers</i>	الْجُنُودُ الْمَصْدُومُونَ	سربازان مصدوم
<i>Attacking soldiers</i>	الْجُنُودُ الْمُهَاجِمُونَ	سربازان مهاجم
<i>Foot-soldier</i>	جُنْدِي الْمَشَاةِ	سرباز پیاده
<i>Army garrisons</i>	كُنُفَاتُ الْجَيْشِ، الْحَامِيَّةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	سربازخانه‌های ارتش، پادگان نظامی
<i>Army volunteer</i>	الْجُنْدِيُّ الْمُتَطَوِّعُ	سرباز داوطلب
<i>Unknown soldier</i>	الْجُنْدِيُّ الْمَجْهُولُ	سرباز گمنام
<i>Muslim soldier</i>	الْجُنْدِيُّ الْمُسْلِمُ	سرباز مسلمان
<i>Soldier</i>	الْجُنْدِيُّ الْمَكْتَلَفُ	سرباز وظیفه
<i>Proud</i>	مَرْفُوعُ الرِّئَاسِ	سر بلند
<i>Pride</i>	الرَّفْعَةُ	سر بلندی
<i>Supervisor</i>	الْمُرَاقِبُ، الْمُشْرِفُ	سرپرست

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سرپرست پیشین . . .	اَلْمُشْرِفُ اَلْسَّابِقُ عَلٰى لَجَنَتِهٖ مُخَافَتَةِ اَلْاَدْمَانِ عَلٰى اَلْمُخَدَّرَاتِ	Former supervisor
سرپرست خانواده	رَبُّ اَلْاُسْرَةِ	Head of a family
سرپرست روابط عمومی	مُرَاقِبُ اَلْعَلَاَقَاتِ اَلْعَامَّةِ	Head of public relations' office
سرپرست کل	اَلْمُشْرِفُ اَلْعَامُّ، اَلْمُرَاقِبُ اَلْعَامُّ	Chief supervisor
سرپرست مالی	مُرَاقِبُ اَلشُّوْنِ اَلْمَالِيَّةِ	Financial supervisor
سرپرستی لازم	اَلْحَضَاثَةُ اَللَّازِمَةُ	Necessary supervision
سرپرستی و نظارت بر کارهای اداری	اَلْاَشْرَافُ اَلْاِدَارِيَّةُ	Administrative supervision
سرپوش گذاشتن بر خیانت	اَلتَّغْيِيطُ عَلٰى اَلْخِيَانَةِ	To cover up a crime
سرپوش نهادن روی اوضاع داخلی	تَغْيِيطُهُ اَلْمَوْقِفِ اَلدَّاخِلِيِّ	To cover up internal affairs
سرپیچی کردن از ارتش	اَلتَّمَرُّدُ اَلْعَسْكَرِيِّ	To disobey an army
سردیر روزنامه	مُدِيرُ اَلتَّحْرِيرِ، رَئِيسُ اَلتَّحْرِيرِ	Editor-in-chief
سرد و گرم روزگار را چشیدن	اِذَاقَتُهُ مَرَّ اَلْحَيَاةِ وَحُلُوْهَا	To experience ups and downs
سرزمین پهناور	اَلْاَرْضُ اَلْمَتَرَامِيَّةُ اَلْاَطْرَافُ، اَلْاَرْضُ اَلْوَاسِعَةُ اَلْاَرْجَاءُ	Vast territory
سرزمینهای اشغالی	اَلْاَرَاْضِ اَلْمُحْتَلَّةُ	Occupied territories
سرسام گرفتن	اَلْاَصَابَةُ بِاَلصَّرَاعِ	To suffer from Phrenitis

فارسی	اَلْعَرَبِيّ	English
سرپرده استعمار	عَمِيلُ اَلْاَسْتِعْمَارِ	<i>Imperialist satrap</i>
سرعت سرسام آور	اَلسَّرْعَةُ اَلْمَذْهَلَةُ، اَلسَّرْعَةُ اَلْهَائِلَةُ، اَلسَّرْعَةُ اَلْجُنُونِيَّةُ	<i>High speed</i>
سرشماری همگانی	اَلْاَحْصَاءُ اَلْاَعْمَامُ لِلْمَسْتَحَنِّ	<i>General census</i>
سرقت دارائیهای موجود	سِرْقَةُ اَلْمَمْتَلَعَاتِ اَلْمَوْجُودَةِ	<i>Robbing properties</i>
سرقت مسلحانه	اَلنَّهْبُ بِتَسْهِيدِ اَلسَّلَاحِ	<i>Armed robbery</i>
سرکوب کردن خلقها	اِخْمَادُ اَلْجَمَاهِيرِ	<i>To suppress peoples</i>
سرکوب کردن . . .	اِسْقَاطُ شَخْصِيَّةِ دِينِيَّةٍ نَافِلَةٍ	<i>To suppress</i>
Influential Personalities		
سرکوب کردن نهضت یا جنبش	اِخْمَادُ اَلنَّهْضَةِ	<i>Quash a movement</i>
سرکوبی تجاوزکاران	سَحْقُ اَلْمُعْتَدِينَ	<i>Suppress aggressors</i>
سرگرم کردن	اَلتَّسْلِيَةُ	<i>To entertain</i>
سرگرمی	اَللَّهُوُ	<i>Entertainment</i>
سرمایه داران	اَلْاَغْنِيَاءُ، اَلْاَثَرِيَاءُ	<i>Capitalists</i>
سرمایه داری	اَلرَّاسْمَالِيَّةُ	<i>Capitalism</i>
سرمایه گذاری در طرحهای عمرانی	قَمْوِدِلُ اَلْمَشَارِيعِ اَلْعُمْرَانِيَّةِ	<i>To invest in development projects</i>
سرمایه گذاری کردن	اِسْتِثْمَارُ اَلْمَالِ، اِسْتِثْمَارُ رُؤُوسِ اَلْاَمْوَالِ	<i>To invest</i>
سرمایه گذاریهای خارجی	اِسْتِثْمَارُ رُؤُوسِ اَلْاَمْوَالِ اَلْاَجْنِبِيَّةِ	<i>Foreign investments</i>

فارسی	العربی	English
سرمایه‌های تجاری	رُؤُوسُ الْأُمُوالِ الْمَتَدَاوِلَةِ اَلتِّجَارِيَّةِ	Trade capitals
سرمقاله	قَلَمُ اَلتَّحْرِيرِ، اَلْمَقَالُ اَلرَّئِيسِيُّ، اَلْمَقَالُ اَلْاَفْتِتَاحِيُّ	Editorial
سرنشینان هواپیما	رُكَّابُ اَلطَّائِرَةِ، اَلْمُسَافِرُونَ عَلَى مَتْنِ اَلطَّائِرَةِ	People aboard a plane
سرنگون شدن هواپیما	سُقُوطُ اَلطَّائِرَةِ	Plane crash
سرنگون کردن رژیم	قَلْبُ اَلْحُكُومَةِ، اَلْاُطْلَاحَةُ بِاَلْحَكْمِ اَوْ اَلنِّظَامِ، اِسْقَاطُ اَلْحَكْمِ	To topple a regime
سرنوشت انقلاب و . .	مَصِيرُ اَلثَّوْرَةِ وَمُسْتَقْبَلُهَا	Destiny of a revolution
سرنوشت جنگ	مَصِيرُ اَلْحَرْبِ	Destiny of a war
سرنوشت خود را بدست گرفتن	اَلتَّسَلُّطُ عَلٰى اَلْمَصِيرِ، اِقْتِنَاءُ اَلْمَصِيرِ، اَلتَّحَكُّمُ بِاَلْمَصِيرِ	To determine one's own fate
سرنوشت‌سازی	اَلْمَصِيرِيَّةُ، تَحْدِيدُ مَعَالِمِ اَلْمَصِيرِ	Fateful
سرنوشت کفران‌سپای	مَصِيرُ مُؤَقِّمَاتِ دَوْلٍ عَدَمِ اَلْاُنْحِيَاظِ	Fate of non-aligned countries
سرنوشت گروگان‌ها	مَصِيرُ اَلرَّهَائِنِ	hostages' fate
سرنوشت ملت‌ها	مَصِيرُ اَلشُّعُوبِ، مَصِيرُ اَلْاُمَمِ	Fate of nations
سرنوشت نامعلوم	اَلْمَصِيرُ اَلْمَجْهُولُ	Unknown fate
سرود آزادی	اَنْشُودَةُ اَلْحُرِّيَّةِ	Hymn of freedom

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سرود انقلاب	نَشِيدُ الثَّوْرَةِ	Revolutionary anthem
سرود ملی	اَلنَّشِيدُ اَلْوَطَنِيّ، اَلسَّلَامُ اَلْوَطَنِيّ	National anthem
سرودهای انقلابی و ملی	اَلْأَنشَادُ اَلْوَطَنِيَّةُ وَالثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary and national anthems
سرویس اداری	اَلْخِدْمَاتُ اَلْإِدَارِيَّةُ	Office service
سطح پائین	اَلْمُسْتَوَى اَلْمُنْخَفِضُ، اَلْمُسْتَوَى اَلْأَدْنَى	Lower standard
سطح تحصیلی	اَلْمُسْتَوَى اَلدِّرَاسِيّ	Standard of education
سطح زندگی	مُسْتَوَى اَلْمَعِيشَةِ	Standard of living
سطح قیمت‌ها	مُسْتَوَى الْأَسْعَارِ	Level of prices
سطوح بالای دولت	اَلْمُسْتَوَى الْأَعْلَى لِإِلْحَاقِ	Government's top authorities
سعه صدر	رِحَابَةُ الصَّدْرِ	Broad-mindedness
سفارت	اَلسَّفَارَةُ	Embassy
سفارتخانه	دَارُ السَّفَارَةِ	Legation
سفیدپوستان	اَلنِّسَاءُ وَالرِّجَالُ اَلْأَبْيَضُ	White people
سفیر سیار	اَلسَّفِيرُ اَلْمُتَجَوِّلُ	Roving ambassador
سفیر ویژه	اَلْمَبْعُوثُ الْخَاصُّ	Emissary
سفینه فضائی	سَفِينَةُ الْفَضَاءِ	Space - ship
سقوط ابرقدرتها	سُقُوطُ اَلْقُوَى اَلْعَظْمَى	Fall of superpowers
سقوط دولت	إِقَالَةُ اَلْحُكُومَةِ	Fall of a government
سقوط هواپیما	سُقُوطُ اَلطَّائِرَةِ	Plane crash

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سکوت بر ظلم . . .	اَلسَّكُوتُ عَلٰى اَظْلَمٍ اَقْبَحُ مِنْ اَظْلَمٍ نَفْسِهٖ	Silence over oppression
سکوت مرگبار	اَلسَّكُوتُ اَلْمُمِيتُ	Death silence
سکوی پرتاب موشک	مَاعِدَةُ اِطْلَاقِ الصَّارُوخِ	Missile launching platform
سلاح ایمان	سِلَاحُ الْاِيْمَانِ	Arms of faith
سلاح های پیچیده	اَلْاَسْلِحَةُ الْمُعَقَّدَةُ	Complicated weapons
سلاح های سبک و ساده	اَلْاَسْلِحَةُ الْخَفِيفَةُ وَالْبَسِيطَةُ	Heavy and light arms
سلاح های سنگین استراتژی	اَلْاَسْلِحَةُ الْاَسْتِرَاقِیَّةُ اَلثَّقِیْلَةُ	Strategic heavy arms
سلاح های شیمیائی	اَلْاَسْلِحَةُ الْکِیْمَاوِیَّةُ	Chemical weapons
سلاح های مرگبار	اَلْاَسْلِحَةُ الْفَتَاکَةُ	Lethal weapons
سلاح و مهمات	اَلْاَسْلِحَةُ وَالْمُعَدَّاتُ	Arms and ammunitions
سلاح های هسته ای (اتمی)	اَلْاَسْلِحَةُ اَلذَّوِیَّةُ، اَلْاَسْلِحَةُ اَلذَّرِیَّةُ	Nuclear weapons
سلاح های هولناک	اَلْاَسْلِحَةُ الْهَابِلَةُ	Formidable weapons
سلاح های هیدروژنی	اَلْاَسْلِحَةُ اَلْهَیْدُرُوجِیَّةُ	Hydrogen weapons
سلام بر - درود بر	سَلَامٌ عَلٰی	Hail to
سلامت و امنیت	اَلْاَمْنُ وَ السَّلَامَةُ	Safety and security
سلب آزادی، ایجاد خفقان	کَبَتِ اَلْحَرِیَّةَ، خَنَقَ اَلْحُرِّیَّاتِ	To deprive of freedom
سلب مصونیت سیاسی	رَفَعَ اَلْحَصَانَةَ اَلدِّیْنِیَّةَ اَلْمُنَاسِیَّةَ	To deprive of political immunity
سلسله مراتب	سِلْسِلَةُ اَلْمَرَاتِبِ	Hierarchy

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
سلطان	اَلسُّلْطَانُ، اَلْمَلِكُ	<i>Monarch</i>
سلطنت طلب	طَالِبُ اَلْمَمْلَكَةِ، طَالِبُ اَلسُّلْطَنَةِ	<i>monarchist</i>
سلطنتی	اَلْمَلَكِيّ، اَلسُّلْطَانِيّ	<i>Monarchy</i>
سلطنتی مشروطه	اَلنِّظَامُ اَلْمَلَكِيّ	<i>Constitutional monarchy</i>
سلطه سیاسی	اَلسُّلْطَةُ اَلسِّيَاسِيَّةُ	<i>Political domination</i>
سلطه قضائی - (قوه قضائیه)	اَلسُّلْطَةُ اَلقَضَائِيَّةُ	<i>Judicial domination</i>
سلطه نظامی (مقامات نظامی)	اَلسُّلْطَةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	<i>Military domination</i>
سلول تنگ	اَلزَّنَزَانَةُ اَلضَّيِّقَةُ	<i>Narrow cell</i>
سلول های انفرادی . . .	اَلزَّنَزَانَاتُ اَلْاَنْفِرَادِيَّةُ	<i>Individual cells</i>
سمبل مقاومت	اَلْمَثَلُ اَلْاَعْلَى لِلمُقَاوَمَةِ، رَمَزُ اَلْمُقَاوَمَةِ	<i>Symbol of resistance</i>
سمینار ائمه جمعه	مَوْقِعُ اَتَمَةِ اَلْجَمَاعَةِ	<i>Siminar of prayer leaders</i>
سنا	مَجْلِسُ اَلشُّيُوخِ	<i>Senate</i>
سناتور - عضو مجلس سنا	عَضُوٌّ فِي مَجْلِسِ اَلشُّيُوخِ	<i>Senator</i>
سنت	اَلسُّنَّةُ، اَلْحَدِيثُ اَلْمَنْقُولُ	<i>Tradition</i>
سنت پیغمبر	سُنَّةُ اَلنَّبِيِّ اَلكَرِيمِ	<i>Prophet's tradition</i>
سنت شریف	اَلسُّنَّةُ اَلشَّرِيفَةُ	<i>Holy tradition</i>
سنت مطهر	اَلسُّنَّةُ اَلْمُطَهَّرَةُ	<i>Sacred tradition</i>
سنتی	اَلْعُرْفُ، اَلتَّقْلِيدُ	<i>Traditional</i>
سندیکای پیشه‌وران	نِقَابَةُ اَلْمِهْنِيِّينَ	<i>Craftmen's syndicate</i>
سندیکای کارگران	نِقَابَةُ اَلْعَمَالِ	<i>Workers' syndicate</i>

English	فارسی	العربی
Legal age	سن قانونی . . .	السَّانُ الْقَانُونِيُّ لِذِمَّتِهِ الْعَسْكَرِيَّةُ
To throw a stone	سنگ اندازی کردن	الْعَرَقْلَةُ
Trench	سنگر	الْخَنْدَقُ
Bastion of imperialism and reactionism	سنگر امپریالیسم و ارتجاع	الْخَنْدَقُ الْأَمْبِرِيَالِي وَالرَّجَعِيُّ
Concrete trench	سنگر بتونی	الْخَنْدَقُ الْخَرَسَانِيُّ
To abandon one's trench	سنگر خود را ترك کردن	الْأَنْسِحَابُ مِنَ الْخَنْدَقِ
To dig a trench	سنگر کندن	حَفَرَ الْخَنْدَقِ
Individual trenches	سنگرهای انفرادی	الْتَحْصِينَاتُ الْأَنْفِرَادِيَّةُ
Group trenches	سنگرهای گروهی	الْتَحْصِينَاتُ الْجَمَاعِيَّةُ
Corner stone	سنگ زیر بنا	حَجَرُ الْأَسَاسِ (الزَّائِيَّةُ)
To stone to death	سنگسار کردن	الْقَتْلُ بِالْحِجَارَةِ
Corrupt traditions	سنن و آداب پوسیده	الْتَقَالِيدُ الْبَالِيَّةُ
To board a plane	سوار هواپیما شدن	رُكِبَ الْطَائِرَةُ
Abuse of power	سوء استفاده از قدرت	إِسْتِغْلَالُ الْقُدْرَةِ
To abuse	سوء استفاده کردن	الْأُسْتِغْلَالُ
Malnutrition	سوء تغذیه	الْتَغْدِيَّةُ السَّيِّئَةُ
To misunderstand	سوء تفاهم داشتن	إِسَاءَةُ الْفَهْمِ
Assasination attempt	سوء قصد به جان	مُحَاوَلَةُ الْأَغْتِيَالِ
Atomic fuel	سوخت اتمی	الْقَوْدُ النَّوَوِيَّةُ (الْثَرِّيَّةُ)
Fueling	سوخت گیری	الْتَزْوُدُ بِالْقَوْدِ، أَخَذَ الْقَوْدَ

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
Homes' fuel	وَقُودُ الْمَنَازِلِ	سوخت منازل
Plane fuel	وَقُودُ الطَّائِرَةِ	سوخت هواپیما
Interest	الرَّجْحُ، الْفَائِدَةُ	سود، ربح
Merchant of death	تَاجِرُ الْمَوْتِ	سوداگر مرگ
Useful	الْمُنْمِرُ	سودبخش
Profiteer	الْوُصُولِيُّ	سودجو
Profitable	الْمَنَافِعُ	سودمند
To set ablaze	الْأَحْرَاقُ	سوزاندن، به آتش کشیدن
To cremate bodies	إِحْرَاقُ الْجَنَاحِ	سوزاندن اجساد
To burn a flag	إِحْرَاقُ الْعَلَمِ	سوزاندن پرچم
Vexation of spirit	شَجَى الْقَلْبِ، حَرْقَةُ الْقَلْبِ	سوزدل
Socialist	الْأَشْتِرَاكِيُّ	سوسیالیست
Socialism	الْأَشْتِرَاكِيَّةُ	سوسیالیسم
Oath of allegiance	أَدَاءُ يَمِينِ الْوَفَاءِ	سوگند وفاداری
Public mourning	الْجِدَادُ الْعَامُ	سوگواری عمومی
Negligence	الْمُطَاطَلَةُ، التَّسَاهُلُ	سهل انگاری
Principal share	الْحِصَّةُ الرَّئِيسِيَّةُ	سهم اصلی
Share	الْحِصَّةُ، السَّهْمُ، النِّصِيبُ	سهمیه
Workers' sharing	إِشْرَاكُ الْعَمَالِ	سهیم کردن کارگران
Future policy	سِيَّاسَةُ الْمُسْتَقْبَلِ	سیاست آینده
Repressive policy	سِيَّاسَةُ التَّحْكُمِ، سِيَّاسَةُ الْكَبْتِ	سیاست اختناق
Imperialist policy	الْإِسْطِيسِيَّةُ	سیاست استعماری

فارسی	العَرَبِيَّة	English
سیاست اطلاعاتی	السِّيَاسَةُ الْإِعْلَامِيَّةُ	Information policy
سیاست افراطی	السِّيَاسَةُ الْإِمْتَدَارُفَةُ، سِيَّاسَةُ الْإِمْتَدَارُفِ	Extremist policy
سیاست برتری نژادی	سِيَّاسَةُ التَّمْيِيزِ الْعُنْصُرِيِّ	Racist policy
سیاست بی طرفی	سِيَّاسَةُ الْإِحْيَادِ، سِيَّاسَةُ عَدَمِ الْأَدْنِجِيزِ	Policy of impartiality
سیاست بی طرفی مثبت	سِيَّاسَةُ الْإِحْيَادِ الْإِذْجَابِيِّ	Positive policy of impartiality
سیاست پولی	السِّيَاسَةُ النِّقْدِيَّةُ	Monetary policy
سیاست تبلیغاتی	سِيَّاسَةُ الدَّعَايَةِ	Propaganda policy
سیاست تجاوز کارانه	السِّيَاسَةُ الْعُدْوَانِيَّةُ	Aggressive Policy
سیاست تصمیم گیری	سِيَّاسَةُ إِتْخَاذِ الْقَرَارَاتِ، السِّيَاسَةُ الْمُصَمِّمَةُ	Decision - making policy
سیاست تفرقه اندازی	سِيَّاسَةُ التَّفْرِيقَةِ، كَسَدُ	Dissident Policy
سیاست توسعه طلبانه	السِّيَاسَةُ التَّوَسُّعِيَّةُ	Expansionist policy
سیاست جلب افکار	سِيَّاسَةُ كَسْبِ الْأَنْصَارِ	Policy of alliance
سیاست جهانی	السِّيَاسَةُ الدَّوَلِيَّةُ	Global policy
سیاست چپاولگرانه	سِيَّاسَةُ الْقَوَصْنَةِ	Predatory policy
سیاست چوب و چماق	سِيَّاسَةُ الْعَصَا وَالْعِيْدَانِ	Stick-wielding policy
سیاست حکیمانه (مدبرانه)	السِّيَاسَةُ الرَّشِيدَةُ	Wise policy
سیاست خارجی	السِّيَاسَةُ الْأُجْنِبِيَّةُ	Foreign policy
سیاست خصمانه	السِّيَاسَةُ الْعِدَائِيَّةُ	Hostile policy

<i>Domestic and foreign policy</i>	السِّيَاسَةُ الدَّاخِلِيَّةُ وَالْخَارِجِيَّةُ	سیاست داخلی و خارجی
<i>Open-door policy</i>	سِيَّاسَةُ الْبَابِ الْمَفْتُوحِ	سیاست درهای باز
<i>Self-defense policy</i>	سِيَّاسَةُ الدِّفَاعِ عَنِ النَّفْسِ	سیاست دفاع از خویش
<i>Friendship policy</i>	السِّيَاسَةُ الْوُدِّيَّةُ	سیاست دوستانه
<i>Leaders' policy</i>	سِيَّاسَةُ الزُّعَمَاءِ الْمُتَطَرِّفِينَ	سیاست رهبران . . .
<i>Policy of force</i>	سِيَّاسَةُ التَّحَكُّمِ	سیاست زورگوئی
<i>Policy of economy</i>	سِيَّاسَةُ التَّقَشُّفِ	سیاست صرفه جوئی
<i>Policy of peace</i>	سِيَّاسَةُ السَّلَامِ	سیاست صلح
<i>Anti-imperialistic policy</i>	سِيَّاسَةُ الْمُنَاهِضَةِ لِلسُّتُعْمَارِ	سیاست ضد استعماری
<i>Non - neutral Policy</i>	سِيَّاسَةُ الْأَدْحِيَاذِ	سیاست عدم بی طرفی
<i>Non-aligned policy</i>	سِيَّاسَةُ عَدَمِ الْأَدْحِيَاذِ	سیاست عدم تعهد
<i>Non-interference policy</i>	سِيَّاسَةُ عَدَمِ الْمُدَاخَلَةِ، سِيَّاسَةُ الْحَيَادِ	سیاست عدم دخالت
<i>Step-by-step policy</i>	سِيَّاسَةُ التَّخَطُّطِ خُطْوَةً خُطْوَةً	سیاست گام به گام
<i>Misleading policy</i>	سِيَّاسَةُ التَّضْلِيلِ	سیاست گمراه سازی
<i>Inclined policy</i>	السِّيَاسَةُ الْمُوَالِيَّةُ	سیاست متمایل
<i>Professional politicians</i>	السِّيَاسِيُّونَ الْمُحْتَزِرُونَ، مُحْتَزِرُو السِّيَاسَةِ	سیاستمداران حرفه ای
<i>Opposing politicians</i>	السِّيَاسِيُّونَ الْمُعَارِضُونَ	سیاستمداران مخالف
<i>Muslim statesmen</i>	السَّاسَةُ الْمُسْلِمُونَ	سیاستمداران مسلمان

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
Moderate politician	السِّيَاسِيُّ الْمُعْتَدِلُ	سیاستمدار میانه‌رو
Policy of present authorities	سِيَّاسَةُ الْمَسْؤُولِينَ الْحَالِيِّينَ	سیاست مسئولان کنونی
Policy of independent economy	السِّيَاسَةُ الْأَقْصَادِيَّةُ الْمُسْتَقِلَّةُ	سیاست مستقل اقتصادی
Oil policy	السِّيَاسَةُ الْبِتْرُولِيَّةُ الْمُؤَقَّتَةُ	سیاست نفتی. . .
Neither Eastern nor Western policy	السِّيَاسَةُ الْأَشْرَقِيَّةُ وَالْأَغْرَبِيَّةُ	سیاست نه شرقی نه غربی
Policies of industrial expansion	سِيَّاسَاتُ التَّوَسُّعِ الصَّنَاعِيِّ ذَاتَ الْمَدَى الْقَصِيرِ وَالْبَعِيدِ	سیاست‌های گسترش صنعتی کوتاه‌مدت و بلندمدت
Political	السِّيَاسِيُّ	سیاسی
Islamic system of education	نِظَامُ التَّعْلِيمِ الْأِسْلَامِيِّ	سیستم آموزش اسلامی
Social system	النِّظَامُ الْأَجْتِمَاعِيُّ	سیستم اجتماعی
Banking system	النِّظَامُ الْمَصْرَفِيُّ	سیستم بانکی
Modern monetary system	النِّظَامُ الْمَالِيُّ الْجَدِيدُ	سیستم جدید مالی
Dictatorial system	النِّظَامُ الدِّكْتَاتُورِيُّ	سیستم دیکتاتوری
Capitalist system	النِّظَامُ الرِّأَسْمَالِيُّ	سیستم سرمایه‌داری
Facist system	النِّظَامُ الْفَاشِي	سیستم فاشیستی
Feudalist system	النِّظَامُ الْأَقْطَاعِيُّ	سیستم فئودالی
Civil legal system	نِظَامُ الْقَانُونِ الْمَدَنِيِّ	سیستم قانون مدنی
Inhumane systems	الْأَنْظِمَةُ الْأَلْإِنْسَانِيَّةُ	سیستم‌های غیرانسانی

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Barrage of criticism</i>	قَدْفُوقُ الْأَدْبِثِقَادِ	سیل انتقاد
<i>Flood - stricken - people</i>	مَنْكُوبُوَالسَّيْلِ	سیل زدگان
<i>Flow of aids</i>	سَيْلُ الْمُسَاعَدَاتِ	سیل کمک‌ها
<i>Devastating flood</i>	السَّيْلُ الْمَخْرِبِ	سیل مخرب
<i>Profile of a society</i>	مَلَامِحُ الْمَجْتَمَعِ	سیمای جامعه

ش

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
شاخ افریقا	أَلْقَرْنُ الْأَفْرِیْقِیُّ	<i>Horn of Africa</i>
شاخص‌های رشد اقتصادی	مَوْسَرَاتُ التَّنْمِیَةِ الْأَقْتِصَادِیَّةِ	<i>Index of economic growth</i>
شادروان	أَلْفَقِیْدُ السَّعِیْدِ	<i>The deceased</i>
شادمانی و سرور	أَلْأَفْرَاحُ وَ الْمَسَرَاتُ	<i>Happiness</i>
شاهد عینی	شَاهِدٌ عِیْنِی	<i>Eye witness</i>
شایستگی	أَلْدِّیَاقَةُ، أَلْجَدَارَةُ	<i>Competency</i>
شایعات بی‌اساس	أَلْأَشَاعَاتُ أَلْكَاذِبَةِ، إِشَاعَاتُ لَا أَسَاسَ فِیْهَا	<i>False rumors</i>
شایعات مغرضانه	أَلْأَشَاعَاتُ أَلْمَزْعُومَةِ، أَلْأَشَاعَاتُ أَلْمَحْمُومَةِ، أَلْشَائِعَاتُ أَلْمَغْرِضَةِ	<i>Hostile rumors</i>
شایعات شکنجه	إِشَاعَاتُ أَلتَّعَذِیْبِ	<i>Rumors of torture</i>
شایعه پراکنی	بَثُّ أَلشَّائِعَاتِ	<i>Spread of rumors</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
شبانه روز	لَيْلَ نَهَارَ	Day and night
شبکه تلویزیونی	اَلشَّبَكَةُ اَلتَّلْفِيزِ يُوْدِيَّةُ	Television network
شبکه جاسوسی	اَلْعِصَابَةُ اَلْجَاسُوسِيَّةُ، شَبَكَةُ اَلتَّجَسُّسِ	Espionage network
شبکه خطوط گاز	شَبَكَةُ خُطُوَطِ اَلْغَازِ	Network of gas lines
شبکه قاچاقچیان	عِصَابَةُ اَلْمُهَرِّجِينَ	Band of smugglers
شبکه گازرسانی	شَبَكَةُ قَوَاصِلِ اَلْغَازِ	Gas supply network
شبگرد	اَلْخَفِيرُ، اَلشَّاطُورُ، اَلْحَارِسُ	Watch-man
شب نامه ها	اَلنَّشْرَاتُ اَللَّيْلِيَّةُ	Leaflets
شب نشینی	اَلْحَفْلَةُ اَلرَّائِدَةِ، اَلْحَفْلَةُ اَلشَّاهِرَةِ	Evening party
شبه انقلابی	اَلشَّبِيهُ بِاَلثَّوْرِيِّ	Pseudo-revolutionary
شبه نظامی (سرباز مستقر)	اَلْجُنْدِيُّ اَلْمُرَاطِطُ	Militiaman
شیخون زدن	اَلْأَغَارَةُ فِي اَلدَّلِيلِ	To seize by surprise
شتاب زدگی	اَلتَّسَرُّعُ	Precipitation
شخص احساساتی	اَلرَّجُلُ اَلْمُنْدَفِعُ (اَلْعَاطِفِيُّ)	Sensitive person
شخص شایسته و دارای صلاحیت	اَلشَّخْصُ اَللَّادِقُ وَ اَلْجَدِيدُ	Qualified person
شخص گمنام	اَلرَّجُلُ اَلْمَجْهُولُ	Unknown person
شخص مجهول الهویه	اَلرَّجُلُ اَلْمَجْهُولُ اَلْهَوِيَّةُ	Unidentified person
شخص مطلع	اَلْخَبِيرُ	Expert
شخص مطلوب	اَلشَّخْصُ اَلْمَطْلُوبُ	Desirable Person

فارسی	العربی	English
شخص مظنون	الشَّخْصُ الْمَشْبُوهُ	Suspect
شخص معتاد	الرَّجُلُ الْمَدْمِنُ	Addict
عنصر نامطلوب	شَخْصٌ غَيْرُ مَرْغُوبٍ فِيهِ	Persona non – grata
شخصیت انسان	شَخْصِيَّةُ الْإِنْسَانِ	Human personality
شخصیت زن	شَخْصِيَّةُ الْمَرْأَةِ	Woman's personality
شخصیت مؤمن	شَخْصِيَّةُ الْمُؤْمِنِ	Believer's personality
شخصیتهای انقلابی	الرَّجَالُ الثَّوْرِيُّونَ	Revolutionary figures
شخصیتهای برجسته	الشَّخْصِيَّاتُ الْمَرْمُوقَةُ، الشَّخْصِيَّاتُ الْبَارِزَةُ	Dignatories
شخصیتهای بزرگ اسلامی	الشَّخْصِيَّاتُ الْأَسْلَامِيَّةُ الْكَبِيرَةُ	Great Islamic figures
شخصیتهای سیاسی	الشَّخْصِيَّاتُ السِّيَاسِيَّةُ	Political figures
شخصیتهای علمی و انقلابی	الشَّخْصِيَّاتُ الْعِلْمِيَّةُ وَالثَّوْرِيَّةُ	Scientists and revolutionaries
شخصیتهای مذهبی و غیر مذهبی	الشَّخْصِيَّاتُ الدِّينِيَّةُ وَالْأَلَا الدِّينِيَّةُ	Religious and non-religious figures
شدت بحران بین المللی	حِدَّةُ الْأَزْمَةِ الدَّوْلِيَّةِ	Intensity of an international crisis
شدت ضربات	شِدَّةُ الصَّرَبَاتِ	Intensity of blows
شدت عمل	حِدَّةُ الْعَمَلِ	struggle action
شدت کشمکش	حِدَّةُ الصَّرَاعِ	Intense struggle
شدیداللحن	شَدِيدُ اللَّحْنِ	Harsh-toned
شرافت انسانی	الْكَرَامَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ	Human dignity

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Revolutionary dignity</i>	الشَّرَفُ الثَّوْرِيُّ	شرافت انقلابی
<i>Revolutionary Conditions</i>	الشَّرَاذِطُ الثَّوْرِيَّةُ	شرایط انقلابی
<i>Critical conditions</i>	الشَّرَاذِطُ الْخَطِيرَةُ	شرایط بحرانی
<i>Sensitive conditions</i>	الشَّرَاذِطُ الْحَسَّاسَةُ	شرایط حساس
<i>War time conditions</i>	مَوَاقِفُ زَمَنِ الْحَرْبِ	شرایط دوران جنگ
<i>Prison conditions</i>	شَرَائِطُ السِّجْنِ	شرایط زندان
<i>Living conditions</i>	شَرَائِطُ الْحَيَاةِ	شرایط زندگی
<i>Provisions of an agreement</i>	مَوَاقِفُ الْقَرَارَاتِ	شرایط قرارداد (قطعنامه ها)
<i>Working conditions</i>	شَرَائِطُ الْعَمَلِ	شرایط کار
<i>Unstable conditions</i>	شَرَائِطُ غَيْرِ مُسْتَبِيَّةٍ	شرایط ناپایدار
<i>Unfavorable conditions</i>	الشَّرَاذِطُ الْمَضَادَّةُ، شَرَائِطُ غَيْرِ مُوَافِقَةٍ، الشَّرَاذِطُ الْمَعَاكِسَةُ	شرایط نامساعد
<i>Eplanation of Islamic issues</i>	شَرْحُ الْمَسَائِلِ الْأِسْلَامِيَّةِ	شرح مسائل اسلامی
<i>Condition for victory</i>	شُرُوطُ الْأَدْتِبَارِ	شرط پیروزی
<i>Precondition</i>	الشَّرْطُ مِنْ قَبْلُ	شرط قبلی
<i>Be received in audience</i>	الْتِشَارُفُ بِالْحُضُورِ	شریفاب شدن
<i>East</i>	الْمَشْرِقُ، الْمَشْرِقُ	شرق
<i>Eastern</i>	الْمَشْرِقِيَّ	شرقی
<i>blasphemy</i>	الشَّرْكَ، الْكُفْرُ	شرك - کفر
<i>National insurance company</i>	شَرِكَةُ التَّأْمِينِ الْأَجْتِمَاعِيِّ	شرکت بیمه اجتماعی
<i>Joint-stock company</i>	الشَّرَكَةُ الْمُسَاهِمَةُ	شرکت سهامی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
شرکت در کودتا	اَلْاِشْتِرَاكُ فِي اَلْاَنْقِلَابِ	Complicity in a coup
شرکت ملی ذوب آهن	شِرْكَةُ صَهْرِ اَلْحَدِيدِ اَلْوَطَنِيَّةِ	National steel mill
شرکت فعال	اَلشَّرِكَةُ اَلْفَعَالَةُ	Active participation
شرکت ملی گاز ایران	شِرْكَةُ اَلْغَازِ اَلْوَطَنِيَّةِ	National Iranian gas company
شرکت نفت ملی ایران	اَلْاِجْرَائِيَّةُ شِرْكَةُ اَلنِّفْطِ اَلْوَطَنِيَّةِ	National Iranian Oil Company
شرکت واحد اتوبوسرانی	مَصْلَحَةُ قَطْرِ اَلرُّكَّابِ	United bus company
شرکت های انحصاری	اَلشَّرِكَاتُ اَلْمُحْتَكِرَةُ	Limited companies
شرکت های بازرگانی	اَلشَّرِكَاتُ اَلتِّجَارِيَّةُ	Commercial firms
شرکت های بیگانه	اَلشَّرِكَاتُ اَلْاُجْنَبِيَّةُ	Foreign companies
شرکت های چند ملیتی	اَلشَّرِكَاتُ اَلْمُتَعَدِّدَةُ اَلْاُجْنَبِيَّاتُ	Multi-national companies
شرکت های نفتی بیگانه	اَلشَّرِكَاتُ اَلْبِتْرُوْلِيَّةُ اَلْاُجْنَبِيَّةُ	Foreign oil companies
شرکت همه جانبه	شِرْكَةُ مُتَعَدِّدَةِ اَلْاَطْرَافِ	All-inclusive participation
شرکت هواپیمایی	شِرْكَةُ اَلطَّيْرَانِ	Aviation company
شریان زندگی یا رگ حیات	اَلشَّرِيَانُ اَلْحَيَوِيُّ	Vital vein
شریعت اسلامی	اَلشَّرِيعَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic tenet
شریک جرم	اَلشَّرِيْكُ فِي اَلذَّنْبِ	Accomplice
شستشوی مغزی دادن	غَسْلُ اَلدِّمَاْغِ	To brainwash
شعارهای آزادی، وحدت،	شِعَارَاتُ اَلْحُرِّيَّةِ وَ اَلْوَحْدَةِ	Slogan of freedom, unity
دمکراسی	وَ اَلدِّمُقْرَاطِيَّةِ	and democracy

English	فارسی	اَلتَّرَجُمٰی
<i>Islamic motto</i>	شعار اسلامی	اَلشَّعَارُ اَلْاِسْلَامِیُّ
<i>Slogan of Allah-O-Akbar</i>	شعار الله اکبر	هَتَافُ اَللهِ اَكْبَرُ
<i>To chant a slogan</i>	شعار دادن	اَلهٔ تَافُ
<i>Slogan of world peace</i>	شعار صلح جهانی	شِعَارُ اَلسَّلَامِ اَلْعَالَمِیِّ
<i>Pure Islamic mottoes</i>	شعارهای پاک اسلامی	اَلشَّعَارَاتُ اَلْاِسْلَامِیَّةُ اَلصَّافِیَّةُ
<i>Hollow slogans</i>	شعارهای پوچ و توخالی	اَلهٔ تَافَاتُ اَلْفَارِغَةِ، اَلهٔ تَافَاتُ اَلْاَوَهِیَّةِ، اَلْاَوَهِیَّةِ، اَلهٔ تَافَاتُ اَلْاَوَهِیَّةِ
<i>Emphatic mottoes</i>	شعارهای تأیید کننده	اَلهٔ تَافَاتُ اَلْمُؤِیَّدَةِ
<i>Slogans of long live</i>	شعارهای زنده باد	اَلهٔ تَافَاتُ دِیْحِیَاةٍ
<i>Hostile slogans</i>	شعارهای مغرضانه و خصمانه	اَلهٔ تَافَاتُ اَلْمُغْرِضَةِ وَاَلْمُخَالِفَةِ
<i>Islamic rites</i>	شعائر اسلامی	اَلشَّعَائِرُ اَلْاِسْلَامِیَّةُ
<i>Religious rites</i>	شعائر دینی	اَلشَّعَائِرُ اَلدِّیْنِیَّةُ
<i>Bank branches</i>	شعب بانک	فُرُوعُ اَلْمَصْرِفِ
<i>Distribution center</i>	شعبه توزیع	شُعْبَةُ اَلتَّوْزِیْعِ
<i>Branch of a revolutionary court</i>	شعبه داد گاه انقلاب	شُعْبَةُ مَحْكَمَةِ اَلثَّوْرَةِ
<i>To inflame a War</i>	شعله ور ساختن آتش جنگ	اِسْعَالُ دَارِ اَلْحَرْبِ، اِضْرَامُ دِیْرَانِ اَلْحَرْبِ
<i>Rift</i>	شکاف	اَلْهَوَّةُ بَیْنَ اَلْفُقَرَاءِ وَاَلْاَغْنِیَاءِ
<i>Splinter a party</i>	شکاف در حزب	اَلْاَنْشِقَاقُ فِی اَلْحِزْبِ
<i>Political rift</i>	شکاف سیاسی	اَلتَّصَدُّعُ اَلْسِّیَاسِیُّ
<i>Splinter in muslims' ranks</i>	شکاف صفوف مسلمانان	شَقُّ صُفُوفِ اَلْمُسْلِمِیْنَ

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Complaints</i>	الشَّعَاوِي	شکایات
<i>To fail</i>	الْفَلُّ، الْأَنْهَرَامُ	شکست خوردن
<i>Hard defeat</i>	الْهَزِيمَةُ الْمُنْكَرَةُ	شکست سخت
<i>Imminent defeat</i>	الْفَلُّ بِقَرِيبٍ	شکست قریب الوقوع
<i>Shameful defeat</i>	الْهَزِيمَةُ الْمَخْزِيَّةُ، الْهَزِيمَةُ الْمَخْجَلَةُ	شکست مفتض، حانه
<i>Invincible</i>	لَا يُمْكِنُ إِفْنَاؤُهُ، لَا يُغْلَبُ عَلَى أَمْرِهِ	شکست ناپذیر
<i>Destroy a great idol</i>	تَحْطِیْمُ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ	شکستن بت بزرگ
<i>Failure of an imperialist plot</i>	إِفْشَالُ مَخْطِطِ الْأَسْتِعْمَارِ	شکست نقشه استعمار
<i>To remove the economic</i>	فَكَ الْحِصَارِ الْأَقْتِصَادِيَّ	شکستن محاصره اقتصادی
<i>Sanctions</i>		
<i>Breaking a military seige</i>	فَكَ الْحِصَارِ الْعَسْكَرِيَّ	شکستن محاصره نظامی
<i>Horrible defeat</i>	الْهَزِيمَةُ الشَّنِيعَةُ	شکست ننگ آور (سهمگین)
<i>Continuous defeats</i>	الْهَزَائِمُ الْمُتَتَالِيَةُ	شکست های پی در پی
<i>To torture</i>	التَّعْدِيبُ	شکنجه دادن
<i>Torture of war captives</i>	تَعْدِيبُ أَسْرَى الْحَرْبِ	شکنجه اسیران جنگی
<i>To torture an accused person</i>	تَعْدِيبُ الْمَتَّهِمِ	شکنجه دادن متهم (جهت گرفتن اقرار)
<i>Physical and mental</i>	تَعْدِيبُ النَّفْسِ وَالْجَسَدِ	شکنجه روحی و جسمی
<i>torture</i>		
<i>Inhumane torture</i>	التَّعْدِيبُ الْإِنْسَانِيَّ	شکنجه غیر انسانی
<i>Place of torture</i>	مَكَانُ التَّعْدِيبِ	شکنجه گاه

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Torturer</i>	اَلْمُعَذِّبُ	شکنجه گر
<i>Various tortures</i>	شَتَّى اَنْوَاعِ اَلتَّعْذِيبِ	شکنجه های گوناگون
<i>Savage tortures</i>	اَلتَّعْذِيبُ اَلْوَحْشِيُّ	شکنجه های وحشیانه
<i>Hesitation</i>	اَلشَّكُّ	شک و تردید
<i>Patience in hardships</i>	اَلصَّبْرُ وَ اَلسَّدْوُ فِی اَلْمَصَائِبِ	شکیبائی در مصائب
<i>Violence</i>	اَلْاَضْطِرَابُ وَ اَلْفَوْضَى	شلوغی و آشوب
<i>To flog</i>	اَلْجَلْدُ ، اَلتَّأْدِيبُ ، اَلضَّرْبُ	شلاق زدن
	بِاَلسَّوْطِ	
<i>Gun firing</i>	قَذْفُ اَلْمِدْفَعِ	شلیک توپ
<i>Bullet firing</i>	اِطْلَاقُ الرِّصَاصِ	شلیک گلوله
<i>Backward counting</i>	اَلْعَدُّ اَلْمَعْکُوسُ	شمارش معکوس
<i>Number of voters</i>	عَدَدُ اَلنَّاصِحِیْنَ	شماره رأی دهندگان
<i>speciall issue</i>	اَلْعَدَدُ الْاَخَاصُ ، اَلْعَدَدُ اَلْمُمْتَازُ	شماره مخصوص
<i>Sword of justice</i>	سَیْفُ اَلْعَدَالَةِ	شمشیر عدالت
<i>Acquaintance with</i>	مَعْرِفَةُ الْاَقْتِصَادِ الْاِسْلَامِیِّ	شناسایی اقتصاد اسلامی
<i>Islamic economy</i>		
<i>Recognition of a new regime</i>	اَلْاَعْتِرَافُ بِاَلْحُکْمِ الْجَدِیدِ	شناسایی رژیم جدید
<i>Reconnaissance of residential areas</i>	مَعْرِفَةُ اَلْمَنَاطِقِ اَلسَّکَنِیَّةِ	شناسایی مناطق مسکونی
<i>Revolutionary enthusiasm</i>	اَلْهَيْجَانُ اَلثَّوْرِی	شور انقلابی
<i>Council</i>	اَلثَّوْرَى ، اَلْمَشُورَةُ	شورا

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
شور اول	اَلْمَشُورَةُ اَلْأُولَى	<i>First deliberation</i>
شوراهاى شهرى	اَلْمَجَالِسُ اَلْبَلَدِيَّةُ	<i>Civil councils</i>
شورای اسلامى	اَلْمَجْلِسُ اَلْإِسْلَامِيّ	<i>Islamic council</i>
شورای امنیت	مَجْلِسُ اَلْأَمْنِ	<i>Security council</i>
شورای انقلاب	مَجْلِسُ اَلثَّوْرَةِ	<i>Revolutionary council</i>
شورای جنگ	اَلْمَجْلِسُ اَلْحَرْبِيّ	<i>War council</i>
شورای جهانى	اَلْمَجْلِسُ اَلْعَالَمِيّ	<i>World council</i>
شورای دفاع ملی	مَجْلِسُ اَلدِّفَاعِ اَلشَّعْبِيّ	<i>National defence council</i>
شورای رهبرى	مَجْلِسُ اَلزَّعَامَةِ، مَجْلِسُ اَلْقِيَادَةِ	<i>Leadership council</i>
شورای دانشکده	مَجْلِسُ اَلْكَلِيَّةِ	<i>Faculty council</i>
شورای سرپرستى	مَجْلِسُ اَدْرِئاسَةِ	<i>Supervisory council</i>
شورای سلطنت	مَجْلِسُ اَلْوِصَايَةِ عَلٰى اَلْعَرْشِ	<i>Regency (Council)</i>
شورای شهر	مَجْلِسُ اَلْمَدِينَةِ	<i>City council</i>
شورای عالی	اَلْمَجْلِسُ اَلْأَعْلَى	<i>Supreme council</i>
شورای عالی برنامه ریزی	مَجْلِسُ اَلتَّخْطِیْطِ اَلْأَعْلَى	<i>Supreme council of planning</i>
شورای عالی دادگاه قضات	اَلْمَجْلِسُ اَلْأَعْلَى لِلقَضَاءِ اَلْمَحْكَمَةِ اَلْأَعْلَى	<i>Supreme judicial council</i>
شورای عالی دانشگاهها	اَلْمَجْلِسُ اَلْأَعْلَى لِلْجَامِعَاتِ	<i>Supreme university council</i>
شورای عالی دفاع	مَجْلِسُ اَلدِّفَاعِ اَلْأَعْلَى	<i>Supreme defense council</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
شورای عالی قضات	اَلْمَجْلِسُ اَلْاَعْلٰى لِلْقَضَاءِ	Supreme council of judges
شورای عمومی	اَلْمَجْلِسُ اَلْعَامُّ	General assembly
شورای فوق العاده	اَلْجَلْسَةُ اَلْطَارِئَةُ، اَلْجَلْسَةُ غَيْرُ اَلْعَادِيَةِ	Extraordinary council
شورای محلی	اَلْمَجْلِسُ اَلْمَحَلِّيُّ	Local council
شورای مدیریت	مَجْلِسُ اَلْاَدَارَةِ	Management council
شورای مرکزی حزب	اَللَّجْنَةُ اَلْمَرْكَزِيَّةُ لِلْحِزْبِ	Central council of a party
شورای مرکزی دانشگاه	اَلْمَجْلِسُ اَلْمَرْكَزِيُّ لِلْجَامِعَةِ	University central council
شورای ملی	اَلْمَجْلِسُ اَلْوَطَنِيُّ	National council
شورای مقاومت	مَجْلِسُ اَلْمُعَارَضَةِ	Resistance council
شورای موقت	اَلْمَجْلِسُ اَلْمَوْقَّتُ	Temporary council
شورای نظامی	اَلْمَجْلِسُ اَلْعَسَكِيُّ	Military council
شورای نگهبان	مَجْلِسُ اَلْاَمْنَاءِ	Guardian council
شورای نگهبان قانون اساسی	اَلْمَجْلِسُ اَلْمُحَافِظُ عَلٰى اَلدِّسْتُوْر، صِيَادَةُ اَلدِّسْتُوْر	Guardian council of the constitution
شورای هم آهنگی دانشگاه ها	اَلْمَجْلِسُ اَلْاَعْلٰى لِلْجَامِعَاتِ	Coordination council of universities
شورش های نژادی	اَلْاَضْطِرَاجَاتُ اَلْعُنْصَرِيَّةُ	Racial violences
شور کردن	اَلْمُدَاوَلَةُ	To counsult

فارسی	العربی	English
شهادت . . .	الشَّهَادَةُ الْفَخْرِيَّةُ، الشَّهَادَةُ الْمَجِيدَةُ	Martyrdom
شهادت دادن	الْتَقَرُّبُ، الشَّهَادَةُ	To testify
شهادت در راه خدا	الشَّهَادَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	Being martyred for Allah
شهادت و پیروزی	الشَّهَادَةُ وَالنَّصْرُ	Martyrdom and victory
شهدا و مجروحان	الشَّهَدَاءُ وَالْجُرْحَى	martyrs and wounded
شهدای انقلاب	شُهَدَاءُ الثَّوْرَةِ	Martyrs of a revolution
شهدای نیروهای غیر نظامی	شُهَدَاءُ الْقَوَاتِ الْمَدَنِيَّةِ	Civilian martyrs
شهربانی کل کشور	مُدِيرِيَّةُ الشَّرْطَةِ الْعَامَّةِ	Police headquarters
شهرت جهانی	الشُّهُرَةُ الْعَالَمِيَّةُ	Universal recognition
شهر خون و شهادت	مَدِينَةُ الدَّمِ وَالشَّهَادَةِ	City of blood and martyrdom
شهرت فراوان	الْصِّبْتُ الْذَائِعُ، ذُو شُهْرَةٍ	Widespread reputation
شهردار	مُدِيرُ الْمَدِينَةِ، رَئِيسُ الْمَدِينَةِ، أَمِينُ الْعَاصِمَةِ	Mayor
شهرداری	الْمَدِينَةِ	Municipality
شهر مصیبت زده	الْمَدِينَةُ الْمَنْكُوبَةُ	Calamity-stricken city
شهر مقدس	الْمَدِينَةُ الْمُقَدَّسَةُ	Holy city
شهرنشینان بیدفاع (بیگناه)	الْمَدَنِيُّونَ الْأَبْرِيَاءُ	Defenseless residents
شهر و روستا	الْمَدِينَةُ وَالْقَرْيَةُ	Rural and urban areas
شهروند	الْمَدَنِيُّ (مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ)	Resident
شهرهای پرجمعیت	الْمَدُنُ الْمَكْتَنَّةُ بِالسَّكَنِ	Densely-populated cities

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
شهرهای مرزی ایران	اَلْمَدُنُ اَلْحُدُودِيَّةُ اَلْاِيْرَانِيَّةُ	<i>Iranian border cities</i>
شهوت قدرت	شَرَاهَةُ اَلْقُدْرَةِ، شَهْوَةُ اَلْقُدْرَةِ	<i>Lust for power</i>
شهید اسلام	شَهِيدُ اَلْاِسْلَامِ، ضَحِيَّةُ اَلْاِسْلَامِ	<i>Martyr of Islam</i>
شهید جاوید است، شهیدان زنده	اَلشَّهِيدُ خَالِدٌ، اَلشَّهْدَاءُ اَحْيَاءُ	<i>Martyrs are immortal</i>
شیطان بزرگ	اَلشَّيْطَانُ اَلْكَبِيرُ	<i>Great satan</i>
شیطان کوچک	اَلشَّيْطَانُ اَلصَّغِيرُ	<i>Small satan</i>
شیطانی	اَلخَبَثُ	<i>Satanic</i>
شیفته	اَلْمَغْرَمُ، اَلْمَوْلِيُّ	<i>To be enchanted with</i>
شیوع کارهای زشت	اِشَاعَةُ اَلْفَحْشَاءِ وَ اَلْمُنْكَرِ	<i>Spread of corruption</i>
شیوه سازشکارانه	طَرِيقُ اَلْمُصَالَحَةِ	<i>Conciliatory approach</i>
شیوه غیرانقلابی	اَلسُّلُوكُ اَلْاَلَاثَوْرِيُّ	<i>Non-revolutionary approach</i>
شیوه واحد	اَسْلُوبٌ وَّاحِدٌ	<i>Unified approach</i>
شیوه‌های اقتصادی	اَلْاَسَالِيبُ اَلْاَقْتِصَادِيَّةُ	<i>Economic procedures</i>

ص

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
صاحب امتیاز روزنامه	صَاحِبُ اَمْتِیَازِ اَلْصَّحِیْفَةِ	Newspaper proprietor
صاحبان صنعت یا تجارت	مَالِکُو اَلْشَّرَکَاتِ اَلْصَّنَاعِیَةِ وَ اَلتَّجَارِیَةِ	Industrialists
صاحب قدرت	صَاحِبُ اَلْقُدْرَةِ ، اَقْطَابُ اَلسُّلْطَةِ	Power holder
صادرات نفت	صَادِرَاتُ اَلنِّفْطِ	Oil exports
صادرات و واردات کشور	اَلْصَادِرَاتُ وَ اَلْوَارِدَاتُ لِلْبِلَادِ	Exports and imports
صادر کردن ویزا	قَصْدِیْرُ اَلتَّأْشِیْرَةِ ، صُدُورُ اَلسَّمَةِ	To issue a visa
صبر انقلابی	اَلْمُرُونَةُ اَلثَّوْرِیَّةُ	Revolutionary tolerance
صبر و آرامش	اَلصَّبْرُ وَ اَلسَّلْوَانُ	Patience and tranquility
صبغه ایمان	اَلصَّبْغَةُ اَلْاِیْمَانِیَّةُ	True faith
صبغه خدا	صِبْغَةُ اَللّٰهِ	True faith in God

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
True believer	صِبْغَةُ الشَّخْصِيَّةِ الْمُؤْمِنَةِ	صبغه شخصیت مؤمن
International scene	الْمَسْرَحُ الدَّوْلِيّ، السَّاحَةُ الدَّوْلِيَّةُ	صحنه بین المللی
Scene of war	مَسْرَحُ الْقِتَالِ، مَيْدَانُ الْحَرْبِ	صحنه جنگ
Trickery	إِفْتِعَالُ الْمَوْقِفِ	صحنه سازی
Political scene	الْمَسْرَحُ السِّيَاسِيّ، السَّاحَةُ السِّيَاسِيَّةُ	صحنه سیاسی
Scene of martyrdom	مَيْدَانُ الشَّهَادَةِ	صحنه شهادت
Battle-field	مَيْدَانُ النِّضَالِ	صحنه مبارزه
Fierce battle field	مَسْرَحُ الْأَشْتَبَاكِ الدَّامِي	صحنه نبرد خونین
Voice and vision	الْأَذَاعَةُ وَالْتَلْفِزِيُونُ	صدا و سیما
Voice of truth	صَوْتُ الْحَقِّ	صدای حق
Echoing voice	الصَّوْتُ الْمَدْوِيُّ	صدای طنین انداز
Voice of deprived nations	صَوْتُ الشُّعُوبِ الْمُسْتَضَعْفَةِ	صدای ملت های مستضعف
Harsh Sound	الصَّوْتُ الْمَهِيْبُ، الصَّوْتُ الْمُرْعِبُ	صدای مهیب
Early periods of Islam	صَدْرُ الْأَسْلَامِ	صدر اسلام
Chairman of a council	رَئِيسُ الْمَجْلِسِ الْأَعْلَى	صدر هیئت رئیسه
Tribulations of life	مَتَاعِبُ الْحَيَاةِ	صدمات زندگی
Export of a revolution	تَصْدِيرُ الثَّوْرَةِ	صدور انقلاب
Conveyance of a messag	إِصْدَارُ الْبَيَانِ	صدور پیام
Issuance of a verdict	إِصْدَارُ الْفَتَاوَى	صدور فتوا

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
صدور فرمان	صُدُورُ اَلْمَرْسُومِ	Issuance of an order
صدور لایحه . . .	صُدُورُ اَللَّاحِظَةِ اَلْاَصْلَاحِيَّةِ	Passing of a bill
صدور نفت	تَصْدِيرُ اَلْبِتْرُولِ	Export of oil
صدور نمونه های عالی اسلامی	تَصْدِيرُ اَلْمَثَلِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Export of good examples of Islam
صراط مستقیم	اَلطَّرِيقُ اَلْمُسْتَقِيمُ	Straight path
صرفه جویی	اَلْاِقْتِصَادُ	Economy
صف آرایایی در برابر دشمن	اَلْمَصَافُ اَمَامَ اَلْعَدُوِّ	Arraying against enemy
صفات اصلی . . .	اَلْغَصَائِصُ اَلرَّئِيسِيَّةُ لِلثَّقَافَةِ	Principal characteristics
صفات پست حیوانی	اَلصِّفَاتُ اَلْحَيَوَانِيَّةُ اَلرَّذِيلَةُ	Lower qualities
صفات مؤمن	صِفَاتُ اَلْمُؤْمِنِ	Qualities of a believer
صفوف افسران و سربازان	صُفُوفُ اَلضَّبَاطِ وَاَلْجُنُودِ	Ranks of officers and soldiers
صفوف فشرده	اَلصُّفُوفُ اَلْمُتَلَاصِقَةُ	Concentrated ranks
صفوف مسلمانان	صُفُوفُ اَلْمُسْلِمِينَ	Ranks of muslims
صفوف نمازگزاران	صُفُوفُ اَلْمُصَلِّينَ	Ranks of prayer performers
صلاحیت داد گاه	اِخْتِصَاصُ اَلْمَحْكَمَةِ، صِلَاحِيَّةُ اَلْمَحْكَمَةِ	Court's authority
صلاحیت سیاسی	اَلصِّلَاحِيَّةُ اَلْسِّيَاسِيَّةُ	Political competency
صلاحیت های قانونی	اَلصِّلَاحِيَّاتُ اَلشَّرْعِيَّةُ	Legal authority
صلح بین المللی	اَلسَّلَامُ اَلدَّوَلِيُّ	International peace

<i>To establish peace between two countries</i>	إِسْتِقْرَارُ السَّلَامِ بَيْنَ الْبَلَدَيْنِ	صلح بین دو کشور برقرار شدن
<i>Ever-lasting peace</i>	السَّلَامُ الدَّائِمُ، السَّلَامُ الْمُسْتَحْكَمُ	صلح پایدار
<i>Imposed peace</i>	السَّلَامُ الْمَفْرُوضُ	صلح تحمیلی
<i>World peace</i>	السَّلَامُ الْعَالَمِيُّ	صلح جهانی
<i>Peace and tranquility in a country</i>	إِسْتَبْطَابُ السَّلَامِ وَالْأَمَنِ فِي أَنْحَاءِ الْبِلَادِ	صلح و آرامش در سراسر کشور برقرار گردیدن
<i>Peace and stability</i>	السَّلَامُ وَالْأَسْتِقْرَارُ	صلح و ثبات
<i>Red cross</i>	الصَّلِيبُ الْأَحْمَرُ الدَّوْلِيُّ	صلیب سرخ بین المللی
<i>Most sincere congratulations</i>	أَحْرَأُ التَّهْنِائِي، أَخْلَصُ التَّهْنِائِي	صمیمانه ترین تبریکات
<i>Sincerity</i>	صَمِيمُ الْقَلْبِ	صمیم دل
<i>Domestic industry</i>	الصَّنَاعَاتُ الْمَحَلِّيَّةُ فِي الْقَطْرِ	صنایع داخلی کشور
<i>Rural industry</i>	الصَّنَاعَاتُ الَرِّيْفِيَّةُ، الصَّنَاعَاتُ الْقَرْوِيَّةُ	صنایع روستائی
<i>Heavy and light industry</i>	الصَّنَاعَاتُ الثَّقِيلَةُ وَالْخَفِيفَةُ	صنایع سنگین و سبک
<i>Agricultural industry</i>	الصَّنَاعَاتُ الزَّرَاعِيَّةُ	صنایع کشاورزی
<i>Electric chair</i>	الْكُرْسِيُّ الْكَهْرَبَائِيُّ	صندلی الکتریکی
<i>Ballot-box</i>	صُنْدُوقُ الْأَقْتِرَاعِ	صندوق انتخابات
<i>International monetary fund</i>	صُنْدُوقُ النِّقْدِ الدَّوْلِيِّ	صندوق بین المللی پول

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
صندوق‌های رأی	صَنَادِيقُ الْأَرْأَاءِ	Ballot boxes
صنعت مونتاژ	صِنَاعَةُ الْمُؤَنِّتَاجِ	Assembly industry
صنعت نفت	الصَّنَاعَاتُ الْبِتْرُولِيَّةُ	Oil industry
صنعتی کردن کشور	تَصْنِيعُ الْبِلَادِ	To industrialize a country
صورت جلسه مجلس	مَحْضَرُ اجْتِمَاعِ الْمَجْلِسِ	Majlis agenda
صورت مثبت و منفی	اَلْوَجْهُ الْاِيجَابِيّ وَالسَّلْبِيّ	Positive and negative aspects
صورت مجلس	مَحْضَرُ جَلْسَةِ	Agenda
صهیونیست	اَلصَّهْيُونِيَّةُ	Zionist
صهیونیسم بین المللی	اَلصَّهْيُونِيَّةُ الدَّوْلِيَّةُ	International zionism
صهیونیسم جهانی	اَلصَّهْيُونِيَّةُ الْعَالَمِيَّةُ	World zionism

ض

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ضاله	اَلضَّالَّةُ	<i>Seductive</i>
ضایعات هسته‌ای (فضولات اتمی)	اَلْخَسَائِرُ اَلنَّوَوِيَّةُ ، اَلْمُضَاعَفَاتُ اَلنَّوَوِيَّةُ	<i>Nuclear wastes</i>
ضایعه دردناک	اَلْمُصِيبَةُ اَلْفَاجِئَةُ	<i>Terrible damages</i>
ضبط کردن مال و دارائی	حَبْزُ اَلْأَمْوَالِ ، مُضَادَرَةُ اَلْأَمْوَالِ	<i>To confiscate properties</i>
ضد اطلاعات	اَلْأَسْتِخْبَارَاتُ اَلْمُعَاكِسَةُ	<i>Counter-intelligence</i>
ضد انقلاب	مُخَالِفُ اَلثَّوْرَةِ	<i>Counter-revolutionary</i>
ضد انقلاب اسلامی	ضِدَّ اَلثَّوْرَةِ اَلْإِسْلَامِيَّةِ	<i>Anti - Islamic revolutionary</i>
ضد ایرانی	مُخَالِفُ اَلْإِجْرَانِ	<i>Anti-Iranian</i>
ضد جمهوری اسلامی	ضِدَّ اَلْجُمْهُورِيَّةِ اَلْإِسْلَامِيَّةِ	<i>Anti-Islamic Republic</i>
ضد جنگ	ضِدَّ اَلْحَرْبِ	<i>Anti-war</i>

فارسی	العربی	English
ضد حمله	ضِدَّ الْهَجُومِ ، ضِدَّ الْحَمَلَةِ ، هَجُومٌ مُعَاكِسٌ	Counter-attack
ضد دولت طاغوتی	ضِدَّ الْحُكُومَةِ الطَّاغُوتِيَّةِ	Anti-taghouti government
ضد دولتی	مُخَالِفٌ لِلْحُكُومَةِ	Anti-state
ضد روحانی	اَلْمُعَارِضُ لِرِجَالِ الدِّينِ	Anti-clergy
ضد عفونی کردن	اَلتَّعْقِیْمُ	To disinfect
ضد متجاوزین کافر	ضِدَّ اَلْمُعْتَدِیْنَ اَلْكَفَرَةَ	Anti-infidel aggressors
ضد مذهبی	مُخَالِفُ الدِّینِ	Anti-religion
ضد مستکبرین	ضِدَّ اَلْمُسْتَكْبِرِیْنَ	Anti-oppressors
ضد منافع ملت	ضِدَّ مَصَالِحِ اَلْاُمَّةِ	Against national interests
ضد نیروهای کفر	ضِدَّ قُوَى اَلْکُفْرِ	Against infidel forces
ضد هوایی	اَلْمُضَادَّةُ لِلْجَوِّ	Anti-aircraft
ضد هوایی‌های دشمن	مُضَادَّاتُ اَلْعَدُوِّ اَلْجَوِّیَّةُ	Enemy's anti-aircrafts
ضربات کوبنده	اَلضَّرَبَاتُ اَلشَّاحِقَةُ	Fatal blows
ضربات سیاسی، اقتصادی	اَلضَّرَبَاتُ اَلسیَّاسِیَّةُ اَلْاَقْتِصَادِیَّةُ	Political and economic blows
ضربتی	اَلْاَجْرَاءُ اَلْحَاسِمُ	Crash
ضربه خرد کننده	اَلضَّرْبَةُ اَلْمَحْطَمَةُ ، اَلضَّرْبَةُ اَلْقَاصِمَةُ	Shattering blow
ضربه مهلك	اَلضَّرْبَةُ اَلْمُهْلِكَةُ	Lethal blow
ضرورت نجات مستضعفان	ضَرُورَةُ اِنْقَاذِ اَلْمُسْتَضْعِفِیْنَ	Necessity of saving The deprived

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Executive guarantee</i>	الْضَّمانُ التَّنْفِيزِيّ	ضمانت اجرائی
<i>International guarantee</i>	الْضَّمانُ الدَّولِيّ	ضمانت بین المللی
<i>Real guarantee</i>	الْضَّمانُ الْحَقِيقِيّ	ضمانت حقیقی
<i>Conscience</i>	الْوَجْدَانُ الْبَاطِنِيّ	ضمیر باطنی
<i>annex</i>	الْمُرَفَقَاتُ	ضمیمه - پیوست

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Taghout (Idol)</i>	الْطَّاغُوتُ	طاغوت
<i>Taghouti (Idolaterous—</i>	الْطَّاغُوتِيُّ	طاغوتی
<i>Opressor)</i>	الْطَّاغِي	طاغی
<i>Arch of triumph</i>	قَوْسُ النِّصْرِ	طاق نصرت
<i>Clean</i>	الطَّاهِرُ	طاهر، پاک
<i>Social classes</i>	الطَّبَقَاتُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ	طبقات اجتماعی
<i>Classes of people</i>	فِئَاتُ الشَّعْبِ	طبقات مردم
<i>As usual</i>	كَالْعَادَةِ، كَالْمَعْتَادِ	طبق عادت، طبق معمول
<i>Classes of merchants and</i>	أَصْحَابُ التِّجَارَةِ وَالْمِهَنِ	طبقه بازرگانان و پیشه‌وران
<i>Craftsmen</i>		
<i>young people</i>	جِيلُ الشَّبَابِ	طبقه جوانان
<i>Ruling class</i>	الطَّبَقَةُ الْحَاكِمَةُ	طبقه حاکم
<i>labour class</i>	الطَّبَقَةُ الْعَامِلَةُ	طبقه زحمتکش

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
طبقه فرهنگی	اَلْجَبِلُ اَلْمُتَّقِفُ	<i>Class of educated people</i>
طبقه کارگر	اَلطَّبَقَةُ اَلْعَامِلَةُ	<i>Working class</i>
طبقه محروم و مستضعف	اَلطَّبَقَةُ اَلْمَحْرُومَةُ اَلْمُسْتَضْعَفَةُ	<i>Deprived class</i>
طبیعت انقلاب	طَبِيعَةُ اَلثَّوْرَةِ	<i>Nature of a revolution</i>
طبیعت درنده	اَلطَّبِيعَةُ اَلشَّرِسَةِ	<i>Atrocious nature</i>
طبیعت سیستم خونخوار	طَبِيعَةُ اَلنِّظَامِ اَلدِّمَوِيِّ	<i>Nature of a tyrant system</i>
طبیعت و خوی انسانی	اَلنَّزْعَةُ اَلْاَدْنَسَانِيَّةُ ، اَلطَّبِيعَةُ اَلْبَشَرِيَّةُ	<i>Human nature</i>
طرح، پروژه	اَلْمَشْرُوعُ	<i>Project</i>
طرح اضطراری	اَلخُطَّةُ اَلْاَضْطِرَّارِيَّةُ	<i>Contingency plan</i>
طرح انقلابی	اَلْمَشْرُوعُ اَلثَّوْرِيُّ	<i>Revolutionary plan</i>
طرح بانک بدون بهره	خُطَّةُ اَلْمَصْرَفِ اَللَّارِبَوِيِّ	<i>Plan of an Interest-free bank</i>
طرح تحقیق و پژوهش	خُطَّةُ اَلْبَحْثِ وَ اَلتَّحْقِيقِ	<i>Research plan</i>
طرح ترافیک	خُطَّةُ حَرَكَه اَلْمُرُورِ	<i>Traffic plan</i>
طرح جامع	اَلخُطَّةُ اَلْمَشْرُوعَةُ ، اَلخُطَّةُ اَلشَّامِلَةُ	<i>Comprehensive plan</i>
طرح جیره بندی	خُطَّةُ اَلتَّمْوِيدِ	<i>Rationing plan</i>
طرح دو فوریتی	اَلخُطَّةُ اَلْاَرْقِیَّالِیَّةُ اَلشَّائِئِیَّةُ	<i>Double-urgency plan</i>
طرح ریزی	اَلتَّخْطِیْطُ	<i>Planning</i>
طرح ریزی توطئه	تَخْطِیْطُ اَلْمُوَاْمَرَةِ ، اَلتَّامُرُ	<i>To hatch a plot</i>

فارسی	العربی	English
طرح مشکلات پیچیده	طَرَحُ الْمَشَاكِلِ الْمُعَقَّدَةِ	<i>Presentation of Complicated problems</i>
طرحهای آبیاری	مَشَارِيعُ الْأَرْوَاءِ، مَشْرُوعَاتُ الْرِّيِّ، مَشْرُوعَاتُ السَّقْيِ	<i>Irrigation plans</i>
طرحهای حساب شده	الْخَطُّ الْمَقْدَرَةُ، الْخَطُّ الْمَحْصُوبَةُ	<i>Well-arranged plans</i>
طرح‌های شوم بیگانگان	مُخَطَّطَاتُ الْأَجَانِبِ الْمُشَوُّومَةُ	<i>Vicious plans of foreigners</i>
طرد حکومت‌های مزدور - (تعقیب)	مُطَارَدَةُ الْحُكُومَاتِ الْعَمِيلَةِ	<i>Rejection of mercenary governments</i>
طرفدار - حامی	الْمُؤَيَّدُ، النَّصِيرُ، النَّاصِرُ، الْحَامِي	<i>Patron</i>
طرفدار غرب	مُؤَيَّدُ الْمَغْرِبِ	<i>Patron of the west</i>
طغیانگر - مهاجم	الطَّاعِي، الْمُهَاجِمُ، الْعُصَاةُ	<i>Insurgent</i>
طلاب علوم دینی	طَلَبَةُ الْعُلُومِ الدِّينِيَّةِ	<i>Students of theology</i>
طلای پشتوانه اسکناس	رَصِيدُ الذَّهَبِ، غِطَاءُ الْعَمَلَةِ مِنَ الذَّهَبِ	<i>Gold reserve</i>
طلبه و دانشجویان	الطَّلِبَةُ	<i>Student of theology</i>
طواف	الطَّوَافُ	<i>Circumambulation</i>
طواف کردن اطراف	الطَّوَافُ حَوْلَ ...	<i>To circumambulate</i>
طومار	الذَّقِيفَةُ، الطُّومَارُ	<i>Scroll</i>
طویل‌المدت	طَوِيلُ الْأَمَدِ	<i>Long-term</i>

ظ

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Oppressor</i>	الْظَّالِمُ	ظالم
<i>Appearance</i>	الظَّاهِرُ	ظاهر، نمود
<i>Apparently</i>	فِي الظَّاهِرِ ، عَلَى مَا يَظْهَرُ ، ظَاهِرًا	ظاهراً
<i>To emerge</i>	الظُّهُورُ	ظهور کردن - ظاهر شدن
<i>Capacity</i>	السَّعَةُ ، الْحَجْمُ	ظرفیت - استعداد
<i>Oppression</i>	الظُّلْمُ ، الْجَوْرُ ، الْأَسْتِیدَادُ	ظلم - ستم
<i>To oppress</i>	الظُّلْمُ ، الْجَوْرُ ، الْأَضْطِهادُ	ظلم کردن
<i>Oppression and repression</i>	الظُّلْمُ وَالْكَبْتُ	ظلم و اختناق
<i>Emergence</i>	الظُّهُورُ	ظهور

فارسی	العربی	English
عادت و سنن ریشه دار (کهن)	التَّعَالِيدُ التَّلِيدَةُ، التَّعَالِيدُ الْعَرِيقَةُ	Deep - rooted traditions
عادت بد - عادت مذموم	الْعَادَةُ الْخَبِيثَةُ	Pernicious habit
عادل - عادلانه	الْعَادِلُ، الْمُنْصِفُ، الْمُقْسِطُ	Just
عادی کردن روابط	تَحْسِينُ الْعِلَاقَاتِ	To normalise relations
عاشقان انتقام	مُحِبُّو الْأَذْدِيقَامِ	Lovers of revenge
عالی مرتبه ، عالی ترین	أَعْلَى مَرْتَبَةٍ	High-ranking
عامل اصلی	الْعَامِلُ الْأَسَاسِيُّ	Crucial factor
عامل تصمیم گیرنده	الْعَامِلُ الْمُعْتَزِمُ	Determining factor
عبادت کردن، نماز خواندن	الْصَّلَاةُ	To worship
عبور «ممنوع»	الْعُبُورُ الْمَمْنُوعَةُ، عُبُورٌ غَيْرُ مُصَرَّحٍ	Unauthorized crossing
عبور و مرور کشتی	حَرَكَةُ عُبُورِ الْسَّفِينِ	Shipping traffic

فارسی	العربی	English
عجیب و غریب	الْغَرِيبُ، الشَّاذُّ، الْعَجِيبُ	Queer
عدالت اجتماعی	الْعَدْلُ الْأُجْتِمَاعِيُّ، الْعَدَالَةُ الْأُجْتِمَاعِيَّةُ	Social justice
عدالت الهی	عَدَالَةُ اللَّهِ	Divine justice
عدالت بین المللی	الْعَدَالَةُ الدَّوَلِيَّةُ	International justice
عدد سرسام آور	أَعْدَادُ خَيَالِيَّةٍ، أَرْقَامٌ فَيَاسِيَّةٌ	Astronomical figure
عدل اسلامی	الْعَدْلُ الْأِسْلَامِيُّ	Islamic justice
عدل الهی و رفاه اجتماعی	الْعَدْلُ الْأَلَهِيُّ وَالرِّفَاهُ الْأُجْتِمَاعِيُّ	Divine justice and social welfare
عدم آگاهی سیاسی	عَدَمُ الْخَبَرَةِ السِّيَاسِيَّةِ	Political ignorance
عدم احساس مسئولیت	الْإِسْعَافُ بِالسُّؤُولِيَّةِ الْدِّينِيَّةِ وَالْأُجْتِمَاعِيَّةِ	Irresponsibility
عدم امنیت	عَدَمُ الْأَمْنِ	Insecurity
عدم تجاوز	عَدَمُ الْأَعْتِدَاءِ، عَدَمُ التَّعَدِّي	Non-aggression
عدم تعهد	عَدَمُ الْأَلْتِمَازِ، الْإِلَاجَالِيَّةُ	Now-alignment
عدم تمرکز	عَدَمُ التَّرَكُّزِ، اَلْتَفَتُّ	Decentralization
عدم دخالت	الْأَنْحِيَارُ، الْهَيَادُ، عَدَمُ اَلْتَدَخُّلِ	Non-interference
عدم دخالت در امور داخلی	عَدَمُ اَلْتَدَخُّلِ فِي اَلشُّؤُونِ اَلدَّاخِلِيَّةِ	Now-interference in the internal affairs
عدم وحدت	اَلتَّشْتِيتُ، اَلْأَنْفِصَالُ، اَلتَّفَرُّدُ	Disunity
عذاب	اَلْعَذَابُ	Torture -punishment

فارسی	العربی	English
عذاب الهی	الْعَذَابُ الْأَلَهِيُّ	God's punishment
عذرخواستن، پوزش طلبیدن	الْأَعْتِذَارُ، الْإِعْفُو، مَعْدِرَةٌ	To apologize
عرصه بین المللی	الْصَّعِيدُ الدَّوْلِيُّ، الْمُسْتَوَى الدَّوْلِيُّ، الْمَجَالُ الدَّوْلِيُّ	International scene(arena)
عرضه و تقاضا	الْعَرَضُ وَالطَّلَبُ	Supply and demand
عرفان اسلامی	الْعِرْفَانُ الْأِسْلَامِيُّ	Islamic theosophy
عروسکی استعمار، دست نشاندہ	الرَّجِيْبَةُ الْأَسْتِعْمَارِيَّةُ، الرَّجِيْبُ، رَجِيْبَةُ الْأَسْتِعْمَارِ، أَضْحَوْكَةُ الْأَسْتِعْمَارِ	Imperialist's puppet
عزای رسمی	الْحِدَادُ الرَّسْمِيَّةُ	Official mourning
عزای ملی	الْحِدَادُ الْوَطَنِيَّةُ، الْحَزْنُ الْوَطَنِيُّ	National mourning
عزم راسخ	الْعَزْمُ الثَّمِينُ، الْعَزْمُ الثَّابِتُ، ثَابِتُ الْخَطِيءِ وَالْعَزِيْمَةُ	Firm determination
عشایر انقلابی	الْعَشَائِرُ الثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary tribes
عشایر دلیر مرزنشین	عَشَائِرُ الْحُدُودِ الْبَسَطَةِ	Valiant border tribes
عشق به شهادت	الْتَوَقُّ إِلَى الشَّهَادَةِ	Love for martyrdom
عصر تکنیک	عَصْرُ التَّطَوُّرِ وَالْأَسْتِحْدَاثِ	Age of technology
عصر طلایی	الْعَصْرُ الذَّهَبِيُّ	Golden age
عضو برجسته	عُضْوٌ مُتَقَدِّمٌ، عُضْوٌ بَارِزٌ	Prominent member
عضوین المللی	الْعُضْوُ الدَّوْلِيُّ	International member
عضو حزب	عُضْوُ الْحَزْبِ	Party member
عضو دائمی	الْعُضْوُ الدَّائِمِيُّ	Constant member

فارسی	العربی	English
عضو شورای نگهبان	عَضُو مَجْلِسِ الْمُحَافَظَةِ	Member of a guardian council
برقانون اساسی	عَلَى الدِّسْتُورِ	
عضو علی البدل	عَضُو الْأَحْتِیَاطِ	Deputy
عطیه الهی	الْمَوْهِبَةُ الْأَلَهِيَّةُ	Gift of God
عضو عمومی	الْعَضُو الْعَامُّ	Public amnesty
عضو فاسد	الْعَضُو الْفَاسِدُ	Demoralised member
عضو کمیته مرکزی	عَضُو اللَّجْنَةِ الْمَرْكَزِيَّةِ	Member of a central committee
عضویت	الْعَضُويَّةُ	Membership
عقابان تیز پرواز شجاع	الطَّيَّارُونَ الشَّجْعَانُ	Brave pilots
عقاید آزادیخواهان	عَقَائِدُ الْأَحْرَارِ	Liberterian ideas
عقب افتادگی	الْأَنْحِطَاطُ، اَلتَّخَلُّفُ	Backwardness
عقب زدن، از کار افتادن	اَلتَّوَقُّفُ عَنْ، اَلتَّأَخِيرُ	To hold back
عقب نشینی کامل	اَلْأَنْسِحَابُ اَلتَّامُّ، اَلتَّرَاجُعُ اَلْعَامِلُ	Complete withdrawal
عقب نشینی کردن (عقب روی)	اَلتَّرَاجُعُ، اَلْأَنْسِحَابُ	To withdraw
عقب نشینی نیروهای دشمن	اِنْسِحَابُ قُوَاتِ اَلْعَدُوِّ، تَرَاْجُعُ قُوَاتِ اَلْعَدُوِّ	Withdrawal of enemy forces
عقده حقارت	عُقْدَةُ اَلنَّقْصِ، عُقْدَةُ اَلْهِقْفَارَةِ	Inferiority complex
عقده عظمت	عُقْدَةُ اَلْعِظَمَةِ	Superiority complex
عقیده اسلامی	اَلْعَقِيْدَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic ideology

فارسی	العربی	English
عقیده انحرافی	الْعَقِيدَةُ الْمُنْحَرِفَةُ	Divergent opinion
عقیده توحیدی	الْعَقِيدَةُ التَّوْحِيدِيَّةُ	Monotheistic idea
عقیده راسخ	الْعَقِيدَةُ الثَّابِتَةُ، الْأَعْتِقَادُ الصَّلْبُ	Firm conviction
عقیده و نظر دولت	وَجْهَهُ نَظَرِ الْحُكُومَةِ	Government's idea
عقیم ساختن کودتا	إِحْبَاطُ الْمُؤَامَرَةِ	To thwart a coup
عکس العمل شدید	رَدُّ فِعْلٍ عَنِيفٍ	Strong repercussion
عکس هوایی	التَّصَوُّيرُ الْجَوِّيُّ	Aerial photograph
علائق مشترک	الْأَرْوَاطُ الْمَشْتَرَكَةُ، الْمَشْتَرَكَةُ	Common interests
علائم راهنمایی	إِشَارَاتُ الْمُرُورِ	Traffic signs
علامت آمادگی (آذیر)	صَفَارَةُ الْأُنْذَارِ	Alert sign
علت اصلی و اساسی	السَّبَبُ أَوْ الْعَامِلُ الْحَقِيقِيُّ وَالْأَسَاسِيُّ	Main reason
علمای مبارز	الْعُلَمَاءُ الْمُنَاضِلُونَ	Militant ulama
علم دین - حکمت الهی	الْحِكْمَةُ الْأَدْبِيَّةُ	Theology
علم قانون	عِلْمُ الْقَانُونِ	Jurisprudence
علم و تعهد	الْعِلْمُ وَالْإِتِّزَامُ	Knowledge and commitment
علنی	الْمَكْتُوفُ، الْوَاضِحُ	Openly
علوم اسلامی	الْعُلُومُ الْأِسْلَامِيَّةُ	Islamic sciences
علوم گوناگون	مُخْتَلِفُ الْعُلُومِ	Various sciences
علوم معاصر	الْعُلُومُ الْمُعَاصِرَةُ وَالْحَدِيثَةُ	Modern sciences

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Against oppression and rebellion</i>	ضِدَّ الظُّلْمِ وَ الطُّغْيَانِ	علیه ستم و سرکشی
<i>Foreign agents</i>	عَمَلَاءُ الْأَسْتِعْمَارِ	عمال بیگانه
<i>Satraps</i>	الْعَمَلَاءُ الرَّجَبِيَّةُ	عمال دست نشانده
<i>Fugitive agents</i>	الْعَمَلَاءُ الْهَارِبُونَ	عمال فراری
<i>Land development</i>	الْتَعْمِيرُ الْأَرْضِيَّ	عمران ارضی
<i>Rural development</i>	عُمُرَانُ الْقَرْيَ	عمران روستائی
<i>Urban development</i>	الْعُمُرَانُ الْمَدَنِيُّ	عمران شهری
<i>Humanitarian act</i>	الْعَمَلُ الْإِنْسَانِيُّ	عمل انسانی
<i>Revolutionary act</i>	الْعَمَلُ الثَّوْرِيُّ	عمل انقلابی
<i>Criminal act</i>	الْعَمَلُ الْجُرَافِيُّ	عمل جنایتکارانه
<i>Devilish act</i>	الْعَمَلُ الْخَبِيثُ	عمل شیطانی
<i>Open inhuman act</i>	الْعَمَلُ الْإِنْسَانِيُّ الْعَلَنِيُّ	عمل غیر انسانی آشکار
<i>Positive act</i>	الْعَمَلُ الْإِيجَابِيُّ	عمل مثبت
<i>Improper act</i>	الْعَمَلُ بِغَيْرِ حَقٍّ، الْعَمَلُ بِغَيْرِ سَبَبٍ	عمل نادرست
<i>Futile act</i>	الْعَمَلِيَّةُ الْفَاشِلَةُ	عمل نافر جام
<i>Aborted military coup</i>	الْعَمَلِيَّةُ الْعَسَكِيَّةُ الْفَاشِلَةُ	عمل نظامی نافر جام
<i>Joint operations</i>	الْعَمَلِيَّاتُ الْمُشْتَرَكَةُ	عملیات مشترک
<i>Banking operations</i>	الْعَمَلِيَّاتُ الْمَصْرَفِيَّةُ	عملیات بانکی
<i>Purging operations</i>	الْعَمَلِيَّاتُ التَّطْهِيرِيَّةُ	عملیات پاکسازی
<i>Sabotage operations</i>	الْعَمَلِيَّاتُ الْمُغْرَبَةُ	عملیات تخریبی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
عملیات تسطیح راهها	عَمَلِيَّاتُ تَسْطِيحِ الطَّرِيقِ	Road—levelling operations
عملیات تصفیه	عَمَلِيَّاتُ التَّصْفِيَةِ	Mopping—up operations
عملیات تعرضی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْمُتَعَرِّضَةُ	Offensive operations
عملیات تهاجمی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْمُتَاجِمَةُ	Assault operations
عملیات جستجو و انهدام	عَمَلِيَّاتُ التَّجَسُّسِ وَ اَلْاَذْهَادِ	Search and destroy operations
عملیات جنگی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْحَرْبِيَّةُ	War operations
عملیات دفاعی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلدِّفَاعِيَّةُ	Defensive operations
عملیات شجاعانه	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْبَطُولِيَّةُ	Brave operations
عملیات گشت زنی اکتشافی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلدَّوْرِيَّةُ اَلْاِسْتِظْلَاعِيَّةُ	Reconnaissance operations
عملیات متهورانه	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْمُتَهَوِّرَةُ	Brave operations
عملیات نجات	عَمَلِيَّاتُ اَلْاَنْقَاذِ	Relief operations
عملیات وحشت زنا	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْمُخِيفَةُ	Terror operations
عملیات وحشیانه اعدام	عَمَلِيَّاتُ اَلْاَعْدَامِ اَلْوَحْشِيَّةُ	Savage operations
عملیات هم آهنگ	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْمُنْسَقَةُ	Coordinated operations
عملیات هوایی	اَلْعَمَلِيَّاتُ اَلْجَوِّيَّةُ	Aerial operations
عمیق کردن اختلافات	تَعْمِيقُ اَلْخِلَافَاتِ	To deepen differences
عناصر آشوبگر	اَلْمُشَاغِبُونَ، اَلْعُنَاصِرُ اَلْفَوْضُوخِيَّةُ	Seditions elements
عناصر اغفال شده	اَلْعُنَاصِرُ اَلْمُغْفَلُونَ	Deluded elements
عناصر تصفیه شده	اَلْعُنَاصِرُ اَلْمُطَهَّرَةُ	Purged elements

فارسی	العربی	English
عناصر جدائی طلب	اَلْعَنَاصِرُ اَلْاُنْفِصَالِيُون	<i>Dissident elements</i>
عناصر خائن	اَلْعَنَاصِرُ اَلْخَائِنَةُ	<i>Treacherous elements</i>
عناصر خرابکار و اخلا لکړ	اَلْعَنَاصِرُ اَلْهَدَامَةُ ، اَلْمُخِلُّونَ بِاَلْاَمْنِ	<i>Saboteurs</i>
عناصر ضد انقلاب	اَلْعَنَاصِرُ اَلْمُضَادَّةُ لِلثَّوْرَةِ	<i>Counter - revolutionaries</i>
عناصر طاغوتی	اَلْعَنَاصِرُ اَلطَّاغُوتِيَّةُ	<i>Taghouti elements</i>
عناصر غیر مسلمان	اَلْعَنَاصِرُ غَيْرُ الْمُسْلِمَةِ	<i>Non-muslim elements</i>
عناصر غیر مطلوب	عَنَاصِرُ غَيْرِ مَرْغُوبٍ فِيهِمْ	<i>Undesirable elements</i>
عناصر فاسد	اَلْعَنَاصِرُ اَلْفَاسِدَةُ	<i>Corrupt elements</i>
عناصر فراری	اَلْعَنَاصِرُ اَلْفَارِجَةُ	<i>Fugitive elements</i>
عناصر فرصت طلب	اَلْعَنَاصِرُ اَلْاُنْتِهَازِيَّةُ	<i>Opportunistic elements</i>
عناصر مخرب	اَلْعَنَاصِرُ اَلْهَدَامَةُ ، اَلْمُخِلُّونَ بِاَلْاَمْنِ	<i>Destructive elements</i>
عناصر مسلح غیر قانونی	اَلْعَنَاصِرُ اَلْمُسَلَّحَةُ اَلْخَارِجَةُ عَنِ الْقَانُونِ ، اَلْعَنَاصِرُ اَلْمُسَلَّحَةُ اَلْمُتَمَرِّدُونَ عَلَى الْقَانُونِ	<i>Illegally - armed elements</i>
عناصر مظنون	اَلْعَنَاصِرُ اَلْمَشْكُوكُ فِيهِمْ	<i>Suspicious elements</i>
عوارض دولتی	اَلضَّرِيبَةُ ، اَلْاَقَاوَةُ ، اَلْجَبَايَةُ	<i>Government taxes</i>
عوارض ناشی از بیماری	اَعْرَاضُ اَلْمَرَضِ	<i>Side -effects</i>
عوارض و حقوق گمرکی	اَلضَّرَائِبُ اَلْجَمْرُكِيَّةُ ، اَلرُّسُومُ اَلْجَمْرُكِيَّةُ	<i>Customs' duties</i>
عواطف ملی گرایی	اَلْمَشَاعِرُ اَلْوَطَنِيَّةُ	<i>Nationalistic feelings</i>

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Dangerous consequences</i>	اَلْعَوَاقِبُ اَلْوَحِيْمَةُ	عواقب خطرناك
<i>Trouble makers</i>	عِدَلُ الاَضْطِرَاجَاتِ	عوامل آشوب
<i>Imperialist agents</i>	بَوَاعِثُ اَلْاَمْبِرِيَالِيَّةِ	عوامل امپریالیسم
<i>Fraternal factors</i>	وَسَائِجُ الْاُخُوَّةِ	عوامل برادری
<i>Domestic agents</i>	اَلْبَوَاعِثُ اَلدَّاخِلِيَّةُ	عوامل داخلی
<i>Fraternal factors</i>	عُرَى اَلصَّدَاقَةِ	عوامل دوستی
<i>Contributing factors</i>	اَلْبَوَاعِثُ اَلْمُسَاعِدَةُ	عوامل کمک کننده
<i>Amicable factors</i>	اَوَاصِرُ اَلْمَحَبَّةِ	عوامل محبت
<i>Dependent agents</i>	اَلْعَوَامِلُ اَلْمُرْقِبَةُ	عوامل وابسته
<i>National accords</i>	اَلْمِيْثَاقُ اَلْوَطَنِيُّ	عهدنامه ملی
<i>Concluded agreement</i>	اَلاتِّفَاقُ اَلْمَعْقُودُ	عهدنامه منعقدہ (بسته شده)
<i>Sacrificial feast</i>	عَيْدُ الْاَضْحَى	عید قربان
<i>National feast</i>	اَلْعَيْدُ اَلْوَطَنِيُّ	عید ملی

غ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
غارت در آمد کشورهای نفت خیز	نَهَبُ خَيْرَاتِ الْبُلْدَانِ الْيَفِطِيَّةِ	To plunder the benefits of oil producing countries
غارت کردن ثروت ها	نَهَبُ الثَّرَوَاتِ	To plunder riches
غارتگران بیگانه	الْناهِبُونَ الْاَجَانِبُ	Foreign plunderers
غارتگران نفت	نَاهِبُو الْبِتْرُولِ	Oil plunderers
غارت کردن دارائی مستضعفین	نَهَبُ كُرَوَاتِ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Plunderers of the riches of the deprived
غارت کردن دارائی های ملت	نَهَبُ كُرَوَاتِ الشَّعْبِ	To plunder national wealth
غافل گیر کردن	اَلْمُبَاغَتَةُ	To seize by surprise
غافلگیری دشمن	مُبَاغَتَةُ الْأَعْدَاءِ	Enemy's sledge
غدار - خائن	اَلْغَائِنُ ، اَلْغَدَارُ	Trait or
غرامت پرداختن	دَفْعُ الْغَرَامَةِ ، دَفْعُ اَلتَّعْوِیْضَاتِ	to pay Compensation

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Reparations</i>	غَرَامَةُ الْحَرْبِ	غرامت جنگی
<i>West</i>	الْغَرْبُ	غرب
<i>Being west - stricken</i>	ذِلِيلِيَّةُ الْغَرْبِ	غرب زدگی
<i>Western—Skriken</i>	ذِلِيلِيَّاتُ الْغَرْبِ ، الْمُغْتَرِبُونَ	غرب زده ها
<i>Western</i>	الْغَرْبِيُّ	غربی
<i>To westernize</i>	جَعَلَهُ غَرْبِيًّا	غربی کردن
<i>Roar of a plane</i>	أَرْدِزُ الطَّائِرَةِ	غرش هواپیما
<i>Various purposes</i>	الْغُرَاضُ الشَّتَّى	غرضهای گوناگون
<i>Covered with blood</i>	الْمُخَصَّصَةُ بِالدَّمِ ، الْمُضْرَجُ بِالدَّمَاءِ	غرقه بخون
<i>Baseless pride</i>	الْغُرُورُ الْأَجُوفُ	غرور تو خالی
<i>Impetuosity of youth</i>	طَيْشُ الشَّبَابِ	غرور جوانی
<i>Ablution</i>	الْفَسْلُ	غسل
<i>Victory over an enemy</i>	الْتَّغْلِبُ عَلَى الْخَصْمِ	غلبه بردشمن
<i>Overcoming difficulties</i>	الْتَّغْلِبُ عَلَى الْمَشَاكِلِ ، قَدْ لَيْلُ الْمَشَاكِلِ	غلبه بر دشواری ها
<i>To grab land</i>	إِغْتِصَابُ الْأَرْضِ	غصب زمین
<i>Truth will triumph</i>	الْغَلْبَةُ لِلْحَقِّ	غلبه با حق است
<i>Unhappy</i>	حَزِينُ الْقَلْبِ ، كَثِيبُ النَّفْسِ	غمگین و اندوهگین
<i>Spoils</i>	الْغَنَائِمُ الْحَرْبِيَّةُ	غنائم جنگی
<i>To plunge</i>	الْتَّغَمُّسُ	غوطه ور شدن
<i>Uproar</i>	الْفَوْضَاءُ ، الْفَوْضَى	غوغا و آشوب

English	العَرَبِيّ	فارسی
Gigantic	أَلْفَحْمُ	غول پیکر
Absence	الْغَيْبَةُ	غیبت
Immoral	الْبَنِي، الْخَلِيعُ، الْفَاسِقُ	غیر اخلاقی
Civilian	عَدِيمُ الْفَائِدَةِ	غیر انتفاعی
Non - Profiting	غَيْرُ الْمُنْتَفِعِ	غیر انتفاعی
Non-revolutionary	لَمْ يَكُنْ ثَوْرِيًّا	غیر انقلابی
Enthusiasm	الْحَمِيَّةُ، الْغَيْرَةُ، الْمُرُوءَةُ	غیرت
In a hostile manner	الْعَدَوَانِيَّةُ	غیر دوستانه ، از راه دشمنی
Non-governmental	غَيْرُ الْحُكُومِيَّةِ	غیر دولتی
Unjust	الْمُجْهَفُ	غیر عادلانه
Unreliable	غَيْرُ قَابِلٍ لِلْاعْتِمَادِ	غیر قابل اعتماد
Illegal	غَيْرُ شَرْعِيٍّ، غَيْرُ قَانُونِيٍّ	غیر قانونی
Non-communist	لَمْ يَكُنْ شِيعِيًّا	غیر کمونیست
Non-committed	غَيْرُ مُلتَزِمٍ، الْأَنْتِهَازِيُّ	غیر متعهد
Unauthorized	غَيْرُ مُجَازٍ	غیر مجاز
Unarmed	غَيْرُ مُسَلَّحٍ	غیر مسلح
Non-muslim	غَيْرُ مُسْلِمٍ	غیر مسلمان
Irresponsibly	عَدَمُ الْمَسْئُولِيَّةِ	غیر مسئولانه
Illogical	مُخَالِفٌ لِلْمَوَاقِفِ، الْأَلْمَنِطِيَّةِ	غیر منطقی
Civilian	مَدَنِيٌّ	غیر نظامی

ف

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
فاجعه خونین	اَلْمَأْسَاةُ الدَّامِيَةُ	Bloody disaster
فاجعه دردناک	اَلْمَأْسَاةُ اَلْمَوْ لِمَةٌ	Tragic event
فاجعه سال	مَأْسَاةُ اَلْعَامِ	Diaster of the year
فارغ التحصیل	اَلْخَرِیْجُ	Graduate
فاسد	اَلْفَاسِدُ، اَلْمَوْهِنُ، اَلْمُنْحَطُ	Corrupt
فاسد کردن اخلاق	اَلْفَسَادُ اَلْخُلُقِی	Demoralize
فاصله بین دو جنگ	بَیْنَ اَلْحَرْبَیْنِ	Interval
فاقد شرافت و انسانیت	عَدِیْمُ اَلشَّرَفِ وَاَلْاِنْسَانِیَّةِ	Inhumane
فایده آشکار	اَلْفَائِدَةُ اَلْجَلِیَّةُ	Obvious benefit
فتودال	اَلْاَقْطَاعِیُّ	Feudalist
فتودالی	اَلْاَقْطَاعِیَّةُ	Feudalistic
فتنه انگیزی	اِثَارَةُ اَلشَّعْبِ	Sedition
فتنه جو یان	اَلْمُخِلُّونَ بِاَلْاَمْنِ، اَلْمُشَاغِبُونَ	Seditious

فارسی	العربی	English
فتوا	الْفَتَوَى	Verdict
فتوحات بزرگ اسلامی	الْفَتْوَحَاتُ الْإِسْلَامِيَّةُ الْكُبْرَى	Islamic great conquests
فجیع ترین وضع	أَبْشَعُ صُورَةٍ	Savagely
فحشاء	الْفَحْشَاءُ، الْعِهَارَةُ	Prostitution
فداکاری	الْتَضَاعِيَّةُ	Devotion
فرآورده های داخلی	الْمُنْتَجَاتُ الْبَيْئِيَّةُ، الْمُنْتَجَاتُ الْمَحَلِّيَّةُ، الْأَدْتِاجُ الْمَحَلِّيُّ	Domestic products
فرآورده های کشاورزی	الْأَنْتَاجُ الزَّرَاعِيُّ، الْمُنْتَجَاتُ الزَّرَاعِيَّةُ	Agricultural produce
فرآورده های مواد ساده مصرفی	إِنْتِاجُ الْمَوَادِّ الْأَسْتِهْلَاكِيَّةِ الْبَسِيطَةِ	Consumption products
فرآورده های نفتی روزانه	إِنْتِاجُ الْبَيْطِ الْيَوْمِيِّ	Daily oil products
فراخواندن	الْأَسْتِدْعَاءُ، السَّحْبُ	To call up
فراخواندن سفیر	إِسْتِدْعَاءُ السَّفِيرِ	To call up an ambassador
فراخی معیشت	رَغْدُ الْعَيْشِ	Affluence
فرار از ارتش	هَرُوبٌ مِنَ الْعَسْكَرِيَّةِ	Defection
فرار از حقیقت	الْهَرُوبُ مِنَ الْوَاقِعِ، التَّهَرُّبُ مِنَ الْحَقِيقَةِ	Evading the truth
فراز و نشیب زندگی	إِقْبَالُ الْحَيَاةِ وَإِدْبَارُهَا	Ups and downs of life
فراری خائن	الْكَهَارِبُ الْخَائِنُ	Fugitive traitor
فراماسون	الْمَاسُونِيَّ	Freemason
فراماسونری جهانی	الْمَاسُونِيَّةُ الْعَالَمِيَّةُ	World freemasonry

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
To forget a main enemy	نَسِيَانُ اَلْعَدُوِّ اَلْأَصْلِيِّ	فراموش کردن دشمن اصلی
Abundance of fuel materials	كَوْفِيرُ اَلْوَقُودِ	فراوانی مواد سوختی
Abundance of drugs	وَقْرَةُ اَلْمَوَادِّ اَلْمَخْدَرَةِ	فراوانی مواد مخدر
Abundance of foodstuffs	كَوْفَرُ اَلْمَوَادِّ اَلْأَسْتِهْلَاقِيَّةِ	فراوانی مواد مصرفی
Religious duties	اَلْفَرَائِضُ اَلدِّينِيَّةُ ، اَلطَّقُوسُ اَلدِّينِيَّةُ ، اَلْوَاجِبَاتُ اَلدِّينِيَّةُ	فرائض مذهبی
Believer	اَلشَّخْصُ اَلْمُؤْمِنُ	فرد مؤمن
Individual and society	اَلْفَرْدُ وَ اَلْمَجْتَمَعُ	فرد و جامعه
Illegitimate children	مَوَالِيدُ غَيْرِ شَرْعِيَّةٍ ، وَلَادَاتُ اَلسَّفَاحِ	فرزندان نامشروع
To send a delegation	إِرْسَالُ اَلْبَعُثَاتِ	فرستادن هیئت اعزامی
Special envoy	اَلْمَبْعُوثُ اَلشَّخْصِيُّ	فرستاده ویژه
To seize an opportunity	إِذْتِهَازُ اَلْفُرْصَةِ ، إِغْتِنَامُ اَلْفُرْصَةِ	فرصت را غنیمت شمردن
Opportunist	اَلْإِذْتِهَازِي	فرصت طلب
Opportunism	اَلْإِذْتِهَازِيَّةُ	فرصت طلبی
Job opportunities	فُرُصُ اَلْعَمَلِ	فرصت های شغلی
Wrong assumption	فَرَضِيَّةٌ غَلَطٌ ، فَرَضِيَّةٌ خَطَا	فرضیه غلط
Formality	اَلْأَجْرَءَاتُ اَلْإِدَارِيَّةُ	فرمالیته - تشریفات
Republic decree	اَلْمَرْسُومُ اَلْجُمْهُورِيُّ	فرمان جمهوری
Capital's governor	حَكَمْدَارُ اَلْعَاصِمَةِ	فرماندار پایتخت - (قائم مقام)

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
فرماندار کل	اَلْأَمَامُ اَلْعَامُّ	Governor — general
فرماندار نظامی	اَلْأَمَامُ اَلْعَسَكِيُّ	Military governor
فرمانده ارتش	قَائِدُ الْجَيْشِ	Army commander
فرمانده پادگان ژاندارمری	قَائِدُ حَامِيَةِ قُوَاتِ اَلدَّرَكِ (اَلنَّظَوَارِيِّ)	Gendarmerie commander
فرمانده پاسداران	قَائِدُ حَرَسِ اَلثَّوَرَةِ	Chief of the guards
فرمانده پاسگاه	قَائِدُ اَلْمَخْفَرِ	Outpost Commander
فرمانده سپاه مستضعفین	قَائِدُ جَيْشِ اَلْمُسْتَضْعَفِينَ	Chief of the mostazaafin corps
فرمانده عالی قوای مسلحه	اَلْقَائِدُ اَلْأَعْلَى لِلقُوَاتِ اَلْمَسَلَّحَةِ	Commander-in-chief
فرمانده عملیاتی	قَائِدُ اَلْعَمَلِيَّاتِ	Operational commander
فرمانده کل نیروهای مسلح	اَلْقَائِدُ اَلْعَامُّ لِلقُوَاتِ اَلْمَسَلَّحَةِ	Commander-in-chief
فرمانده نیروی هوایی	قَائِدُ اَلْقُوَّةِ اَلْجَوِّيَّةِ	Commander of air forces
فرمانده و حاکم دست نشانده	اَلْقَائِدُ اَلرَّجِيئَةِ، اَلْقَائِدُ اَلتَّابِعِ	Satrap
فرماندهی کل	اَلْقِيَادَةُ اَلْعَامَّةُ	Commander - in - chief
فرمانروایان ارتجاعی	اَلْحَتَامُ اَلرَّجَعِيُّونَ	Reactionary rulers
فرمان ریاست جمهوری	مَرَسُومُ رِئَاسَةِ اَلْجُمْهُورِيَّةِ	Presidential order
فرود اجباری	اَلْهَبُوطُ اَلْاجْبَارِيُّ، اَلْهَبُوطُ اَلْاِزْمِيُّ	Emergency landing
فرودگاههای نظامی و غیر نظامی	اَلْمَطَارَاتُ اَلْمَدَنِيَّةُ وَاَلْعَسَكِيَّةُ	Military and non-military airports

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
فرو رفتن در کار	اَلْاَدْعِمَارُ فِي الْعَمَلِ ، اَلْاَدْعِمَاكُ	To submerge in one's work
فروشگاه تعاونی	اَلْجَمْعِيَّاتُ اَلتَّعَاوُنِيَّةُ	Cooperative store
فروشنده مواد مخدر	اَلْاَسْتِهْلَاكِيَّةُ بِجَائِعِ اَلْمَوَادِّ اَلْمُخَدَّرَةِ	Drug peddler
فرومایه	اَلسَّاقُطُ ، اَللَّئِيْمُ	Mean
فرو نشاندن آتش انقلاب	اِخْمَادُ نَيْرَانِ اَلثَّوْرَةِ	To extinguish a revolutionary fire
فرهنگ ارتجاعی	اَلثَّقَافَةُ اَلرَّجْعِيَّةُ	Reactionary culture
فرهنگ اسلامی	اَلثَّقَافَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic culture
فرهنگ اصیل اسلامی	اَلثَّقَافَةُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ اَلْاَصِيْلَةُ	Genuine Islamic culture
فرهنگ انقلابی	اَلثَّقَافَةُ اَلثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary culture
فرهنگ غربی	اَلثَّقَافَةُ اَلْغَرْبِيَّةُ	Western culture
فرهنگ غنی	اَلثَّقَافَةُ اَلْغَنِيَّةُ	Rich culture
فرهنگ گذشته	اَلثَّقَافَةُ اَلرَّجْعِيَّةُ	Past culture
فرهنگ مخلوط	اَلْاَخْلِيْطُ اَلثَّقَافِي	Mixed culture
فرهنگ ملی	اَلثَّقَافَةُ اَلْوَطَنِيَّةُ	National culture
فرهنگ نوین	اَلثَّقَافَةُ اَلْحَدِيْثَةُ	Modern culture
فرهنگیان کشور	رِجَالُ اَلتَّعْلِيْمِ وَ اَلتَّرْبِيَةِ فِي اَلْبِلَادِ (فِي اَلْقَطْرِ)	Educational officials
فریاد الله اکبر	هَتَافَاتُ اَللّٰهِ اَكْبَرُ	Cry of Allah—O—Akbar

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
فریاد شکنجه زندانیان	صُرَاخُ كَعْدِيبِ الْمَسْجِينِ	<i>Cry of prisoners</i>
فریادهای میلیونی توده‌ها	اَلصَّرَخَاتُ اَلْمِلْيُونِيَّةُ	<i>Cries of the masses</i>
	لِلْجَمَاهِيرِ	
فریب‌خوردگان متجاوز	اَلْمُخْدَوِعِينَ اَلْمُعْتَدِينَ	<i>Deluded aggressors</i>
فريضة اسلام	اَلْوَاجِبُ اَلْاِسْلَامِيُّ	<i>Islamic precept</i>
فساد اخلاقی	اَلْفَسَادُ اَلْاَخْلَاقِيُّ	<i>Moral corruption</i>
فساد اداری	اَلْفَسَادُ اَلْاِدَارِيُّ	<i>Administrative corruption</i>
فساد سیاسی	اَلْفَسَادُ اَلْسِيَّاسِيُّ	<i>Political corruption</i>
فستیوال فیلم بین‌المللی	اَلْمِهْرَجَانُ اَلدَّوْلِيُّ لِلْفِلْمِ	<i>International Film Festival</i>
فشار خارجی	اَلضَّغْطُ اَلْخَارِجِيُّ عَلَيَّ	<i>Foreign pressure</i>
فشار دوجانبه	اَلضَّغْطُ اَلْمُزدَوِجُ	<i>Pressure from both sides</i>
فشار زیاد	اَلضَّغْطُ اَلْكَبِيرُ	<i>Strong pressure</i>
فشارهای زندگی	اَلضُّغُوطُ اَلْهَيِّئِيَّةُ	<i>Life pressure</i>
فشارهای سیاسی و اقتصادی	اَلضُّغُوطُ اَلْسِيَّاسِيَّةُ وَ	<i>Political, economical, social</i>
و اجتماعی	اَلْاَقْتِصَادِيَّةُ وَ اَلْاجْتِمَاعِيَّةُ	<i>pressures</i>
فشارهای محرومیت	ضُغُوطُ اَلْعَرْمَانِ	<i>Pressures of poverty</i>
فشردن صف‌های اسلامی	رَصُّ اَلصُّفُوفِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	<i>Concentration of Islamic ranks</i>
فعالیت گروه‌های راستی و چپی	نَشَاطُ اَلْفِئَتَاتِ اَلْيَمِينِيَّةِ وَ اَلْيَسَارِيَّةِ	<i>Activities of rightist and leftist groups</i>
فعالیت گروه‌های سیاسی	نَشَاطُ اَلْفِئَتَاتِ اَلْسِيَّاسِيَّةِ	<i>Activities of political groups</i>
فعالیت‌های آموزشی	اَلنَّشَاطَاتُ اَلتَّعْلِيمِيَّةُ	<i>Educational activities</i>

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
فعالیت‌های اسلامی	النَّشَاطَاتُ الْأِسْلَامِيَّةُ	Islamic activities
فعالیت‌هایی بی‌رویه	أَنْشِطَةٌ غَيْرُ قِيَاسِيَّةٍ ، أَنْشِطَةٌ مُخَالَفَةٌ لِلصَّوَابِ	Futile attempts
فعالیت‌های تبلیغاتی	النَّشَاطَاتُ الْأَعْلَامِيَّةُ، دَشَاظَاتُ الْبِدْعَايَةِ	Propaganda activities
فعالیت‌های تروریستی	النَّشَاطَاتُ الْأَرْهَابِيَّةُ	Terrorist acts
فعالیت‌های جاسوسی	النَّشَاطَاتُ الْتَجَسُّسِيَّةُ	Espionage activities
فعالیت‌های جهاد سازندگی	دَشَاظَاتُ جِهَادِ الْبِنَاءِ	Activities of construction jihad
فعالیت‌های چریکی	دَشَاظَاتُ جُنُودِ قُوَاتِ الْمَغَاوِدِرِ	Guerrilla activities
فعالیت‌های خرابکارانه	النَّشَاطَاتُ الْهَدَامَةُ	Sabotage activities
فعالیت‌های سیاسی	النَّشَاطَاتُ السِّيَاسِيَّةُ ، النَّشَاطَاتُ الدَّبْلُومَاسِيَّةُ	Political activities
فعالیت‌های شرم‌آور	النَّشَاطَاتُ الْمُعْيِبَةُ ، النَّشَاطَاتُ الْمُشِينَةُ	Shameful activities
فعالیت‌های ضدانقلابی	النَّشَاطَاتُ الْمُضَادَّةُ لِلْمَثْوَرَةِ	Counter-revolutionary activities
فعالیت‌های مخالف رژیم	النَّشَاطَاتُ الْمُعَارِضَةُ لِلنِّظَامِ	Anti-state activities
فقدان امنیت	فَقْدَانُ الْأَمْنِ، عَدَمُ الْأَمْنِ	Lack of security
فقر	الْفَقْرُ ، الْفَقْرُ ، الْعَوَزُ	Poverty
فقرزده	مُصَابٌ بِالْفَقَاةِ	Poverty-stricken
فقر کشنده	الْفَقْرُ الْقَاتِلُ	Fatal poverty

English	العربی	فارسی
<i>Poverty and deprivation</i>	أَلْفَاقَةُ وَالْحَرَمَانُ	فقر و محرومیت
<i>Islamic jurisprudence</i>	أَلْفَقَهُ الْأُسْلَامِيُّ	فقه اسلامی
<i>Improverished</i>	أَلْفَقِيرُ	فقیّر
<i>Theologian</i>	أَلْفَقِيهِ الْجَامِعُ لِلشَّرُوطِ	فقیه جامع الشرائط
<i>Prominent theologian</i>	أَلْفَقِيهِ الْكَبِيرُ	فقیه عالیقدر
<i>Untiring religious leader</i>	أَلْفَقِيهِ الْمَجَاهِدُ	فقیه نستوه
<i>Eclectic idea</i>	أَلْفِكْرُ الْأَلْتِقَاطِي	فکر التقاطی
<i>Revolutionary idea</i>	أَلْفِكْرَةُ الثَّوْرِيَّةُ	فکر انقلابی
<i>Corrupt idea</i>	أَلْفِكْرَةُ الْفَاسِدَةِ الْبَالِيَّةِ	فکر پوسیده فاسد
<i>New idea</i>	أَلْفِكْرَةُ الْجَدِيدَةِ	فکر جدید
<i>Taghouti idea</i>	أَلْفِكْرُ الطَّاعُوتِي	فکر طاغوتی
<i>Inflexible idea</i>	أَلْمُرُونَةُ أَلْفِكْرِيَّةُ	فکر و اندیشه انعطاف ناپذیر
<i>Poverty and need</i>	أَلْفَاقَةُ، أَلْعَوَزُ	فلاکت و احتیاج
<i>Economic paralysis</i>	أَلشَّلُّ الْأَقْتِصَادِي	فلج اقتصادی
<i>Islamic philosophy</i>	أَلْفَلَسَفَةُ الْأُسْلَامِيَّةُ	فلسفه اسلامی
<i>Philosophy of existence</i>	فَلَسَفَةُ الْذَاتِ	فلسفه ذات
<i>Emergency of a bill</i>	فَوْرِيَّةُ الْأَلْأَيْحَةِ	فوریت لایحه
<i>Extraordinary copy of a newspaper</i>	مُلْحَقُ الْجَرِيدَةِ	فوق العاده روزنامه (پیوست روزنامه)
<i>To improvise</i>	فِي الْأَرْتِجَالِي	فی البداهه گفتن
<i>Documentary films</i>	أَلْأَفْلَامُ الْحَيَّةُ	فیلمهای مستند

ق

English	العربی	فارسی
<i>Great leader</i>	القائد الأعظم	قائد اعظم
<i>Enforcable</i>	نافذ المفعول، ساري المفعول	قابل اجرا
<i>Respectable</i>	المحترم، الموقر، المكرم	قابل احترام - محترم
<i>Applicable</i>	صالح للاستعمال	قابل استعمال
<i>Corrigible</i>	قابل للتحيين	قابل اصلاح
<i>Reliable</i>	دقيقة، يعول عليه، دركن اليه	قابل اعتماد
<i>Justifiable</i>	نافذ التبرير، صالح للتبرير	قابل توجيه
<i>Arms smuggle</i>	تهريب السلاح	قاچاق اسلحه
<i>Smuggler</i>	المهرب	قاچاقچی
<i>Drug smugglers</i>	مهربو المخدرات	قاچاقچیان مواد مخدر
<i>Continent of Black Africa</i>	قارة أفريقيا السوداء	قاره آفریقای سیاه

فارسی	العَرَبِيّ	English
قاضی شرع	قَاضِي الشَّرْعِ	Religious judge
قاطبه ملت	جُمْهُورُ الشَّعْبِ، قَاطِبَةُ الشَّعْبِ	All the nation
قاطعانه عمل کردن	الْعَمَلُ الْقَاطِعُ	To act decisively
قانع	الْقَانِعُ	Satisfied
قانون آسمانی	الشَّرِيعَةُ السَّمَاوِيَّةُ	Divine law
قانون از کجا آورده ای	قَانُونُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا	Law of " where have you obtained it from ? "
قانون اساسی جدید	الدِّسْتُورُ الْجَدِيدُ	New constitution
قانون اساسی جمهوری اسلامی	دُسْتُورُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	Constitution of the Islamic Republic
قانون اصلاحات ارضی	قَانُونُ الْأَصْلَاحِ الزَّرَاعِيِّ	Land reform law
قانون الله	الْقَانُونُ الْأَلَهِيّ	Allah's law
قانون الهی	الْقَانُونُ السَّمَاوِيّ، الشَّرِيعَةُ السَّمَاوِيَّةُ	Divine law
قانون بیمه	دِظَامُ التَّأْمِينِ	Insurance regulation
قانون جنگل	شَرِيعَةُ الْغَابَةِ	Jungle law
قانون خدمت نظام	قَانُونُ الْخِدْمَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ	Conscription regulation
قانون دانان مسلمان	رِجَالُ الْقَانُونِ الْمُسْلِمُونَ	Muslim jurists
قانون سرنیزه (زور)	الشَّرِيعَةُ الْأَقْوَى	Law of force
قانون عرضه و تقاضا	قَانُونُ الْعَرْضِ وَالطَّلَبِ	Law of " supply and demand "
قانون قصاص	قَانُونُ الْقِصَاصِ (law of retaliation)	Lex talionis (law of retaliation)

فارسی	العربی	English
قانون کار	قَانُونُ الْعَمَلِ	Labor law
قانون گزار	الْمُشَرِّعُ	Legislator
قانون گذاری	تَشْرِيعُ الْقَوَائِمِ	Legislation
قانون مالک و مستأجر	تَشْرِيعُ الْمُؤَجِّرِ وَالْمُسْتَأْجِرِ	Landlord-tenant law
قانون مدنی	الْقَانُونُ الْمَدَنِيُّ	Civil law
قانون مطبوعات	قَانُونُ الصَّحَافَةِ	Press law
قانون وضع کردن	وَضَعُ الْقَانُونِ	To enact a law
قانونی	الْشَّرْعِيُّ، الْقَانُونِيُّ	Legal
قایق اژدرافکن	زَوْقُ طَوْرِيٍّ	Gunboat
قایق های جنگی	الزَّوَارِقُ الْحَرْبِيَّةُ	Gun – boats
قایق های گشتی	الزَّوَارِقُ الدَّوْرِيَّةُ	Reconnaissance boat
قبول پست یا مقام	قَبُولُ الْمَنْصَبِ	To assume a post
قبول مسئولیتی کردن	الْإِتِّزَامُ بِمَسْئُولِيَّتِهِ	To assume responsibility
قتل عام – کشتار دسته جمعی	الْمَجْزَرَةُ الْجَمَاعِيَّةُ	Massacre
قتل عام جمعه سیاه	الْمَجْزَرَةُ الْجَمَاعِيَّةُ فِي الْجُمُعَةِ السَّوْدَاءِ	Black Friday massacre
قتل ملت مسلمان	قَتْلُ الشَّعْبِ الْمُسْلِمِ	Massacre of a muslim nation
قحطی	الْمَجَاعَةُ، الْقَحْطُ	Famine
قحطی و سوء تغذیه	الْمَجَاعَةُ وَسُوءُ التَّغْدِيَةِ	Famine and malnutrition
قدرت اجرائی (قوة مجریه)	الْسلْطَةُ التَّنْفِيْذِيَّةُ	Executive power
قدرت الهی	الْقُدْرَةُ الْإِلَهِيَّةُ	Allah's power
قدرت جهانی	الْقُوَّةُ الْعَالَمِيَّةُ	Global power

فارسی	العَرَبِيّ	English
قدرت دفاعی	الْقُدْرَةُ الدِّفَاعِيَّةُ	Defense power
قدرت سیاسی	السُّلْطَةُ السِّيَاسِيَّةُ	Political power
قدرتی شکستناپذیر	قُوَّةٌ لَا تُغْلَبُ	Invincible force
قدرت شیطانی	الْقُوَّةُ الْخَبِيثَةُ، الْقُوَّةُ الشَّيْطَانِيَّةُ	Satanic power
قدرت طلبی	طَلَبُ الْقُدْرَةِ	Power seeking
قدرت قانونگزاری (قوة مقننه)	قُوَّةُ تَشْرِيعِ الْفَوَائِدِ، السُّلْطَةُ التَّشْرِيعِيَّةُ	Legislative power
قدرت نظامی	الْقُوَّةُ الْعَسَكِيَّةُ	Military power
قدرت‌های بزرگ	الْفَوَاتُ الْكَبِيرَةُ، الْفَوِي الْكَبْرَى	Big power
قدردانی کردن	الْأُسَادَةُ، التَّقْدِيرُ	To appreciate
قرآن	الْقُرْآنُ	Quran
قرائت آراء	فَرَزُ الْأَصْوَاتِ	Counting votes
قرائت قرآن	قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ	Cantillation of the Quran
قرارداد - عهدنامه	الْإِتِّفَاقِيَّةُ	Agreement
قرارداد آتش‌بس	إِتِّفَاقِيَّةُ الْهَدْنَةِ، إِتِّفَاقِيَّةُ وَقْفِ إِطْلَاقِ النَّارِ	Cease-fire agreement
قرارداد بازرگانی	الْإِتِّفَاقِيَّةُ التِّجَارِيَّةُ	Commercial agreement
قرارداد بستن	عَقْدُ الْإِتِّفَاقِيَّةِ	To conclude an agreement
قرارداد دوجانبه	الْإِتِّفَاقِيَّةُ التَّنَائِبِيَّةُ	Reciprocal agreement
قرارداد سه‌جانبه	الْإِتِّفَاقِيَّةُ ذَاتُ الثَّلَاثَةِ	Tripatriite agreement
	الْجَوَائِبِ	

فارسی	العربی	English
قرارداد صلح	إِتْفَاقِيَّةُ السَّلْمِ	Peace treaty
قرارداد منسوخ	الْإِتْفَاقِيَّةُ الْمُلغَاةُ	Abrogated treaty
قرارداد وام	إِتْفَاقِيَّةُ الْقَرْضِ، الْأُسْتِقْرَاضُ	Loan agreement
قراردادهای بین المللی	الْإِتْفَاقِيَّاتُ الدَّوْلِيَّةُ	International conventions
قرارداد همکاری	إِتْفَاقِيَّةُ التَّعَاوُنِ	Cooperation treaty
قرارگاه دژبان	مَرْكَزُ الْبُؤْسِ الْحَرْبِيِّ،	Military police
	مَرْكَزُ الْأَذْخِيبَاتِ الْعَسْكَرِيَّةِ	headquarters
قرار منع تعقیب	قَرَارُ مَنَعِ الْمَطَّارِدَةِ	Warrant of release
قربانی	الضَّحِيَّةُ	Victim
قربانیان جنگ	ضَحَايَا الْحَرْبِ	War victims
قربانیان دسیسه	ضَحَايَا التَّامِرِ	Plot victims
قربانیان راه صلح	ضَحَايَا طَرِيقِ السَّلْمِ	Peace victims
قربانیان سیل	ضَحَايَا فَيْضَانِ الْمَاءِ، ضَحَايَا	Flood victims
	السَّيْلِ	
قربانی بیماری‌های مهلك	فَرَجِسَةُ الْأَمْرَاضِ الْفَتَاكِهَةِ	Victims of fatal diseases
قرض الحسنه	قَرْضُ الْحَسَنَةِ	Loan without interest
قصاص، مجازات	الْقِصَاصُ	Punishment
قضاوت بی اساس	الْحُكْمُ الْعَارِي مِنْ الصَّحَّةِ	Unfounded judgement
قضیه خاورمیانه	قَضِيَّةُ الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ	Middle-East inssue
قضیه گروگانها	قَضِيَّةُ الرِّهَائِنِ	Hostages' issue
قطب‌های قدرت	أَقْطَابُ الْقُدْرَةِ	Poles of power
قطعات پراکنده بمب	شَطَائِبُ الْقُنْبُلَةِ	Scattered parts of a bomb

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
قطعات یدکی	قِطْعُ اَلْغِیَارِ ، اَجْزَاءُ اَلْغِیَارِ	Spare parts
قطع جنگ	اِنْقِطَاعُ اَلْحَرْبِ	Ending a war
قطع دست ابر قدرتها	قَطَعَ اَیَادِی اَلْقُوَى اَلْکُبْرَى	Cutting off the hands of superpowers
قطع دست بیگانگان	قَطَعَ اَلْاَیَادِی اَلْاُجْنَبِیَّةَ	Cutting off the hands of Foreigners
قطع دست نیروهای خیانتکار	قَطَعَ اَیْدِی اَلْقُوَى اَلْخَائِنَةِ	Cutting off the hands of traitors
قطع روابط	قَطَعَ اَلْعِلَاقَاتِ	Breaking off relations
قطع صدور نفت	اِنْقِطَاعُ اَلنَّفِطِ عَنِ اَلصُّدُورِ	Cutting off the oil export
قطعه نامه ها	اَلْقَرَارَاتُ	Resolution
قطعه نامه ها کنفرانس سران	قَرَارَاتُ مُؤَکَمِّرِ اَلْقِمَّةِ	Summit conference resolution
قلب های تاریک	اَلْقُلُوبُ اَلْمُظْلِمَةُ	Dead hearts
قلب های زنده و بیدار	اَلضَّمَائِرُ اَلْحَیَّةُ اَلْوَاعِیَةُ	Awakened hearts
قلب های مستقیم	اَلْقُلُوبُ اَلْمُسْتَقِیْمَةُ	Straight forward hearts
قلمرو آبی	اَلْمِیَاهُ اَلْاَقْلِیْمِیَّةُ	water domination
قلمرو آزادی	دِیَاقُ اَلْحُرِّیَةِ	Realm of liberty
قلمرو حکومت و فرمانروائی	نُفُوذُ اَلْحُکْمِ وَاَلسُّلْطَانِ	Realm of domination
قلمرو هوایی (حریم هوایی)	اَلْمَجَالُ اَلْجَوِّیُّ	Air domination
قلمهای مسموم	اَلْاَقْلَامُ اَلْمَسْمُومَةُ	Poisonous pens
قلوب پاک و صاف	اَلْقُلُوبُ اَلطَّیْبَةُ وَاَلنَّوَاجِ اَلصَّافِیَّةُ	Clean hearts

فارسی	العربی	English
قوانین الهی	اَلْقَوَانِینُ اَلْاِلهِیَّةُ	Divine laws
قوانین جمهوری اسلامی	قَوَانِینُ الْجُمْهُورِیَّةِ اَلْاِسْلَامِیَّةِ	Laws of the Islamic Republic
قوانین سخت	اَلْقَوَانِینُ اَلْاِصْرَامَةُ	Stringent laws
قوای تقویتی	قَوِیُّ اَلتَّعْزِیزِ	Reinforcements
قوای سه گانه: مجریه، مقننه، قضائیه	اَلْسُلْطَاتُ اَلثَّلَاثُ: اَلتَّنْفِیْذِیَّةُ وَ اَلتَّشْرِیْعِیَّةُ وَ اَلْقَضَائِیَّةُ	Three branches of a State Legislature
قوه قضائیه	اَلسُّلْطَةُ اَلْقَضَائِیَّةُ	Judiciary
قوه مجریه	اَلسُّلْطَةُ اَلتَّنْفِیْذِیَّةُ	Executive power
قوه مقننه	اَلسُّلْطَةُ اَلتَّشْرِیْعِیَّةُ	Legislative power
قهر اجتماعی	اَلکِبَتْ اَلْاِجْتِمَاعِیُّ	Social force
قهرمان آزادی بخش ملی	بَطْلُ اَلتَّحْرِیْرِ اَلْوَطَنِیُّ	Hero of national liberation
قهرمانان آزادیخواهی	اَبْدَالُ اَلتَّحْرِیْرِ	Liberal heroes
قهرمانان شجاع	اَلْاَبْدَالُ اَلْاَشَاوِسُ	Brave heroes
قهرمان جنگ	بَطْلُ اَلْحَرْبِ	War hero
قهرمان ملی	اَلْبَطْلُ اَلْوَطَنِیُّ	National hero
قهوه خانه ها	اَلْمَقَاهِی (اَلْمَقَهَی)	Coffee houses
قیام مذهبی	اَلنَّهْضَةُ اَلدِّیْنِیَّةُ	Religious uprising
قیام مسلحانه	اَلْوُجُوبَةُ اَلْمُسَلَّحَةُ	Armed uprising
قیام ملت	وُجُوبَةُ اَلشَّعْبِ، اِنْتِیْفَاصَةُ اَلشَّعْبِ	National uprising
قیمت ارزان	اَلثَّمَنُ اَلرَّخِیصُ، اَلْاَسْعَلُ اَلْمُنْخِیضَةُ وَ اَلزَّهَّیْدَةُ	Cheap prices

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Base price</i>	السَّعْرُ الْأَسَاسُ	قیمت پایه
<i>Official rate</i>	السَّعْرُ الرَّسْمِيُّ	قیمت رسمی
<i>Wholesale price</i>	الْقِيَمَةُ الْعَامَّةُ	قیمت کلی
<i>Expensive price</i>	الْثَّمَنُ الْعَالِي	قیمت گران
<i>Low price</i>	الْثَّمَنُ الْبَخْسُ	قیمت ناچیز (کم بها)
<i>Domination</i>	الْأَذْتِدَابُ	قیمومت (کشوری بر کشوری دیگر)
<i>Soaring prices</i>	الْأَسْعَارُ الرَّافِعَةُ	قیمت های بالارونده
<i>Exorbitant prices</i>	الْأَسْعَارُ الْبَاهِظَةُ	قیمت های سرسام آور
<i>Fixed prices</i>	الْأَسْعَارُ الْمَحْدُودَةُ	قیمت های مقطوع
<i>Suitable prices</i>	الْأَسْعَارُ الْمُنَاسِبَةُ	قیمت های مناسب

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
کابینه	اَلْحُكُومَةُ، مَجْلِسُ اَلْوُزَرَاءِ	Cabinet
کابینه ائتلافی	اَلْحُكُومَةُ اَلْاِئتِلَافِيَّةُ	Coalition cabinet
کابینه جدید	اَلْوِزَارَةُ اَلْجَدِيدَةُ	New cabinet
کاپیتالاسیون	اَلتَّسْلِيمُ لِلْعَدُوِّ تَحْتَ شُرُوطِ (اَلْعَاقِبِيَّةِ اَلْاَسِيُونِ)	Capitulation
کاپتان	اَلْقَبْطَانُ، اَلرَّجُلَانُ	Captain
کاخ ریاست جمهوری	اَلْقَصْرُ اَلْجُمْهُورِيّ	Presidential palace
کاخ سلطنتی	اَلْقَصْرُ اَلْمَلَكِيّ	Royal palace
کاخ ضیافت	قَصْرُ اَلضِّيَافَةِ	
کاخ نشینان	سَعْنَانُ اَلْقُصُورِ	Palace dwellers
کاخ و کوخ	اَلْقَصْرُ وَالْقَصِيرَةُ اَوْ اَلْكُوْحَةُ	Palace and pit (slum)
کاخ های طاغوتیان	قُصُورُ اَلطَّوْاغِيْتِ	Taghoutis' palaces
کادر آموزشی	كَادَرُ اَلتَّعْلِيمِ	Teaching staff
کادر رهبری حزب	اَعْضَاءُ قِيَادَةِ اَلْحِزْبِ	Party leadership cadre

فارسی	العربی	English
کادر سیاسی	الکادرُ السَّیاسیُّ	Political staff
کادر مازاد بر احتیاج	الأعضاءُ الأضافیونَ	Surplus staff
کار آگاه	شُرطیُّ المباحثِ	Detective
کار آگاهی (اداره آگاهی)	مُدیْرِیَّةُ الأمنِ	Detection
کار آموز	المُدربُ الفنِّیُّ	Apprentice
کار آموزی	التَّدْرِیبُ الفنِّیُّ، التَّطْبِیقُ	Apprenticeship
کار آیی ارتش	قُدْرَةُ الْجِیشِ، الْقُدْرَةُ الْفَعَالَةُ لِلْجِیشِ	Military efficiency
کاری بی مزد	عَمَلٌ بِلاَ أَجْرٍ، الْعَمَلُ الْمَجَانِیُّ	Unpaid Service
کاری پسندیده	عَمَلٌ نَزِیْهٌ وَ مَقْبُولٌ	Good act
کارت جواز عبور	بِطَاقَةُ التَّصْرِیحِ	Pass
کارت شناسائی (هویت)	بِطَاقَةُ الْهَوِیَّةِ	Identity card
کارتل های نفتی	الْكَارِطِیلاتُ النِّفْطِیَّةُ	Oil cratels
کارت مطبوعاتی	بِطَاقَةُ الصَّحَافَةِ	Press card
کارچاق کن	الْوَسِیْطُ، الدَّلَالُ، الْمُعَقِّبُ	Middle-man
کارخانجات برق	مَصَانِعُ الطَّاقَةِ الْكَهْرِبَائِیَّةِ	Power plants
کارخانه داران	أَصْحَابُ الْمَصَانِعِ	Factory owners
کارخانه های ذوب آهن	مَصَانِعُ ذَوْبِ الصُّلْبِ وَ الْحَدِیدِ، مَصَانِعُ صَهْرِ الْحَدِیدِ	Steel mills
کاردار سفارت	الْقَائِمُ بِأَعْمَالِ السَّفَارَةِ	Charge da'ffaires
کار زشت و ناپسند	الْعَمَلُ الشَّنِیْعُ	Abominable act
کارشناس آثار باستانی	الْخَبِیرُ بِالْأَنْثَارِ	Archeologist

<i>Expert of Middle East affairs</i>	خَبِيرُ شُؤْنِ الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ	کارشناس امور خاورمیانه
<i>Economic experts</i>	الْخَبَرَاءُ الْأَقْتِصَادِيُّونَ	کارشناسان اقتصادی
<i>Foreign experts</i>	الْخَبَرَاءُ الْأَجَانِبُ	کارشناسان خارجی
<i>Military experts</i>	الْخَبَرَاءُ الْعَسْكَرِيُّونَ	کارشناسان نظامی
<i>Technical experts</i>	الْخَبَرَاءُ الْفَنِّيُّونَ	کارشناسان فنی
<i>Factory manager</i>	صَاحِبُ الْمَصْنَعِ	کارفرمای کارخانه
<i>Government officials</i>	الْعَامِلُونَ فِي الْحُكُومَةِ	کارکنان دولت
<i>Repair and maintenance workshops</i>	وَرَشَاتُ التَّصْلِيحِ وَالصِّيَانَةِ	کارگاه‌های تعمیر و نگهداری
<i>Planting a mine</i>	غَرَسُ الْأَلْعَامِ	کار گذاری مین
<i>To plant a bomb</i>	غَرَسُ الْقُنْبَلَةِ	کار گذاشتن بمب
<i>Innocent workers</i>	الْعَمَالُ الْأَبْرِيَاءُ	کارگران بیگناه
<i>Committed workers</i>	الْعَمَالُ الْمَلْتَزِمُونَ	کارگران متعهد
<i>United nations' agency</i>	وِكَالَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	کارگزاری اداره سازمان ملل
<i>Positive or negative act</i>	الْعَمَلُ الْأَدْبِيحِي أَوِ السَّلْبِي	کار مثبت یا منفی
<i>wages</i>	حَقُّ الْعَمَلِ، الْعُمُولُ	کارمزد
<i>Government employees</i>	الْمُوظَّفُونَ، مُوظَّفُوا الْحُكُومَةِ	کارمندان دولت
<i>High-ranking officials</i>	كِبَارُ الْمُوظَّفِينَ	کارمندان عالی رتبه
<i>suspended employee</i>	الْمُوظَّفُ الْمَسْخُوبُ الْيَدِ	کارمند منتظر خدمت
<i>Cruel acts</i>	الْأَعْمَالُ الْعَنِيفَةُ	کارهای خشونت بار
<i>Charitable works</i>	أَعْمَالُ خَيْرِيَّةٍ	کارهای خیریه

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کارهای دولتی	أَعْمَالُ حُكُومِيَّةٍ	Government affairs
کارهایی غیراسلامی	أَعْمَالُ مُضَادَّةٍ لِلْإِسْلَامِ	Non-Islamic practices
کاریاب	أَلْبَاحِثُ عَنِ الْعَمَلِ	Agent
کاغذبازی	كِتَابِنَا وَكِتَابِكُمْ	Bureaucracy
کافر	الْكَافِرُ، الْمُلْحِدُ	Infidel
کالاهاى احتکارشده	الْبَضَائِعُ الْمَكْنُوسَةُ	Hoarded goods
کالاهاى ضرورى، کالاهاى اصلی	الْبِضَاعَاتُ الْأَصْلِيَّةُ، السِّلَعُ الْأَرْثِيسِيَّةُ، السِّلَعُ الْضَّرُورِيَّةُ	Necessary goods
کالاهاى غیر ضرورى	السِّلَعُ غَيْرُ الضَّرُورِيَّةِ	Unnecessary goods
کالاهاى لوکس	الْبَضَائِعُ الْكَمَالِيَّةُ	Luxury goods
کالاهاى مصرفی	الْبَضَائِعُ الْمُسْتَهْلَكَةُ، الْمَوَادُّ الْأَسْتَهْلَاكِيَّةُ	Consumption goods
کالاهاى وارداتی	الْبَضَائِعُ الْمُسْتَوْرَدَةُ	Imported goods
کالای غیرمجاز	السِّلَعُ الْمَمْنُوعَةُ	Illegal goods
کانال دیپلوماسی	الْقَنَاةُ الدِّبْلُومَاسِيَّةُ	Diplomatic channel
کانال‌های تلویزیون	قَنَوَاتُ التَّلْفِزِيُونِ، قَنَوَاتُ الشَّاشَةِ الصَّغِيرَةِ	Television channels
کاندیدای نمایندگی مجلس	مُرَشِّحُ لِدُخُولِ عَضُوتِهِ الْمَجْلِسِ الْأِسْلَامِيِّ	Candidates for the Islamic Consultative Assembly
کان‌لم‌یکن	كَأَدَّ لَمْ يَكُنْ	Null and void
کان‌لم‌یکن اعلام کردن	إِعْلَانًا كَأَن لَّمْ يَكُنْ	To declare null and void
کانون روزنامه‌نگاران	فِئَاةُ الصَّحَفِيِّينَ	Journalists' association

فارسی	العربی	English
کانون و کلاوقضات داد گستری	نِشَابَةُ الْمُحَامِلِينَ	Lawyers' association
کاوش کردن درباره حقیقت	تَحْرِیُّ الْحَقِیْقَةِ	To investigate the truth
کاوشهای علمی	الْبُحُوثُ الْعِلْمِیَّةُ	Scientific investigations
کاهش بحران اقتصادی	تَخْفِیفُ الْأَزْمَةِ الْأَقْتِصَادِیَّةِ	Alleviation of a crisis
کاهش سلاحهای استراتژیک	تَخْفِیفُ الْأَسْلِحَةِ الْأُسْتِرَاقِیَّةِ	Strategic arms reduction
کاهش قیمت‌ها	هَبُوطُ الْأَسْعَارِ	Prices' dip
کپر نشینان	سُكَّانُ الْعُشْشِ	Hut dwellers
کتاب خدا	کِتَابُ اللَّهِ	God's Book
کدخدا	الْعُمْدَةُ، الْخِتَارُ	Bailiff
کرسی خالی	الْمَقْعَدُ الشَّاعِرُ	Unoccupied chair
کرسی‌های نمایندگی مجلس	الْمَقَاعِدُ النِّیَابِیَّةُ لِلْمَجْلِسِ، مَقَاعِدُ الْمَجْلِسِ النِّیَابِیِّ	Deputies chair
کسب کردن پیروزی	اِكْتِسَابُ الْفَوْزِ	To achieve victory
کسر بودجه	نَقْصُ قَائِمَةِ الدَّخْلِ وَالْخَرْجِ لِلدَّوْلَةِ	Budget deficit
کشتار بیرحمانه	الْمَجْزَرَةُ الْقَاسِیَةُ	Merciless killing
کشتار دسته‌جمعی	الْمَجْزَرَةُ الْجَمَاعِیَّةُ، الْقَتْلُ الْجَمَاعِیُّ	Wide-spread killing
کشتار گاه‌های دسته‌جمعی	الْمَجَازِرُ الْجَمَاعِیَّةُ	Slaughter - house
کشتار وحشیانه	الْقَتْلُ الْوَحْشِیُّ	Cruel killing
کشتارهای سیاسی	الْمَجَازِرُ السِّیَاسِیَّةُ	Political assasination
کشت تخم نفاق و تفرقه	زَرْعُ بَذُورِ النِّفَاقِ وَالتَّفْرِقَةِ	Planting the seeds of discord

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Detained ship</i>	الْبَاخِرَةُ الْمَجْبُوزَةُ	کشتی توقیف شده
<i>War - Ship</i>	السَّفِينَةُ الْحَرْبِيَّةُ	کشتی جنگی
<i>International shipping</i>	الْمِلاَحَةُ الدَّوْلِيَّةُ	کشتی رانی بین المللی
<i>Oil tanker</i>	نَاقِلَةُ الْبِتْرُولِ ، شَاحِنَةُ الْنَفْطِ	کشتی نفت کش
<i>International ships</i>	السُّفُنُ الدَّوْلِيَّةُ	کشتی های بین المللی
<i>Commercial and oil ships</i>	السُّفُنُ التِّجَارِيَّةُ وَالْبِتْرُولِيَّةُ	کشتی های تجارتی و نفتی
<i>To unveil</i> ... رَفَعَ الْحِجَابَ عَنْ ...	كَشَفَ الْغِطَاءَ أَوْ الْفِنَاعَ ، رَفَعَ الْحِجَابَ عَنْ ...	کشف حجاب کردن
<i>Bloody conflict</i>	الْمُصَارَعَةُ الدَّامِيَّةُ	کشمکش خونی، جدال خونین
<i>Hard struggle</i>	الْمُصَارَعَةُ الْعَنِيفَةُ	کشمکش سخت
<i>Fateful struggle</i>	الْمُصَارَعَةُ الْمَصِيرِيَّةُ	کشمکش سرنوشت ساز
<i>Political struggle</i>	الْمُصَارَعَةُ السِّيَاسِيَّةُ	کشمکش سیاسی
<i>Vast country</i>	بِلَدٌ مُتَرَامِي الْأَطْرَافِ	کشوری پهناور
<i>War-stricken country</i>	الْقُطْرُ الْمُصَابُ بِالْحَرْبِ	کشور جنگ زده
<i>Foreign country</i>	الدَّوْلَةُ الْأَجْنَبِيَّةُ	کشور خارجی
<i>Friendly country</i>	الدَّوْلَةُ الصَّدِيقَةُ	کشور دوست
<i>Host country</i>	الْبِلَدُ الْمُضِيفُ ، الدَّوْلَةُ الْمُضِيفَةُ	کشور میزبان
<i>Oil-rich country</i>	الدَّوْلَةُ الْبَاقِطِيَّةُ	کشور نفت خیز
<i>Free countries</i>	الدُّوَلُ الْمُتَحَرِّرَةُ	کشورهای آزاد

فارسی	العَرَبِيّ	English
کشورهای اسلامی	الدُّوَلُ الْإِسْلَامِيَّةُ	Islamic countries
کشورهای برادر	أَلْبِلَادُ الشَّقِيْقَةِ	Brotherly countries
کشورهای پرجمعیت	أَلْبِلْدَانُ الْعَامِرَةُ بِالسَّكَنِ	Densely-populated countries
کشورهای پیشرو	الدُّوَلُ الْمُتَقَدِّمَةُ، الدُّوَلُ الرَّاقِيَّةُ	Progressive countries
کشورهای تجاوزگر	الدُّوَلُ الْمُعْتَدِيَّةُ	Aggressor countries
کشورهای توسعه نیافته	أَلْبِلْدَانُ الْمُتَخَلِّفَةُ	Under-developed countries
کشورهای جنبش عدم تعهد	دَوْلَ حَرَكَةِ عَدَمِ الْأَنْحِيَارِ	Non-aligned countries
کشورهای جهان سوم	بِلَادُ الْعَالَمِ الثَّلَاثِ، بِلْدَانُ الْعَالَمِ الثَّلَاثِ	Third world countries
کشورهای خاورمیانه	دَوْلَ الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ	Middle East countries
کشورهای خلیج فارس	دَوْلَ الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ	Persian Gulf countries
کشورهای در حال رشد	الدُّوَلُ النَّامِيَّةُ	Thriving countries
کشورهای سوسیالیستی	الدُّوَلُ الْأَشْتِرَاكِيَّةُ	Socialist countries
کشورهای شرکت کننده	الدُّوَلُ الْأَعْضَاءُ فِي	Participating countries
کشورهای صلح دوست	الدُّوَلُ الْمُحِبَّةُ لِلْسَّلَامِ، أَلْبِلْدَانُ الْمُصْدِحَةُ	Peace-loving countries
کشورهای صنعتی	أَلْبِلْدَانُ الْصَّنَاعِيَّةُ	Industrial countries
کشورهای عقب افتاده	أَلْبِلْدَانُ الْمُتَخَلِّفَةُ	Backward countries
کشورهای غیرمتعهد	دَوْلَ عَدَمِ الْأَنْحِيَارِ	Non-aligned countries
کشورهای غیرمستقل	أَلْأَقَالِيْمُ غَيْرُ الْمُتَمَتَّعَةِ بِالْحُكْمِ الذَّاقِي	Dependent countries

فارسی	العربی	English
کشورهای مرقی	الدول المتقدمة (الراقية)	Progressive countries
کشورهای متمدن	البلدان المتحضرة	Civilized countries
کشورهای مصرف کننده نفت	الدول مستهلكة البترول	Oil-consuming countries
کشورهای همجوار	بلاد المجاور، البلدان المجاورة	Neighborly countries
کشورهای هم کیش	البلدان الاشقيقة	Countries of the same religion
کفر	الكفر	Blaspheme
کفر آمیز	الكفری	Blasphemous
کفر جهانی	الكفر العالمی	World blaspheme
کلام خدا	كلام الله	Word of God
کلاهبردار	الانصاب	Fraud
کلبه کوچک و تاریک	الكوخ الصغير والمظلم	Small hut
کلمات زشت و زننده	الالفاظ البذيئة	Obscene words
کلید خوشبختی	مفتاح السعادة	Key to happiness
کمبود دستمزد	قليلة الاجور	Low wages
کمبود ساختگی	الازمة المصطنعة	Artificial shortage
کمبود شدید	النفصان الشديد	Acute shortage
کمبود مواد غذایی	نقصان المواد الغذائية، عدم توفر المواد الغذائية	Foodstuff shortage
کمبود نیروی انسانی	نقصان الطاقة البشرية	Man-power shortage
کم درآمد	منخفض الدخل	Low-income

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
To endeavor	أَلْتَشْمِيرُ عَنْ سَاعِدِ الْجِدِّ	کمر همت بستن
Decrease in oil revenues	إِنْخِفَاضُ دَخْلِ الْفَرْدِ	کم شدن درآمد فرد
Slow-down and strike	الْأَضْرَابُ (الْتِهَانُونَ فِي الْعَمَلِ)	کم کاری و اعتصاب
Economic aid	الْتَعَاوُنُ الْاِقْتِصَادِيَّ	کمک اقتصادی
To help the injured	مُسَاعَدَةُ الْجَرَحَى	کمک به مجروحان
To request for help	الْأَسْتِجَادُ	کمک خواستن
Contributions to warfronts	إِيْصَالُ الْأَمْدَادَاتِ إِلَى جَبَهَاتِ الْقِتَالِ	کمک رسانی به جبهه های جنگ
To aid farmers	مُسَاعَدَةُ الْفَلَاحِيْنَ	کمک کردن به کشاورزان
Financial assistance	الْمُسَاعَدَاتُ الْمَالِيَّةُ، الْأَعَايَةُ الْمَالِيَّةُ	کمک مادی، کمک های مالی
To help continuously	تَقْدِيمُ الْعَوْنِ الْمُسْتَمِرِّ	کمک مستمر کردن
Military aid	تَقْدِيمُ الْعَوْنِ الْعَسْكَرِيِّ	کمک نظامی کردن
Medical first aids	الْأَسْعَافَاتُ الْأَوَّلِيَّةُ	کمک های اولیه پزشکی
People's contributions	مُسَاعَدَاتُ الشَّعْبِ الْمَكْنَسَةُ	کمک های زیاد و انباشته شده مردم
Necessary contributions	الْمُسَاعَدَاتُ الْفَرَوْرِيَّةُ	کمک های لازم
Military aids	الْمُسَاعَدَاتُ الْعَسْكَرِيَّةُ	کمک های نظامی
Cash donations	الْمُسَاعَدَاتُ النَّقْدِيَّةُ، الْأَمْدَادَاتُ النَّقْدِيَّةُ	کمک های نقدی
Communist	الْشِّيُوعِيَّ	کمونست
Communism	الْشِّيُوعِيَّةُ	کمونسم

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کمی	اَلْکَمِّيُّ ، اَلْمِقْدَارِيُّ	Qualitative
کمیت	اَلْکَمِيَّةُ ، اَلْمِقْدَارُ	Quality
کمیته اجرائی	اَللَّجْنَةُ اَلتَّنْفِیْذِیَّةُ	Executive committee
کمیته ارشاد اسلامی	لَجْنَةُ اَلْاُرْشَادِ اَلْاِسْلَامِیِّ	Islamic guidance committee
کمیته امداد	لَجْنَةُ اَلتَّعَاوُنِ	Relief committee
کمیته انقلاب اسلامی	لَجْنَةُ اَلثَّوْرَةِ اَلْاِسْلَامِیَّةِ	Islamic revolution's committee
کمیته انقلاب فرهنگی	لَجْنَةُ اَلثَّوْرَةِ اَلثَّقَافِیَّةِ	Cultural revolution's committee
کمیته برقراری صلح	لَجْنَةُ اِقْرَارِ اَلسَّلَامِ	Peace committee
کمیته برگزار کننده	اَللَّجْنَةُ اَلْمُقِیْمَةُ	Organizing committee
کمیته بین المجالس	لَجْنَةُ بَیْنَ اَلْمَجَالِسِ	Inter-parliamentary union
کمیته تحقیق	لَجْنَةُ اَلتَّحْقِیْقِ	Probe committee
کمیته تحقیق شکنجه	لَجْنَةُ تَفْتِیْشِ اَلتَّعْذِیْبِ	Torture investigation committee
کمیته تصفیه	لَجْنَةُ اَلتَّطْهِیْرِ	Purging committee
کمیته تعقیب و مراقبت	لَجْنَةُ اَلْمُطَارَدَةِ	Chase and control committee
کمیته حسن نیت	لَجْنَةُ حَسَنِ اَلنِّیَّةِ	Good-will committee
کمیته حقوق بشر	لَجْنَةُ حَقُوقِ الْاِنْسَانِ	Human rights' commision
کمیته خلع سلاح	لَجْنَةُ نَزْعِ اَلسَّلَاحِ	Disarmament committee
کمیته داوری	لَجْنَةُ اَلتَّحْکِیْمِ	Jugement committee
کمیته سری	اَللَّجْنَةُ السَّرِیَّةُ	Secret committee

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کمیته سوخت و انرژی	لَجْنَةُ اَلْوَقُودِ وَ اَلطَّاقَةِ	<i>Fuel and consumption committee</i>
کمیته سه جانبه	اَللَّجْنَةُ اَلثَّلَاثِيَّةُ	<i>Tripartite commission</i>
کمیته کمک به جنگ زدگان	لَجْنَةُ مُسَاعَدَةِ مَنْكُوبِي اَلْحَرْبِ	<i>Committee for aiding War-stricken people</i>
کمیته گزینش	اَللَّجْنَةُ اَلْمُنْتَخِبَةُ	<i>Selection committee</i>
کمیته مبارزه با فساد	لَجْنَةُ مُمَاحَاةِ اَلْفَسَادِ	<i>Anti-corruption committed</i>
کمیته مبارزه با گرانی	لَجْنَةُ مُمَاحَاةِ اَلْعَلَاءِ	<i>Committee for combating high prices</i>
کمیته مدیریت	لَجْنَةُ اَلْمُدِيرِيَّةِ	<i>Management committee</i>
کمیته مرکزی	اَللَّجْنَةُ اَلْمَرْكَزِيَّةُ	<i>Central Committee</i>
کمیته منتخب	اَللَّجْنَةُ اَلْمُنْتَخِبَةُ	<i>Select-Committee</i>
کمیته هم آهنگ کننده	لَجْنَةُ اَلتَّنْسِيقِ	<i>Coordinating committee</i>
کمیسر عالی	اَلْمَنْدُوبُ اَلْسَامِي	<i>High commissioner</i>
کمیسیون	اَللَّجْنَةُ	<i>Commission</i>
کمیسیون آشتی و رفع اختلاف	لَجْنَةُ اَلْمُصَالَحَةِ وَحَلِّ اَلْخِلَافِ	<i>Committee for recenciliation</i>
کمیسیون اجرایی	اَللَّجْنَةُ اَلتَّنْفِيزِيَّةُ	<i>Executive committee</i>
کمیسیون امنیت ملی	لَجْنَةُ اَلْأَمْنِ اَلْوَطَنِيِّ	<i>National security commission</i>
کمیسیون بازرسی	لَجْنَةُ اَلتَّفَقُّشِ	<i>Inspectorate commission</i>

فارسی	العربی	English
کمیسیون تحقیق	لَجْنَةُ التَّحْقِيقِ، لَجْنَةُ التَّحْقِيقِ	Investigation commission
کمیسیون رسیدگی	لَجْنَةُ التَّحْقِيقِ	
کمیسیون سه جانبه	اللَّجْنَةُ الثَّلَاثِيَّةُ	Tripatrie commission
کمیسیون فرعی	اللَّجْنَةُ التَّابِعَةُ، اللَّجْنَةُ الْفَرْعِيَّةُ	Sub-committee
کمیسیون مقدماتی	اللَّجْنَةُ التَّمَهِيدِيَّةُ	Preliminary committee
کمیسیون نظارت	اللَّجْنَةُ الْمُرَاقِبَةُ، اللَّجْنَةُ الْمُتَابِعَةُ	Supervising commission
کنار گذاشتن اختلافات	رَفَعَ الْخِلَافَاتِ، ذَبَدَ الْخِلَافَاتِ	To put aside differences
کنترل دقیق	الرَّقَابَةُ الدَّقِيقَةُ، الدَّقِيقَةُ	Strict control
کنترل شدید	السَّيَاطَرَةُ الشَّدِيدَةُ	Stringent control
کندن آخرین ریشه های اعتیاد از کشور	قَلَعَ آخِرَ جُذُورِ الْأَدْمَانِ مِنَ الْبِلَادِ	To eradicate the roots of drug addiction
کنسولگری	الْفُنْصُلِيَّةُ	Consulate
کنفرانس اسلامی	الْمَوْقَمُ الْأِسْلَامِيُّ	Islamic conference
کنفرانس امنیت	مَوْقَمُ الْأَمْنِ	Security conference
کنفرانس جهانی	الْمَوْقَمُ الْعَالَمِيُّ	World conference
کنفرانس دولت های صادر کننده نفت	مَوْقَمُ الدُّوَلِ الْمَصْدَرَةِ لِلْبَيْتْرُولِ	Conference of the oil exporting countries
کنفرانس خلع سلاح	مَوْقَمُ نَزْعِ السِّلَاحِ	Disarmament conference

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کنفرانس زنان	مَوْقَمَرُ النِّسَاءِ	Women's conference
کنفرانس سالانه	اَلْمَوْقَمَرُ اَلْسَنَوِي	Annual conference
کنفرانس سران	مَوْقَمَرُ اَلْاَقْطَابِ، مَوْقَمَرُ اَلْقِمَّةِ	Summit conference
کنفرانس کشورهای غیرمتعهد	مَوْقَمَرُ دَوْلِ عَدَمِ اَلْاَدْنِجِيَارِ	Conference of non-aligned countries
کنفرانس مشترک	اَلْمَوْقَمَرُ اَلْمُشْتَرَكُ	Joint conference
کنفرانس مطبوعاتی و تلویزیونی	اَلْمَوْقَمَرُ اَلصَّحْفِيِّ وَ اَلتَّلْفِزِيِّ	Press and television conference
کنفرانس های بین المللی	اَلْمَوْقَمَرَاتُ اَلدَّوْلِيَّةُ	International conferences
کنکاشهای علمی	اَلْبَحُوثُ اَلْعِلْمِيَّةُ	Scientific investigations
کنگره جهانی ائمه جمعه	اَلْمَوْقَمَرُ اَلْعَالَمِيُّ لِاِئِمَّةِ اَلْجَمْعَةِ	World congress of congregational prayer leaders
کنگره جهانی قدس	مَوْقَمَرُ اَلْقُدْسِ اَلْعَالَمِيِّ	World Quods' congress
کنگره هزاره نهج البلاغه	مَوْقَمَرُ اَلْمِهْرِجَانِ اَلْاَلْفِيِّ لِنَهْجِ اَلْبَلَاغَةِ	Nahjul-Balagha millenary congress
کوپن جیره بندی	بِطَاقَةِ اَلتَّمَوُّدِ، اَلْعُودُونَ	Ration coupon
کوتاه بین	قَصِيرُ اَلنَّظَرِ	Improvident
کودتاچیان (انقلابیون)	اَلثَّوَارُ	Coup plotters
کودتا و ضد کودتا	اِنْقِلَابٌ ضِدَّ اَلْاَدْنِجِلَابِ	Coup and counter-coup
کودتای بدون خونریزی	اَلثَّوْرَةُ بِدُونِ سَفْكِ الدِّمَاءِ	Bloodless coup
کودتای نافرجام	اَلثَّوْرَةُ اَلْفَاشِلَةُ	Aborted coup
کودتای نظامی	اَلْاِنْقِلَابُ اَلْعَسْكَرِيُّ	Military coup

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کودکان آواره	اَلْأَطْفَالُ الْمُرَدُّونَ	Orphans
کودکان معصوم	اَلْأَطْفَالُ الْاَبْرِيَاءُ	Innocent and defenseless children
و بیدفاع		
کودکان یتیم	اَلْأَطْفَالُ الْيَتَامَى	Orphans
کوران سیاسی	اَلتَّيَّارُ السِّيَاسِيُّ	Political Course
کوران های تاریخ	تَيَّارَاتُ التَّارِيخِ	Historical courses
کور دل	عَمَى الْقَلْبِ	Blind-hearted
کور کورانه	بِطَرِيقَةِ عَمِيَاوِيَّةٍ	Blindfoldedly
کوره های ذوب آهن	اَقْرَانُ صَهْرِ الْفَلِيزَاتِ	Furnaces
کوشش پی گیر، کوشش پی در پی	اَلتَّعْيُ الْمَتَوَاصِلُ، اَلْجَهْدُ الْمَتَوَاصِلُ	Continuous effort
کوشش خستگی ناپذیر	جَهْدٌ لَا يُعْرِقُ اَلْعَدْلُ	Untiring effort
کوشش خلاقه	اَلْجُهْدُ اَلْعِلَاقَةُ	Creative effort
کوشش در راه وحدت	اَلْمَسَاعِي عَلَى طَرِيقِ وَحْدَةٍ	Effort towards the unity of muslims
مسلمانها	اَلْمُسْلِمِينَ	
کوشش طاقت فرسا	اَلْجَهْدُ الْمُضْنِي	Tiresome effort
کوشش نافرجام، اقدام نافرجام	اَلْعَمَلِيَّةُ الْفَاشِلَةُ	Unsuccessful attempt
کوشش های استعمار گران	جُهُودُ اَلْمُسْتَعْمِرِينَ	Emperialists' efforts
کوشش های اینثار گرانه	اَلْمَسَاعِي اِلِنْثَارًا	Sacrificial efforts
کوشش های حساب شده	اَلْجُهْدُ اَلْمَحْسُوبَةُ	Well-arranged efforts
کوشش های صادقانه	اَلْجُهْدُ اَلصَّادِقَةُ	Sincere attempts

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
کوشش‌های صلح‌جویانه	اَلْمَسَاعِي مِنْ اَجْلِ السَّلَامِ	Peace-making efforts
کوشش‌های فراوان	اَلْجُهْدُ الْفَاحِشُ	Extensive efforts
کوشش‌های مشترک	اَلْمَسَاعِي الْمُشْتَرَكَةُ	Joint efforts
کوشش‌های متمرکز	اَلْمَسَاعِي الْمُتَمَرِّكَةُ، اَلْجُهْدُ الْمُتَجَمِّعُ	Concentrated efforts
کوشش‌های میانجی‌گرانه	جُهْدُ اَلْوَسَاطَةِ	Mediation efforts
کوماندو، رنجر	جُنْدِي قُوَاتِ الصَّاعِقَةِ، قُوَاتُ اَلْمَغَاوِدِ	Commando
کوماندوهای دریایی	قُوَاتُ اَلْمَغَاوِدِ اَلْبَحْرِيَّةِ	Naval commandoes
کیفرخواست و ادعانامه دادستان	قَرَارُ اَلْاَتِّهَامِ مِنَ اَلْمُدَّعِي اَلْعَامِّ	Bill of indictment
کیفی	اَلْكَيْفِيُّ، اَلنَّوْعِيُّ	Qualitative
کیفیت	اَلنَّوْعِيَّةُ، اَلْكَيْفِيَّةُ، اَلصِّفَةُ	Quality

گ

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Guard of honor</i>	حَرَسُ الشَّرَفِ	گارد احترام
<i>Eternal guard</i>	الْحَرَسُ الْخَاصُّ	گارد جاویدان
<i>Presidential guard</i>	الْحَرَسُ الْجُمْهُورِيّ	گارد ریاست جمهوری
<i>Coast guard</i>	حَرَسُ الشَّاطِئِ، الْحَرَسُ السَّاحِلِيّ	گارد ساحلی
<i>Imperial guard</i>	الْحَرَسُ الْمَلَكِيّ	گارد سلطنتی
<i>National guard</i>	الْحَرَسُ الْوَطَنِيّ	گارد ملی
<i>Tear gas</i>	الْقُنْبُلَةُ الْمَسِيلَةُ لِلدُّمُوعِ، الْغَازَاتُ الْمَسِيلَةُ لِلدُّمُوعِ	گاز اشک آور
<i>Natural gas</i>	الْغَازُ الطَّبِيعِيّ	گاز طبیعی
<i>Gas oil</i>	غَازُ الْبِتْرُولِ الْمَسِيلِ	گاز نفت مایع
<i>First step</i>	الْخَطْوَةُ الْأُولَى	گام اول
<i>Big stride</i>	الْخَطْوَةُ الْعَظِيمَةُ	گام بزرگ

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
گام وسیع	اَلْخُطْوَةُ اَلْوَسْعَةُ	<i>Extensive stride</i>
گامهای ارزنده	اَلْخُطُوَاتُ اَلْقِيَمَةُ	<i>Valuable steps</i>
گامهای استوار و محکم	اَلْخُطُوَاتُ اَلسَّدِيدَةُ	<i>Firm steps</i>
گامهای اصلی	اَلْخُطُوَاتُ اَلرَّكَبِيَّةُ، اَلْخُطُوَاتُ اَلْاَسَاسِيَّةُ	<i>Fundamental steps</i>
گامهای بلند	اَلْاَشْوَاطُ اَلطَّوِيلَةُ، اَلْخُطُوَاتُ اَلشَّاسِعَةُ	<i>Long steps</i>
گامهای ثمربخش	اَلْخُطُوَاتُ اَلْمُنْتَجَةُ، اَلْخُطُوَاتُ اَلْمُثْمِرَةُ	<i>Useful steps</i>
گامهای ضروری	اَلْخُطُوَاتُ اَلْاِلْزَمَةُ	<i>Necessary steps</i>
گامهای مثبت	اَلْخُطُوَاتُ اَلْاِيجَابِيَّةُ	<i>Positive steps</i>
گذرگاههای آبی استراتژیک	اَلْمَمَرَاتُ اَلْمَائِيَّةُ اَلْاَسْتِرَاطِيَّةُ	<i>Strategic water pass</i>
گذرگاههای آبی حیاتی	اَلْمَمَرَاتُ اَلْمَائِيَّةُ اَلْحَيَوِيَّةُ	<i>Vital water pass</i>
گذرنامه جعلی	جَوَازُ سَفَرٍ مُزَيَّفٌ	<i>False passport</i>
گذرنامه خدمت	جَوَازُ سَفَرٍ اَلْخِدْمَةِ (اَلسَّرْفِيسُ)	<i>Service passport</i>
گذرنامه سیاسی	جَوَازُ اَلسَّفَرِ اَلسِّيَاسِيِّ (اَلدِّبْلُومَاسِيَّ)	<i>Political passport</i>
گذرنامه عادی	جَوَازُ اَلسَّفَرِ اَلْعَادِيّ	<i>Ordinary passport</i>
گذرنامه معتبر	جَوَازُ سَفَرٍ مُعْتَبَرٌ	<i>Valid passport</i>
گرامی داشت اسیران	اِكْرَامُ اَلْاَسْرَى	<i>Respecting POWS</i>
گرانی زندگی	غَلَاءُ اَلْحَيَاةِ	<i>High price</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
گرایش به دین اسلام	إِعْتِنَاقُ الْإِسْلَامِ	<i>Inclination toward Islam</i>
گرایش نژاد پرستانه	اَلْاُنْحِيَاذُ اَلْعُنْصَرِيَّ	<i>Racial inclination</i>
گردشگاههای عمومی	اَلْمَتَمَنَزَهَاتُ اَلْعَامَّةُ	<i>Public parks</i>
گردشهای اکتشافی	اَلرَّحَلَاتُ اَلْاُسْتِشْافِيَّةُ، اَلْجَوْلَاتُ اَلْاَكْتِشَافِيَّةُ	<i>Field trips</i>
گردهم آیی توده‌ها	إِلْتِفَاقُ الْجُمَاهِيرِ	<i>Rally of the masses</i>
گرمی انقلاب	حَرَارَةُ الثَّوْرَةِ	<i>Revolutionary zeal</i>
گروگان	اَلرَّهَانُ	<i>Hostage</i>
گروگان گیری	اَلْقَبْضُ عَلَى اَلرَّهَائِنِ	<i>Hostage holding</i>
گروه امداد	فِرْقَةُ اَلنَّجْدَةِ	<i>Relief team</i>
گروه انحصار طلب	جَمَاعَةُ اَلْمَحْتَكِرِينَ	<i>Monopolistic group</i>
گروه پزشکی	اَلْوَقْدُ اَلطَّبِّيُّ	<i>Medical team</i>
گروه تحقیق	وَقْدُ اَلتَّحْقِيقِ	<i>Investigation group</i>
گروه تخریب	فِرْقَةُ اَلتَّخْرِيبِ، طَائِفَةُ اَلتَّخْرِيبِ	<i>Demolition group</i>
گروه تخریب بمب	فِرْقَةُ تَخْرِيبِ اَلْقُبْلَةِ	<i>Bomb defusing squad</i>
گروه جانبازان	فِرْقَةُ اَلْمُضْحِينَ	<i>Group of devotees</i>
گروه چپ‌گرا	فِرْقَةُ اَلْيَسَارِ	<i>Leftist group</i>
گروه چتر باز (لشکر چتر باز)	فِرْقَةُ اَلْمَظَلَّاتِ	<i>Parachutists</i>
گروه شورشی	فِرْقَةُ اَلْمَتَمَرِّدِينَ، فِرْقَةُ اَلشَّائِرِ، فِرْقَةُ اَلثُّوَارِ	<i>Violence group</i>
گروه ضد تروریستی	فِرْقَةُ مُبَارَزَةِ اَلْاَرْهَابِ	<i>Anti-terrorist group</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
گروه ضد دولتی	اَلْفِئَةُ اَلْمُعَادِيَةُ لِاَلْحُكُومَةِ	Anti-state group
گروه ضربت	اَلْقُوَاتُ اَلْقَاصِمَةُ	Strike group
گروه عزادار	فِرْقَةُ اَلْحِدَادِ	Mourning group
گروه فشار	فِرْقَةُ اَلضَّغْطِ	Pressure group
گروه‌ها	اَلتَّرَاذِمُ اَلْقَلِيلَةُ	Small groups
گروه‌گرا	اَلْجَمَاعِيُّ، اَلطَّائِفِيُّ	Sectarian
گروه مسلح	اَلْفِرْقَةُ اَلْمُسَلَّحَةُ، اَلْفِئَةُ اَلْمُسَلَّحَةُ	Armed group
گروه منحرف	اَلْفِرْقَةُ اَلضَّالَّةُ	Renegade group
گروه نجات	فِرْقَةُ اَلْاَنْقَاذِ	Rescue team
گروه نمازگزاران	جُمُوعُ اَلْمُصَلِّينَ	Group of prayer performers
گروه ویژه کماندوئی	فَرِیقُ فِدَائِيٍّ خَاصٍّ	Special commando team
گروه‌های انقلابی	اَللِّجَانُ اَلثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary groups
گروه‌های بیکار	اَلْفِئَاتُ اَلْعَاطِلَةُ	Unemployed groups
گروه‌های جدائی طلب	اَلْفِئَاتُ اَلْاَنْفِصَالِيَّةُ	Dissident groups
گروه‌های خرابکار	اَلْفِرَقُ اَلْمُخِلَّةُ بِاَلْاَمْنِ، اَلْفِرَقُ اَلْمُخَرَّبَةُ	Destructive groups
گروه‌های داوطلب	فِرَقُ اَلتَّطَوُّعِ	Group of volunteers
گروه‌های سوسیالیستی	اَلْمُجْتَمَعَاتُ اَلْاَشْتِرَاكِيَّةُ	Socialist groups
گروه‌های ضدانقلابی	اَلْفِئَاتُ اَلْمُضَادَّةُ لِثَّوْرَةٍ	Counter-revolutionary groups

فارسی	العربی	English
گروه‌های فاسد	الْفِئَاتُ الْفَاسِدَةُ	Corrupt groups
گروه‌های مسلح غیرمجاز	الْفِرْقُ الْمُسَلَّحَةُ غَيْرُ الشَّرْعِيَّةِ	Illegally - armed groups
گروه‌های منافق	الْفِئَاتُ الْمُنَافِقَةُ	Seditious groups
گروه‌های مؤمن	الْفِئَاتُ الْمُؤْمِنَةُ	Groups of believers
گروهی جنایتکار	الطَّغَمَةُ الْخَائِنَةُ ، الْخَفْنَةُ	Group of criminals
گروه کرده	الْمُجْرِمَةُ الْمَقْفَلُ	Clenched
گزارش کلی	الْتَقْرِيرُ الْعَامُّ	General report
گزارش‌های بی‌اساس	الْتَقَارِيرُ الْمَفْرَغَةُ	Unfounded reports
گزارش‌های تأیید نشده	تَقْرِيرَاتٌ غَيْرُ مُؤَيَّدَةٍ	Unconfirmed reports
گزارش‌های رسمی و غیررسمی	الْتَقَارِيرُ الرَّسْمِيَّةُ وَ الْأَرْسَمِيَّةُ أَوْ تَقَارِيرُ غَيْرُ مُؤَيَّدَةٍ	Official and unofficial reports
گزارش‌های رسیده	الْتَقَارِيرُ الْوَاصِلَةُ	Dispatched reports
گزارش‌های متناقض	تَقَارِيرُ مُتَنَاقِضَةٌ	Contradictory reports
گسترش اسلام در منطقه	مَدُّ الْأِسْلَامِ فِي الْمِنْطَقَةِ	Expansion of Islam
گسترش دامنه انقلاب	تَوْسِيعُ دِيْقَاقِ الثَّوْرَةِ	Expansion of a revolution
گسترش دامنه جنگ	تَوْسِيعُ دِيْقَاقِ الْحَرْبِ	Expansion of war
گسترش صنایع دستی	تَوْسِيعُ الصَّنَاعَاتِ الْيَدَوِيَّةِ	Expansion of handicrafts
گسترش علاقه‌های برادرانه	تَوْسِيعُ الْعِلَاقَاتِ الْأَخَوِيَّةِ	Expansion of brotherly interests

Islamic expansion	مَدَّ اَلتَّيَّارِ اَلْاِسْلَامِيَّ	گسترش موج اسلامی
To break off the chains	كَحَطَّيْمُ اَلْفَيُودِ وَ اَلْسَّالِيسِ	گسستن زنجیرها
Political statement	اَلتَّعْلِيْقُ السِّيَاسِيُّ	گفتار سیاسی
Radio and television talk	مُقَابَلَةٌ اِذَاعِيَّةٌ دِلْفِزِیُونِيَّةٌ	گفتگوی رادیو تلویزیونی
Direct talks	مُفَاوَضَاتٌ مُبَاشَرَةٌ	گفتگوهای مستقیم
To mislead public opinion	تَضْلِيلُ اَلرَّايِ اَلْعَامِّ	گمراه ساختن افکار عمومی
To mislead the deprived	تَضْلِيلُ اَلْفِتْنَةِ اَلْمُسْتَضْعَفَةِ	گمراه کردن توده مستضعف
Unpardonable sin	خَطِيئَةٌ غَيْرُ مَعْفُوَّةٍ	گناه نابخشودنی
Witness	بَيِّنَةُ اِثْبَاتِ اَلْجُرْمِ وَ اَلْقِتَالِ	گواه و دلیل اثبات جرم
Pit dwellers	سُكَّانُ اَلْمَنَازِلِ اَلشَّعْبِيَّةِ	گودنشینان
Scenes from war fronts	زَاوِيَةٌ مِنْ اِحْدَى جِهَاتِ اَلْقِتَالِ	گوشه‌ای از جبهه‌های جنگ
Gradle of civilization	مَهْدُ اَلْحَضَارَةِ	گهواره تمدن
Involved in a war	غِمَارُ اَلْحَرْبِ ، مَعْمَعَةُ اَلْقِتَالِ	گیرودار جنگ
Information desk (counter)	شَبَّاكُ اَلْاَسْتِعْلَامَاتِ	کیشۀ اطلاعات

ل

فارسی	العَرَبِيّ	English
لا اله الا الله	أَتَهْلِيلُ (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)	<i>There is no God but Allah</i>
لاشه هواپيما	حُطَامُ الطَّائِرَةِ	<i>Crushed plane</i>
لانه جاسوسی	وَكُرَّ الْجَاسُوسِيَّةِ	<i>Den of spies</i>
لايحه اصلاحی	قَعْدِجِلُ اللَّائِحَةِ	<i>Amendment bill</i>
لايحه بازسازی نیروی انسانی	لَائِحَةُ بِنَاءِ الطَّاقَةِ الْإِنْسَانِيَّةِ	<i>Manpower reorganization bill</i>
لايحه تصویب شده	الْإِثْبَاتُ الْمَضَادُّ عَلَيْهَا	<i>Ratified bill</i>
لايحه جدید	الْإِثْبَاتُ الْجَدِيدَةُ	<i>New bill</i>
لايحه پاکسازی	قَائِمَةُ التَّنْظِيهِ	<i>Purging bill</i>
لايحه قصاص	لَائِحَةُ الْقِصَاصِ	<i>Retributive justice bill</i>
لایروبی کردن قنات ها	عَمَلِيَّةُ قَعْمِيقِ الْقَنَوَاتِ، كَرَكُ الْقَنَوَاتِ، كَسْنِظِيفِ الْقَنَوَاتِ	<i>Draining</i>
لباس های اسلامی	الْأَزْيَاءُ الْإِسْلَامِيَّةُ	<i>Islamic dresses</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
لبخند امیدواری	إِبْتِسَامَةُ الْأَمَلِ	Smile of hope
لبخند پیروزی	إِبْتِسَامَةُ الْأَذْتِصَارِ	Smile of victory
لبخند غرور آمیز	إِبْتِسَامَةُ الْفَخْرِ وَالْأَعْتِزَالِ	Smile of pride
لحظه پیروزی بزرگ	لَحْظَةُ الْأَذْتِصَارِ الْكَبَرِيِّ	Moment of victory
لرزاندن پایه‌ها	زَعَزَعَةُ الْأَسَاسِ، إِرْقَاعُ الْأَسَاسِ	Shake the foundations of
لشکر آزادی بخش (ارتش...)	جَيْشُ التَّحْرِيرِ	Liberation army
لشکر زرهی	الْفِرْقَةُ الْمُدْرَعَةُ	Armed division
لشکر کشی	تَسْيِيرُ الْجَيْشِ	Military invasion
لطف و عنایت الهی	الْعِنايةُ الْأَلْهِيَّةُ	Grace of God
لغزش زبان	فَلَتَةُ لِسَانٍ	Slip of the tongue
لغزش قلم	الْمَقَوَةُ، أَلْسَهُوُ	Slip of the pen
لغو امتیاز تنباکو	إِلْغَاءُ إِمْتِيَاذِ التَّنْبَاكِ	Abolishment of the tobacco
		Concession
لغو پیمان کاپیتولاسیون	إِلْغَاءُ إِتْفَاقِيَّةِ الْكَابِيتُولَاسِيُونِ	Abolishment of capitulation
لغو تمام پیمانها	إِلْغَاءُ جَمِيعِ الْإِتْفَاقِيَّاتِ	Abrogation of all treaties
لنگر گاه کشتی	مَرَسَى الْبُؤَاخِرِ	Harbor
لوازم زندگی	الْحَاجِيَّاتُ الْمُنَزِّلِيَّةُ	Necessaries of life
لوله‌های نفت	أَنْجَابِيْبُ الْبِتْرُولِ، أَنْجَابِيْبُ الْبَنْطِ	Oil pipes
لیاقت، شایستگی	الْجَدَارَةُ، الْكَفَاءَةُ	Competency

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Efficiency</i>	اَلْكَفَاءَةُ اَلذَاتِيَّةُ	لیاقت ذاتی و کاردانی
<i>Liberal</i>	اَللِّبَرَالِيَّةُ	لیبرالی
<i>Liberalist</i>	طَالِبُ اَلْحُرِّيَّةِ، لِيْبِرَالُ	لیبرالیست
<i>Liberalism</i>	اَلْحُرِّيَّةُ، لِيْبِرَالِيْزْمُ	لیبرالیسم
<i>Party leader</i>	رَعِيْمُ اَلْحِزْبِ	لیدر حزب
<i>Radical leaders</i>	اَلرُّعَمَاءُ اَلْمُتَسَارِفُونَ	لیدرهای افراطی (تندرو)
<i>Black list</i>	اَلْقَائِمَةُ اَلسَّوْدَاءُ	لیست سیاه

English	العربی	فارسی
<i>Bereaved mothers</i>	الأمهات المتعلی	مادران داغیده
<i>Brave mothers</i>	الأمهات الأبطال	مادران قهرمان
<i>Knowing nothing of politics</i>	مأثناو السیاسة	ما را چه به سیاست
<i>Extra income</i>	فائض الدخل	مازاد بر درآمد
<i>Anti-gas mask</i>	کمامة الغازات السامة	ماسک ضد گاز
<i>Propaganda machine</i>	آلة الدعاية	ماشین تبلیغاتی
<i>Free ownership</i>	امتلاك الحرية	مالکیت آزاد
<i>Private ownership</i>	الملکية الخاصة	مالکیت خصوصی
<i>Individual ownership</i>	الملکية الفردية	مالکیت فردی
<i>Income tax</i>	ضريبة الدخل	مالیات بر درآمد
<i>Public tax</i>	الضريبة العامة	مالیات عمومی
<i>Customs duties</i>	الرسوم الجمركية	مالیات گمرکی
<i>Exorbitant taxes</i>	الضرائب الباهظة	مالیاتهای گزاف و طاقت فرسا

English	العَرَبِيّ	فارسی
Relief workers	رِجَالُ الْتَّوَارِي	مأموران امداد
Security agents	رِجَالُ الْأَمْنِ	مأموران امنیتی
Policemen	رِجَالُ الشَّرْطَةِ	مأموران انتظامی
Life guards	رِجَالُ الْأَنْقَازِ	مأموران نجات غریق
Assigned to serve	الْمُنْتَخَبُ	مأمور خدمت
Divine mission	الرَّسَالَةُ السَّمَاوِيَّةُ	مأموریت الهی (تکلیف الهی)
Historic mission	الْمِهُمَّةُ التَّارِيخِيَّةُ	مأموریت تاریخی
Good-will mission	مِهُمَّةُ حُسْنِ النِّيَّةِ	مأموریت حسن نیت
Great mission	الْمِهُمَّةُ الْعَظِيمَةُ	مأموریت خطیر
Reconnaissance mission	الْمَأْمُورِيَّةُ الْأَسْطِطْلَاعِيَّةُ	مأموریت شناسائی
Ill-fated mission	الْمَأْمُورِيَّةُ الْفَاشِلَةُ	مأموریت نافرجام
Rescue team	مَأْمُورِيَّةُ الْأَنْقَازِ	مأموریت نجات
Administrative snag	الْعَاقِقُ الْأَدَارِي	مانع اداری
To hinder	الْعَرَقْلَةُ فِي الطَّرِيقِ	مانع برسر راه ایجاد کردن واشکال تراشی کردن،
To Obstruct		سنگ اندازی کردن
Sound barrier	الْحَاجِزُ الصَّوْتِي	مانع صوتی
To spring up like a mushroom	النَّمُو كَالْكُمَةِ	مانند قارچ روئیدن
Political manoeuvre	الْمُنَاوَرَةُ السِّيَاسِيَّةُ	مانور سیاسی
Military exercise	الْمُنَاوَرَةُ الْعَسْكَرِيَّةُ	مانور نظامی
Propaganda manoeuvre	الْمُنَاوَرَاتُ الدَّعَائِيَّةُ	مانورهای تبلیغاتی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مانورهای دریائی	اَلْمُنَاوَرَاتُ اَلْبَحْرِيَّةُ	Naval manoeuvre
ماوراء طبیعت	اَلْمِيتَافِيزِجِيَّةُ	Metaphysics
ماه خون و شهادت	شَهْرُ الدَّمِ وَالشَّهَادَةِ	Month of blood and martyrdom
ماه روزه	شَهْرُ الصِّيَامِ	Fasting month
ماهیت انقلاب	مَاهِيَّةُ اَلثَّوْرَةِ	Nature of a revolution
مایحتاج روزانه	اَلْمُسْتَلَزِمَاتُ اَلْيَوْمِيَّةُ	Daily requirements
مباحث بحث انگیز	اَلْبَحُوْثُ اَلْمُجَادِلَةُ	Controversial issues
مبادلات فرهنگی	اَلْمُبَادَلَاتُ اَلثَّقَافِيَّةُ	Cultural exchanges
مبادله آتش	تَبَادُلُ اِطْلَاقِ اَلنَّيِّرَانِ	Exchange of fire
مبادله نفت با اسلحه	مُقَابِلَةُ اَلنَّفْتِ بِاَلْأَسْلِحَةِ	Exchange of oil with weapons
مبارز	اَلْمُحَارِبُ، اَلْمُقَاتِلُ، اَلْمُنَاضِلُ، اَلْمُتَنَافِحُ	Militant
مبارزات برحق	اَلْمُتَنَافِحَاتُ اَلشَّرْعِيَّةُ	Rightful struggles
مبارزات تاریخ ساز	مُتَنَافِحَاتُ صَانِعِي اَلتَّارِيخِ	Epoch-making struggles
مبارزات طبقاتی	اَلْمُتَنَافِحَاتُ اَلطَّبَقِيَّةُ	Class struggles
مبارزان جان باز	اَلْمُنَاضِلُونَ اَلْمُضِحُّونَ	Self-sacrificing combatants
مبارزان مسلمان	اَلْمُقَاتِلُونَ اَلْمُسْلِمُونَ	Muslim combatants
مبارزه با تورم	مُتَنَافِحَةُ اَلتَّخَفُّمِ اَلْمَالِيِّ	Campaign against inflation
مبارزه با دشمن	مُقَاوَمَةُ اَلْعَدُوِّ، مُحَارَبَةُ اَلْعَدُوِّ	Fighting with enemies

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مبارزه با فحشا	مُحَاوَفَةُ الْبَغْيَاءِ	Campaign against prostitution
مبارزه با فساد	مُحَارَبَةُ الْفَسَادِ	Campaign against corruption
مبارزه با گران فروشی	مُحَاوَفَةُ الْغَلَاءِ	Campaign against over-charging
مبارزه با مواد مخدر	مُحَاوَفَةُ الْأَدْمَانِ عَلَى الْمُخَدَّرَاتِ	Anti-narcotic campaign
مبارزه بر سر قدرت	الْمُحَاوَفَةُ لِلْقُدْرَةِ	Power struggle
مبارزه بی امان	الْمُحَاوَفَةُ الَّتِي لَا تَمْلَأُ	Restless struggle
مبارزه پی گیر و سخت	الْمُحَاوَفَةُ الْمَرْدِيَّةُ، الْقِتَالُ الْعَنِيفُ	Continuous and hard struggle
مبارزه تاریخی	الْمُحَاوَفَةُ التَّارِيخِيَّةُ	Historic struggle
مبارزه تا سرحد پیروزی	الْمُحَاوَفَةُ حَتَّى النَّصْرِ	Struggle to achieve victory
مبارزه تبلیغاتی	حَمْلَةُ الدَّعَايَةِ	Propaganda campaign
مبارزه تن به تن	مُحَاوَفَةُ الشَّخْصِ بِالشَّخْصِ قِتَالُ بِلِلْسَالِحِ الْأَبْيَضِ	Hand-to-hand battle
مبارزه خیابانی	حَرْبُ الشُّوَارِعِ	Street clash
مبارزه خونین	دِيْضَالٌ دَائِمِيٌّ	Bloody struggle
مبارزه ضد استعماری	دِيْضَالٌ ضِدَّ الْأَسْتِعْمَارِ	Anti-colonialist struggle
مبارزه طولانی	الْمُحَاوَفَةُ الطَّوِيلُ	Long struggle
مبارزه قهر آمیز	الْمُحَاوَفَةُ الْعَنِيفَةُ	Fierce battle
مبارزه قهرمانانه	الْمُحَاوَفَةُ الْبَطُولِيَّةُ، الْكِفَاحُ مِنْ أَعْمَالِ الْأَبْطَالِ	Heroic struggle

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مبارزه مرگ و زندگی	مُتَافِئَةُ اَلْمَمَاتِ وَ اَلْحَيَاةِ	Life and death struggle
مبارزه مسلحانه	اَلتِّفَاحُ اَلْمَسْلُحُ	Armed struggle
مبارزه مشترک	اَلتِّصَالُ اَلْمُشْتَرَكُ	Joint struggle
مبارزه مقدس	اَلتِّفَاحُ اَلْمَقْدَسُ	Sacred struggle
مبارزین راه آزادی	اَلْمُتَافِحُونَ فِی سَبِيلِ اَلْحُرِّيَّةِ	Freedom fighters
مبارزین قهرمان	اَلْمُتَنَاضِلُونَ اَلْبَوَاسِلُ ، اَلْمُتَنَاضِلُونَ اَلْاَدِّطَالُ	Brave combatants
مبارزین گمنام	اَلْمُتَنَاضِلُونَ مَجْهُوּوُ اَلْاَسْمِ	Unknown combatants
مبارک باد	هَنْبِئاً لَكَ	Congratulations
مبانی دین حنیف	مَبَادِیْ اَلدِّیْنِ اَلْحَنِیْفِ	Foundations of a religion
مبتلایان هروئین	مُتَعَاظُو اَلْهَرُوئِیْنِ	Heroin addicts
مبلغ مسلمان	اَلْوَاغِظُ اَلْمُسْلِمُ	Muslim missionary
مبلغ هنگفت پول	اَلْمَبْلَغُ اَلْجَسِیمُ مِنْ اَلْعَمَلَةِ اَلرَّادِجَةِ	Colossal amount of money
مبلغین اسلام	مُبَلِّغُو اَلْاِسْلَامِ	Missionaries of Islam
متارکه جنگ	اَلْهَدْنَةُ ، مُتَارَكَةُ اَلْحَرْبِ	Armistice - truce
متحدین آمریکائی	اَلْمُؤْتَلِفُونَ مَعَ اَمْرِیْکَا ، اَلْمُؤْتَلِفُونَ اَلْاَمْرِیْکِیُّوْنَ	American allies
متحصن شدن	اَلْاَعْتِصَامُ	To take refuge
متروی زیرزمینی	اَلْقِطَارُ اَلْبَاطِنِیُّ	Underground(subway)
متزلزل ساختن پایه های حکومت	تَقْوِیْضُ اَرْکَانِ اَلْحُکُومَةِ	To shake the foundations of a government

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
متمايل به غرب	مَائِلٌ اِلَى الْغَرْبِ	Pro- western
متن رسمی	النَّصُّ الرَّسْمِيُّ	Official text
متن قانون اساسی	مَتْنُ الدَّسْتُوْرِ	Constitutional text
متوقف ساختن آتش جنگ	اِخْمَادُ نَارِ الْحَرْبِ	To stop a war
متوقف ساختن استخراج نفت	اِيقَافُ نَزْرِيفِ الْبِتْرُولِ	To stop oil exploitation
متوقف ساختن افزایش قیمتها	اِيقَافُ الزِّيَادَةِ فِي الْأَسْعَارِ	To stop price hike
متوقف ساختن انقلاب	اِيقَافُ الثَّوْرَةِ	To stop a revolution
متوقف ساختن صدور نفت	اِيقَافُ تَصْدِيرِ الْبِتْرُولِ	To stop oil exportation
متین و با وقار	الرَّزِيقُ الْوَقُورُ، ذُو هَيْبَةٍ، مَبِيبٌ	Firm
مجازات اعدام	عُقُوبَةُ الْأَعْدَامِ، الْحَكْمُ بِالْأَعْدَامِ	Execution
مجازات های اقتصادی	الْعُقُوبَاتُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	Economic sanctions
مجامع علمی	التَّجَمُّعَاتُ الْعِلْمِيَّةُ، الْمَجَامِعُ الْعِلْمِيَّةُ، النَّوَادِي الْعِلْمِيَّةُ	Scientific societies
مجاهد نستوه	الْمُجَاهِدُ الْمُنَاضِلُ	Untiring mujahid (freedom fighter)
مجاهدین اسلام	مُجَاهِدُو الْأِسْلَامِ	Mujahids of Islam
مجاهدین انقلاب اسلامی	مُجَاهِدُو الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	Mujahids of the Islamic revolution
مجتمع صنایع پتروشیمی	مُجَمَّعُ صَنَائِعِ الْبِتْرُولِ الْكِيْمَاوِيِّ	Petrochemical comelex

فارسی	العربی	English
مجتهدین	الْمُجْتَهِدُونَ	Jurisprudents
مجد درخشان	الْمَجْدُ الرَّفِيعُ	Glorious dignity
مجروح شدن . . .	إِصَابَةُ الْأَذْطَالِ	To be injured
	بِجُرُوحٍ	
مجروحان	الْمُصَابُونَ، الْجَرَحَى	Injured people
مجروحین جنگ	جَرَحَى الْحَرْبِ	War victims
مجلس باشکوه	الْأَحْتِفَالُ الضَّخْمُ	Glorious ceremony
مجلس خبرگان	مَجْلِسُ الْفُقَهَاءِ	Assembly of experts
مجلس شورای اسلامی	مَجْلِسُ الشُّورَى الْإِسْلَامِيَّةِ	Islamic consultative assembly
مجلس قانونگزاری	مَجْلِسُ تَشْرِيعِ الْقَوَانِينِ	Legislative assembly
مجلس ملی	الْمَجْلِسُ الْوَطَنِيُّ	National assembly
مجمع عمومی سازمان ملل متحد	الْجَمْعِيَّةُ الْعَامَّةُ لِلْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ	General council of U.N
مجموعه های مسکونی	الْمَجْمُوعَاتُ السَّكْنِيَّةُ	Residential complexes
محارب با خدا	مُحَارِبٌ مَعَ اللَّهِ	Warring against God
محارب با خدا و رسول خدا	الْمُحَارِبُ بِإِلَهِهِ وَرَسُولِهِ	Warring against God and his prophet
محاصره اقتصادی	الْحَصَارُ الْأَقْتِصَادِيُّ	Economic sanctions
محاصره لانه جاسوسی	حِجْزُ وَكْرِ التَّجَسُّسِ	To seize a spy den
محافل ادبی	الْأَوْسَاطُ الْأَدَبِيَّةُ	Literary circles
محافل بین المللی	الْأَوْسَاطُ الدَّوْلِيَّةُ	International circles

فارسی	العَرَبِيّ	English
مخافل سیاسی	أَلْوَسَاطُ السِّيَاسِيَّةِ	Political circles
محاكمه گروگانها	مُحَاكَمَةُ الرِّهَائِنِ	Hostages' trial
محاكمه علنی	مُحَاكَمَةُ عَلَنِيَّة	Open trial
محدود کردن قیمت‌ها	تَحْدِيدُ الْأَسْعَارِ	To limit prices
محدود کردن مسابقه تسلیحاتی	أَلْحَدَمِنْ سِبَاقِ التَّسَلُّحِ	To limit an arms race
محدود کردن نرخ کالا	تَحْدِيدُ أَسْعَارِ السِّلَعِ	To limit the prices of commodities
محراب	الْمِحْرَابُ	Altar
محرمانه	مَحْظُورٌ	Confidential
محصولات صنعتی	الْأَدْتِاجَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ، الْمَنْتُوجَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ	Industrial products
محصولات کشاورزی	الْمَحَاصِيلُ الزَّرَاعِيَّةُ	Agricultural produce
محصول سالانه	الْإِتِّجَاعُ السَّنَوِيُّ	Annual product
محکم کردن جای پا	تَحْكِيمُ مَوْطِئِ الْقَدَمِ	To strengthen a foot hold
محکم و بادوام	الْمُتَبِينُ وَطَوِيلُ الْأَسْتِمْهَالِ	Strong and durable
محکوم بزوال	الْمَحْكُومُ بِالْفَنَاءِ	Domed to destruction
محل سکونت	مَكَانُ الْأَقَامَةِ، أَلَسْكَنُ	Residence
محل کنگره	مَحَلُّ الْكُنْجَرِسِ، مَكَانُ الْمُؤَقَمَرِ	Venue for a congress
محله فقیرنشین	حَيِّ لِّلْفُقَرَاءِ فِي الْمَدِينَةِ	Slum
محله‌های قدیمی	الْأَحْيَاءُ الشَّعْبِيَّةُ	Ancient districts
محیط آرام	الْبُجُوءُ الْهَادِئُ	Serene atmosphere
محیط اجتماعی	الْبَيْئَةُ الْأَجْتِمَاعِيَّةُ	Social atmosphere

English	العَرَبِيَّة	فارسی
<i>Almosphere of terror and fear</i>	جَوُّ الْأَغْتِيَالِ وَالْأَرْهَابِ	محیط ترور و وحشت
<i>Oppressive atmosphere</i>	الْجَوُّ الْخَافِقُ	محیط خفقان آور
<i>Friendly atmosphere</i>	جَوُّ الْأَخَاءِ وَالْمَحَبَّةِ	محیط دوستانه
<i>Environment</i>	الْمَبِئْثَةُ الْحَيَوِيَّةُ	محیط زیست
<i>Healthy environment</i>	الْمُحِيطُ السَّالِمُ	محیط سالم
<i>Warm and friendly atmosphere</i>	جَوُّ وَدِّي وَهَادِي	محیط گرم و صمیمی
<i>Ardent opponent</i>	مُناهِضَةٌ قَوِيَّةٌ	مخالفت سرسخت
<i>Political correspondent</i>	الْمُخْبِرُ السِّيَاسِيُّ، الْمُرَاسِلُ السِّيَاسِيُّ	مخبر سیاسی
<i>Foreign correspondents</i>	الْمُرَاسِلُونَ الْأَجَانِبُ	مخبرین خارجی
<i>Inventors and craftsmen</i>	الْمُبْدِعُونَ وَالْمُبْتَكَرُونَ	مخترعین و صنعتگران
<i>Direct intervention</i>	الْتِدْخُلُ الْمُبَاشِرُ	مداخله مستقیم
<i>Military intervention</i>	الْتِدْخُلُ الْعَسْكَرِيُّ	مداخله نظامی
<i>Rural schools</i>	الْمَدَارِسُ الرِّيفِيَّةُ	مدارس روستائی
<i>Educational qualifications</i>	الْمَوْهَلَاتُ الْعِلْمِيَّةُ، الْوُكُلَاتُ الْدِّرَاسِيَّةُ	مدارك تحصیلی
<i>Defenders of the Islamic Republic</i>	الْمُدَافِعُونَ عَنِ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ	مدافعین جمهوری اسلامی
<i>Treatment of patients</i>	مُعَالَجَةُ الْمَرْضَى	مداوای بیماران
<i>Social worker</i>	الْمُسَاعِدُ الْأَجْتِمَاعِيُّ	مددکار اجتماعی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مدرسه بین‌المللی	اَلْمَدْرَسَةُ اَلدَّوْلِيَّةُ	International school
مدرسه علمی	اَلْمَدْرَسَةُ اَلْعِلْمِيَّةُ	Theological school
مذاکرات اصولی	اَلْمُحَادَثَاتُ اَلْأُصُولِيَّةُ	Fundamental negotiations
مذاکرات خشونت آمیز	اَلْمُنَاقَشَاتُ اَلْحَامِيَّةُ وَاَلْحَادَّةُ	Unfriendly talks
مذاکرات دوستانه	اَلْمُحَادَثَاتُ اَلْوَدِّيَّةُ	Friendly talks
مذاکرات سیاسی	اَلْمُفَاوَضَاتُ اَلسِّيَاسِيَّةُ	Political negotiations
مذاکرات صلح	مُحَادَثَاتُ اَلسَّلَامِ	Peace talks
مذاکرات مربوط به خلع سلاح	مُحَادَثَاتُ تَرْعِ اَلسَّلَاحِ	Disarmament talks
مذاهب توحیدی	اَلْمَذَاهِبُ اَلْمَوْحِدَةُ	Monotheistic religions
مذاهب رسمی	اَلْمَذَاهِبُ اَلرَّسْمِيَّةُ	Official religions
مراسم بدرقه رسمی	مَرَامِسُ اَلتَّوْدِيْعِ اَلرَّسْمِيِّ	Official escort
مراسم تحلیف	اَلْيَمِينُ اَلدُّسْتُورِيّ، قَادِيَّةُ	Oath - taking
	اَلْيَمِينِ اَلدُّسْتُورِيّ	ceremony
مراسم تدفین، مراسم خاکسپاری	مَرَامِسُ اَلدَّفْنِ	Burial ceremony
مراسم تعزیه	مَرَامِسُ اَلتَّعْزِيَّةِ	Religious play
مراسم حج	مَرَامِسُ اَلْحَجِّ	Hajj rituals
مراسم سوگند	مَرَامِسُ اَلْأَحْتِفَالِ	Oath-taking Ceremonies
مراسم ویژه	اَلْمَرَامِسُ اَلْخَاصَّةُ	Special ceremonies
مراسم یادبود	مَرَامِسُ اَلذِّكْرِ	Memorial services
مراعات امور دینی	رِعَايَةُ اَلشُّؤُونِ اَلدِّيْنِيَّةِ	To perform religious duties
مراقبت دائمی	اَلْمُوَاطَّئَةُ اَلدَّائِمِيَّةُ	Constant surveillance

فارسی	العربی	English
مراقبت شدید	اَلْمَوَاطِنَةُ اَلْمُرَكَّزَةُ	<i>Intensive care</i>
مراکز بسیج	مَرَاكِزُ اَلتَّعْبِيَةِ	<i>Mobilization centers</i>
مراکز تولید	مَرَاكِزُ اَلْاِدْتِاجِ	<i>Producing centers</i>
مراکز جمع خیرات	مَرَاكِزُ جَمْعِ اَلتَّبَرُّعَاتِ	<i>Centers for gathering donations</i>
مراکز درمان	اَلْمَرَاكِزُ اَلصِّحِّيَّةُ	<i>Treatment centers</i>
مراکز کارآموزی	مَرَاكِزُ اَلتَّدْرِيبِ اَلْمِهْنِيِّ	<i>Apprenticeship centers</i>
مراکز گسترش فنی	مَرَاكِزُ اَلتَّطْوِیرِ اَلْفَنِيِّ	<i>Expansion centers</i>
مرتجع - ارتجاعی	اَلرَّجْعِيُّ	<i>Reactionary</i>
مرتکب جنایت شدن	اِرْتِكَابُ اَلْجَرِیْمَةِ	<i>To commit crimes</i>
مرجع تقلید	مَرْجِعُ اَلتَّقْلِیدِ، اَلْمَرْجِعُ اَلْاَعْلٰی	<i>Islamic authority</i>
مرجع دینی	اَلْمَرْجِعُ اَلدِّیْنِیُّ	<i>Religious Scholar</i>
مرحله آمادگی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلتَّحْضِیْرِیَّةُ	<i>Preparatory stage</i>
مرحله اجرایی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلتَّنْفِیْذِیَّةُ	<i>Executive stage</i>
مرحله اساسی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلْاَسَاسِیَّةُ	<i>Fundamental stage</i>
مرحله انتقالی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلْاَدْتِمَالِیَّةُ	<i>Transitional stage</i>
مرحله بحرانی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلْمُتَآزِمَةُ اَوِ الْعَصِیْبَةُ (اَلْحَرَجَةُ)	<i>Crucial phase</i>
مرحله جدید تاریخی	اَلْمَرْحَلَةُ اَلتَّارِیْخِیَّةُ اَلْجَدِیْدَةُ	<i>New historic phase</i>
مرحله حساس	اَلْحَالَةُ اَلْمَوْلِیَّةُ، اَلْمَرْحَلَةُ اَلنَّهَآئِیَّةُ	<i>Sensitive phase</i>

فارسی	العربی	English
مرحله سازندگی	مَرَحَلَةُ الْبِنَاءِ، مَرَحَلَةُ الْأَعْمَارِ	Constructive phase
مردان جنگجو	الرِّجَالُ الْمُقَاتِلُونَ	Warriors
مردان قورباغه‌ای	الضَّفَادِعُ الْبَشَرِيَّةُ	Frogmen
مرد فوق العاده	الرَّجُلُ الْفَدَا، الرَّجُلُ الْنَادِرُ	Extra-ordinary man
مرد شماره یک	الرَّجُلُ الرَّعِيْلُ الْأَوَّلُ	Number-one Person
مردم آزادیخواه	الْجَمَاهِيرُ الطَّالِبَةُ لِلْحُرِّيَّةِ	Freedom seekers
مرد مبارز	الرَّجُلُ الْمُتَمَارِحُ، الرَّجُلُ الْمُتَاَصِلُ	Combatant
مردم بی‌دفاع	الْجَمَاهِيرُ الْأَبْرِيَاءُ، النَّاسُ الْعَزَلُ	Defenseless people
مردم بی‌گناه	الشَّعْبُ النَّزِيه، النَّاسُ الْأَبْرِيَاءُ	Innocent people
مردم جنگ‌زده	الْأَفْرَادُ الْمُنَكُوبُونَ بِالْحَرْبِ	War-stricken people
مردم زحمت‌کش	الشَّعْبُ الْمُتَمَارِحُ	Working men
مردم شایسته	الشَّعْبُ الْأَلْفِقُ، النَّاسُ الْمُسْتَحَقُّونَ	Competent individuals
مردم شریف	الشَّعْبُ النَّبِيلُ، الشَّعْبُ الْأَصِيلُ، الشَّعْبُ الْأَبْيُّ	Noble people
مردم فقرزده	النَّاسُ الْمُصَابُونَ بِالْفَقَةِ	Poverty-stricken people
مردم قهرمان	الشَّعْبُ الْبَاطِلُ	Heroic people
مردم کم‌درآمد	النَّاسُ ذُو الدَّخْلِ الْمُنْخَفِضِ	Low-income people

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
مردم محروم مستضعف	الْأَنسَاسُ الْمَحْرُومُونَ، الشَّعْبُ الْمُسْتَضْعَفُ	Deprived people
مردن از گرسنگی	الْمَوْتُ جَوْعاً وَدُؤْساً	To starve
مردن زیر شکنجه	الْمَوْتُ تَحْتَ التَّعْذِيبِ	To die under a torture
مرزبانان	رِجَالُ الْحُدُودِ	Border guards
مرزهای آبی	الْحُدُودُ الْمَائِيَّةُ	Water border
مرزهای جغرافیایی	الْحُدُودُ الْجُغْرَافِيَّةُ	Geographical borders
مرزهای غربی	الْحُدُودُ الْغَرْبِيَّةُ	Western border
مرزهای مشترک	الْحُدُودُ الْمُشْتَرَكَةُ	Common border
مرکز اسلامی	الْمَرْكَزُ الْإِسْلَامِيُّ	Islamic center
مرکز اسناد	مَرْكَزُ الْأَوْثَاقِ	Documents' center
مرکز اسناد ملی	مَرْكَزُ الْأَوْثَاقِ الْوَطَنِيَّةِ	National documents' center
مرکز بازداشت	مَرْكَزُ التَّوْقِيفِ	Detention center
مرکز بررسی قیمت‌ها	مَرْكَزُ دِرَاسَةِ الْأَسْعَارِ	Center for investigating prices
مرکز بسیج اقتصادی	مَرْكَزُ التَّعْيِيشَةِ	Economic mobilization
	الْاِقْتِصَادِيَّةِ	center
مرکز بسیج مستضعفین	مَرْكَزُ تَعْيِيشَةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ	Mostazaafin mobilization center
مرکز تجارت	مَرْكَزُ التِّجَارَةِ	Commercial center
مرکز تصمیم‌گیری	مَرْكَزُ إِقْتِضَادِ الْقَرَارَاتِ	Decision - making center
مرکز توزیع	مَرْكَزُ التَّوْزِيعِ	Distribution center

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مرکز توطئه	مَرْكَزُ اَلْمُؤَامَرَةِ	Center of conspiracy
مرکز جاسوسی	مَرْكَزُ اَلتَّجَسُّسِ	Spy center
مرکز جذب نیرو	مَرْكَزُ اِسْتِقْطَابِ اَلْقُدْرَاتِ	Man Power attraction center
مرکز جوانان	مَرْكَزُ اَلشَّبَابِ	Youths' center
مرکز درمان و کمک	مَرْكَزُ اَلْعِلَاجِ وَ اَلْاُسْعَافِ	Relief and treatment center
مرکز سیاسی و ایدئولوژی	اَلْمَرْكَزُ اَلسِّيَاسِي وَ اَلْاَيْدِيُولُوْجِي	Politico-ideological center
مرکز شهر	مَرْكَزُ اَلْمَدِينَةِ	Down town
مرکز فحشا	مَرْكَزُ اَلدَّعَاةِ	Center of prostitution
مرکز فساد	مَرْكَزُ اَلْفُجُورِ، مَرْكَزُ اَلْفَسَادِ	Corruption center
مرکز قدرت	مَرْكَزُ اَلْقُوَّةِ	Center of power
مرکز مطالعات دینی	مَصْلَحَةُ اَلدِّرَاسَاتِ اَلدِّيْنِيَّةِ	Theological center
مرکز نشر دانشگاهی	مَرْكَزُ اَلنَّشْرِ اَلْجَامِعِيِّ	University publications Center
مرکز نمایشگاههای ایرانی	مَرْكَزُ اَلْمَعَارِضِ اَلْاِيْرَانِيَّةِ	Center of Iranian exhibitions
مرگ سیاسی	اَلْمَوْتُ اَلسِّيَاسِيُّ	Political death
مرگ بر	اَلْمَوْتُ عَلَيَّ، لَيْسَقُطْ، اَلْمَوْتُ لِ...	Down with
مرگ حق است	اَلْمَوْتُ حَقٌّ	Death is inevitable
مرگ نابهنگام	اَلْمَوْتُ فِيْ غَيْرِ وَقْتِهِ، اَلْمَوْتُ فِيْ غَيْرِ اَوَانِهِ، اَلْمَوْتُ فِيْ غَيْرِ مَحَلِّهِ	Untimely death

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مرگ ناگهانی	اَلْمَوْتُ فُجَاءَةً	<i>Sudden death</i>
مرگ و میر	اَلْمَوْتُ وَالْفَنَاءُ	<i>Fatality</i>
مزایا و حقوق	اَلْمُخَصَّصَاتُ وَالرَّوَاتِبُ	<i>Bonuses and salaries</i>
مزدوران داخلی و خارجی	اَلْعَمَلَاءُ وَالْمُرْتَزَقَةُ اَلْمَحَلِّيُونَ وَالْأَجَانِبُ	<i>Domestic and foreign mercenaries</i>
مزدوران شرق و غرب	عَمَلَاءُ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ	<i>Western and Eastern mercenaries</i>
مزدور خائن	اَلْعَمِيلُ الْخَائِنُ	<i>Treacherous mercenary</i>
مزدور فراری	اَلْعَمِيلُ اَلْمَهْرُومُ	<i>Fugitive mercenary</i>
مزدور کافر	اَلْعَمِيلُ الْكَافِرُ	<i>Infidel mercenary</i>
مژده‌های خوب	اَلْبَشَائِرُ اَلْخَيْرِيَّةُ، اَلْبَشَائِرُ اَلْحَسَنَةُ	<i>Good news</i>
مسائل اجتماعی	اَلْمَسَائِلُ اَلْاجْتِمَاعِيَّةُ	<i>Social problems</i>
مسائل اساسی	اَلْقَضَا اَلْاَسَاسِيَّةُ	<i>Fundamental problems</i>
مسائل بین المللی	اَلْقَضَا اَلدَّوْلِيَّةُ	<i>International problems</i>
مسائل جاری	اَلْقَضَا اَلْجَارِيَّةُ	<i>Carrent problems</i>
مسائل سیاسی	اَلْقَضَا اَلْسِيَاسِيَّةُ	<i>Political problems</i>
مسائل گروهی و حزبی	اَلْمَسَائِلُ اَلْجَمَاعِيَّةُ وَالْحِزْبِيَّةُ	<i>Party problems</i>
مسائل منطقه‌ای	اَلْمَسَائِلُ اَلْاَقْلِيمِيَّةُ	<i>Regional problems</i>
مسائل موجود	اَلْقَضَا اَلْمَوْجُودَةُ	<i>Existing problems</i>
مسائل نظامی مشترک	اَلْمَسَائِلُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ اَلْمُشْتَرَكَةُ	<i>Common military problems</i>
مسابقه تسلیحاتی	سَبَاقُ اَلتَّسَلُّحِ	<i>Arms race</i>

فارسی	العَرَبِيّ	English
مسابقه قرائت قرآن	سَبَاقُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، مُبَارَاةُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ	<i>Quranic recitation competition</i>
مسابقه وحشتناك تسليحاتی	سَبَاقُ التَّسَلُّحِ الرَّهِيْبِ	<i>Horrible arms race</i>
مسأله بیکاری	قَضِيَّةُ الْبِطَالَةِ	<i>Unemployment problem</i>
مسافرت فضایی	السَّفَرُ الْفَوْقِيّ	<i>Space travel</i>
مسالمت آمیز	السَّلَامِيّ، الْمُسَالِمُ	<i>Peaceful</i>
مسأله روز	حَدِيثُ السَّاعَةِ، قَضِيَّةُ السَّاعَةِ	<i>Present Problem</i>
مسأله قبیله ای	مَسْأَلَةُ طَائِفِيَّةٍ	<i>Tribal problems</i>
مسأله قدس	قَضِيَّةُ الْقُدْسِ	<i>Quods' problem</i>
مسأله گروگانها	مَسْأَلَةُ الرِّهَانِ	<i>Hostages' Issue</i>
مسأله مرگ و زندگی	مَسْأَلَةُ الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ	<i>Matter of life and death</i>
مسئولیت را بعده گرفتن	قَوْلِي الْمَهْمَةِ، قَوْلِي الْمَسْئُولِيَّةِ	<i>To assume responsibility</i>
مسئولین زندان	مَسْئُولُو السِّجْنِ	<i>Prison authorities</i>
مستشاران نظامی	الْمُسْتَشَارُونَ الْعَسْكَرِيُّونَ	<i>Military advisors</i>
مستضعفین	الْمُسْتَضْعَفُونَ	<i>Deprived people</i>
مستکبرین	الْمُسْتَكْبِرُونَ	<i>Oppressors</i>
مسخ عقاید	مَسْخُ الْعَقَائِدِ	<i>Metamorphosis of ideas</i>
مسدود کردن حسابها	تَجْمِيدُ الْحَسَابِ	<i>To freeze accounts</i>
مسدود کردن دارائیهها	تَجْمِيدُ الثَّرْوَةِ	<i>To freeze assets</i>
مسلح به الله اکبر	الْمُسَلَّحُ بِعِلْمِهِ اللَّهُ أَكْبَرُ	<i>Armed with Allah-o-Akbar</i>
مسلح به چماق	الْمُسَلَّحُ بِالْعَصَا وَالْعَبْدَانِ	<i>Armed with a stick</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مسلح تا دندان	اَلْمُسَلَّحُ حَتَّى اَلْاَسْنَانِ	Armed to the teeth
مسلسل های سنگین و سبک	اَلْمُدَافِعُ اَلرَّشَاشَةُ اَلثَقِيْلَةُ وَالْخَفِيْفَةُ	Heavy and light machine-guns
مسلمانان مبارز	اَلْمُسْلِمُوْنَ اَلْمُنَاضِلُوْنَ	Muslim combatants
مسلمانان قشری	اَلْمُسْلِمُوْنَ اَلْمَتَعَصِّبُوْنَ، اَلْمُسْلِمُوْنَ اَلْمُغَالُوْنَ فِي الدِّيْنِ	Dogmatic muslims
مسلمانان مظلوم	اَلْمُسْلِمُوْنَ اَلْمُضْطَّهَدُوْنَ	Oppressed muslims
مسلمان متعهد	اَلْمُسْلِمُ اَلْمُلْتَزِمُ	Committed muslim
مسلمان واقعی	اَلْمُسْلِمُ اَلْوَاقِعِيُّ	True muslim
مسئولیت تاریخی	اَلْمَسْئُوْلِيَّةُ اَلتَّارِيْخِيَّةُ	Historic mission
مسئولیت های اجتماعی	اَلْمَسْئُوْلِيَّاتُ اَلْاِجْتِمَاعِيَّةُ	Social responsibilities
مسیر جنگ در آینده	مَجْرَى اَلْحَرْبِ فِي اَلْمُسْتَقْبَلِ	Course of a war
مسیر راه پیمایی (پیاده)	عَلَى اَلْاَقْدَامِ	March route
مسیر واقعی	اَلْمَسِيْرُ اَلْوَاقِعِيُّ	Real course
مشاجره تلویزیونی	مُشَادَّةٌ قِلْفَزِيُوْدِيَّةٌ	Television debate
مشاجره سخت	اَلْمُشَادَّةُ اَلْحَادَّةُ	Hard debate
مشارکت توده مردم	مُشَارَكَةُ عَامَّةِ اَنْجَاءِ اَلشَّعْبِ	Participation of people
مشاور اقتصادی	اَلْمُسْتَشَارُ اَلْاِقْتِصَادِيُّ	Economic advisor
مشاور امور اجرایی	اَلْمُسْتَشَارُ فِي اَلشُّؤْنِ اَلتَّنْفِيْذِيَّةِ	Advisor in executive affairs
مشاوران بیگانه	اَلْمُسْتَشَارُوْنَ اَلْاَجَانِبُ	Foreign advisors

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مشاور حقوقی	اَلْمُسْتَشَارُ اَلْحُقُوقِيُّ	Legal advisor
مشاور سیاسی	اَلْمُسْتَشَارُ اَلْسِّيَاسِيُّ	Political advisor
مشاور عالی	اَلْمُسْتَشَارُ اَلْاَعْلَى	Top advisor
مشاور فرهنگی	اَلْمُسْتَشَارُ اَلثَّقَافِيُّ	Cultural advisor
مشاور مطبوعاتی	اَلْمُشَاوِرُ اَلصَّحَفِيُّ، اَلْمُسْتَشَارُ اَلصَّحَفِيُّ	Press advisor
مشایعت کنندگان	اَلْمَوَدَّعُونَ	Companions
مشتاق شهادت	اَلْمُشْتَقُّ لِلشَّهَادَةِ	Desirous of martyrdom
مشرک - کافر	اَلْمُشْرِكُ، اَلْكَافِرُ	Infidel
مشروطه	اَلنِّظَامُ اَلدِّسْتُورِيّ	Constitution
مشکلات اقتصادی و سیاسی	اَلْمَشَاكِلُ اَلْاِقْتِصَادِيَّةُ وَ اَلْسِّيَاسِيَّةُ	Economic problems
مشکلات پیچیده	اَلْمَشَاكِلُ اَلْمُعَقَّدَةُ	Complicated problems
مشکلات حاد	اَلْمَشَاكِلُ اَلْحَادَةُ	Abtruse problems
مشکلات خانوادگی	اَلْمَشَاكِلُ اَلْعَائِلِيَّةُ	Family problems
مشکلات زیاد	اَلصُّعُوبَاتُ اَلْجَمَّةُ	Enormous problems
مشکلات سیاسی و اجتماعی	اَلْمَشَاكِلُ اَلْسِّيَاسِيَّةُ وَ اَلْاُجْتِمَاعِيَّةُ	Political and social problems
مشکلات منطقه‌ای	اَلْمَشَاكِلُ اَلْاَقْلِيمِيَّةُ	Regional problems
مشکل بی‌سوادی	مُشْكِلةُ اَلْاُمِّيَّةِ	Problem of illiteracy
مشکل بیکاری	مُشْكِلةُ اَلْبِطَالَةِ	Problem of unemployment
مشکل تورم	مُشْكِلةُ اَلتَّضَخُّمِ	Problem of inflation

<i>Closed-door consultations</i>	اَلْمُشَاوَرَاتُ وَرَاءَ الْأَبْوَابِ اَلْمُغْلَقَةِ	مشاورتهای پشت درهای بسته
<i>Divine will</i>	مَشِيئَةُ اللَّهِ	مشیت الهی
<i>War calamities</i>	وَيَالَاتُ الْحَرْبِ، مَصَائِبُ الْحَرْبِ	مصائب جنگ
<i>Exclusive inteiview</i>	اَلْحَدِيثُ الْخَاصُّ	مصاحبه اختصاصی
<i>Press conference</i>	اَلْحَدِيثُ اَلصَّحْفِيُّ، اَلْمُقَابَلَةُ اَلصَّحْفِيَّةُ	مصاحبه مطبوعاتی
<i>Confiscation of houses</i>	مُضَادَرَةُ اَلْعِمَارَاتِ اَلسَّكَنِيَّةِ	مصادره خانههای مسکونی
<i>To confiscate</i>	حَجَزَ اَلْأَمْوَالَ، مُضَادَرَةُ اَلْأَمْوَالِ	مصادره کردن اموال
<i>properties</i>		
<i>Interests of oil</i>	مَصَالِحُ اَلدَّوْلِ اَلْمُضَدَّرَةِ لِلنَّفْطِ	مصالح دولت های صادر کننده نفت (منافع)
<i>exporting countries</i>		
<i>Religious interests</i>	اَلْمَصَالِحُ اَلدِّينِيَّةُ	مصالح دینی
<i>Personal interests</i>	اَلْمَصَالِحُ اَلشَّخْصِيَّةُ	مصالح شخصی
<i>High interests</i>	اَلْمَصَالِحُ اَلْإِسْلَامِيَّةُ اَلْعُلْيَا	مصالح عالیة اسلامی
<i>National interests</i>	اَلْمَصَالِحُ اَلْعُلْيَا لِلْبِلَادِ	مصالح عالیة کشوری
<i>Internal consumption</i>	اَلْمَصَالِحُ اَلْوَطَنِيَّةُ	مصالح ملی
<i>Daily consumption</i>	اَلْأَسْتِهْلَاكُ اَلْمَحَلِّيُّ	مصرف داخلی
<i>Domestic Consumption</i>	اَلْأَسْتِهْلَاكُ اَلْيَوْمِيُّ	مصرف روزانه
<i>Parliamentary immunity</i>	اَلْحَصَانَةُ اَلْبَرْلَمَانِيَّةُ	مصونیت پارلمانی
<i>Political immunity</i>	اَلْحَصَانَةُ اَلدَّجَلُومَاسِيَّةُ	مصونیت سیاسی
<i>Terrible catastrophe</i>	اَلْفَاجِعَةُ اَلرَّهِيْبَةُ	مصیبت وحشتناک

فارسی	العربی	English
مضمون‌های مکتبی و شرعی	المُضَامِينُ الْعَقَائِدِيَّةُ وَ التَّشْرِيعِيَّةُ	Religious subjects
مطابق قانون عمل کردن	الْعَمَلُ وَفْقَ الْقَانُونِ	To abide by a law
مطبوعات داخلی و خارجی	الْصُّحُفُ الدَّاخِلِيَّةُ وَالْخَارِجِيَّةُ	Domestic and foreign press
مظلوم	الْمُضْطَّهَدُ، الْمَظْلُومُ، الْجَوْرِيُّ	Oppressed
مظهر استقلال	رَمَزُ الْأَسْتِقْلَالِ	Symbol of independence
معاد	الْقِيَامَةُ، الْمَعَادُ	Resurrection day
معارف اسلامی	الْمَعَارِفُ الْأِسْلَامِيَّةُ	Islamic disciplines
معاصی کبیره	الْمَعَاصِي الْكَبِيرَةُ	Great sins
معاف کردن از مالیات	الْأَعْفَاءُ عَنِ الضَّرَائِبِ	To exempt from paying taxes
معاملات تجاری	الْصَّفَقَاتُ التِّجَارِيَّةُ، الْمُعَامَلَاتُ التِّجَارِيَّةُ	Commercial transactions
معاملات خارجی	الْمُعَامَلَاتُ الْأَجْنِبِيَّةُ	Foreign transactions
معامله اسلحه	مُعَامَلَةُ السَّلَاحِ	Arms deal
معامله پایاپای	السَّلْعُ الْمُتَبَادَلَةُ	Barter trade
معامله مواد مخدر	صَفَقَةُ الْمَخْدَرَاتِ	Drug deal
معاون فرمانده	مُعَاوِنُ الْقَائِدِ	Deputy commander
معاهدات بین‌المللی	الْمُعَاهَدَاتُ الدَّوْلِيَّةُ	International treaties
معاهده کمپ‌دیوید	مُعَاهَدَةُ كَمْپِ دِيْفِيدِ	Comp David Accords
معاینه پزشکی	الْفَحْصُ الطَّبَّيُّ، الْكَشْفُ الطَّبَّيُّ	Medical examination
معتاد	الْمُدْمِنُ	Drug addict

فارسی	العربی	English
معجزه	الْمُعْجِزَةُ، الْأَعْجُوبَةُ	Miracle
معرفت انسان	مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ	Human knowledge
معلق کردن	الْتِّعْلِيقُ	To suspend from service
معلمین شایسته	الْمُعَلِّمُونَ الْأَلِافُونَ، الْمُعَلِّمُونَ الْجَدِيدُونَ	Qualified instructors
معلولین انقلاب	مَعْوَقُونَ الثَّوْرَةِ	Revolution's invalids
معیارهای اسلامی	الْمَوَازِينُ الْأِسْلَامِيَّةُ	Islamic criteria
معیارهای شیطانی	الْقِيَمُ الشَّيْطَانِيَّةُ	Satanic criteria
مغز الکترونیکی	الْعَقْلُ الْأَلِكْتَرُونِيُّ	Electronic brain
مفاهیم انقلاب	مَفَاهِيمُ الثَّوْرَةِ الْأِسْلَامِيَّةِ	Concepts of a rerolution
مفتی اعظم	الْمُفْتِي الْأَعْظَمُ	Grand mufti
مفسد فی الارض	الْمُفْسِدُ فِي الْأَرْضِ	Corrupt on earth
مفسر خارجی	الْمُنَقِّدُ الْأَجْنَبِيُّ، الْمُفَسِّرُ الْأَجْنَبِيُّ	Foreign commentator
مفسر سیاسی	الْمُعَلِّقُ السِّيَاسِيُّ، الْمُنَقِّدُ السِّيَاسِيُّ	Political commentator
متفکر بزرگ اسلامی	الْمُفَكِّرُ الْأِسْلَامِيُّ الْكَبِيرُ	Great Islamic thinker
مقاله های سانسور شده	الْمَقَالَاتُ الْمَفْحُوصَةُ	Censured articles
مقامات امنیتی	السُّلْطَاتُ الْأَمْنِيَّةُ	Security officials
مقامات بیگانه	السُّلْطَاتُ الْأَجْنَبِيَّةُ	Foreign visits
مقامات بین المللی	السُّلْطَاتُ الدَّوْلِيَّةُ	International authorities

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
مقامات تبعید شده	أَلْمَصَادِرُ أَلْمَنْفِيَّةُ، أَلْسُلْطَاتُ أَلْمَنْفِيَّةُ	Exiled authorities
مقامات دولتی	أَلْسُلْطَاتُ أَلْحُكُومِيَّةُ، أَلْمَسْؤُولُونَ فِي أَلْحُكُومَةِ	Government authorities
مقامات ذیصلاحیت	أَلْسُلْطَاتُ أَلْمَخْتَصَّةُ	Competent authorities
مقامات عالی رتبه	أَلْجِهَاتُ أَلْعَلِيَا	High-ranking authorities
مقامات قضایی	أَلْسُلْطَاتُ أَلْقَضَائِيَّةُ	Judicial authorities
مقامات مجاز	أَلْسُلْطَاتُ أَلْمُجَازَةِ	Authorized sources
مقامات محلی	أَلْسُلْطَاتُ أَلْأَهْلِيَّةُ	Local authorities
مقامات مربوط	أَلْجِهَاتُ أَلْمَخْتَصَّةُ	Related authorities
مقامات مسؤول	أَلْجِهَاتُ أَلْمَسْؤُولَةِ، أَلْمَصَادِرُ أَلْمَسْؤُولَةِ	Responsible authorities
مقامات مطلع	أَلْمَصَادِرُ أَلْعَلِيْمَةِ	Informed sources
مقام اجتماعی	أَلْمَنْزِلَةُ أَلْأَجْتِمَاعِيَّةُ	Social position
مقام سیاسی	أَلْمَنْزِلَةُ أَلْسِّيَاسِيَّةُ	Political position
مقام علمی	أَلْمَرْقَبَةُ أَلْعِلْمِيَّةُ	Scientific position
مقام الهی	أَلْمَرْقَبَةُ أَلْأَلْهِيَّةُ	Divine position
مقاومت حماسه انگیز	أَلْمُقَاوَمَةُ أَلْمُلْحِمِيَّةُ، أَلْمُقَاوَمَةُ أَلْحَمَاسِيَّةُ	Epic-creating resistance
مقاومت دلیرانه	أَلْمُقَاوَمَةُ أَلْبَاسِلَةِ	Brave resistance
مقاومت قهرمانانه	أَلْصُّمُودُ أَلْبُسْطُولِيُّ	Heroic resistance
مقاومت مسلحانه	أَلْمُقَاوَمَةُ بِأَلْأَسْلِحَةِ	Armed resistance

فارسی	العربی	English
مقاومت ملی	اَلْمُقَاوَمَةُ اَلشَّعْبِيَّةُ	National resistance
مقدسات اسلامی	اَلْمُقَدَّسَاتُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ، اَلْمَثَلُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic sanctities
مقدم السفراء	مَقْدَمُ اَلسُّفَرَاءِ	Doyen of ambassadors
مقررات منع عبور و مرور	قَرَارُ حَظْرِ اَلتَّجَوُّلِ	Curfew regulations
مقصد نامعلوم	مَقْصَدٌ مَجْهُولٌ	Unknown destination
مکتب شهادت	مَنْرِسَةُ اَلشَّهَادَةِ، مَكْتَبُ اَلشَّهَادَةِ	School of martyrdom
مکتبی	اَلْعَقَائِدِي	Ideological
مکیدن خون ملت محروم	اِمْتِصَاصُ دَمِ اَلشَّعْبِ اَلْمَحْرُومِ	Suck the blood of deprived nations
ملاقات جدا گانه	اَلْمُقَابَلَةُ بِادْفِصَالٍ، مُقَابَلَةُ عَلٰی اَنْفِرَادٍ	Separate visit
ملاقات خصوصی	اَلْمُقَابَلَةُ اَلْاِخْصَاةُ	Private visit
ملاقات در سطح بالا	اَلْمُقَابَلَةُ عَلٰی مُسْتَوٰی عَالٍ	High-level meeting
ملاقات دوستی	اَلْمُقَابَلَةُ اَلْوُدِّيَّةُ	Friendship visit
ملاقات های مخفی	اَلْمُقَابَلَاتُ اَلسَّرِيَّةُ	Secret meetings
ملت اصیل و شریف	اَلشَّعْبُ اَلْاَصِيْلُ	Noble nation
ملت انقلابی	اَلشَّعْبُ اَلنَّاشِئِرُ	Revolutionary nation
ملت بیپاخاسته	اَلشَّعْبُ اَلثَّوْرِي، اَلشَّعْبُ اَلنَّاهِضُ	Uprising nation
ملت برادر	اَلشَّعْبُ اَلشَّقِيْقُ	Brotherly nation

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
ملت بیدار	الشَّعْبُ الْوَاعِي ، الشَّعْبُ الْيَقِظُ ، الشَّعْبُ الصَّاحِي	<i>Awakened nation</i>
ملت زنده	الشَّعْبُ الْحَيُّ	<i>Living nation</i>
ملت شهادت طلب	الشَّعْبُ الَّهِ تَلَهَّفُ لِشَهَادَةِ	<i>Martyrdom-loving nation</i>
ملت فقیر	الشَّعْبُ الْفَقِيرُ	<i>Deprived nation</i>
ملت قهرمان	الشَّعْبُ الْبَسَطُ	<i>Heroic nation</i>
ملت مبارز	الشَّعْبُ الْمُنَاضِلُ	<i>Combatant nation</i>
ملت مصمم و استوار	الشَّعْبُ الصَّامِدُ	<i>Determined nation</i>
ملت مظلوم مبارز	الشَّعْبُ الْمَظْلُومُ الْمُعَافِحُ	<i>Oppressed nation</i>
ملت نجیب	الشَّعْبُ النَّبِيلُ	<i>Noble nation</i>
ملت واحد و متحد	الشَّعْبُ الْمُتَّحِدُ	<i>Unified nation</i>
ملت های دوستدار صلح	الشُّعُوبُ مُحِبَّةُ السَّلَامِ	<i>Peace-loving nations</i>
ملت های عقب افتاده	الشُّعُوبُ الَّتِي خَلَفَتْ	<i>Backward nations</i>
ملت های مستضعف	الْأُمَمُ الْمُسْتَضْعَفَةُ	<i>Deprived nations</i>
ملت های مظلوم	الْأُمَمُ الْمَظْلُومَةُ	<i>Oppressed nations</i>
ملت پیشرفته	الدُّوَلُ الْمُتَقَدِّمَةُ	<i>Advanced nations</i>
ملت در بند	الدُّوَلُ الْمُسْتَعْبَدَةُ	<i>Enslaved nations</i>
ملت در حال جنگ	الدُّوَلُ فِي الْحَرْبِ ، الْأُمَمُ فِي حَالِ الْأَقْتِتَالِ	<i>Warring nations</i>
ملت محروم	الشُّعُوبُ الْمُضْطَّهِدَةُ	<i>Impoverished nations</i>
ملی کردن بانک	تَأْمِيمُ الْبَنْكِ	<i>To nationalize Banks</i>
ملی کردن تجارت خارجی	تَأْمِيمُ التَّجَارَةِ الْخَارِجِيَّةِ	<i>To nationalize foreign trade</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ملی گرا	اَلْوَطَنِيَّةُ	Nationalist
ملی گرائی	اَلْقَوْمِيَّةُ	Nationalism
منابع آگاه	اَلْمَصَادِرُ اَلْخَبِيرَةُ	Informed sources
منابع ایدئولوژیکی	اَلْمَنَابِعُ اَلْاِيْدِيُولُوْجِيَّةُ	Ideological sources
منابع دیپلوماتیک	اَلْمَصَادِرُ اَلدِّبْلُوْمَاسِيَّةُ	Diplomatic sources
منابع رسمی و غیر رسمی	اَلْمَصَادِرُ اَلرَّسْمِيَّةُ وَ اَلْاَلرَّسْمِيَّةُ	Official and unofficial sources
منابع زیرزمینی	اَلثَّرَوَاتُ اَلْجَوْفِيَّةُ	Underground resources
منابع صنعتی	اَلثَّرَوَاتُ اَلصَّنَاعِيَّةُ	Industrial resources
منابع طبیعی	اَلثَّرَوَاتُ اَلطَّبِيعِيَّةُ	Natural resources
منابع غربی	اَلْمَصَادِرُ اَلْغَرَبِيَّةُ ، اَلْمَوَارِدُ اَلْغَرَبِيَّةُ	Western sources
منابع مادی	اَلثَّرَوَاتُ اَلْمَادِيَّةُ	Material sources
منابع موثق	اَلْمَصَادِرُ اَلْمَوْثُوْقُ فِيْهَا ، اَلْمَصَادِرُ اَلْمَوْثُوْقَةُ	Reliable sources
منابع نظامی	اَلْمَصَادِرُ اَلْعَسَكِرِيَّةُ	Military sources
منابع نیروی انسانی	كِرَوَاتُ اَلطَّاقَةِ اَلْبَشَرِيَّةِ ، مَصَادِرُ (مَوَارِدُ) اَلطَّاقَةِ اَلْبَشَرِيَّةِ	Manpower resources
منازعات سیاسی	اَلْمُشَاحَنَاتُ اَلسِّيَاسِيَّةُ ، اَلصَّرَاعُ اَلسِّيَاسِيُّ	Political disputes
مناطق آزادشده	اَلْمَنَاطِقُ اَلْمُحَرَّرَةُ	Liberated territories

فارسی	العربی	English
مناطق آشوب زده	الْمَنَاطِقُ الْمُهْلَقَةُ، الْمَنَاطِقُ الْمُنْرَعَجَةُ	Troubled areas
مناطق آلوده	الْمَنَاطِقُ الْمَرْبُوعَةُ أَوِ الْمُلَوَّنَةُ	Polluted areas
مناطق استراتژی	الْمَنَاطِقُ الْأَسْتِرَاطِيَّةُ	Strategic areas
مناطق پر جمعیت	الْمَنَاطِقُ الْمَزْدَحْمَةُ بِالسَّكَّانِ	Over-populated areas
مناطق جنگی	الْمَنَاطِقُ الْحَرْبِيَّةُ	War zones
مناطق دور افتاده	الْأَصْفَاحُ الْبُيِّنِيَّةُ	Remote areas
مناطق زلزله زده	الْمَنَاطِقُ الْمُنْكَوَّبَةُ بِالزَّلَازِلِ	Earth-quake stricken areas
مناطق ساحلی	الْمَنَاطِقُ السَّاحِلِيَّةُ	Littoral areas
مناطق سردسیر	الْمَنَاطِقُ الْبَارِدَةُ	Cold regions
مناطق شهری	الْمَنَاطِقُ الْمَدَنِيَّةُ	Urban areas
مناطق محروم	الْمَنَاطِقُ الْمَحْرُومَةُ	Deprived regions
مناطق بمباران شده	الْمَنَاطِقُ الْمَقْصُوفَةُ	Bombarded areas
مناطق صنعتی	الْمَنَاطِقُ الصَّنَاعِيَّةُ	Industrial areas
مناطق عرب نشین	الْمَنَاطِقُ الْعَرَبِيَّةُ	Arab-inhabited areas
مناطق غیر نظامی	الْأَحْيَاءُ غَيْرُ الْعَسْكَرِيَّةِ	Civilian areas
مناطق مرزی	الْمَنَاطِقُ الْحُدُودِيَّةُ	Border areas
مناطق مرکزی	الْمَنَاطِقُ الْمَرْكَزِيَّةُ	Central areas
مناطق مسکونی	الْأَحْيَاءُ السَّكْنِيَّةُ	Residential areas
مناطق ممنوعه	الْمَنَاطِقُ الْمَمْنُوعَةُ	Prohibited areas
مناطق نفتی	الْمَنَاطِقُ الْبَيْتْرُوِيَّةُ	Oil fields

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مناظره‌های ایدئولوژیکی	اَلْمُفَاوَضَاتُ اَلْاَيْدِيُولُوْجِيَّةِ	Ideological disputes
منافع حیاتی	اَلْمَصَالِحُ اَلْحَيَوِيَّةُ ، اَلْمَنَافِعُ اَلْحَيَاكِيَّةُ	Vital interests
منافع سرشار	اَلثَّرَوَاتُ اَلْحَسِيْمَةِ	Huge profits
منافع مشروع	اَلْمَنَافِعُ اَلشَّرْعِيَّةُ	Legitimate interests
منافی اخلاق	اَلْاَخْلَاقَةُ، اَلْمُجُونُ، اَلْخُرُوجُ عَلٰى اَلْاَخْلَاقِ	Unethical
منبع خبر	مَصَادِرُ اَلْاَخْبَارِ	Informant
منبع درآمد	مَوَارِدُ اَلدَّخْلِ	Revenue source
منتخب مردم	اَلْمُنْتَخَبُ مِنْ قِبَلِ الشَّعْبِ	Elected by people
منحرفین	اَلْمُنْحَرِفُونَ، اَلضَّالُّونَ	Deviators
منشاء قانونی	اَلْمَبْدَأُ اَلْقَانُونِيّ، اَلْأُصُولُ اَلشَّرْعِيَّةُ	Legal source
منشور سازمان ملل متحد	مِيْثَاقُ اَلْاُمَمِ اَلْمَتْحِدَةِ ، هَيْئَةُ اَلْاُمَمِ اَلْمَتْحِدَةِ	Charter of the United Nations
منشی مطبوعاتی	اَلسَّكْرَتِيْرُ اَلصَّحْفِيّ	Press secretary
منطقه آموزش	اَلْمِنْطَقَةُ اَلتَّعْلِيْمِيَّةُ	Educational zone
منطقه استراتژی	اَلْمِنْطَقَةُ اَلْاَسْتِرَاطِيَّةُ	Strategic zone
منطقه برخورد	مِنْطَقَةُ اَلْاَشْتِبَاكِ	Conflict area
منطقه بی طرف	اَلْمِنْطَقَةُ اَلْمُحَايَدَةُ، اَلْمِنْطَقَةُ اَلْمُحَرَّمَةُ، اَرْضُ اَلْحَرَامِ	Buffer zone
منطقه تجمع	مِنْطَقَةُ اَلْاَجْتِمَاعِ	Assembly area

فارسی	العربی	English
منطقه جنگ‌زده	الْمِنْطَقَةُ الْمُصَابَةُ بِالْحَرْبِ	War-stricken area
منطقه جنگی	الْمِنْطَقَةُ الْحَرْبِيَّةُ	War zone
منطقه خونین	السَّاحَةُ الدَّمَامِيَّةُ	Bloody area
منطقه صلح	مِنْطَقَةُ السَّلَامِ	Peace area
منطقه غیر نظامی	الْمِنْطَقَةُ الْمَجْرَدَةُ مِنَ السَّلَاحِ	Demilitarized area
منطقه قحطی‌زده	الْمِنْطَقَةُ الْمَجُوعَةُ	Famine - plagued area
منطقه مرزی	الْمِنْطَقَةُ الْحُدُودِيَّةُ	Border area
منطقه نفت‌خیز	الْمِنْطَقَةُ الْبِتْرُولِيَّةُ أَوِ النَّفْطِيَّةُ	Residential area
منظور اصلی	الْغَرَضُ الْأَصْلِيُّ، الْغَرَضُ الرَّكَيزِيُّ	Chief purpose
منع آزمایش‌های اتمی	حَظْرُ التَّجَارِبِ الذَّرِّيَّةِ	Atomic tests ban
منع عبور و مرور	مَنْعُ التَّجَوُّلِ	Curfew
منفصل شدن از خدمت	الْفَصْلُ عَنِ التَّوْظِيفَةِ	To be suspended from service
منفعت مادی	الْمَنْفَعَةُ الْمَادِّيَّةُ	Materialistic gain
منهدم کردن	التَّدْمِيرُ، التَّحْطِيطُ	To demolish
مواد خام و اولیه	الْمَوَادُّ الْخَامُ وَالْأَوَّلِيَّةُ	Raw materials
مواد ساختمانی	الْمُعَدَّاتُ الْبِنَائِيَّةُ	Construction materials
مواد غذایی	الْمَوَادُّ الْغِذَائِيَّةُ	Foodstuffs
مواد مخرب	الْمَوَادُّ الْمُدْمِرَةُ	Explosives
مواد مصرفی	الْمَوَادُّ الْأَسْتِهْلَاكِيَّةُ	Consumption materials
مواد منفجره	الْمَوَادُّ الْمُنْفَجِرَةُ	Explosive materials
موازنه منفی	التَّوَاظُنُ السَّلْبِيُّ	Negative balance
موازن اقتصادی	الْمَوَازِينُ الْأَقْتِصَادِيَّةُ	Economic criteria

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
موازين سياسى	اَلْمَوَازِينُ السِّيَاسِيَّةُ	Political Criteria
موازين نظامى	اَلْمَوَازِينُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military criteria
مواضع دشمن	مَوَاقِعُ اَلْعَدُوِّ	Enemy's positions
مواضع كليدى (مهم)	اَلْمَوَاقِفُ اَلْمِفْتَاحِيَّةُ	Key positions
مواضع نظامى	اَلْمَوَاقِفُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military positions
موافقت نامه فرهنگى	اَلْاَتِّفَاقِيَّةُ اَلتَّقَافِيَّةُ	Cultural agreement
موافق معيارهاى انقلاب	وَفَقُّ اَلْمَوَازِينِ اَلثَّوْرِيَّةِ	Compatible with Revolutionary Standards
موانع نظامى	اَلْمَعَارِضُ، اَلْحَوَاجِزُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military barriers
موج اعتصابات	مَوْجَةُ اَلْاَضْرَابَاتِ	Wave of strikes
موج ترور	مَوْجَةُ اَلرَّعْبِ وَاَلْاَرْهَابِ	Wave of terror
موج خوشحالى	مَوْجَةُ اَلسُّرُورِ وَاَلْفَرَحِ	Wave of happiness
موج مخالفت	اَلتَّيَّارُ اَلْخِلَافُ	Wave of opposition
موج وحشت	مَوْجَةُ اَلْاَرْهَابِ، مَوْجَةُ اَلصَّرَامَةِ	Wave of violence
موجوديت	اَلْكَيَانُ	Existence
موجوديت ملي	اَلْكَيَانُ اَلْوَطَنِيّ، اَلْوَجُودُ اَلْوَطَنِيّ، اَلْكَيَانُ اَلشَّعْبِيّ	National identity
مورد توجه قرار دادن	اَلْعِنَايَةُ، اَلْاَتِّعَانُ بِالْاَهْتِمَامِ	To take into consideration
مؤسسات بين المللى	اَلْمَوْسَّسَاتُ اَلدَّوْلِيَّةُ	International organizations
مؤسسات پژوهشى	اَلْمَعَاهِدُ اَلْبَحْثِيَّةُ	Research institutes
مؤسسات پليسى	اَلْمَوْسَّسَاتُ اَلْبُولِيسِيَّةُ	Police organizations

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
مؤسسات تحقیقات علمی و اختراعات	مُؤَسَّساتُ اَلْبَحْوثِ اَلْعِلْمِيَّةِ وَالْاِخْتِرَاعَاتِ	Organization for scientific investigations and inventions
مؤسسات عام المنفعه	اَلْجَمْعِيَّاتُ اَلْخَيْرِيَّةُ	Charitable organizations
مؤسسات فنی و حرفه ای	اَلْمَعَاهِدُ اَلْفَنِّيَّةُ وَ اَلْمِهْنِيَّةُ	Technical and professional institutes
مؤسسات مطالعات و تحقیقات اجتماعی	مَعَاهِدُ اَلدِّرَاسَاتِ وَ اَلْبَحْوثِ اَلْاجْتِمَاعِيَّةِ	Organization for social studies and investigations
موسسه بررسی و تحقیقات بازرگانی	مُؤَسَّسَةُ اَلدِّرَاسَاتِ وَ اَلتَّحْقِيقَاتِ اَلتِّجَارِيَّةِ	Research organization
موشک انداز	قَاصِدَةُ اَلصَّوَارِيخِ	Missile launcher
موشک زمین به زمین	اَلصَّارُوخُ مِنْ اَلْأَرْضِ اِلَى اَلْأَرْضِ ، صَارُوخُ اَرْضِ اَرْضِ	Surface-to-surface missile
موشک زمین به هوا	صَارُوخُ مِنْ اَلْأَرْضِ اِلَى اَلْجَوِّ	Ground - to - air missile
موشک های اتمی با برد متوسط	اَلصَّوَارِيخُ اَلنُّوَوِيَّةُ اَلْمَتَوَسِّطَةُ اَلْمَدَى	Middle-range atomic missiles
موشک های دارای برد متوسط	اَلصَّوَارِيخُ اَلْمَتَوَسِّطَةُ اَلْمَدَى	Middle-range missiles
موشک های دارای کلاهک اتمی	اَلصَّوَارِيخُ ذَاتُ اَلرُّؤُوسِ اَلنَّرِّيَّةِ، اَلصَّوَارِيخُ اَلْحَامِلَةُ لِلرُّؤُوسِ اَلنُّوَوِيَّةِ	Missiles with atomic warhead
موشک های ضد هوایی	اَلصَّوَارِيخُ اَلْمُضَادَّةُ لِلْجَوِّ	Anti-aircraft missiles
موشک هدایت شونده	اَلصَّارُوخُ اَلْمَوْجَّهَةُ	Guided missiles

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
موضع بی طرف	اَلْمَوْقِفُ اَلْحَيَادِي	Neutral stance
موضع توده ها	مَوْقِفُ اَلْجَمَاهِيَرِ	Stance of the masses
موضع سازش ناپذیر	اَلْمَوْقِفُ غَيْرُ مُسْتَقَرٍّ وَاضِحٍ	Uncompromising stance
موضع قاطع	اَلْمَوْقِفُ اَلثَّابِتُ، اَلْمَوْقِفُ اَلْقَاطِعُ	Resolute stance
موضوعات مربوطه	اَلْمَوَاضِيعُ اَلْمَرْبُوطَةُ	Related subjects
موضع های شایسته و سزاوار	اَلْمَوَاضِيعُ اَللَّائِقَةُ	Significant subjects
موفقیت آمیز	اَلْمُفْلِحُ، اَلنَّاجِحُ	Successful
موفقیت بی نظیر	اَلنَّجَاحُ اَلسَّاحِقُ	Remarkable achievement
موفقیت درخشان	اَلنَّجَاحُ اَلرَّائِعُ	Brilliant achievement
موفقیت عملیات نظامی	نَجَاحُ اَلْعَمَلِيَّاتِ اَلْعَسْكَرِيَّةِ	Success of military operations
موفقیت های صنعتی	اَلنَّجَاحَاتُ اَلصَّنَاعِيَّةُ	Industrial achievements
موفقیت های علمی	اَلنَّجَاحَاتُ اَلْعِلْمِيَّةُ	Scientific achievements
موفقیت های فنی	اَلنَّجَاحَاتُ اَلتِّهْنَسِيَّةُ	Technical achievements
موقعیت جغرافیایی	اَلْمَوْقِفُ اَلْجُغْرَافِيّ، اَلْمَوْقِعُ اَلْجُغْرَافِيّ	Geographical situation
موقعیت خطرناک و حساس	فِدَاحَةٌ اَلْمَوْقِفِ، خَطُورَةٌ اَلْمَوْقِفِ	Dangerous and sensitive situation
موقعیت عالی	اَلْمَوْقِفُ اَلْعَالِيّ، اَلْمَوْضِعُ اَلْمُتَقَدِّمُ	High status
موقعیت های قبل از انقلاب	اَلْمَوَاقِفُ قَبْلَ اَلثَّوْرَةِ	Post-revolutionary situations

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Believer</i>	الْمُؤْمِنُ	مؤمن
<i>Insurgent</i>	الْمُهَاجِمُ	مهاجم
<i>Foreign stooge</i>	الْعَمِيلُ الْأَجْنَبِيُّ	مهره بیگانه
<i>Guest house</i>	غُرْفَةُ الْأَسْتِقْبَالِ	مهمان سرا
<i>Consulting engineers</i>	الْمُهَنْدِسُونَ الْمُشَاوِرُونَ الْمُسْتَشَارُونَ	مهندسين مشاور
<i>International mediator</i>	الْوَسِيْطُ الدَّوْلِيُّ	میانجی بین المللی
<i>Mediator of peace talks</i>	الْمَبْعُوثُ لِمُحَادَثَاتِ السَّلَامِ	میانجی مذاکرات صلح
<i>Moderate</i>	الْمُعْتَدِلُ، أَوْ سَطُ	میانرو
<i>Battle-field</i>	سَاحَةُ الْقِتَالِ، سَاحَةُ الْمَعْرَكَةِ، سَاحَةُ الْحَرْبِ	میدان جنگ
<i>Diplomatic arena</i>	السَّاحَةُ الدِّبْلُومَاسِيَّةُ، السَّاحَةُ السِّيَاسِيَّةُ	میدان دیپلوماسی
<i>Social arena</i>	مَجَالُ الْحَيَاةِ الْأَجْتِمَاعِيَّةِ	میدان زندگی اجتماعی
<i>Political arena</i>	(مَجَالُ) سَاحَةُ الْحَيَاةِ السِّيَاسِيَّةِ	میدان زندگی سیاسی
<i>Field of operations</i>	سَاحَةُ الْعَمَلِيَّاتِ، قَوَاطِعُ الْعَمَلِيَّاتِ	میدان عملیات
<i>Battle field</i>	سَاحَةُ الْقِتَالِ، سَاحَةُ الْمَعْرَكَةِ	میدان مبارزه (نبرد)
<i>Revolutionary heritage</i>	الْتَرَاثُ الثَّوْرِيُّ	میراث انقلابی
<i>Cultural heritage</i>	الْتَرَاثُ الثَّقَافِيُّ	میراث فرهنگی
<i>Ancient heritage</i>	الْتَرَاثُ التَّارِيخِيُّ الْعَرِيقُ (الْتَلْدِيدُ)	میراث کهن

English	اَلْعَرَبِيَّةُ	فارسی
Unemployment rate	مَعْيَارُ الْبِدْطَانَةِ	میزان بیکاری
Death rate	مَعْدَلُ الْوَفَايَاتِ	میزان مرگ و میر
Mig(jet)	اَلطَّائِرَةُ اَلنَّفَاثَةُ (اَلْمِیَغُ، اَلْمِیَجُ)	میگ (جت)
To plant a mine	زَرَعَ اَلْاَلْغَامَ	مین گذاری کردن
Anti-tank mine	اَللَّغْمُ اَلْمُضَادُّ لِلدَّبَابَاتِ	مین ضد تانک
Anti-personnel mine	اَللَّغْمُ اَلْمُضَادُّ لِاَلْاَشْخَاصِ	مین ضد نفر
Fruit of life	ثَمَرَةُ الْحَيَاةِ	میوه زندگی
Patriot	اَلْوَطَنِيُّ (اَلْمُتَمَسِّكُ بِاَلرُّوحِ اَلْوَطَنِيَّةِ)	میهن پرست
Patriotism	مَحَبَّةُ اَلْوَطَنِ، اَلْوَطَنِيَّةُ، حُبُّ اَلْوَطَنِ	میهن پرستی

ن

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ناآرامی‌های داخلی	اَلْأَضْطِرَاجَاتُ اَلدَّاخِلِيَّةُ	<i>Internal dissensions</i>
ناآگاهانه	فَقْدَانُ اَلشَّعُورِ، عَن جَهْلِ، مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ	<i>Unconsciously</i>
نابسامانی	اِخْتِلَالُ اَلنِّظَامِ، اَلْفَسَادُ	<i>Disorganization</i>
نابود کردن انقلاب	ضَرْبُ اَلثَّوْرَةِ	<i>To disintegrate a revolution</i>
نابود کردن پایه‌های	تَحْطِیْمُ قَوَاعِدِ	<i>To annihilate the</i>
		<i>foundations of</i>
نابود کردن تأسیسات	تَدْمِیْمُ اَلْمُنْشَآتِ	<i>To destroy installations</i>
نابود کردن توطئه	سَحْقُ اَلْمُؤَامَرَةِ	<i>To foil a plot</i>
نابود کردن توطئه‌گران	اَلْقَضَاءُ عَلٰی اَلْمُتَمَرِّدِیْنَ	<i>To destroy plotters</i>
نابود کردن کشاورزی	اِهْلَاكُ اَلْحَرْثِ	<i>To destroy agriculture</i>
ناتوانی امکانات	عَجْزُ اَلْاَمْتِنَانَاتِ	<i>Inadequacy of supplies</i>
ناجی امت	مُنْقِذُ اَلْاُمَّةِ، مُنْجِی اَلْاُمَّةِ	<i>Savior of a nation</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
ناجی بشر	مُنْقِدُ الْبَشَرِيَّةِ أَوْ مُنْجِي الْبَشَرِيَّةِ	Emancipator of mankind
ناحیه پر جمعیت	اَلنَّاحِيَةُ اَلْمَعْتَزَّةُ بِالنَّفُوسِ	Over-populated area
ناحیه غیر نظامی	اَلْأَقْلِيمُ غَيْرُ اَلْعَسْكَرِيِّ	Demilitarized zone
ناحیه نظامی	اَلنَّاحِيَةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military zone
ناخود آگاه	مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ	Unconsciously
نادیده گرفتن	اَلْأَعْمَاضُ، اَلصَّفْحُ عَنْ	To ignore
نارضائی عموم	قَدَمَرُ اَلْعَامَّةِ	Public disgrantlement
نارنجك دستی	اَلْقَنْبُلَةُ اَلْيَدِيَّةُ	Hand grenade
ناسیونالیزم	اَلْقَوْمِيَّةُ	Nationalism
ناسیونالیست	اَلْقَوْمِيُّ	Nationalist
ناشناس	اَلْمَجْهُولُ	Unidentified
ناظران آگاه	اَلْمُرَاقِبُونَ اَلْمُطْلُونَ	Informed observers
ناظران سیاسی	اَلْمُرَاقِبُونَ اَلسِّيَاسِيِّونَ	Political observers
ناظرین المللی	اَلْمُرَاقِبُ اَلدَّوْلِيُّ	International observer
ناظر جلسه	مُرَاقِبُ الْجَلْسَةِ	Chairman of a meeting
ناظرین کنفرانس	اَلْمُرَاقِبُونَ فِي اَلْمُؤْتَمَرِ	Supervisors of a conference
نافر جام ماندن نقشه ها	فَشَلُّ اَلخَطِطِ	Failure of a plot
نامطلوب	غَيْرُ مَرْغُوبٍ فِيهِ	Undesirable
نام نویسی کردن	اَلتَّسْجِيلُ	To register
نامه سرگشاده	اَلرَّسَالَةُ اَلْمَفْتُوحَةُ	Open letter

فارسی	اَلْعَرَبِيّ	English
نامه‌های محرمانه	اَلْخِطَابَاتُ السَّرِيَّةُ، اَلرَّسَائِلُ السَّرِيَّةُ	Confidential letters
نان‌آور خانواده	رَبُّ اَلْاُسْرَةِ، اَلْمُعِيْلُ	Bread-winner of a family
ناو جنگی، رزمناو	اَلطَّرَادَةُ	Warship
ناوچه	اَلْبَارِجَةُ	Gun - boat
ناو سربازبری	اَلطَّرَادَةُ حَامِلَةُ اَلْجُنُودِ	
ناوشکن	اَلطَّرَادَةُ اَلْمُدْمِرَةُ	Torpedo-boat destroyer
ناوگان بازرگانی	اَلْاَسْطُولُ اَلتِّجَارِيُّ	Commercial vessel
ناوگان جنگی	اَلْاَسْطُولُ اَلْحَرْبِيُّ	Fleet
ناوگان هفتم	اَلْاَسْطُولُ اَلسَّابِعُ	Seventh fleet
ناو هواپیمابر	اَلسَّفِيْنَةُ حَامِلَةُ اَلطَّائِرَاتِ	Aircraft carrier warship
ناهم آهنگی	عَدَمُ اَلْمُجَارَاةِ	Disharmony
نایب السلطنه	اَلْوَصِيُّ عَنِ اَلْعَرْشِ	Regent
نایب امام	نَاضِبُ اَلْاِمَامِ	Ima.n.'s substitute
نایب رئیس	نَاضِبُ اَلرَّئِيسِ	Deputy
نایب رئیس مجلس	نَاضِبُ رَدِّيسِ اَلْمَجْلِسِ	Vice- speaker
نبرد خونین	اَلْقِتَالُ اَلْدَامِي	Bloody battle
نبرد شدید و سخت	اَلْقِتَالُ اَلْعَنِيفُ اَلْمَرْدِرُ	Fierce battle
نبرد قهرمانانه	اَلْمَعْرَكَةُ اَلْبَسْطُولِيَّةُ	Heroic fight
نبرد مردمی	اَلْحَرْبُ اَلشَّعْبِيَّةُ	Popular battle
نتایج جنگ خصمانه	نَتَائِجُ اَلْحَرْبِ اَلْعُدُوَانِيَّةِ	Consequenees of a war
نتایج شوم	اَلنَتَائِجُ اَلْمَشْوُومَةُ، اَلنَتَائِجُ اَلْمَنْحُوسَةُ	Grave consequences

فارسی	العَرَبِيّ	English
نتایج قابل تحسین	النتائج الرائعة	Remarkable results
نتایج ملاقات	نتائج اللقاء	Results of a visit
نتیجه قطعی	النتيجة الحتمية	Decisive result
نتیجه نهائی	النتيجة النهائية	Final result
نجات اسلام	إنقاذ الإسلام	Salvation of Islam
نجات جاسوسان	إنقاذ الجواسيس	Release of spies
نجات مجروحان	إنقاذ الجرحى	Rescue of the injured
نجات ملت	تخليص الشعب	Salvage of a nation
نجات ملت مستضعف	إنقاذ الشعوب المستضعفة	Salvage of a deprived nation
نخست وزیرى	رئاسة الوزراء	Prime minister's office
ندامتگاه	مؤسسة التأديب	Correctional institution
ندای آسمانی (غیبی)	النداء الغيبي	Celestial voice
نرخ آزاد	سعر السوق	Free rate
نرخ برای مصرف کننده	السعر للمستهلك	Price for consumers
نرخ بندی اجباری	التسعير الاكراهية	Compulsory fixing prices
نرخ رسمی	السعر الرسمي، المقرر	Official rate
نرخ سرسام آور	السعر المدهل	Soaring price
نزاع شخصی	النزاع الشخصي	Personal quarrel
نرخ های مقطوع	الأسعار المحدودة	Fixed prices
نرخ های مناسب و ارزان	الأسعار الزهيدة والمرضية	Suitable prices
نژادپرست	العنصري	Racis t

فارسی	العربی	English
نسبت معکوس	النَّسْبَةُ الْعَكْسِيَّةُ	<i>Inverse proportion</i>
نسل آینده ، نسل های آینده	الْجِيلُ الْقَادِمُ، الْأَجْيَالُ الْآخِيقَةُ، الْأَجْيَالُ الْمُقْبِلَةُ	<i>Future generation</i>
نسل جدید	الْجِيلُ الْجَدِيدُ، النَّشَأُ الْجَدِيدُ	<i>New generation</i>
نسل جوان	الْجِيلُ الشَّابُّ	<i>Young generation</i>
نسل کنونی	الْجِيلُ الْحَاضِرُ	<i>Present generation</i>
نسل گذشته	الْجِيلُ الْمَاضِي	<i>Past generation</i>
نسل مترقی	الْجِيلُ الصَّاعِدُ	<i>Progressive generation</i>
نشانه های پیروزی	عَلَامَةُ الْاُذْتِصَارِ	<i>Symbol of victory</i>
نشانه های رژیم گذشته	بَقَايَا النِّظَامِ الْبَائِدِ، أَكْرَاتِ النِّظَامِ الْمَاضِي	<i>Vestiges of the past regime</i>
نشانه های طاغوت	آخَارُ الطَّاغُوتِ	<i>Taghouti vestiges</i>
نشانه های فخر و بزرگی	عَلَامَةُ الْفَخْرِ وَالْاَعْتِزَالِ	<i>Symbol of pride</i>
نشر فرهنگ اسلامی	نَشْرُ الثَّقَافَةِ الْاِسْلَامِيَّةِ	<i>Expansion of Islamic culture</i>
نشریات سیاسی	النَّشْرِیَّاتُ السِّیَاسِیَّةُ	<i>Political publications</i>
نشریات اسلامی	النَّشْرِیَّاتُ الْاِسْلَامِیَّةُ	<i>Islamic publications</i>
نطق افتتاحیه	الْكَلِمَةُ الْاِفْتِتَاحِیَّةُ ، الْخِطَابُ الْاِفْتِتَاحِی	<i>Inaugural speech</i>
نشیب و فراز زندگی	تَقَلُّبَاتُ الْحَیَهِ	<i>Ups and downs of life</i>
نطق با حرارت	الْخِطَابُ الْحَارُّ	<i>Impassioned speech</i>
نطق تاریخی	الْخِطَابُ التَّارِیْخِیُّ	<i>Historic speech</i>
نطق قبل از دستور	بَيَانٌ قَبْلَ الْاِبْدَاءِ بِالْعَمَلِ	<i>Pre-agenda speech</i>

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نظارت بر کشتی های داخلی و خارجی	مُرَاقَبَةُ السُّفُنِ اَلدَّاخِلِيَّةِ وَ اَلْخَارِجِيَّةِ	Supervision of demestic and foreign ships
نظارت بین المللی	اَلرَّقَابَةُ اَلدَّوْلِيَّةُ	International supervision
نظام آموزشی	اَلنِّظَامُ اَلتَّشْقِيقِيُّ، اَلنِّظَامُ اَلتَّرْبَوِيُّ	Edncational system
نظام ارزشها	نِظَامُ اَلْقِيَمِ	System of values
نظام پوسیده	اَلنِّظَامُ اَلْعَفِنُ	Corrupt system
نظام تجاوز گر	اَلنِّظَامُ اَلْمُعْتَدِي	Aggressive system
نظام غاصب	اَلنِّظَامُ اَلْغَاصِبُ	Usurper regrme
نظام فاسد	اَلنِّظَامُ اَلْفَاسِدُ	Corrnpt regime
نظام فرهنگ اسلامی	نِظَامُ اَلثَّقَافَةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Islamic cultural system
نظام کمونیستی	اَلنِّظَامُ اَلشُّيُوعِيُّ	Communist system
نظام مارکسیستی	اَلنِّظَامُ اَلْمَارْكَسِيُّ	Marxist system
نظام متمرکز	اَلنِّظَامُ اَلْمُرَكَّزِيُّ	Centralised system
نظام نژادپرستانه	اَلنِّظَامُ اَلْعُنْصَرِيُّ	Racist regime
نظام های ارتجاعی	اَلْاَنْظِمَةُ اَلرَّجْعِيَّةُ	Reactionary regimes
نظام های طاغوتی	اَلْاَنْظِمَةُ اَلطَّاغُوتِيَّةُ	Taghouti systems
نظامی	اَلْعَسْكَرِيُّ، اَلْمُخْتَصُّ بِاَلْجَيْشِ، اَلْقُوَّةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military
نظرات اصلاحی	اَلْاَرَاءُ اَلْاَصْلَاحِيَّةُ	Reformist ideas
نظرات خوشبینانه	اَلْاَرَاءُ اَلْمُتَفَائِلَةُ	Optimistic ideas
نظریه اجرای قوانین	نَظَرِيَّةُ دَنْفِيْدِ اَلْقَوَانِيْنِ	Theory of law enforcement

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نظام اجتماعی	اَلنِّظَامُ اَلْاِجْتِمَاعِيُّ	Social system
نظم و انضباط	رِعَايَةُ اَلنِّظَامِ	Order and discipline
نعمت خدا	دِعْمَةُ اَللّٰهِ	God's grace
نغمه ناساز	لَحْنٌ غَيْرُ مَرْضِيٍّ	Unpleasant melody
نفت تصفیه شده	اَلْبِتْرُولُ اَلْمُصَفَّى	Refined oil
نفت خام	اَلْبِتْرُولُ غَيْرُ النِّقْيِ، اَلْبِتْرُولُ اَلْوَسِخُ، اَلنَّفْطُ اَلخَامُ	Crude oil
نفت خواران	مُخْتَبِطُو اَلْبِتْرُولِ	Oil grabbers
نفت سفید	اَلنَّفْطُ اَلْاَبْيَضُ	Kerosene
نفت کش ها	ذَوَاتُ اَلْبِتْرُولِ	Oil tankers
نفربرها	سِيَّارَاتُ دَقَلِ اَلْاَشْخَاصِ	Personnel carriers
نفس آخر را کشیدن	اَلتَّنَفُّسُ اَلْاٰخِرُ	To breathe one's last
نفوذ بیگانه	اَلنَّفُوذُ اَلْاِجْنَبِيُّ	Foreign influence
نفوذ مستقیم	اَلنَّفُوذُ اَلْمُبَاشِرُ	Direct influence
نقش اجتماعی	اَلدَّوْرُ اَلْاِجْتِمَاعِيُّ	Social role
نقشه اساسی	اَلدَّوْرُ اَلْاَسَاسِيُّ	Fundamental role
نقش استعماری	اَلْمَخْطُطُ اَلْاِسْتِعْمَارِيُّ	Imperialistic role
نقش اسلام	دَوْرُ اَلْاِسْلَامِ	Role of Islam
نقش بارز	اَلدَّوْرُ اَلْبَارِزُ	Prominent role
نقش حساس	اَلدَّوْرُ اَلْحَسَّاسُ، دَوْرٌ سَرِيعُ اَلتَّأْكِيْدِ	Sensitive role
نقش حقیقی	اَلدَّوْرُ اَلْحَقِيقِيُّ	Real role

English	العربی	فارسی
Vital role	الدَّورُ الْحَيَوِيُّ	نقش حیاتی
Role of the clergy	دَوْرُ رِجَالِ الدِّينِ	نقش روحانیت
Active role	الدَّورُ النَشِيطُ، الدَّورُ الْفَعَالُ	نقش فعال
Heroic role	الدَّورُ الْبَطُولِيُّ	نقش قهرمانانه
Direct role	الدَّورُ الْمُبَاشِرُ	نقش مستقیم
Effective role	الدَّورُ الْمُؤَثِّرُ	نقش مؤثر
Significant role	الدَّورُ الْهَامُّ	نقش مهم
Mediation role	دَوْرُ الْوَسِيطِ، دَوْرُ الْوَسَاطَةِ	نقش میانجیگری
Special Plot	الدَّورُ الْخَاصُّ	نقش ویژه
Imperialistic plot	الْخُطَّةُ الْأُسْتَعْمَارِيَّةُ	نقشه استعماری
Predicted plot	الْخُطَّةُ الْمُدْبَرَةُ	نقشه پیش بینی شده
Vicious plot	الْخُطَّةُ الْمَشْوُومَةُ	نقشه شوم
Organized plot	الْخُطَّةُ الْمُنَسَّقَةُ	نقشه منظم
Imperialistic plots	الْمُخَطَّطَاتُ الْأَمِيرِيَالِيَّةُ	نقشه های امپریالیسم
Satanic Plots	الْمُخَطَّطُ الْخَبِيثُ	نقشه های شیطانی
Contravention of laws	خَقْضُ الْقَوَادِينِ، الْأَعْتِدَاءُ عَلَى الْقَوَائِنِ	نقض قوانین
Breach of promise	خَقْضُ الْعَهْدِ، عَدَمُ الْإِيفَاءِ	نقض قول
To violate a cease - fire agreement	خَقْضُ قَرَارِ وَقْفِ إِطْلَاقِ النَّارِ	نقض مقررات آتش بس
Fulcrum	الْمُرَكَّبَةُ	نقطه اتكاء
Promising point	النَّقْطَةُ الْمَأْمُوءَةُ، النَّقْطَةُ الْمَرْجُوءَةُ	نقطه امیدبخش

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نقطه جهش	نُقْطَةُ اَلْاَدْبِاَلِاقِ	Starting - point
نقطه عطف	نُقْطَةُ اَلْعَطْفِ	Turning point
نقطه نظر	وَجْهَةُ اَلنَّظَرِ	View point
نقل قول	ذِكْرُ آيَةٍ اَوْ رَوَايَةٍ، اَلْاَقْتِبَاسُ	Quotation
نقل و انتقالات مرموز	اَلتَّنَقُّلَاتُ اَلْمُرْجَبَةِ (اَلْمَشْبُوهَةُ)	Secret transportations
نکات ضعف	نِقَاطُ اَلضَّعْفِ	Weak points
نکات قوت	نِقَاطُ اَلْقُوَّةِ	Strong points
نگاه‌های شره آمیز	اَلنَّظَرَاتُ اَلنَّسَبَةِ	Angry looks
نگاهی گذرا	اَلنَّظَرَةُ اَلْعَابِرَةُ	Passing glance
نگرانی فوق العاده	اَلْفَلَقُ اَلْبَالِغُ	Anxiety
نگرش خصمانه	وَجْهَةُ اَلنَّظَرِ اَلْعِدَائِيِّ، اَلْمَوْقِفُ اَلْعِدَائِيُّ (اَلْمُعَادِي)	Hostile attitude
نگرش سازش ناپذیر	وَجْهَةُ اَلنَّظَرِ بَعْدَ اَلْمُساوَمَةِ	Uncompromising attitude
نگرش سیاسی	وَجْهَةُ نَظَرِ اَلسِّيَاسِيِّ	Political attitude
نماز جماعت	صَلَاةُ اَلْجَمَاعَةِ، جُمْهُورُ اَلْمُصَلِّينَ فِي اَلْمَعْبَدِ لِلسَّلَاةِ	Congregational prayer
نماز جمعه	صَلَاةُ اَلْجُمُعَةِ	Friday prayer
نماز وحدت	صَلَاةُ اَلْوَحْدَةِ	Unity prayer
نماز وحدت آفرین	صَلَاةُ اَلْجُمُعَةِ اَلْمُوحِدَةِ	Unity - creating prayer
نمایش سیاسی جهانی	اَلْمَسْرَحُ اَلسِّيَاسِيُّ اَلْعَالَمِيُّ	Political show
نمایشگاه بین المللی	اَلْمَعْرَاضُ اَلدُّوْلِيُّ	International trade fair

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نمایش فیلمهای مخرب	عَرَضُ الْأَفْلَامِ الْمَغْرِضَةِ	Showing destructive films
نمایش فیلمهای مستند	عَرَضُ الْأَفْلَامِ الْوِدَائِقِيَّةِ	Showing documentary films
نمایش هوایی	اَلْاِسْتِعْرَاضُ الْجَوِّيُّ	
نمایندگان دولت‌ها	مُعْتَدِلُو الدَّوَلِ	Representatives of governments
نمایندگان سیاسی	رِجَالُ السَّلْكِ السِّيَاسِيِّ، اَلْمُمَثِّلُونَ اَلدَّجِلُّو مَاسِيُونَ	
نمایندگان محترم	اَلْمُنْدُوبُونَ اَلْمُحْتَرَمُونَ، اَلْمُمَثِّلُونَ اَلْمُحْتَرَمُونَ	Respectable Representatives
نمایندگان مجلس شورای اسلامی	نُؤَابِ مَجْلِسِ الشُّورَى اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Deputies of the Islamic consultative Assembly
نمایندهٔ اعزامی سازمان ملل متحد	مَبْعُوثُ اَلْاُمَمِ اَلْمُتَّحِدَةِ	Representative of the United Nations
نمایندهٔ پاپ	مُمَثِّلُ اَلْبَابَا	Pope's representative
نمایندهٔ پارلمان	عَضُو مَجْلِسِ اَلْاُمَّةِ	Parliamentary Deputy
نمایندهٔ دولت	مَبْعُوثُ اَلْحُكُومَةِ	Government's representative
نمایندهٔ صلیب سرخ بین‌المللی	مُمَثِّلُ الصَّلِيبِ اَلْاَحْمَرِ الدَّوَلِيِّ	Representative of the International Red Cross
نمایندهٔ فوق‌العاده	اَلْمُنْدُوبُ اَلْسَامِي	
نمایندهٔ قانونی	اَلْمُنْدُوبُ اَلشَّرْعِيُّ، اَلْمُمَثِّلُ اَلْقَانُونِيِّ	Legal representative
نمایندهٔ ویژه	اَلْمَبْعُوثُ الْاِخْصَاصُ	Special representative
نمودار فعالیت	مُنْحَنِي اَلنُّمُو	Curve of activities

فارسی	العربی	English
نمونه زنده	النَّمُودَجُ الْحَيُّ	Living example
نمونه فداکاری	الْمَثَلُ الْأَعْلَى لِلتَّضَاعِيَةِ	Example of devotion
نمونه کالا	عَيْنَةُ السِّلْعَةِ، دُمُودَجُ الْبَضَاعَةِ	Example of commodities
نمونه والا (بارز)	الْمَثَلُ الْأَعْلَى	Excellent example
نواحی فقیرنشین	الْأَحْيَاءُ الْفَقِيرَةُ	Slums
نواحی قحطی زده	النَّوَاحِي الْمَجُوعَةُ	Famine-plagued arcas
نواحی مسکونی	الْأَحْيَاءُ السَّكْنِيَّةُ	Residential arcas
نوار ضبط شده	الشَّرِيطُ الْمُسَجَّلُ	Recorded tape
نوار ضبط صوت	شَرِيطُ التَّسْجِيلِ	Magnetic tape
نوار مرزی	الشَّرِيطُ الْحُدُودِيُّ	Border line
نوار مبتدل	الشَّرِيطُ الْمُبْتَدِلُ	Vulgar musical tapes
نوامیس طبیعت	نَوَامِيسُ الطَّبِيعَةِ	Natural laws
نوشته های دیواری	الْتِمَادَاتُ الْجِدَارِيَّةُ	Graffiti
نوکر بیگانه	الْعَمِيلُ الْأَجْنَبِيُّ	Foreign agent
نهادهای انقلابی	الْمَعَاهِدُ الثَّوْرِيَّةُ، الْمُؤَسَّسَاتُ الثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary organs
نه شرقی نه غربی	لَا شَرْقِيَّةَ، لَا غَرْبِيَّةَ	Neither East nor West
نهضت آزادی	نَهْضَةُ الْحُرِّيَّةِ	Liberation movement
نهضت انقلابی	الْحَرَكَةُ الثَّوْرِيَّةُ	Revolutionary movement
نهضت پایداری	حَرَكَةُ الْمَقَاوِمَةِ	Resistance movement
نهضت تنباکو	حَرَكَةُ التَّبَاقِ	Tobacco movement

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نهضت جدائی طلب	اَلْحَرَكَةُ اَلْاَدْفِصَالِيَّةُ	<i>Dissident movement</i>
نهضت حسینی	اَلنَّهْضَةُ اَلْحُسَيْنِيَّةُ	
نهضت سوادآموزی	اَلْحَرَكَةُ اَلتَّعْلِيْمِيَّةُ	<i>Literacy movement</i>
نهضت ضد استبدادی	حَرَكَةُ ضِدَّ اَلْاَسْتِبْدَادِ	<i>Anti-despotic movement</i>
نهضت غیرمتعهدین	حَرَكَةُ غَيْرِ اَلْمُلْتَزِمِيْنَ	<i>Non-aligned movement</i>
نهضت کارگری	اَلْحَرَكَةُ اَلْعَمَالِيَّةُ	<i>Labor movement</i>
نهضت مشروطه	اَلْحَرَكَةُ اَلدِّسْتُوْرِيَّةُ	<i>Constitutional movement</i>
نهضت مقاومت ملی	نَهْضَةُ اَلْمَقَاوِمَةِ اَلْوَطَنِيَّةِ	<i>National resistance movement</i>
نهضت و جنبش ملی	اَلْاِنْتِقَاضَةُ اَلشَّعْبِيَّةُ	<i>National movement</i>
نهضت های مترقی	اَلْحَرَكَاتُ اَلرَّاقِيَّةُ	<i>Progressive movements</i>
نهی از منکر	اَللَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ	<i>Forbid the wrong</i>
نیاز مصرف کنندگان	حَاجَاتُ اَلْمُسْتَهْلِكِيْنَ	<i>Consumers ' needs</i>
نیازهای جنگ	حَاجَاتُ اَلْحَرْبِ	<i>Needs of a war</i>
نیازهای طبیعی انسان	اَلْحَاجَاتُ اَلْاَنْسَانِيَّةُ اَلطَّبِيعِيَّةُ	<i>Natural needs</i>
نیازهای مصرف داخلی	حَاجَاتُ اَلْاَسْتِهْلَاكِ اَلْمَحَلِّيِّ	<i>Needs for internal consumption</i>
نیازهای ویژه صنعتی	اَلْاَحْتِيَاجَاتُ اَلصَّنَاعِيَّةُ اَلْاَخَاصَّةُ	<i>Special needs</i>
نیت پاک	اَلنِّيَّةُ اَلْحَسَنَةُ	<i>Good intention</i>
نیت ناپاک	اَلنِّيَّةُ اَلسَّيِّئَةُ	<i>Evil Intention</i>
نیرنگ های سیاسی	اَلْاَحْيَالُ اَلسِّيَاسِيَّةُ	<i>Political intrigues</i>
نیروهای احتیاط	اَلْقُوَى اَلْاَحْتِيَاطِيَّةُ	<i>Reserve forces</i>

فارسی	العَرَبِيَّةُ	English
نیروهای استعماری	أَلْقُوَى الْأَسْتِعْمَارِيَّةُ	Imperialistic forces
نیروهای اشغالگر	قُوَاتُ الْأُحْتِلَالِ	Occupier forces
نیروهای اصیل انقلابی	أَلْقُوَاتُ الثَّوْرِيَّةِ النَّبِيلَةِ	True revolutionary forces
نیروهای انتظامی	قُوَاتُ فِرْقِ الْأَمْنِ	Disciplinary forces
نیروهای انسانی	أَلطَافَاتُ الْبَشَرِيَّةِ	Man powers
نیروهای بازدارنده	أَلْقُوَى أَلتِي قَصْدُ	Deterrent forces
نیروهای بزرگ	أَلْقُوَى الْكَبْرَى	Big powers
نیروهای بسیج	قُوَى أَلتَّعْبِيَّةِ	Mobilization forces
نیروهای بسیج ملی	قُوَى أَلتَّعْبِيَّةِ الْوَطَنِيَّةِ	National mobilization forces
نیروهای بیگانه	أَلْقُوَاتُ الْأَجْنِبِيَّةِ	Foreign powers
نیروهای پاسدار صلح	قُوَى حُمَاةِ السَّلَامِ	Peace-keeping forces
نیروهای پیاده	قُوَاتُ الْمَشَاةِ	Infantry forces
نیروهای توپخانه و زرهی	قُوَاتُ أَلْمِدْفَعِيَّةِ وَ الْقُوَاتُ أَلْمُدْرَعَةِ	Aitillery and armored forces
نیروهای چتر باز و هوا برد	قُوَاتُ أَلْمَظَلَّاتِ	Air-borne forces
نیروهای چپی	قُوَاتُ الْيَسَارِ	Left-wing forces
نیروهای چند ملیتی	أَلْقُوَاتُ ذَاتِ الْجَنَسِيَّاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ	Multi-national forces
نیروهای حفاظتی	أَلْقُوَى أَلتَّأَمِيْنِيَّةِ	Security forces
نیروهای داخلی	أَلْقُوَى أَلدَّخْلِيَّةِ	Internal forces
نیروهای دخالت سریع	أَلْقُوَاتُ أَلدَّخْلَةِ السَّرِيعَةِ	Rapid intervention forces
نیروهای زرهی	أَلْقُوَاتُ أَلْمُدْرَعَةِ	Armored forces
نیروهای زمینی	أَلْقُوَاتُ الْبَرِّيَّةِ	Land forces

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
نیروهای ژاندارمری	قُوَاتُ الدَّرَكِ	<i>Gendarmerie forces</i>
نیروهای شرك و كفر	قُوَى الشَّرِكِ وَالْكَفْرِ	<i>Infidel forces</i>
نیروهای شیطانی	اَلْقُوَى اَلْخَبِيْثَةُ	<i>Satanic forces</i>
نیروهای صهیونیسم	اَلْقُوَاتُ اَلصَّهْيُوْنِيَّةُ	<i>Zionist forces</i>
نیروهای ضد اسلامی	اَلْقُوَاتُ اَلْمُعَادِيَّةُ لِاِسْلَامٍ	<i>Anti-Islamic forces</i>
نیروهای ضربت	قُوَاتُ اَلْاَصْحَادِمِ	<i>Strike forces</i>
نیروهای ضربتی	اَلْقُوَاتُ اَلضَّارِبَةُ	<i>Crush forces</i>
نیروهای طاغوتی	اَلْقُوَى اَلطَّاغُوْتِيَّةُ	<i>Taghouti forces</i>
نیروهای ظفرمند	اَلْقُوَى اَلْمُنْتَصِرَةُ	<i>Vicorious forces</i>
نیروهای فاسد	اَلْقُوَى اَلْمُنْحَدَّةُ	<i>Corrupt forces</i>
نیروهای فعال (کارگری)	اَلْقُوَى اَلْعَامِلَةُ	<i>Active forces</i>
نیروهای گسترش سریع	قُوَاتُ اَلْاَنْتِشَارِ اَلسَّرِيعِ	<i>Rapid deployment forces</i>
نیروهای گمراه	اَلْقُوَى اَلضَّالَّةُ	<i>Misguided forces</i>
نیروهای لازم	اَلطَّاقَاتُ اَلضَّرُوْرِيَّةُ	<i>Required forces</i>
نیروهای مادی	اَلطَّاقَاتُ اَلْمَادِيَّةُ	<i>Material forces</i>
نیروهای مبارز	اَلْقُوَاتُ اَلْمُتَافِحَةُ	<i>Militant forces</i>
نیروهای متجاوز	اَلْقُوَاتُ اَلْمُعْتَدِيَّةُ	<i>Violating forces</i>
نیروهای متحدین	قُوَاتُ دَوْلِ الْمَحْوَرِ	<i>United forces</i>
نیروهای متخصص انسانی	اَلطَّاقَاتُ اَلْبَشَرِيَّةُ اَلْمُتَخَصَّصَةُ	<i>Skilled man powers</i>
نیروهای متفقین	قُوَاتُ اَلْحَلْفَاءِ	<i>Allied forces</i>
نیروهای محافظ صلح	اَلْقُوَاتُ لِحِفْظِ اَلْسَّلَامِ	<i>Peace-keeping forces</i>
نیروهای مخصوص	اَلْقُوَاتُ اَلْاَخْصَاةُ	<i>Special forces</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Popular forces</i>	أَلْقُوَاتُ الشَّعْبِيَّةُ، أَلْقُوَاتُ الْجَمَاهِيرِيَّةُ	نیروهای مردمی
<i>Mercenary forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْعَمِيلَةِ	نیروهای مزدور
<i>Armed forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْمُسَلَّحَةِ	نیروهای مسلح
<i>Spiritual forces</i>	أَلْطَاقَاتُ الْمَعْنَوِيَّةِ	نیروهای معنوی
<i>Ideological forces</i>	أَلْطَاقَاتُ الْعَقَائِدِيَّةِ	نیروهای مکتبی
<i>Organized forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْمُنَظَّمَةِ	نیروهای منسجم
<i>Motorized forces</i>	أَلْقُوَاتُ آلَاتِيَّةِ	نیروهای موتوریزه
<i>Exsisting forces</i>	أَلْطَاقَاتُ الْمَوْجُودَةِ	نیروهای موجود
<i>Invading forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْمُعْتَدِيَّةِ	نیروهای مهاجم
<i>Irregular forces</i>	أَلْقُوَاتُ غَيْرِ الْمُنَظَّمَةِ	نیروهای نامنظم
<i>Special forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْخَاصَّةِ	نیروهای ویژه
<i>Air - borne forces</i>	أَلْقُوَاتُ الْجَوِّيَّةِ الْخَاصَّةِ	نیروهای ویژه هوابرد
<i>Atomic power</i>	أَلْطَاقَةُ الذَّرِيَّةِ	نیروی اتم
<i>Manpower</i>	أَلْقُوَةُ الْإِنْسَانِيَّةِ، أَلْطَاقَةُ الْبَشَرِيَّةِ	نیروی انسانی
<i>Skilled manpower</i>	أَلْطَاقَاتُ الْخَادِقَةِ الْبَشَرِيَّةِ	نیروی انسانی ماهر
<i>Higher forces</i>	أَلْقُوَةُ الْمَرْجَحَةِ	نیروی برتر و بالاتر
<i>Resistance force</i>	قُوَّةُ الْمَقَاوِمَةِ	نیروی پایداری
<i>Police force</i>	قُوَّةُ الشَّرْطَةِ	نیروی پلیس
<i>Popular force</i>	أَلْقُوَةُ الْعَامِلَةِ	نیروی کارگری
<i>Spiritual force</i>	أَلْدَوْرِيَّةُ الْعَسْكَرِيَّةِ	نیروی گشتی

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Nuclear power</i>	الطاقة النووية	نیروی هسته‌ای
<i>Air force</i>	القوة الجوية	نیروی هوایی
<i>Well-known</i>	حسن السمعة	نیک‌نام
<i>Beneficient</i>	المحسنون	نیکوکاران
<i>Semi-gorernment</i>	الشبه الحكومي	نیمه دولتی
<i>Semi-official</i>	الشبه الرسمي	نیمه رسمی

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Immediate relatives</i>	الْأَقْرَبُ مِنَ الدَّرَجَةِ الْأُولَى	وابستگان بلا فصل
<i>Affiliates of the previous regime</i>	الْمُرْتَبِطُونَ بِالنِّسْطِ الْأَمْسِ	وابستگان رژیم سابق
<i>Economic dependence</i>	الْاِذْتِمَاءُ الْاِقْتِصَادِيُّ	وابستگی اقتصادی
<i>Attachment to superpowers</i>	الْاِذْتِمَاءُ إِلَى الدُّوَلِ الرَّاقِيَةِ	وابستگی به ابرقدرتها
<i>Commercial attache</i>	الْمُلْحَقُ التِّجَارِيُّ	وابسته بازرگانی
<i>Cultural attache</i>	الْمُلْحَقُ الثَّقَافِيُّ	وابسته فرهنگی
<i>Press attache</i>	الْمُلْحَقُ الصَّحَفِيُّ	وابسته مطبوعاتی
<i>Military attache</i>	الْمُلْحَقُ الْعَسْكَرِيُّ	وابسته نظامی
<i>Obligatory</i>	الْفَرِيضَةُ	واجب
<i>Obligations (duties)</i>	الْفَرَاذِصُ	واجبات
<i>Religious obligation</i>	الْوَجِبُ الشَّرْعِيُّ	واجب شرعی

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
واجد شرایط	صَالِحٌ لِلدَّخَالِ، دَوَقَرٌ لِدَيْهِ الشُّرُوطُ	Eligible
واحد چریکی	وَحْدَةُ الْمَغَاوِيرِ، وَحْدَةُ قُوَاتِ الصَّاعِقَةِ	Guerrilla unit
واحد زرهی	وَحْدَةُ الْمُدْرَعَاتِ	Armored unit
واحد مهندسی	كَيْبَةِ الْهِنْدَسَةِ	Engineering unit
واحدهای آموزشی	اَلْوَحَدَاتُ اَلتَّعْلِيمِيَّةُ	Educational unit
واحدهای اداری	اَلْوَحَدَاتُ اَلْاِدَارِيَّةُ	Government departments
واحدهای بسیج	وَحَدَاتُ اَلتَّعْيِيْنَةِ	Moblitzation units
واحدهای شناور	اَلْوَحَدَاتُ اَلْعَامِيَّةُ	Floating units
واحدهای صنعتی	اَلْوَحَدَاتُ اَلصَّنَاعِيَّةُ	Industrial units
واحدهای مسکونی	اَلْوَحَدَاتُ اَلسَّكْنِيَّةُ، اَلْوَحَدَاتُ اَلْاَسْكَانِيَّةُ	Housing units
واحدهای نظامی	اَلْوَحَدَاتُ اَلْعَسَكِيَّةُ	Military units
واحدهای نمونه	اَلْوَحَدَاتُ اَلرَّمْزِيَّةُ	Exemplary units
واحدهای هوا برد	وَحَدَاتُ قُوَاتِ اَلْمِظْلَاطِ، وَحَدَاتُ اَلْقُوَاتِ اَلْجَوِّيَّةِ	Air- borne units
وارد آوردن خسارات	إِلْحَاقُ اَلْخَسَائِرِ	To inflict damages
واردات کشاورزی	اَلْوَارِدَاتُ اَلزَّرَاعِيَّةُ	Agricultural imports
واردات و صادرات	اَلْمُسْتَوْرَدَاتُ وَ اَلصَّادِرَاتُ	Imports and exports
وارد کردن تلفات سنگین	إِذْزَالُ اَلْخَسَائِرِ اَلْجَسِيْمَةِ	To inflict casualties
وارد کردن کالا	إِسْتِيرادُ اَلْبَضَائِعِ	To import commodities

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
وارد کردن مواد غذایی	اِسْتَبْرَادُ اَلْمَوَادِّ اَلْعِذَائِيَّةِ	To import foodstuffs
واژده اجتماع	حُثَالَةُ اَلْمُجْتَمَعِ	Ostracized
واژگون کردن حقیقت	تَرْذِيفُ اَلْوَاقِعِ ، قَلْبُ اَلْوَاقِعِ ، تَرْذِيفُ اَلْحَقَائِقِ	To distort the truth
واژگون کننده	اَلْمُخَرَّبُ ، اَلْبَهَادِمُ	Subversive
واژگونی حتمی	اَلسَّقُوطُ اَلْاَكْبَدُ	Inevitable collapse
واسطه	اَلْوَسِيْطُ	Middle - man
واسطه های سیاسی	اَلْوَسَطَاءُ اَلسِّيَاسِيُّونَ	Political intermediaries
واسطه های غربی	اَلْمُحَلِّلُونَ اَلْغَرْبِيُّونَ	Western intermediaries
واسطه های نظامی	اَلْمُحَلِّلُونَ اَلْعَسْكَرِيُّونَ	Military intermediaries
واقعه تلخ (پیش آمدنا گوار)	اَلْوَاقِعُ اَلْمَرْدِرُ	Disasterous incident
واقعیت اجتماعی	اَلْوَاقِعُ اَلْاِجْتِمَاعِيُّ	Social reality
واکنش	رَدُّ اَلْفِعْلِ	Reaction
واکنش نشان دادن	اَلْقِيَامُ بِرَدِّ اَلْفِعْلِ	To react
واگذاری	اَلتَّفْوِضُ ، اَلتَّحْوِيلُ ، اَلتَّسْلِيْمُ	Delegation
وام بدون بهره	اَلْقَرْضُ بِدُونِ اَلنَّفَعِ	Free - interest loan
وام دادن به	اَلْاِقْرَاضُ ، مَنَحُ اَلْقُرُوضِ	To extend a loan
وام طویل المدت	اَلْقَرْضُ طَوِيلُ اَلْاَمَدِ	Long - term loan
وام کم بهره	قَلِيلُ اَلرَّبْحِ	Low-interest loan
وام کوتاه مدت	اَلْقُرُوضُ قَصِيْرَةُ اَلْاَجَلِ	Short-term loan
وام مسکن	مَنَحُ قُرُوضِ اَلسَّكَنِ	Housing loan

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
وام‌های خارجی	اَلْقُرُوضُ اَلْاَجْنَبِيَّةُ	Foreign Loans
وتو- وتو کردن	حَقُّ اَلنَّقْضِ (اَلْفَيْتُو)	To veto
و جب به و جب از خاک دفاع کردن	اَلدِّفَاعُ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ مِنَ اَلْاَرَاذِلِ	To defend inch-by inch of a land
وجدان بیدار	اَلضَّمِيرُ اَلْيَقِظُ، اَلضَّمَانُ اَلْحَيُّ اَلْوَاعِي	Awakened conscience
وجه تسمیه	سَبَبُ اَلتَّسْمِيَةِ	
وجهه ملی	اَلشَّعْبِيَّةُ	National popularity
وجه ضمان اقتصادی	اَلتَّامِينُ اَلْاَقْتِصَادِي	
وحدت توده‌ها	وَحْدَةُ اَلْجَمَاهِيرِ	Unity of the masses
وحدت جهان سوم	وَحْدَةُ اَلْعَالَمِ اَلثَّالِثِ	Unity of the third world
وحدت عقیده	وَحْدَةُ اَلْعَقِيدَةِ	Unity of idea
وحدت عمل	وَحْدَةُ اَلْعَمَلِ	Unity of purpose
وحدت فکری	اَلْوَحْدَةُ اَلْفِكْرِيَّةُ	Unity of idea
وحدت کامل و تمام عیار	اَلْوَحْدَةُ اَلشَّامِلَةُ اَلتَّامِلَةُ	Complete unity
وحدت کلمه	وَحْدَةُ اَلْكَلِمَةِ	Unity of word
وحدت مسلمین	وَحْدَةُ اَلْمُسْلِمِينَ	Unity of muslims
وحدت مقدس	اَلْوَحْدَةُ اَلْمُقَدَّسَةُ	Sacred Unity
وحدت ملت اسلامی	وَحْدَةُ اَلْاُمَّةِ اَلْاِسْلَامِيَّةِ	Unity of Islamic nations
وحدت ملی	اَلْوَحْدَةُ اَلْوَطَنِيَّةُ	National unity
وحدت نیروهای انسانی	وَحْدَةُ اَلطَّاقَاتِ اَلْبَشَرِيَّةِ	Unity of human forces
وحدت و هم‌بستگی	اَلْوَحْدَةُ وَ اَلتَّضَامُنُ	Solidarity

فارسی	العربی	English
وحشتناک	الْمُرْعِبُ، الْمُرَوِّعُ، الْمُخِيفُ	Terrible
وخامت اوضاع	فِدَا حَتَّهْ الْمَوْقِفِ، خَطُّورَةٌ الْمَوْقِفِ	Dangerous state of affairs
وخامت اوضاع اقتصادی	سُوءُ الْحَالَةِ الْأَقْتِصَادِيَّةِ، سُوءُ الْأَوَاضَاعِ الْأَقْتِصَادِيَّةِ	Dangerous economic situations
وخامت اوضاع سیاسی	قَدْهُورُ الْأَوَاضَاعِ السِّيَاسِيَّةِ، خَطُّورَةُ الْمَوْقِفِ السِّيَاسِيِّ	Dangerous political situations
وزارت ارشاد اسلامی	وِزَارَةُ الْأَرْشَادِ الْأِسْلَامِيِّ	Ministry of National Guidance
وزارتخانه	مَقَرُّ الْوِزَارَةِ	Ministry
وزراء کابینه	وُزَرَاءُ الْحُكُومَةِ	Cabinet ministers
وزیر ارشاد اسلامی	وَزِيرُ الْأَرْشَادِ الْأِسْلَامِيِّ	Minister of Istamic guidance
وزیر بدون وزارتخانه	وَزِيرٌ بِدَلَا وَزَارَةٍ	Minister without portfolio
وزیر مختار	الْوَزِيرُ الْمَفْوضُ	Plenipotentiary's
وزیر مختاری	الْمَفْوضِيَّةُ	Plenipotentiary's position
وزیر مشاور	وَزِيرُ الدَّوْلَةِ	
وسایل ارتباط جمعی	الْمُوَاصِلَاتُ الْعَامَّةُ	Mass media
وسایل پزشکی و دارویی	الْأَدْوِيَّةُ وَالْمُعَدَّاتُ الطَّبِيعِيَّةُ	Medical supplies
وسایل پیچیده جاسوسی	أَجْهَزَةُ التَّجَسُّسِ الْمُعَقَّدَةِ	Espionage Complicated Devices
وسایل جدید شکنجه	آلَاتُ التَّعْذِيبِ الْحَدِيثَةِ	Modern means of torture
وسایل حمل و نقل	وَسَائِلُ النَّقْلِ	Transportation means

فارسی	العربی	English
وسایل ساختگی	الْوَسَائِلُ الْمُصْطَنَعَةُ	Artificial means
وسایل یدکی	قِطْعُ الْغِیَارِ	Spare parts
وسعت دامنه جنایات	إِتْسَاعُ دِیَاقِ الْجَرَائِمِ	Extension of crimes
وضع اقتصادی	الْوَضْعُ الْاِقْتِصَادِیُّ	Economic situation
وضع بازار جهانی نفت	وَضْعُ سُوْقِ الْبَقْطِ الْعَالَمِیَّةِ	Situation of oil in the world market
وضع بد	الْحَالَةُ السَّیِّئَةُ	Grave situation
وضع بد اقتصادی	الْوَضْعُ الْاِقْتِصَادِیُّ السَّیِّئُ	Grave situation of economics
وضع بی سوادى	حَالَةُ الْأُمِّیَّةِ	Situation of illiteracy
وضع رقت بار	الظُّرُوفُ الْتَعَسُّةُ	Deplorable situation
وضع زندگی	حَالَةُ الْمَعِیْشَةِ	Living condition
وضع سیاسى	الْوَضْعُ السِّیَاسِیُّ	Political situation
وضع غم انگیز	الْوَضْعُ الْحَزِینُ	Tragic situation
وضع فجیع	الْصُّورَةُ الْبَشِیْعَةُ	Disastrous situation
وضع کار	ظُرُوفُ الْعَمَلِ	Working condition
وضع کنونی سیاسى	الْوَضْعُ السِّیَاسِیُّ الْحَالُ (الرَّاهِنُ)	Current political situation
وضع کنونی فرهنگ	الْوَضْعُ الثَّقَافِیُّ الْحَاضِرُ	Current situation of education
وضع مالیات	فَرْضُ الضَّرِیْمَةِ، جِبَايَةِ الضَّرَائِبِ	To levy taxes
وضع مزاجی	الْحَالَةُ الصَّحِّیَّةُ	Health condition

English	العَرَبِيَّة	فارسی
Miserable situation	الْحَالَةُ الْبَائِسَةُ	وضع نابسامان
Weather condition	حَالَةُ الْجَوِّ، حَالَةُ الْطَّقْسِ	وضع هوا
Emergency situation	الْمَوْقِفُ الْإِضْطِرَّارِيُّ	وضعیت اضطراری
Explosive situation	الْمَوْقِفُ الْمُتَعَارِضُ	وضعیت انفجار آمیز
Defensive situation	الْوَضْعُ الدِّفَاعِيُّ	وضعیت دفاعی
Intolerable situation	الْمَوْقِفُ الصَّعْبُ	وضعیت سخت
General situation	الْوَضْعُ الْعَامُّ	وضعیت کلی
Patriot	الْوَطَنِيُّ	وطن پرست
Administrative functions	الْوُظَايِفُ الْإِدَارِيَّةُ، الْمُهَيِّمَةُ الرَّسْمِيَّةُ	وظایف اداری
Obligation	الْمُهَيِّمَةُ، الْوَاجِبُ	وظیفه
Moral duty	الْمُهَيِّمَةُ الْأَخْلَاقِيَّةُ	وظیفه اخلاقی
Divine obligation	الْمُهَيِّمَةُ الْأَلَهِيَّةُ، الْوَاجِبُ الْإِلَهِيُّ	وظیفه الهی
Arduous duty	الْمُهَيِّمَةُ الْخَدِيعَةُ	وظیفه سخت و سنگین
Legal duty	الْمُهَيِّمَةُ الْقَانُونِيَّةُ	وظیفه قانونی
Sacred duty	الْمُهَيِّمَةُ الْمُقَدَّسَةُ، الْوَاجِبُ الْمُقَدَّسُ	وظیفه مقدس
To remain loyal	الْوَفَاءُ	وفادار ماندن
To affirm one's allegiance	الْأَعْرَابُ عَنِ الْوَفَاءِ	وفاداری خود را اظهار کردن
To adapt oneself to	الْأَدْسِجَامُ مَعَ جَوِّ الْعَمَلِ	وفق داشتن با محیط کار
Current events	الْوُقَايِعُ الْجَارِيَّةُ	وقایع جاری

English	العَرَبِيَّةُ	فارسی
<i>Passing one's time</i>	قَتَلَ الْوَقْتَ، قَتَلَ الْفَرَاغَ	وقت گذرانی
<i>Indefinite time</i>	إِلَى أَجَلٍ غَيْرِ مُسَمًّى	وقت نامعلوم
<i>Lawyer</i>	الْمُحَامِي	وکیل دادگستری
<i>Defense lawyer</i>	مُحَامِي الدِّفَاعِ	وکیل دفاع
<i>Islamic Government</i> (authority)	وَلَايَةُ الْفَقِيهِ	ولایت فقیه
<i>Ruins of a city</i>	أَنْقَاضُ الْمَدِينَةِ	ویرانه‌های شهر



فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
هتك حرمت كردن	اِنْخِصَابُ اَلْحُرُمَاتِ، اِنْخِصَابُ اَلْاَعْرَاضِ اَلظَّاهِرَةِ	<i>To dishonor</i>
هجرت	اَلْهَجْرَةُ، اَلْمُهَاجِرَةُ	<i>Immigration</i>
هجرت با هدف	اَلْهَجْرَةُ اِلِىَّ هَدَفٍ	<i>Immigration with an aim</i>
هجرت بی هدف	اَلْهَجْرَةُ غَيْرُ اِلِىَّ هَدَفٍ	<i>Immigration without an aim</i>
هجرت مبارك پیغمبر	اَلْهَجْرَةُ اَلنَّبَوِيَّةُ اَلْمُبَارَكَةُ	<i>Flight of Mohammed</i>
هجوم پی در پی	اَلْهَجَمَاتُ اَلْمُتَتَالِيَةُ	<i>Continuous assault</i>
هجوم غیر انسانی	اَلْهَجُومُ اِلَّا اِنْسَانِيٌّ	<i>In humane assault</i>
هجوم سخت	اَلْهَجَمَاتُ اَلْعَدِيْفَةُ	<i>Hard attack</i>
هجوم نیروهای انسانی	اَلْهَجُومُ اَلْقُوَاتِ اَلْعَسَكِيَّةِ	<i>Attack of military forces</i>
هجوم وحشیانه	اَلْهَجُومُ اَلْوَحْشِيُّ	<i>Savage attack</i>
هدف اساسی	اَلْهَدَفُ اَلْاَسَاسِيُّ	<i>Main objective</i>
هدف اقتصادی	اَلْهَدَفُ اَلْاَقْتِصَادِيُّ	<i>Economic target</i>

English	العَرَبِيّ	فارسی
<i>Revolutionary aim</i>	هَدَفُ الثَّوَرَةِ	هدف انقلاب
<i>Nefarious object</i>	اَلْهَدَفُ الشَّنِيعُ	هدف شوم
<i>To be hit by a bullet</i>	اَلْاَصَابَةُ بِالرَّصَاصِ	هدف گلوله قرار گرفتن
<i>Common objective</i>	اَلْهَدَفُ الْمَشْتَرَكُ	هدف مشترک
<i>Sacred objective</i>	اَلْهَدَفُ الْمَنْشُودُ	هدف مقدس
<i>Vicious aim</i>	اَلْهَدَفُ الْاَسْتِعْمَارِيّ الْخَبِيثُ	هدف ناپاک استعماری
<i>Obscure goal</i>	اَلْهَدَفُ الْمَجْهُولُ	هدف نامعلوم
<i>Main objectives</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلرَّكِيْبِيَّةُ	هدف های اصلی
<i>Progressive aims</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلسَّامِيَّةُ	هدف های پیشرفته
<i>Expansionist objectives</i>	اَلْمَقَاصِدُ اَلتَّوَسُّعِيَّةُ	هدف های توسعه طلبانه
<i>Hostile aims</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْعُدُوَانِيَّةُ	هدف های خصمانه
<i>Long-term aims</i>	اَلْاَهْدَافُ طَوِيلَةُ اَلْاَمَدِ	هدف های دراز مدت
<i>Hideous ends</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْقَبِيْحَةُ	هدف های زشت
<i>Satanic ends</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلسَّيَاسِيَّةُ	هدف های سیاسی
<i>Lofty objectives</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلشَّيْطَانِيَّةُ	هدف های شیطانی
<i>Political aims</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْعَلِيَا	هدف های عالی
<i>Civilian targets</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْمَدَنِيَّةُ	هدف های غیر نظامی
<i>Military targets</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	هدف های نظامی
<i>General aims</i>	اَلْاَهْدَافُ اَلْعَامَّةُ	هدف های همگانی
<i>Frightened</i>	اَلْخَوْفُ، اَلْمُضْطَرِبُ	هراسان
<i>Anarchy</i>	اَلْفَوْضَاءُ	هرج و مرج
<i>Economic chaos</i>	اَلْفَوْضَى اَلْاَقْتِصَادِيَّةُ	هرج و مرج اقتصادی

فارسی	العربی	English
هرج و مرج سیاسی	اَلْفَوْضَى السِّيَاسِيَّةُ	Political anarchy
هزاره	اَلْمِئْرَاجَانُ اَلْاَلْفِي	Millenium
هزیمت نظامی	اَلْهَزِيمَةُ اَلْعَسْكَرِيَّةُ	Military retreat
هزینه زندگی	تَكَاوُلُفُ اَلْحَيَاةِ، تَكْلِيفُ اَلْعِيْشَةِ	Cost of living
هزینه سفر	مَصَارِيفُ السَّفَرِ	Cost of a trip
هزینه های جنگ	تَكَاوُلُفُ اَلْحَرْبِ	War expenditures
هزینه های سالانه جاری	اَلنَّفَقَاتُ اَلْجَارِيَّةُ اَلسَّنَوِيَّةُ	Annual expenditures
هزینه های سرسام آور	اَلنَّفَقَاتُ اَلْجَسِيْمَةُ	Staggering expenditures
هشدار دادن	اَلتَّنْبِيْهُ، اَلتَّحْدِيْدُ، اَلْاَنْذَارُ	To warn
هفته وحدت	اُسْبُوعُ اَلْوَحْدَةِ	Unity week
هفته یادبود	اُسْبُوعُ اَلذِّكْرِ	Commemorative week
هلال احمر	اَلْهِلَالُ اَلْاَحْمَرُ	Red crescent
هلهله و فریاد دستجمعی	اَلْهَلْهَلَةُ وَ اَلْفِرْيَادُ اَلْجَمْعِيُّ	Uproar
هلیکوپتر	هَلِيْكَوْبِتْر	Helicopter
هم آهنگ کردن	اَلتَّنْسِيْقُ، اَلْمُسَايَرَةُ، اَلتَّجَاوُبُ، اَلْمُجَارَاةُ	To coordinate
هم آهنگ کردن طرحها	مُسَايَرَةُ اَلخَطِّطِ	To harmonize Plans
هم آهنگی دیپلوماسی	اَلتَّجَاوُبُ اَلسِّيَاسِيُّ	Diplomatic coordination
هماندم - بیدرنگ	عَلَى اَلْفَوْرِ	Instantaneously
همبستگی بین المللی	اَلتَّضَامُنُ اَلدَّوْلِيُّ	International solidarity

فارسی	العربی	English
همبستگی حرفه‌ای یا شغلی	التَّضَامُنُ الْمِهْنِيُّ	Professional solidarity
همبستگی کامل و تمام عیار	التَّلَاحُمُ التَّامُّ	Total solidarity
همبستگی ملتها	قِلَاحُمُ الشُّعُوبِ	Solidarity among nations
همبستگی ملی	التَّضَامُنُ الْوَطَنِيُّ	National solidarity
هم پیمانان، هم پیمان	الْحِلْفَاءُ، الْحَلِيفَةُ	Confederates
هم جوار	الْمُجَاوِرُ، الْمُجَانِبُ	Neighborly
هم دردی کردن	الْمُشَاطَرَةُ، الْمُؤَاسَاةُ	To sympathize
هم دست شدن	الْتِمَتُّ، الْأَتِّحَادُ	To conspire
همراه، ملازم	الْمُرَافِقُ	Companion
همراهی کردن	الْمُسَاعَدَةُ، الْمُرَافَقَةُ	To accompany
همزیستی مسالمت آمیز	الْتِّعَايُشُ السَّلْمِيُّ	Peaceful coexistence
همکار	الزَّمِيلُ	Colleague
همکاران نزدیک	الزُّمَلَاءُ الْمُقَرَّبُونَ	Close colleagues
همکاری بین‌المللی	الْتِّعَاوُنُ الدَّوْلِيُّ	International cooperation
همکاری بین کشورها	الْتِّعَاوُنُ بَيْنَ الدَّوَلِ	Cooperation among countries
همکاری دوجانبه	الْتِّعَاوُنُ الثَّنَائِي	Mutual cooperation
همکاریهای منطقه‌ای	الْتِّعَاوُنُ الْأَقْلِيمِيُّ	Regional cooperation
هم کیش	الْتَّرَفِيقُ، مِنْ دِينٍ وَاحِدٍ	Coreligionist
همگانی	الْعُمُومِيُّ	General
همگنان	الْأَقْرَابُ، الْأَقْرَانُ، الْأَشْبَاهُ	Fellow men

فارسی	اَلْعَرَبِيَّةُ	English
همگی بر یسمان خدا چنگ زدند	اَلْاَعْتِصَامُ بِحَبْلِ اَللّٰهِ جَمِيعًا	To cling to the rope of God
هم مساک	اَلرَّفِيقُ	Congenial
هم میهن	اَلْمُوَاطِنُ، اِبْنُ اَلْوَطَنِ	Compatriot
هم وطنان مبارز	اَلْمُوَاطِنُونَ اَلْمُنَاضِلُونَ	Militant- compatriots
همه پرسی - رفراندوم	اَلْاَسْتِفْتَاءُ اَلْعَامُّ	Referendum
همیاری سر نوشت ساز	اَلتَّعَاوُدُ اَلْمَصِيرِيُّ	Destiny-making cooperation
هنرمند ، هنرور	اَلْفَنَانُ	Artist
هنر های اسلامی	اَلْفَنُونُ اَلْاِسْلَامِيَّةُ	Islamic arts
هنر های معاصر	اَلْفَنُونُ اَلْمُعَاَصِرَةُ	Contemporary arts
هنگ پیاده	فَوْجُ اَلْمَشَاةِ	Regiment
هنگ زره پوش	فَوْجُ اَلدَّرُوعِ	Armored regiment
هنگ مخبرات	فَوْجُ اَلْاَشَارَةِ	
هوایما ربایی	خَطَفُ اَلطَّائِرَاتِ	Hijack
هوایمار با	مُخْتَطَفُ اَلطَّائِرَةِ	Hijacker
هوایماهای هشدار دهنده	طَائِرَاتُ اَلْاَنْذَارِ اَلْمُبْعَرِ	Awacs
هوایمای اکتشافی	اَلطَّائِرَةُ اَلْاَسْتَطْلَاعِيَّةُ	Surveillance plane
هوایمای باربری	اَلطَّائِرَةُ اَلشَّاحِنَةُ	Freight plane
هوایمای بمب افکن	قَاذِقَةُ اَلْقَنَابِلِ	Bomber
هوایمای شکاری	اَلطَّائِرَةُ اَلْقَتَّاصَةُ	Jet fighter
هوایمای شناسایی	اَلطَّائِرَةُ اَلْمُرَاقِبَةُ	Reconnaissance plane
هوایماهای پیچیده	اَلطَّائِرَاتُ اَلْمُعَقَّدَةُ	Complicated planes

فارسی	العَرَبِيَّة	English
هوایماهای جاسوسی پیشرفته	الطَائِرَاتُ التَّجَسُّسِيَّةُ الرَّاقِيَّةُ (آواکس)	<i>Air-borne warning and control system planes</i>
هوایماهای جنگی (هوایمای جنگی)	الطَائِرَاتُ الْمُقَاتِلَاتُ، (الطَائِرَةُ الْحَرْبِيَّةُ)	<i>War plane</i>
هوایماهای غول پیکر	الطَائِرَاتُ الْفَخْمَةُ	<i>Giant planes</i>
هوایماهای فانتوم	طَائِرَاتُ الْفانتومِ	<i>Phantom planes</i>
هو اخوان	الْأَنْصَارُ	<i>Supporters</i>
هوانیروز	قُوَاتُ الْأَبْرَارِ الْجَوِّيِّ	<i>Air-borne division of the ground forces</i>
هواهای نفسانی	الْأَهْوَاءُ النَّفْسِيَّةُ	<i>Carnal desires</i>
هوس بازی	التَّهَوُّسُ، الْهَوَايَةُ	<i>Sensuality</i>
هوشیاری مسلمانان	يَقَظَةُ الْمُسْلِمِينَ	<i>Muslims'awareness</i>
هوشیاری ملت	يَقَظَةُ الْأُمَّةِ	<i>National awareness</i>
هویت مکتبی	الْهَوِيَّةُ الْعَقَائِدِيَّةُ	<i>Ideological identity</i>
هیئت اسلامی	الْوَقْدُ الْأِسْلَامِيُّ	<i>Islamic mission</i>
هیئت اعزامی	الْوَقْدُ	<i>Delegation</i>
هیئت امناء	مَجْلِسُ الْأَمْنَاءِ	<i>Board of trustees</i>
هیئت بازرگانی و نظارت	هَيْئَةُ الرِّقَابَةِ	<i>Inspectorate</i>
هیئت بازرگانی اعزامی	الْبَيْعَةُ التِّجَارِيَّةُ	<i>Economic delegation</i>
هیئت تحریریه	الْبَيْئَةُ التَّحْرِيرِيَّةُ	<i>Editorial staff</i>
هیئت حسن نیت	بَيْعَةُ الصَّدَاقَةِ	<i>Good-will mission</i>
هیئت دولت	مَجْلِسُ الْوُزَرَاءِ	<i>Cabinet</i>

English	العَرَبِيُّ	فارسی
<i>Diplomatic corps</i>	أَلْوَقْدُ السِّيَاسِيُّ	هیئت دیپلماتیک
<i>Political corps</i>	أَلْبِعْثَةُ الدَّبْلُومَاسِيَّةُ	هیئت سیاسی
<i>Board of directors</i>	أَلِّلَجْنَةُ الْمُدِيرَةِ	هیئت مدیره
<i>Press association</i>	أَلْوَقْدُ الصَّحَفِيِّ	هیئت مطبوعاتی
<i>Jury</i>	هَيْئَةُ الْمُحْلَفِينَ	هیئت منصفه
<i>Host</i>	بِعْثَةُ الشَّرَفِ	هیئت مهماندار
<i>Writers' association</i>	جَمْعِيَّةُ التَّحْرِيرِ	هیئت نویسندگان
<i>International supervisory mission</i>	هَيْئَةُ الرِّقَابَةِ الدَّوْلِيَّةِ	هیئت نظارت بین المللی
<i>Council of ministers</i>	أَعْضَاءُ الْحُكُومَةِ	هیئت وزیران
<i>Delegation</i>	أَلْوَقْدُ	هیئت نمایندگی
<i>Religious minorities</i>	أَلْهَيْئَاتُ الْأَقْلِيَّةِ الدِّينِيَّةِ	هیئت های اقلیتهای مذهبی
<i>political missions</i>	أَلْهَيْئَاتُ السِّيَاسِيَّةِ	هیئت های سیاسی

ی

English	العربی	فارسی
<i>Victory or martyrdom</i>	إِمَّا الْفَتْحُ أَوْ الشَّهَادَةُ	یا پیروزی یا شهادت
<i>Remembrance</i>	التَّذْكَارُ	یادآوری
<i>Commemoration</i>	التَّذْكَرُ	یادبود
<i>War memorial</i>	ذِكْرَى الْحَرْبِ	یادبود جنگ
<i>Commemoration of martyrdom</i>	ذِكْرَى الْأَسْتِشْيَادِ	یادبود شهادت
<i>Commemoration of martyrs</i>	تَخْلِيدُ الشُّهَدَاءِ، ذِكْرَى الشُّهَدَاءِ	یادبود شهدا
<i>Protest note</i>	مَذْكِرَةُ الْأَحْتِجَاجِ	یادداشت اعتراضیه
<i>Good-will note</i>	مَذْكِرَةُ التَّفَاهُمِ	یادداشت تفاهم
<i>Daily notes</i>	مُفَكَّرَةُ يَوْمِيَّةَ	یادداشت روزانه
<i>Harsh note</i>	مَذْكِرَةُ شَهِيدِ اللَّهِ جَهَنَّمَ	یادداشت شدیدالحن
<i>Secret note</i>	الْكِتَابُ الْمَكْتُومُ	یادداشت محرمانه

English

العَرَبِيُّ



Foreign Prattlers	أَلَشَّرُّنَارُونَ الْأَجَانِبُ	یاوه سرایان خارجی
Internal prattlers	أَلَشَّرُّنَارُونَ الْمُحَلِّيُونَ	یاوه سرایان داخلی
Plundering	الْهَبُّ	یغماگری
Prattle	الْشَّرَّكَرَةُ	یاوه گویی
Prattles	الْأَرَاجِيفُ	یاوه گویی ها
Domestic units	الْوَحَدَاتُ الْمُحَلِّيَّةُ	یکان های داخلی
Fighting units	الْوَحَدَاتُ الْمُقَاتِلَةُ	یکان های رزمنده
Military units	الْوَحَدَاتُ الْعَسْكَرِيَّةُ	یکان های نظامی
Monotheist	الْمَوْحِدُ	یکتا پرست
Monotheism	الْتَّوْحِيدُ	یکتا پرستی
One-sided	مِنْ طَرَفٍ وَاحِدٍ	یک جانبه
One minute of silence	أَلْصَمْتُ لِدَقِيقَةٍ وَاحِدَةٍ	یک دقیقه سکوت
To standardize the oil price	تَوْحِيدُ أَسْعَارِ الْبَنْطِ	یکسان کردن قیمت نفت
To work in one shift	دَوَامُ الْعَمَلِ إِلَى نِهَايَةِ الْوَقْتِ	یک سره کردن کار
one moment of silence	أَلْصَمْتُ لِدَحِظَةٍ وَاحِدَةٍ	یک لحظه سکوت
One inch of a land	الشَّيْرُ الْوَاحِدُ مِنَ الْأَرْضِ	یک وجب خاک
Unrivalled	فَارِسُ الْحَلَبَةِ	یکه تاز میدان
Unique	الْوَحِيدُ	یگانه
Unique leader in a region	الْقَائِدُ الْوَاحِدُ فِي الْمِنْطَقَةِ	یگانه رهبر منطقه
To attack	الزَّحْفُ	یورش آوردن
Yoke of imperialism	يَظِيرُ الْأَسْتِعْمَارِ	یوغ استعمار
Yoke of slavery	يَظِيرُ الْأَسْتِعْبَادِ	یوغ بردگی